



Investigating the role of public relations in promoting social development in dynamic social environments of industrial companies

Akbar Safari¹, Mehrdad Mohammadian*², Samad Rasolzadeh Aghdam³
(Received date: 2023/08/23 - Accepted date: 2023/12/01)

Abstract:

The research is a hybrid type of research. The statistical population in the qualitative section is managers, experts and experts in the field of housing, and in the quantitative section, 71,913 citizens who have benefited from government schemes. MaxQDE, SPSS and Amos software were used in the research. The findings of the qualitative section showed that the causal conditions of successful policies include cost-effective management, location based on social equality and public benefit, urban improvement along with attracting civil participation, adaptation to the economic, social, political and climatic conditions of the region, compliance with scientific standards, the central category including creating Coordination with urban and rural development programs, paying attention to the culture, climate and economy of the regions, audience awareness, paying attention to cultural issues, building trust before implementation, the basis and context including optimal land management and emphasis on productivity, massification, technical improvement, creating a sense of belonging to There is a place. Intervening conditions include self-help and gradual construction, support of housing cooperatives, quality assurance system and building confidence. The strategies include controlling the supply and demand gap, paying attention to cultural symbols and social signs, paying attention to the culture, climate and economy of the regions, controlling the rental price and the consequences including market balance, reducing depreciation, improving rural housing improvement indicators, creating a sense of belonging to the place with architectural styles. The new thing is to leave things to the people in the implementation of the plan. The findings of the quantitative section showed that the direct effect of the government's development policies in the housing sector on promoting the components of identity, sense of belonging, security and participation among the vulnerable sections of Ardabil province is positive and significant.

Keywords: Housing policy, identity, sense of belonging, security, social participation.

¹ Sociology doctoral student, Islamic Azad University of Roudhen, Roudhen, Iran.
zohregazanfare@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University of Roudhen, Roudhen, Iran
(corresponding author): masi.reshad@yahoo.com

³ Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Rozita.sepehrnia@iau.ac.ir



سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن و نقش آن در ارتقای مؤلفه‌های هویت، حس تعلق، امنیت و مشارکت اجتماعی اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل

اکبر صفاری^۱، مهرداد محمدیان^{۲*}، صمد رسول زاده اقدام^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰)

چکیده:

پژوهش از نوع پژوهش‌های ترکیبی است. جامعه آماری در بخش کیفی، مدیران، کارشناسان و صاحب نظران حوزه مسکن و در کمی، ۷۱۹۱۳ نفر از شهروندان که از طرح‌های دولتی بهره‌مند شده‌اند، می‌باشند. از نرم افزارهای مکس کیو دی ای، اس پی اس اس و آموس در پژوهش استفاده گردید. یافته‌های بخش کیفی نشان داد که شرایط علی سیاست‌گذاری‌های موفق شامل مدیریت مقرون‌به‌صرفگی، مکان‌یابی با محوریت برابری اجتماعی و بهره‌مندی عمومی، بهسازی شهری همراه با جلب مشارکت مدنی، سازگاری با شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقلیمی منطقه، رعایت استانداردهای علمی مقوله محوری شامل ایجاد هماهنگی با برنامه‌های توسعه شهری و روستایی، توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق، مخاطب شناسی، توجه به مسائل فرهنگی، اعتمادسازی قبل از اجرا، بستر و زمینه شامل مدیریت بهینه اراضی و تأکید بر بهره‌وری، انبوه‌سازی، ارتقای فنی، ایجاد حس تعلق به مکان هست. شرایط مداخله‌گر شامل ساخت خودیار و تدریجی، حمایت از تعاونی مسکن، سیستم تضمین کیفیت و ایجاد اطمینان است. راهبردها شامل کنترل شکاف عرضه و تقاضا، توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی، توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق، کنترل قیمت اجاره و پیامدها شامل تعادل بازار، کاهش استهلاک، ارتقای شاخص‌های بهسازی مسکن روستایی، ایجاد حس تعلق به مکان با سبک‌های معماری نوین و واگذاری امور به مردم در اجرای طرح می‌باشد. یافته‌های بخش کمی نشان داد اثر مستقیم سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن بر ارتقای مؤلفه‌های هویت، حس تعلق، امنیت و مشارکت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مثبت و معنی‌دار است.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری مسکن، هویت، حس تعلق، امنیت، مشارکت اجتماعی.

Akbar_saffari@yahoo.com
Dr.mhm1350@gmail.com
s.rasoulzadeh@azaruniv.ac.ir

^۱- دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران
^۲- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران (نویسنده مسئول):
^۳- دانشیار گروه مطالعات خانواده، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران



مقدمه:

مسکن مناسب که امروزه در چارچوب شهروندی اجتماعی تعریف می‌شود و چنین حقی در قوانین اساسی ملل عالم و از جمله ایران، به رسمیت شناخته شده است. دولت‌ها مؤظف شده‌اند شرایط دستیابی خانواده‌ها به مسکن متعارف را فراهم آورند. لیکن علیرغم پذیرش این حق، معضل سرپناه به عنوان یکی از حادثترین و پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی، همچنان مطرح است. تأمین مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه از مهمترین مسائل و چالش‌ها برای رسیدن به توسعه پایدار محسوب می‌شود و یکی از حوزه‌های مهم در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی است.

از سویی بخش مسکن از بخش‌های پیشرو در توسعه می‌باشد و توجه به آن علاوه بر تأثیرات اقتصادی به لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز حائز اهمیت بوده و همچون موتور رشد و توسعه عمل می‌نماید و ارتباط تنگاتنگی با تمامی شاخص‌ها و ابعاد توسعه دارد. لذا برنامه ریزی در بخش مسکن یکی از الزامات مهم برای توسعه و بالاخص توسعه اجتماعی محسوب می‌شود و در این میان، سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته توسط دولت در حوزه تأمین مسکن برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه نیز می‌بایست به گونه‌ای باشد که منجر به ایجاد رفاه اجتماعی و حذف نابرابری‌ها در جامعه شود.

در اصل سی و یک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دسترسی به مسکن مناسب حق هر خانواده ایرانی محسوب شده است و در بندهای ۲۹ و ۴۲ تأمین حداقل سرپناه برای تمام شهروندان ایرانی در حوزه وظایف حاکمیت قرار داده شده است. این قوانین نشان دهنده توجه به حقوق اجتماعی ملت و وظیفه تأمین آن توسط دولت در چارچوب حق شهروندی است.

تاکنون روش‌های مختلف تأمین مسکن توسط دولت‌ها در جهان اعم از کنترل اجاره، مسکن یارانه‌ای و انتخابی، دیدگاه‌های هدف‌گرا، شامل برنامه‌های خانه‌سازی و غیره اجرا شده است که در اکثر موارد اقشار ضعیف جامعه مورد توجه بوده است. با توجه به اهمیت بخش مسکن در کشورها، تأثیر سیاست پولی بر عملکرد بازار مسکن مهمترین نگرانی سیاست‌گذاران را تشکیل می‌دهد و نیاز به سیاست‌گذاری و واکنش مناسب مالی ضروری می‌باشد.

پس از انقلاب اسلامی، تاکنون شش برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور تدوین شده است که در برنامه اول بیشتر شاخص‌های تراکم خانوار در واحد مسکونی و سرانه زیربنا مورد توجه بوده است، در این برنامه که پس از پایان جنگ تحمیلی تهیه گردیده بود، اولویت دادن به این مناطق بیشتر مد نظر بود ولی در این برنامه به ساماندهی اسکان غیررسمی و بافت‌های فرسوده و افزایش تراکم ساختمانی توجهی نگردیده بود. در برنامه ی توسعه دوم به ساماندهی بافت‌های فرسوده و مشکل دار، افزایش تراکم‌های ساختمانی، تکمیل بسیاری از طرح‌های آماده‌سازی و... توجه گردید و مهم‌ترین مشکل در این برنامه افزایش تهیه و ساخت مسکن به صورت انفرادی بود که راهکاری برای آن پیش بینی نگردیده بود. در برنامه سوم توسعه به گروه‌های کم درآمد در تهیه مسکن توجه خاصی شده بود و از شاخص‌های



بیشتری استفاده شده بود و از مشکلات برنامه عدم توجه کافی به ارتباط اهداف بخش دولتی و خصوصی بود. در برنامه چهارم، سیاست‌های بخش مسکن بیشتر در جهت ساماندهی بافت‌های فرسوده و تأمین مسکن کم درآمد (مسکن مهر) تدوین گردید و یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها در طول این برنامه تهیه طرح جامع مسکن کشور بود که حرکتی سازنده و مفید در راستای عدالت اجتماعی و تأمین مسکن خانوارهای کم درآمد بود. برنامه پنجم نیز در راستای قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن در برنامه چهارم و با تأکید بر الگوهای شهرسازی اسلامی-ایرانی، مسکن مهر و جوانان و ساماندهی بافت‌های فرسوده و اسکان غیر رسمی و توسعه پایدار تدوین شده است.

طی بیش از پنج دهه پیشینه برنامه ریزی در ایران، تأمین مسکن در برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب مورد توجه واقع شده است و به رغم تفاوت‌های عمده در شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، همواره تأمین مسکن اقشار کم درآمد جایگاه ویژه‌ای داشته است که این موضوع در برنامه چهارم توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۸-۱۳۸۳) با عنوان مسکن مهر نیز مد نظر قرار گرفته و جهت‌گیری تدوین برنامه‌های اجرایی و پیشنهاد ضوابط و مقررات قانونی نیز بر این مبنا استوار بوده است.

در برنامه ششم توسعه دولت مؤظف است به منظور کاهش آسیب‌پذیری سکونت‌گاه‌های روستایی (با هدف بهسازی و نوسازی مسکن روستایی) و همچنین تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد شهری (در شهرهای کوچک) منابع مالی و تسهیلات ارزان قیمت و زمین مورد نیاز را در قالب بودجه سنواتی در طول اجرای قانون برنامه تأمین و اقدامات لازم را به عمل آورد.

با توجه به اهمیت موضوع، در تحقیق حاضر با انتخاب استان اردبیل برای مطالعه، به بررسی سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای صورت گرفته در بخش مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه پرداخته خواهد شد. بر این اساس ضمن نگاهی به سیاست‌های توسعه‌ای مسکن و نیز تأمین مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه ریزی‌های دولت در بخش مسکن این اقشار مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت و همچنین اثرات این سیاست‌گذاری‌ها بر بخش مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه مورد بررسی واقع خواهد شد.

بنابراین در تحقیق حاضر ضمن نگاهی ژرف به سیاست‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه، به بررسی و ارزیابی سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای و برنامه ریزی‌های صورت گرفته توسط دولت در بخش مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه در استان اردبیل از نظرگاه جامعه شناختی پرداخته خواهد شد و نیز اثرات این سیاست‌گذاری‌ها بر بخش مسکن این اقشار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بر این اساس این سؤال مطرح می‌شود که آیا سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای صورت گرفته در بخش مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه مثبت و مطلوب بوده است و یا اینکه کژکارکرد بوده و معکوس عمل نموده است؟ همچنین اثرات این سیاست‌گذاری‌ها بر بخش مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه چگونه بوده است؟ بررسی و



پاسخ به این دو سؤال، مسأله بنیادین این تحقیق بوده و بر این مبنا هدف این تحقیق در راستای پاسخ به این سوال‌ها ساماندهی خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌ها در ساخت و کارکرد دولت در دوران مدرن را می‌توان نقش و جایگاه دولت در حوزه تدوین سیاست‌های اجتماعی دانست، تا جایی که برخی اندیشمندان، سیاست‌گذاری اجتماعی را مسئله محوری دولت مدرن می‌دانند و جریان‌ها، احزاب و ایدئولوژی‌های سیاسی را حول این محور دسته بندی می‌کنند (بابیو، ۱۳۸۴، بلیک مور، ۱۳۸۵).

با این حال هیچ یک از دولت‌ها در خصوص دستیابی به تأمین مسکن مناسب برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه و رفع معضل حاشیه‌نشینی و بد مسکنی چندان موفق نبوده‌اند و همچنان نابرابری در دستیابی به مسکن مناسب و آسیب‌های ناشی از آن یکی از مهم‌ترین مسائل و معضلات جامعه ایران است. با توجه به نقش اساسی دولت در تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌های اجتماعی خصوصاً در جوامع در حال توسعه مانند جامعه ایران که عموماً دولت کنشگر اصلی در کل فرایند سیاست‌گذاری است، این پژوهش بر آن است که سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در خصوص تأمین مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه را با رویکردی جامعه شناختی مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده و اثرات این سیاست‌گذاری‌ها بر بخش مسکن این اقشار را مورد بررسی قرار دهد.

هدف:

بررسی و ارزیابی سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن و نیز چگونگی تأثیر این سیاست‌گذاری‌ها در ارتقای مؤلفه‌های هویت، حس تعلق، امنیت و مشارکت اجتماعی اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات فنی و تخصصی:

سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن

عملکرد برنامه‌های توسعه هرچند که از فراز و نشیب‌های زیادی برخوردار بوده ولی نشان می‌دهد که وضعیت عمومی مسکن روندی رو به بهبود داشته و روند تغییرات شاخص‌های کلیدی بخش مسکن به خصوص تراکم خانوار در واحد مسکونی، این بهبود را به خوبی نشان می‌دهد از سوی دیگر به رغم تجارب قابل ملاحظه در زمینه برنامه ریزی، اتخاذ سیاست‌هایی که گاه در تقابل با یکدیگر و حتی با سیاست‌های کلان اقتصادی بودند موجب گردید که علاوه بر عدم استفاده بهینه از عوامل مؤثر در تولید مسکن، بخشی از متقاضیان که اقشار کم درآمد یا در واقع گروه هدف، سیاست‌های حمایتی دولت هستند از بهبود یاد شده بهره‌چندانی نبرند و توان آنها برای ورود به بازار مسکن به طور مستمر کاهش یابد. در یک طبقه بندی کلی می‌توان دهه ۱۳۶۰ را دهه‌ای دانست که رویکرد اصلی دولت عدالت جویانه بوده است، در برنامه اول



سیاستهای تقویت سمت عرضه در دستور کار قرار گرفت در برنامه دوم ساخت مدرن بازار با شعار کوچک سازی، انبوه‌سازی و تجمیع پس‌اندازها، در برنامه سوم توسعه رویکرد آزاد سازی بازار در برنامه چهارم از میان طرحهای اجرایی مختلف، طرح مسکن مهر مهمترین طرح و برنامه اجرایی دولت بود در کنار این پروژه سعی گردید که با تزریق منابع مالی مختلف نسبت به پی‌گیری سیاستهایی همچون توسعه صنعتی سازی اقدام گردد.

سیاست‌های اجرا شده در بخش مسکن را طی سالهای بررسی شده می‌توان به سه دوره کلی: ۱- از ابتدای انقلاب اسلامی تا پایان برنامه اول توسعه، ۲- سالهای برنامه دوم و سوم توسعه و ۳- از ابتدای سال ۸۴ تا کنون تقسیم بندی کرد (وزارت راه و شهرسازی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰).

مشارکت اجتماعی:

مشارکت اجتماعی به عنوان واقعیتهای اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان داشته، فرایندی است که با گذشت زمان دگرگون شده است. ایده مشارکت در مفهوم خود از مباحث مربوط به دموکراسی مایه می‌گیرد که خود دارای سابقه دیرینه‌ای است. در دوره جدید با توجه به نقشی که برای عاملیت انسانی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی قائل می‌شوند، مشارکت در اشکال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی روانی مورد توجه سیاستگذاران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است. یکی از مراکز که به عنوان بستر و زمینه‌ساز رفتار مشارکتی شناخته می‌شود، شهر و زندگی شهری است (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۶).

هویت:

هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فردو آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود. هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دخالت کند و آنها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین به‌طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۶).

حس تعلق:

مکان‌ها عناصر اصلی هویت بخشی به ساکنان خود می‌باشند، زیرا انسان با شناخت مکان، به شناخت از خود دست می‌یابد. محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل معانی و پیام‌هایی است که مردم بر اساس توقعات و انگیزه‌های خود آن را رمز گشایی می‌کنند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط در فرد به وجود می‌آید، حس مکان می‌باشد. حس مکان عامل مهمی در هماهنگی فرد با محیط بوده و در معنابخشی به مکان‌های پیرامون زندگی انسان نقش بسزایی ایفا می‌کند، بطوریکه فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌گردد. ازسوی دیگر با ارتقاء شاخص‌های ایجاد حس مکان،



حس تعلق به مکان که در سطح بالاتری قرار دارد، مطرح می‌شود. این حس یکی از معانی مهم در افزایش کیفیت محیط‌های انسانی بوده که در نهایت منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت می‌گردد. اهمیت حس تعلق به مکان منطبق بر مدل شکل‌گیری معنا در محیط (برآیند تعامل فرد، دیگران و محیط) از یک طرف وابسته به مشخصات و ویژگی‌های فردی شامل انگیزش‌ها، شایستگی و شناخت افراد نسبت به مکان بوده و از طرف دیگر ریشه در تعاملات اجتماعی و ارتباط فرد و دیگران در محیط دارد (یعقوبی، ۱۳۹۵).

امنیت:

امنیت حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است. امنیت در گفتمان سلبی بر نبود خطر و تهدیدات استوار است؛ ولی امنیت در گفتمان ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد. مفهوم‌های مرتبط با امنیت در فارسی کلاسیک با واژه‌های زنه‌ار و زینه‌اری ادا می‌شد (آشوری، ۱۳۸۷).

برنامه‌ها و قوانین مرتبط با مسکن گروه‌های کم درآمد طی برنامه اول تا چهارم توسعه

برنامه	سیاست	دیدگاه غالب حاکم بر برنامه	برنامه‌ها	قوانین مرتبط با مسکن کم درآمدها
برنامه اول (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲)	سیاست زمین حمایتی	بازسازی سرمایه‌های فیزیکی انسانی (تعدیل ساختاری)	-بکارگیری اراضی غیرتولیدی و موات برای استفاده مسکونی. -بکارگیری زیربنای حدود ۷۰-۱۱۰ متر مربع در مجموعه‌های مسکونی کارگری و کارمندی. -کمک‌های اعتباری به مسکن روستائیان، حمایت از تولیدکنندگان مسکن انبوه، کمک به تولید مسکن استیجاری و تعاونیها. -ایجاد مجموعه‌های مسکونی کارگری- کارمندی.	-قانون تهیه مسکن برای افراد کم درآمد.



<p>- ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین مسکن ارزان برای جوانان متأهل (بندی تبصره ۶۰) -قانون تشویق احداث و عرضه واحدهای مسکونی استیجاری و آیین نامه اجرایی آن.</p>	<p>-تعریف مسکن اجتماعی برای گروههای کم درآمد. -مسکن حمایتی برای گروههای میان درآمد. -مسکن آزاد برای گروههای درآمدی بالا.</p>	<p>تاکید بر رشد اقتصادی (الگوی کینزی)</p>	<p>سیاست مسکن حمایتی</p>	<p>برنامه دوم ۱۳۷۴ تا (۱۳۷۸)</p>
<p>-حمایت از متقاضیان مسکن در راستای تقویت توان مالی آنها و ساده سازی استفاده از تسهیلات بانکی برای خرید یا احداث مسکن (ماده ۱۳۹).</p>	<p>-حمایت از کوچکسازی و انبوه سازی. - تاکید بر سیاستهای پولی و تسهیل شرایط اعطای وام. -ایجاد بازار ثانویه رهن و امکان خرید و فروش اوراق رهن ثانویه در بازار سرمایه و مشارکت بخش مسکن در بازار بورس. -پلکانی کردن اقساط تسهیلات بانکی برای دریافت کنندگان وام و پرداخت تسهیلات بانکی تدریجی برای ساخت مرحله‌ای مسکن گروه‌های کم درآمد.</p>	<p>اصلاح ساختار اقتصادی مبتنی بر توسعه اقتصاد رقابتی (الگوی توسعه نئوکلاسیک با گرایش نظریه نهادگرایی)</p>	<p>سیاست مسکن حمایتی</p>	<p>برنامه سوم ۱۳۷۹ تا (۱۳۸۳)</p>
<p>-حمایت از ایجاد و بهره گیری از مشارکت تشکلهای، انجمن‌ها و گروههای خیر مسکن ساز برای اقشار آسیب پذیر (بند د ماده ۳۰). -دادن یارانه کارمزد تسهیلات مسکن به سازندگان بخشهای</p>	<p>-برنامه ایجاد تعادل در برخورداری از مسکن مناسب در بین گروهها و مناطق مختلف کشور. -تأمین مسکن جوانان و خانوارهای دارای سرپرست زن.</p>	<p>توسعه مبتنی بر دانایی، سرمایه اجتماعی، رشد سریع اقتصادی و جهانی شدن</p>	<p>بازنگری و اصلاح سیاستهای پیشین (زمین حمایتی و مسکن حمایتی (از طریق</p>	<p>برنامه چهارم ۱۳۸۴ تا (۱۳۸۸)</p>



واگذاری زمین به صورت اجاره بلند مدت (۹۹ ساله) برای اقشار کم درآمد	-ارتقاء فناوری ساخت، صنعتی کردن ساخت و ساز، استاندارد کردن مصالح ساختمانی.	(خصوصی، تعاونی و عمومی) واحدهای مسکونی ارزان قیمت و استیجاری (بند د ماده ۳۰). -آیین نامه اعطای تسهیلات خرید مسکن کوچک به کارگران و کارمندان کم درآمد. -آیین نامه نحوه پرداخت تسهیلات قرض الحسنه به مستاجران کم درآمد. -طرح مسکن مهر.
-------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

منبع: وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۹۵

برنامه‌ها و اهداف سیاستهای اجرایی برنامه‌های توسعه در بخش مسکن

دوره	اهداف سیاستها	برنامه‌ها
پنجم توسعه	- تأمین مسکن امن، سالم و در استطاعت مالی خانوارها با تأکید بر مسکن گروههای کم درآمد. - ارتقاء کمی و کیفی تولید و عرضه مسکن در مناطق شهری و روستایی. - تنظیم بازار مسکن از طریق ساماندهی و گسترش ابزارهای مالی و پولی و ارتقاء نظام اطلاعاتی در بخش مسکن. - کاهش نابرابری منطقی‌های در برخورداری از مسکن مناسب. - اختصاص حداقل ۵۰ درصد از منابع، اعتبارات و تسهیلات اعطایی برای بخش مسکن اعم از طرحهای مسکن مهر، مسکن جوانان و ... در محدوده بافت فرسوده شهری.	- بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری. - توزیع بهینه منابع یارانه‌ها به منظور حمایت از گروههای هدف. - توانمندسازی خانوارها در تأمین مسکن مناسب شهری و روستایی. - استفاده بهینه از بازارهای پولی و مالی در جهت تنظیم و تعادل بخشی بازار مسکن. - ارتقاء کیفی صنعت ساختمان. - افزایش تولید مسکن. - حمایت از اقشار کم درآمد زوجهای جوان.
ششم توسعه	- احیاء، بهسازی، نوسازی، مقاوم سازی و بازآفرینی سالانه حداقل دویست و هفتاد محله در قالب مطالعات	- ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن. - مقاوم سازی ساختمانها و اصلاح الگوی مصرف به



<p>ویژه مصرف انرژی در بخش ساختمان و مسکن. - احصاء مناطق ویژه نیازمند بهسازی و نوسازی در بافتهای فرسوده و دسته بندی طرحهای واقع در این مناطق. - ارتقای شرایط محیطی پایدار و فراگیر ساکنان مناطق حاشیه نشین و برخورداری آنها از مزایای شهرنشینی و پیشنگری و پیشگیری از ایجاد سکونت‌گاه‌های غیر مجاز.</p>	<p>مصوب ستاد ملی بازآفری شهری پایدار بر حسب گونه‌های مختلف (ناکارآمد، تاریخی، سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و حاشیه‌ای) و ارتقای دسترسی به خدمات و بهبود زیرساختها با رویکرد محله محور. - بهسازی و نوسازی سالانه حداقل دویست هزار واحد مسکونی روستایی با پرداخت تسهیلات ارزان قیمت با کارمزد پنج درصد. - تأمین منابع مالی و تسهیلات ارزان قیمت و زمین مورد نیاز برای کمک به ساخت و یا خرید سالانه حداقل صد و پنجاه هزار واحد مسکن اقشار کم درآمد در شهرها (با اولویت شهرهای زیر یکصد هزار نفر جمعیت). - تأمین منابع مورد نیاز مسکن مهر بدون تعهد احداث واحدهای جدید با تشخیص وزرات راه و شهرسازی. - الزام رعایت مقررات ملی ساختمان در پروانه‌های ساختمانی. - اجرای قانون برنامه استانداردسازی مصالح و روشهای مقاوم سازی ساختمان. - حمایت از اقدامات بخش غیر دولتی برای احیای بافتهای فرسوده و نامناسب روستایی. - اعمال سیاستهای حمایتی، حقوقی، تشویقی و اعطای تسهیلات یارانهای نسبت به احیا و بهسازی ده درصد از بافتهای فرسوده شهری. - برنامه ریزی برای مدیریت و توزیع متناسب فعالیت، جمعیت و مهاجرت در کشور و ممانعت از توسعه حاشیه‌نشینی با رویکرد تقویت. - مبادی مهاجرت، با ساماندهی مناطق حاشیه نشین و کاهش جمعیت آن به میزان سالانه ده درصد.</p>	
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--



	<p>-سامان بخشی مناطق حاشیه نشین و توانمندسازی ساکنان بافتها واقع در داخل محدودههای شهری با مشارکت آنها، در چارچوب سند ملی توانمند سازی و ساماندهی سکونت گاههای غیرمجاز و ایجاد شهرکهای اقماری برای اسکان جمعیت مهاجر.</p>	
--	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

منبع: قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

روش تحقیق:

این پژوهش از نوع پژوهش‌های ترکیبی است. و طرح تحقیق آمیخته اکتشافی است. پژوهش بر اساس شیوه‌های ترکیبی نوعی استراتژی پژوهشی یا روش شناسی برای گرد آوری، تحلیل و ترکیب داده‌های کمی و کیفی است که برای فهم مسائل پژوهشی در زمان انجام یک پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. در طرح‌های تحقیق آمیخته اکتشافی، پژوهشگر درصد زمينه يابی درباره ((موقعیت نا معین)) می‌باشد. برای این منظور ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی می‌پردازد. انجام این مرحله او را به توصیف جنبه‌های بی شماری از پدیده‌ها هدایت می‌کند. با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت بندی فرضیه (هایی) درباره بروز پدیده مورد مطالعه فراهم می‌گردد. پس از آن، در مرحله بعدی، پژوهشگر می‌تواند از طریق گرد آوری داده‌های کمی، فرضیه (ها) را مورد آزمون قرار دهد. در توالی گرد آوری داده‌ها ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گرد آوری می‌شود بالاخره، پژوهشگر بر مبنای یافته‌های حاصل از داده‌های کیفی، سعی بر آن دارد که داده‌های کمی را گرد آوری کند تا تعمیم پذیری یافته را میسر سازد. همان طور که از نام استراتژی پژوهشی شیوه‌های ترکیبی پیداست، این استراتژی در مورد پژوهش‌هایی صادق است که در آن پژوهشگر هم داده‌های کیفی و هم داده‌های کمی را گرد آوری می‌نماید.

داده‌های کیفی متشکل از اطلاعاتی است که بدون اتکا به ابزارهای از قبل تعیین شده، مانند پرسش نامه و با استفاده از ابزارهایی نظیر مشاهده ی بی ساختار، مصاحبه و شیوه کیفی، گرد آوری می‌شوند؛ در حالی که داده‌های کمی شامل اطلاعاتی است که در آن پژوهشگر پیشاپیش طیفی از پاسخ‌ها را تعیین و از پاسخ دهنده می‌خواهد که صرفاً پاسخ‌های مناسب را علامت زند. طرح پژوهشی در این پایان نامه، طرح شیوه ترکیبی اکتشافی است. این نوع طرح پژوهشی شامل دو مرحله می‌باشد، در مرحله اول داده‌های کیفی از روش مصاحبه گردآوری می‌شوند. سپس برای تعیین روابط داده‌های کیفی، از داده‌های کمی استفاده می‌شود، در واقع داده‌های کیفی، داده‌های کمی را می‌سازند.



تکنیک گردآوری داده‌ها در قسمت کیفی مصاحبه نیمه استاندارد و ابزار پرسشنامه با سؤالات نیمه ساختار یافته خواهد بود. دلیل استفاده از این روش، دریافتن مقولات و متغیرهای تأثیرگذار، نگاهی نو و جامع به مسئله و حتی الامکان مطالعه عمیق و جامع موضوع بر اساس نظرگاه مدیران، کارشناسان و صاحب نظران است.

جهت تحلیل اطلاعات، سه مرحله ی کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) انجام خواهد شد. در کدگذاری باز، طی فرآیند خرد کردن و مفهوم پردازی داده‌ها، مفاهیم مهم (زیر مقولات) به دست می‌آیند. در کدگذاری محوری زیر مقولات به یکدیگر پیوند داده می‌شوند تا اطلاعات در نظمی بالاتر دسته بندی شوند و مقولات محوری (اصلی) به دست آیند. سپس، پارادایم (مدل الگویی) تحقیق طراحی می‌شود، پارادایم متضمن سه دسته شرط (علی، مداخله گر و زمینه‌ای)، راهبردهای کنش/کنش متقابل و پیامدها است. اعتبار در بعد کیفی پژوهش حاضر، از طریق اعتبار نظری مورد تحلیل قرار می‌گیرد. اعتبار نظری به درجه‌ای اطلاق می‌شود که در آن تبیین نظری توسعه یافته از مطالعه تحقیقی با داده‌ها سازگاری دارد و بنابراین باور پذیر و قابل دفاع است. راهبردهای افزایش این نوع اعتبار ((کار میدانی گسترده و زاویه بندی نظری)) است.

ابزار گردآوری داده‌ها در قسمت کمی، پرسشنامه محقق ساخته است که اعتبار آن از طریق اعتبار صوری و پایایی با تکنیک آلفای کرونباخ تأیید می‌گردد.

جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی شامل مدیران، کارشناسان و صاحب نظران حوزه مسکن در استان اردبیل خواهد بود. که به صورت نمونه گیری هدفمند تا اشباع نظری صورت خواهد گرفت. حد نمونه برای پیش فرض ۱۲ نفر در نظر گرفته شده است.

جامعه آماری در بخش کمی شامل ۷۱۹۱۳ نفر می‌شود که بر اساس آمار بنیاد مسکن، اداره کل راه و شهر سازی و بانک مسکن، در استان اردبیل از مزایای طرحهای دولتی از قبیل مسکن مهر، بافت فرسوده شهری، روستایی و اقدام ملی و ... بهره مند شده‌اند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با ضریب خطای ۰/۰۵ و دقت ۰/۹۵ محاسبه و تعداد ۶۲۰ نفر سرپرست خانوار بصورت متناسب با حجم و بصورت خوشه‌ای گزینش می‌گردد. حجم نمونه متناسب با حجم به تفکیک به شرح ذیل می‌باشد:



احتساب حجم نمونه متناسب با حجم در شهرستانهای مختلف اردبیل

شهرستان	مناطق هدف	جامعه آماری	نمونه متناسب باحجم
اردبیل	محلات ابوطالب - مالباشی - ملا یوسف - ابراهیم آباد - خ ودحدت میر اشرف - راه کلخوران سید آباد - باغمیشه - نیار - مابین میدان ایثار تا پمپ بنزین - راه انزاب - به صورت پراکنده در محلات قدیمی و نیز حاشیه شهر و شهرک‌های واقع در پيله سحران، نیایش، شام اسبی و میر اشرف، خ دارو پخش و روستاهای تابع اردبیل	۳۹۷۲۸	۳۴۲
پارس آباد	پشت کارخانه پنبه - زیر کشتارگاه - ایثارگران - پشت بازار چه شهید تیمور پور - میرهاشم - جانبازان - محله شهی محله کود شیمیایی - شهرک مهر واقع در ۵ کیلومتری جاده اردبیل روبروی آغدام - به صورت پراکنده در محلات قدیمی و نیز حاشیه شهر و روستاهای تابع پارس آباد	۸۵۳۶	۷۴
گرمی	شهرک ولیعصر (عج) - به صورت پراکنده در محلات قدیمی و نیز حاشیه شهر و روستاهای تابع گرمی	۳۱۶۵	۲۷
پيله سوار	محله قریش لو یا همان محله شهید عباسقلی نژاد، پشت فرمانداری - کمربندی شهر - خ ۲۲ بهمن فرهنگیان - به صورت پراکنده در محلات قدیمی و نیز حاشیه شهر و روستاهای تابع پيله سوار	۳۱۳۰	۲۷
مشگین شهر	کهنه بازار - کوچه صاتیلو - خ مدرس - خ ذوالفقاری - خ اکبرلو تا سینما، خیابان آیت اله سعیدی روبروی بیمارستان ولیعصر، پشت ترمینال سه راهی پریخان - به صورت پراکنده در محلات قدیمی و نیز حاشیه شهر و روستاهای تابع مشکین شهر	۵۵۸۷	۴۸
کوثر	گیوی علیا - به صورت پراکنده در محلات قدیمی و نیز حاشیه شهر و روستاهای تابع کوثر	۱۴۳۵	۱۲
خلخال	محله اسلام آباد - محله نصیری - خیابان دستغیب - محله گونی - سی متری (باغ مرجایی) و شهرک دانش و بهشتی و شهرک صنعتی و جاده قدیم کوثر - به صورت پراکنده در محلات قدیمی و نیز حاشیه شهر و روستاهای تابع خلخال	۳۶۶۱	۳۲



۱۳	۱۴۳۷	خیابان امام روبروی دادگستری - به صورت پراکنده در محلات قدیمی و نیز حاشیه شهر و روستاهای تابع نیر	نیر
۲۶	۳۰۵۵	شهرک مهر نمین واقع در جاده اردبیل - به صورت پراکنده در محلات قدیمی و نیز حاشیه شهر و روستاهای تابع نمین	نمین
۱۹	۲۱۷۹	به صورت پراکنده در محلات قدیمی و نیز حاشیه شهر و روستاهای تابع سرعین	سرعین

روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها :

در بخش کیفی جهت تحلیل اطلاعات، سه مرحله ی کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) انجام شده است. در کدگذاری باز، طی فرآیند خرد کردن و مفهوم پردازی داده‌ها، مفاهیم مهم (زیر مقولات) به دست می‌آیند. در کدگذاری محوری زیر مقولات به یکدیگر پیوند داده می‌شوند تا اطلاعات در نظمی بالاتر دسته بندی شوند و مقولات محوری (اصلی) به دست آیند. سپس، پارادایم (مدل الگویی) تحقیق طراحی می‌شود، پارادایم متضمن سه دسته شرط (علی، مداخله گر و زمینه‌ای)، راهبردهای کنش/کنش متقابل و پیامدها است. شرایط، حوادث، وقایع و رخدادهایی است که به وقوع یا گسترش پدیده ی تحت مطالعه می‌انجامد (حریری، ۱۳۸۵: ۱۸).

مقولات مهم که براساس ابعاد شرایطی، تعاملی / فرایندی، و پیامدی دسته بندی شده‌اند، در یک خط داستان به یکدیگر مرتبط می‌شوند و به نگارش درمی آیند تا با استفاده از آن، در مرحله ی کدگذاری گزینشی، مقوله ی هسته‌ای استخراج شود.

در کدگذاری محوری، یک مقوله مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است قرار می‌دهد (به عنوان پدیده مرکزی) و سپس، دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهد. این مقوله‌های دیگر عبارت‌اند از: «شرایط علی»، «راهبردها»، «شرایط زمینه‌ای و مداخله گر» و «پیامدها». این مرحله شامل ترسیم یک نمودار است که «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود.

در مرحله کدگذاری محوری، توضیح و بیان منطقی مقوله‌ها امری حیاتی است. این کار از طریق خط داستان صورت می‌گیرد. خط داستان عبارت است از توضیح مفصل و جزء به جزء مقوله‌های عمده با ارجاع به یادداشت‌ها، خلاصه‌ها، استناد به نقل قول‌های افراد مورد مطالعه (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

در کدگذاری گزینشی بر اساس مدل مرحله قبل، گزاره‌ها یا توضیحاتی ارائه داده می‌شود که طبقات مدل را به یکدیگر مرتبط ساخته یا داستانی را شکل می‌دهد که طبقات مدل را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. در حالت پیشرفته پژوهشگر کار را با ارائه ماتریس وضعیت به پایان می‌برد (کرسول، ۱۳۹۱: ۸۸).



اما در بخش کمی، برای تحلیل داده‌های بدست آمده از نمونه‌ها هم از روش‌های آمار توصیفی و هم از روش‌های آمار استنباطی استفاده خواهد شد. برای بررسی مشخصات پاسخ دهندگان از آمار توصیفی و شاخص‌های آمار توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی (میانگین، مد و میانه) و شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار و واریانس) استفاده خواهد شد. برای آزمون فرضیات تحقیق، مدل معادلات ساختاری به کار گرفته خواهد شد.

یافته‌های کیفی:

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها براساس نمونه متن مصاحبه، کدگذاری باز و محوری در جدول نشان داده شده است. در این جدول کدگذاری باز که از نکات کلیدی مصاحبه‌ها به دست آمده و سپس کدگذاری محوری که از کدگذاری باز استخراج شده و درنهایت، کد انتخابی که از کدگذاری محوری تعیین شده است، نشان داده شده‌اند.

سومین مرحله کدگذاری در روش داده‌بنیاد، کدگذاری انتخابی است. این روش عبارت از فرایند انتخاب یک مقوله، برای مقوله مرکزی و مرتبط کردن تمام مقولات دیگر به آن مقوله مرکزی است. ایده اصلی آن، گسترش خط اصلی داستان است که همه چیز پیرامون آن شکل می‌گیرد. این باور وجود دارد که این مفهوم مرکزی همیشه وجود دارد. به‌طور خاص، کدگذاری انتخابی به روند انتخاب مقوله اصلی و مرکزی به‌طور منظم و ارتباط دادن با سایر مقوله‌ها، اعتباربخشیدن به روابط و پرکردن جاهای خالی با مقولات نیازمند اصلاح و گسترش بیشتر، می‌پردازد.

هدف نظریه داده‌بنیاد، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده، برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه طبقه‌ها به‌طور منظم به یکدیگر مربوط می‌شوند. کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست؛ این فرایند با نگارش خط داستان، مقوله‌ها را به هم متصل می‌کند؛ درواقع، کدگذاری انتخابی، مهم‌ترین مرحله نظریه‌پردازی است که پژوهشگر در آن، مقوله‌ها را با یکدیگر ارتباط می‌دهد و براساس این ارتباطات سعی می‌کند تصویر یا نظریه‌ای درباره موضوع خلق کند.

۱- شرایط علی:

شرایط علی مجموعه‌ای وقایع و شرایط است که بر مقوله محوری اثر می‌گذارند. شرایط علی ممکن است هر واقعه (مانند رفتاری خاص، چیزی که گفته شده یا کاری که کسی انجام داده است) و همچنین رویداد احتمالی باشد. شرایط علی در داده‌ها بیشتر با واژه‌هایی نظیر وقتی، در حالی که، از آنجا که، چون، به سبب و به علت بیان می‌شوند. حتی زمانی که چنین نشانه‌هایی وجود ندارند، پژوهشگر قادر است با توجه به خود پدیده و نگاه منظم به داده‌ها و بازبینی رویدادها و وقایعی که از نظر زمانی بر پدیده مدنظر مقدم‌اند، شرایط علی را بیابد.



جدول ۲- مراحل سه گانه کدگذاری داده‌ها (عوامل علی)

کد انتخابی	کد محوری	کد باز
مدیریت مقرون به صرفگی مسکن از طریق یارانه بخش عرضه و یارانه بخش تقاضا	تامین مسکن ارزان قیمت کاستن از شدت حاشیه‌نشینی	کاهش در قیمت نسبی مسکن برای سطح اولیه
	تامین مسکن امن و سالم، در استطاعت مالی خانوار بدون تبعیض برای همه	تغییر در قیمت نسبی مسکن و سایر محصولات که منجر به افزایش مصرف مسکن نسبت به دیگر کالاها می‌شود (اثر جانشینی)
		استانداردهای لازم برای به حداقل رساندن هزینه‌ی احداث توجه به حفظ سطح کیفیت در ساخت
		دروی از مناطق پر ترافیک و شلوغ دسترسی به مراکز آموزشی، فروشگاه‌ی و پلیس دروی از مناطق پر ترافیک و شلوغ
مکانیابی با محوریت برابری اجتماعی و بهره‌مندی عمومی	ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مسکن و برنامه‌های توسعه شهری و روستایی.	همسویی نظام‌مند یا سیستماتیک با برنامه‌های دیگر توسعه
	کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در برخوردی از مسکن مناسب و ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مسکن و سیاست‌ها و برنامه‌های آمایشی	در نظرگیری تمام گروه‌های ذینفع در برنامه و نه تدوین آن فقط برای گروهی خاص
	ایجاد ثبات اجتماعی	استفاده از نظر متخصصین بومی بکارگیری سیستم تضمین کیفیت و ایجاد اطمینان حمایت از تعاونی مسکن ارتباط مسکن با شهروندگرایی
		توانمندسازی اجتماعات ضعیف تامین خدمات همراه با بهبود سریع خدمات پایه‌ای مانند آب، شبکه راه و طراحی فضا برای زیرساخت‌های بیشتر و خدمات عمومی
بهبودی شهری همراه با جلب مشارکت مدنی	کیفیت مسکن، از نظر تأثیری که بر سلامتی، ایمنی و شرایط مناسب زیست محیطی می‌گذارد، اثر مستقیم و قابل ملاحظه‌ای بر رفاه مردم دارد.	تخصیص فضاهای قابل سکونت به نیازهای مسکونی و توجه به محدودیت منابع و استفاده از تئوری‌ها و تکنیک‌های ویژه با چهارچوب‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سر و کار دارد
	برنامه‌های ارتقاء سکونتگاه‌ها، تامین خدمات اولیه و زیرساخت‌های اجتماعی و کالبدی	
	سازگاری برنامه‌ریزی مسکن با شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقلیمی منطقه	
	فاکتور آرامش و آسایش	



رعایت استانداردهای علمی سازه‌های فیزیکی و ساختمانی	- مقاوم سازی ساختمان‌ها در برابر زلزله و اصلاح الگوی مصرف به ویژه انرژی و لزوم رعایت مقررات ملی ساختمان. استفاده از تکنولوژی روز در ساخت واحد	رعایت استانداردهای علمی سازه‌های فیزیکی و ساختمانی، بهبود کیفیت در ایجاد ساختمان‌های با دوام، بهبود شاخص‌های اصلی، ارتقاء نسبت سرانه موجود و هدایت تولید مسکن به زیربنای کمتر توأم با کیفیت بهتر
		ساخت فناوری‌های مسکن می‌تواند مساکن بادوام و با انرژی کافی تولید کند،

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرایط علیّ تحقق سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه مسکن اجتماعی شامل "مدیریت مقرون به صرفگی مسکن از طریق یارانه بخش عرضه و یارانه بخش تقاضا، مکانیابی با محوریت برابری اجتماعی و بهره مندی عمومی، بهسازی شهری همراه با جلب مشارکت مدنی، سازگاری برنامه‌ریزی مسکن با شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقلیمی منطقه، رعایت استانداردهای علمی سازه‌های فیزیکی و ساختمانی" می‌گردد.

۲. مقوله محوری:

مقوله محوری بیان‌کننده ایده یا پدیده اصلی است که اساس و محور فرایند است و همه مقوله‌های اصلی دیگر به آن ربط داده می‌شوند. این مقوله همان برجسب مفهومی یا عنوانی است که برای چارچوب طرح به وجود آمده است.

جدول ۳- مراحل سه‌گانه کدگذاری داده‌ها (مقوله محوری)

کد انتخابی	کد محوری	کد باز
ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مسکن و برنامه‌های توسعه شهری و روستایی.	پیش نیاز تشکیل خانواده ایجاد فرصت‌های شغلی ساخت‌وسازهای خودیار در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی	واحدها بدون هیچ گونه بررسی بر روی چگونگی گذران زندگی، فرهنگ و سنت‌های رایج فقرا ساخته می‌شدند لذا مورد قبول آنها واقع نمی‌شدند
	رضایتمندی سکونتی شامل رضایت از واحد مسکونی، محله و منطقه	تشویق بخش خصوصی - تعاونی و سازمان‌های مالی به تولید انبوه واحد مسکونی
	خانه‌های ارزان قیمت شکاف عرضه و تقاضا	



توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق	مهندسی اجتماعی با حمایت بخش عمومی و سازمان‌های غیر دولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان	توجه به توسعه پایدار با تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری با رویکرد اولویت توسعه درونی شهرها. تأکید بر بهره‌وری و استحصال زمین در بافت‌های فرسوده و نامناسب روستایی و احیاء بافت‌های فرسوده حداقل ۱۰ درصد در هر سال برنامه.
مخاطب شناسی دقیق و سنجیده توجه به مسائل فرهنگی اعتماد سازی قبل از اجرا	اولویت برای ارائه یارانه مسکن باید برای کمک به کسانی باشد که قادر به برآورده نمودن نیازهای مسکن خود نمی‌باشند واگذاری امور به مردم در اجرای طرح توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق مخاطب شناسی دقیق و سنجیده	ارتقاء کمی و کیفی تولید و عرضه مسکن، و تعادل بخشی به بازار مسکن. ارتقاء کیفیت زیست، بهبود شرایط سکونت همه جوامع، حفظ فرهنگ و هویت اسلامی و ملی. - تأکید بر قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن در برنامه چهارم. - تأکید و ترویج الگوهای معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مقولهٔ محوری سیاست‌گذاری‌های حوزهٔ مسکن اجتماعی شامل "ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مسکن و برنامه‌های توسعه شهری و روستایی، توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق، مخاطب شناسی دقیق و سنجیده، توجه به مسائل فرهنگی، اعتماد سازی قبل از اجرا" می‌گردد.

۳- بستر و زمینه :

بستر و زمینه مجموعه مشخص‌های ویژه‌ای است که به پدیدهٔ مدنظر دلالت می‌کنند؛ یعنی محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده؛ بستر نشان‌دهندهٔ مجموعه شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش و واکنش صورت می‌پذیرند.



جدول شماره ۴- بستر یا زمینه

کد انتخابی	کد محوری	کد باز
مدیریت بهینه اراضی و تأکید بر بهره‌وری، انبوه‌سازی، ارتقای فن آوری ساخت و ساز.	ارزیابی فاکتورهای رضایتمندی تراکم خانواده در واحد مسکونی ارزیابی کیفیت مسکن، کنترل اجاره	تقویت نقش دولت در راستای تأمین مسکن و تلاش در جهت عدالت اجتماعی؛ توانمندسازی گروه‌های کم درآمد و تقویت تعاونی‌های تولید و عرضه مسکن؛
		هدایت و حمایت بخش خصوصی و مصرف‌کننده برای سرمایه‌گذاری در بافت موجود شهری؛ احداث خانه‌های سازمانی در بافت‌های فرسوده با استفاده از اعتبارات بخش خصوصی؛ توجه به بهسازی و نوسازی در همان محل ایجاد رفاه اجتماعی و حذف نابرابری‌ها سیاست‌های عمومی تأثیرگذار بر بازارهای مسکن بهبود مدیریت بخش مسکن
ایجاد حس تعلق به مکان با سبک‌های معماری نوین	تحلیل مناسب شاخص‌های به‌سازی و نوسازی پیوستگی شاخص‌ها توجه به بهسازی و نوسازی در همان محل	

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بستر و زمینه تحقق سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه مسکن اجتماعی شامل "مدیریت بهینه اراضی و تأکید بر بهره‌وری، انبوه‌سازی، ارتقای فن آوری ساخت و ساز، ایجاد حس تعلق به مکان با سبک‌های معماری نوین" می‌باشد.

۴- شرایط مداخله‌گر:

شرایط مداخله‌گر شرایط ساختاری متعلق به پدیده مدنظرند که بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند. آنها راهبردها را درون بستر خاصی محدود یا تسهیل می‌کنند. این شرایط عبارت‌اند از عوامل و زمینه‌های مشارکت.

جدول شماره ۵- شرایط مداخله‌گر

کد انتخابی	کد محوری	کد باز
ساخت خودیار و تدریجی حمایت از تعاونی مسکن	جلب سرمایه‌گذاری خود مردم و بخش خصوصی اعتماد سازی قبل از اجرا	استفاده از نظر متخصصین بومی ویژگی‌های عینی "ساختار اجتماع مانند مکان جغرافیایی یا مقدار فضای باز



	توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی	عمومی ویژگی‌های ذهنی "شخصیت، آرمان‌ها و خواسته‌های فردی توجه به ساخت فرهنگی و سنتی در مناطق مختلف
مکانیابی با محوریت برابری اجتماعی	ایجاد الگوی مناسب مسکن اقتصادی در شهرها و پاک سازی اطراف آثار با ارزش تاریخی در بافت قدیم طبق ضوابط سازمان میراث فرهنگی. احداث بنا در اراضی اضافه برای تأمین هزینه پاکسازی و احیای این گونه بافت‌ها و تشویق شهروندان به سکونت در آنها	توجه به گذران اوقات فراغت
بکار گیری سیستم تضمین کیفیت و ایجاد اطمینان	توانمندسازی راهکاری برای توزیع مناسب منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار است احساس رضایت شهروندان از محیط شهر و خدماتی که نهاد شهرداری عامل مشارکت است	فروش یا اجاره به دیگران در صورت عدم رضایتمندی طرح زمین - خدمات (زمین آماده)

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرایط مداخله‌گر در تحقق سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه مسکن اجتماعی شامل "ساخت خودیار و تدریجی، حمایت از تعاونی مسکن، مکانیابی با محوریت برابری اجتماعی، بکار گیری سیستم تضمین کیفیت و ایجاد اطمینان" است.

۵- راهبردها:

راهبردهای مبتنی برکنش و واکنش‌های متقابل برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده مدنظرند. راهبردها مقصود دارترند، هدفمندند و به‌دلیلی صورت می‌گیرند؛ در عین حال، ممکن است برای اهدافی صورت پذیرند که به پدیده مربوط نیست؛ اما به هر حال، پیامدهایی را برای پدیده در بر خواهند داشت. همواره شرایط مداخله‌گری نیز حضور دارند که راهبردها را سهولت می‌بخشند یا آنها را محدود می‌کنند. درون داده‌ها نشانه‌هایی وجود دارند که نشان می‌دهند راهبردها می‌باشند. آنها افعال و وجوه مربوط به اعمال و اقدامات‌اند و نشان می‌دهند کسی در واکنش به پدیده کاری می‌کند یا چیزی می‌گوید.



جدول شماره ۵- راهبردها

کد انتخابی	کد محوری	کد باز
کنترل شکاف عرضه و تقاضا مخاطب شناسی دقیق و سنجیده توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی توجه به مسائل فرهنگی توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی کنترل قیمت اجاره	کمک‌های مالی و تکنیکی به کسانی که خود مسکن شان را میسازند توانمند سازی جدیدترین و مناسب‌ترین راه حل در ساماندهی اسکان غیر رسمی اعطای تسهیلات ویژه برای سازندگان مسکن استیجاری	تملك زمین‌های شهری، اعم از بایر و غیر بایر و توزیع این زمین‌ها به قیمت ارزان به مردم و تعاونی ارائه تسهیلات بانکی با سود نازل به مردم و عرضه کالاها با نرخ‌های دولتی و پایین، از جمله مصالح ساختمانی ارزان قیمت سرعت ساختمان سازی فردی و تعاونی‌ها قوانین حمایت از انبوه سازان و مسکن اجتماعی و همچنین توجه به افزایش تراکم ساختمانی
	جلب سرمایه گذاری خود مردم و بخش خصوصی برقراری ثبات اجتماعی - اختصاص حداقل ۵۰ درصد از منابع و تسهیلات اعطایی برای بخش مسکن اعم از طرح‌های مسکن مهر، مسکن جوانان و نیازمندان در بافت‌های فرسوده. کمک‌هزینه مسکن به دنبال مستقر نمودن خانوارها در خانه‌های با کیفیت بهتر	حمایت از تولیدکنندگان واحدهای مسکونی کوچک با تأکید بر مجتمع سازی و انبوه سازی این اهداف به کمیت واحدهای مسکونی مورد نیاز که باید در دوره‌ای از برنامه‌ریزی ساخته شوند تأکید دارد و توزیع پوشش این هدف و این که چه گروه‌های اجتماعی را در بر می- گیرد

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که راهبردها تحقق سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه مسکن اجتماعی شامل "کنترل شکاف عرضه و تقاضا، مخاطب شناسی دقیق و سنجیده، توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی، توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق، مخاطب شناسی دقیق و سنجیده، توجه به مسائل فرهنگی، توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی، توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق، کنترل قیمت اجاره" است.



۶- پیامدها:

پیامدها، نتایج و حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها هستند. پیامدها را همواره نمی‌توان پیش‌بینی کرد و الزاماً همان‌هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته‌اند. پیامدها ممکن است حوادث و اتفاقات باشند، شکل منفی به خود بگیرند، واقعی یا ضمنی باشند و در حال یا آینده به وقوع می‌پیوندند. همچنین این امکان وجود دارد که آنچه در برهه‌ای از زمان پیامد به شمار می‌رود، در زمانی دیگر به بخشی از شرایط و عوامل تبدیل شود.

جدول شماره ۷- پیامدها

کد انتخابی	کد محوری	کد باز
ارتقای کمی و کیفی تولید و عرضه تعادل بخشی به بازار مسکن کاهش استهلاک واحدهای مسکونی ارتقای شاخص‌های به سازی مسکن روستایی ایجاد حس تعلق به مکان با سبک‌های معماری نوین واگذاری امور به مردم در اجرای طرح	حذف قیمت زمین از قیمت تمام شده تامین مسکن امن و سالم - ساماندهی اسکان غیر رسمی با رویکرد توانمندسازی. - تهیه برنامه ی جامع مدیریت شهری و به روزرسانی قوانین شهرداری‌ها و تأکید بر تدوین نظام درآمدهای پایدار شهرداری‌ها. فاکتور آرامش و آسایش به‌حداقل رساندن اختلال در مکانیزم قیمت‌ها و تخصیص منابع و تحقق اهداف بخشی به ویژه کنترل سوداگری و نوسان شدید بازار مسکن	تعداد بیشتری مشمول یارانه حمایتی میشوند ساخت خودیار و تدریجی توانمند سازی و بهسازی مشارکتی بهسازی شهری مناسب ترین کنترل اجاره بهبود شرایط زندگی ساخت خودیار و تدریجی ترمیم شکاف میان عرضه و تقاضای خانه رعایت استانداردهای لازم در طراحی و ساخت رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری، موجب ترغیب آنان برای همکاری با نهادهای شهری

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیامدهای سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه مسکن اجتماعی شامل "ارتقای کمی و کیفی تولید و عرضه تعادل بخشی به بازار مسکن، کاهش استهلاک واحدهای مسکونی، ارتقای شاخص‌های به سازی مسکن روستایی، ایجاد حس تعلق به مکان با سبک‌های معماری نوین، واگذاری امور به مردم در اجرای طرح" می‌گردد.



شکل (۱) مدل مفهومی بر اساس نرم افزار مکس کیو دی ای

یافته‌های کمی:

در این تحقیق، متناسب با متغیرهای مورد مطالعه و نوع داده‌های جمع‌آوری شده، به منظور توصیف آنان از شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع نمره‌ها استفاده شد. در مرحله تحلیل آماری، با توجه به ماهیت مقیاس اندازه‌گیری که از نوع فاصله‌ای است و فرضیه‌های تحقیق برای تحلیل داده‌ها حسب مورد از ضریب همبستگی پیرسون، و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج تفصیلی این محاسبات در این فصل در دو قسمت توصیفی و آزمون فرضیه تحقیق ارائه شده است.

**۴-۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش**

در جدول ۴-۱ شاخص‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه نمره‌های شرکت کنندگان در مطالعه در متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۴-۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	کمینه نمره	بیشینه نمره	میانگین	انحراف معیار
سیاست‌گذاری‌ها	۳۸۴	۱/۱۱۱	۵	۳/۸۴۳	۰/۷۷۶
هویت	۳۸۴	۱/۷۱۴	۵	۳/۸۷۴	۰/۸۱۹
امنیت	۳۸۴	۱/۲۵	۵	۳/۱۶۸	۰/۹۱۰
حس‌تعلق	۳۸۴	۲	۵	۳/۹۹۲	۰/۷۷۰
مشارکت	۳۸۴	۱/۲	۵	۳/۱۹۳	۰/۸۶۳

میانگین و انحراف سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت ($M=3/843 \pm 0/776$)، و هویت ($0/819$) می‌باشد. میانگین و انحراف استاندارد امنیت ($M=3/168 \pm 0/910$)، حس‌تعلق ($0/770$)، مشارکت ($M=3/992 \pm 0/863$)، مشارکت ($M=3/193 \pm 0/863$)، بود.

۴-۲: شاخص‌های توزیعی متغیرهای پژوهش

در جدول ۴-۲ شاخص‌های مربوط به توزیع متغیرهای پژوهش همچون کجی، کشیدگی و کشیدگی چند متغیره آورده شده است.

جدول ۴-۲: شاخص‌های توزیع متغیرهای پژوهش

متغیر	کجی	کشیدگی	Z کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی‌داری
سیاست‌گذاری‌ها	-۰/۵۵۱	-۰/۰۴۶	۰/۵۷	۰/۸۹
هویت	-۰/۴۹۴	-۰/۵۰۳	۰/۵۹	۰/۸۷
امنیت	۰/۱۲۸	-۰/۷۸۹	۲/۰۱	۰/۰۰۱
حس‌تعلق	-۰/۳۸۹	-۰/۷۹۴	۱/۴۱	۰/۰۳۷



۰/۰۰۸	۱/۶۶	-۰/۴۱۰	۰/۴۵۳	مشارکت
۳/۰۷(۴/۹۶)		کشیدگی چند متغیره (مقدار بحرانی)		

یافته‌ها نشان داد نتایج نشان داد متغیرها بر حسب دو شاخص کجی و کشیدگی با در نظر گرفتن مقدار ± 2 برای کجی و ± 7 بری کشیدگی، نرمال هستند. در بررسی نرمال بودن چند متغیره نیز نتایج نسبت شاخص کشیدگی چند متغیره (۴/۹۶) به مقدار بحرانی (۳/۰۷) برابر با ۱/۶۱ بدست آمد چون نسبت از ۲ کمتر است نرمال بودن مورد تایید قرار گرفت.

۳-۴: مفروضه چند خطی

یافته‌های جدول ۳-۴ بررسی مفروضه عدم هم خطی متغیرهای پیش بین را نشان می دهد.

جدول ۳-۴: مفروضه چند خطی بودن رابطه بین متغیرها

مسکن اقشار آسیب پذیر جامعه				متغیر پیش بین	متغیر
مشارکت	حس تعلق	امنیت	هویت		
۰/۴۲	۰/۴۳	۰/۴۴	۰/۴۶	سیاست گذاری	شاخص ضرایب تحمل
۲/۳۹	۲/۹۹	۲/۹۳	۲/۷۲	توسعه‌ای دولت	شاخص تورم واریانس (VIF)
۱/۶۹۵					شاخص دوربین واتسون

نتایج نشان داد که شاخص تحمل همگی مقادیر کوچکتر از ۱ و بزرگتر از ۰/۴ و ضرایب تحمل متغیرها در دامنه ۰/۴۱ تا ۰/۷۴ هستند. شاخص تورم واریانس (VIF) نیز نشان داد که کلیه مقادیر زیر ۱۰ هستند و مقادیر تورم واریانس متغیرها در دامنه ۱/۳۵ تا ۲/۹۹ هستند. همچنین ضریب آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۵۱ بود که ضرایب نزدیک به ۲ برای این آماره نشان دهنده استقلال خطاها است.

۴-۴: همبستگی خطی بین متغیرها

جدول ۴-۴ یافته‌های همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۴-۴: یافته‌های همبستگی بین متغیرهای نهفته پژوهش

مشارکت	حس تعلق	امنیت	هویت	سیاست گذاریها	متغیر
۰/۴۴۶**	۰/۵۲۱**	۰/۶۴۲**	۰/۷۰۰**	۱	سیاست گذاریها



۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱		
۰/۵۷۲**	۰/۷۵۸**	۰/۶۵۲**	۱	۰/۷۰۰**	هویت
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱		۰/۰۰۱	
۰/۶۵۴**	۰/۵۹۱**	۱	۰/۶۵۲**	۰/۶۴۲**	امنیت
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	
۰/۵۶۲**	۱	۰/۵۹۱**	۰/۷۵۸**	۰/۵۲۱**	حس تعلق
۰/۰۰۱		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	
۱	۰/۵۶۲**	۰/۶۵۴**	۰/۵۷۲**	۰/۴۴۶**	مشارکت
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	

یافته‌ها نشان داد رابطه بین سیاست‌گذاری‌ها با هویت ($r=0/700, P<0/01$)، امنیت ($r=0/642, P<0/01$)، حس تعلق ($r=0/521, P<0/01$) و مشارکت ($r=0/446, P<0/01$)، مثبت و معنی‌دار بود.

ارزیابی مدل پژوهش

پایایی سازه

معیار پایایی مرکب (ρ) توسط ورتس و همکاران (۱۹۷۴) معرفی شد و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ (نونالی، ۱۹۷۸) شود، نشان از پایایی درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد و مقدار کمتر از ۰/۶ عدم وجود پایایی را نشان می‌دهد (نونالی و برنستین، ۱۹۹۴). ذکر این نکته ضروری است که پایایی ترکیبی در مدل سازی ساختاری معیار بهتری از آلفای کرونباخ به شمار می‌رود (وینزای و همکاران، ۲۰۱۰). عامل دیگری است که مقدار آن از صفر تا یک متغیر بوده و مقادیر بالاتر از ۰/۷ پذیرفته می‌شود (کرونباخ، ۱۹۵۱). البته موس و همکاران (۱۹۹۸) در مورد متغیرهایی با تعداد سؤالات اندک، مقدار ۰/۶ را به عنوان سرحد ضریب آلفای کرونباخ معرفی کرده‌اند.



۴-۵: پایایی سازه

متغیر	سطح آماره پایایی مرکب (rho.c)	سطح آماره پایایی مرکب (rho.a)	ضریب آلفای کرونباخ
سیاست گذاری‌ها	۰/۷۴۵	۰/۷۷۳	۰/۸۳۱
هویت	۰/۷۷۷	۰/۷۸۴	۰/۸۰۴
امنیت	۰/۸۷۰	۰/۸۸۲	۰/۹۰۶
حس تعلق	۰/۷۷۰	۰/۷۲۳	۰/۷۸۷
مشارکت	۰/۷۶۷	۰/۷۸۶	۰/۸۳۴

مقدار پایایی مرکب متغیرهای تحقیق با توجه به آنکه از مقدار استاندارد ۰/۷ بزرگتر است مورد تایید قرار گرفته است. این امر بیانگر آن است که مدل از نظر اعتبار بیرونی قابل قبول است و می‌توان به ابعاد ساختاری مدل استناد نمود. مطابق با جدول بالا ضریب آلفای کرونباخ برای تمام سازه‌ها مورد نظر بالاتر از ۰/۷ است که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد.

روایی سازه

برای بررسی روایی مدل بیرونی از دو معیار استفاده شده است. معیار اول روایی همگرا و معیار دوم روایی واگرا می‌باشد.

بررسی روایی همگرا

در این مرحله از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده می‌شود. روایی همگرا معیار دوم از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که به بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، می‌پردازد و به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سوالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است (بارکلی و همکاران، ۱۹۵). فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) را برای سنجش روایی همگرا معرفی کرده و اظهار داشتند که مقدار عدد بحرانی ۰/۵ می‌باشد. در جدول زیر مقدار این ضریب برای هر یک از سازه‌ها ارائه شده است. نکته قابل توجه این



است که در صورتی که معیار میانگین واریانس استخراج شده برای یک متغیر پایین‌تر از ۰/۵ بود باید سؤالی را که کمترین بار عاملی را دارد، حذف و دوباره مدل را اجرا نمود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲).

جدول ۴-۶: میانگین واریانس استخراج شده

متغیر	سطح آماره
سیاست گذاری‌ها	۰۲۷۰/
هویت	۰۷۶۰/
امنیت	۶۱۸۰/
حس تعلق	۹۶۷۰/
مشارکت	۷۲۵/۰

لازم به ذکر است که روایی همگرایی مدل پژوهش با توجه به بزرگتر بودن مقادیر واریانس‌های استخراجی برای متغیرها از مقدار ۰/۵ تأیید شد.

روایی واگرا

روایی واگرا سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که دو موضوع را پوشش می‌دهد: الف) مقایسه میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه در مقابل همبستگی آن شاخص‌ها با سازه‌های دیگر. ب) مقایسه میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها (داوری و رضازاده، ۱۳۳۲).

روش فورنل - لارکر

معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می‌گردد، میزان رابطه‌ی سازه با شاخص‌هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه‌ها است؛ به گونه‌ای که روایی واگرایی قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در دل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌های دیگر (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی آن سازه و سازه‌های دیگر (مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد (فورنل و لاکر، ۱۹۸۱). بررسی این امر به وسیله یک ماتریس صورت می‌پذیرد که خانه‌های این ماتریس حاوی مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها و جذر مقادیر AVE مربوط به هر سازه است (حنفی‌زاده و زارع، ۱۳۹۱). سپس



مقادیر موجود روی قطر اصلی ماتریس را با ریشه دوم مقادیر واریانس شرح داده شده در AVE جایگزین می‌کنیم و در نهایت جدول ۴-۵ ارائه می‌شود.

جدول ۴-۷: جدول فورنل-لارکر پس از جایگذاری مقادیر ریشه دوم AVE

متغیر	سیاست گذاری‌ها	هویت	امنیت	حس تعلق	مشارکت
سیاست گذاری‌ها	۰/۸۸۹				
هویت	۰/۷۰۰	۰/۷۸۰			
امنیت	۰/۶۴۲	۰/۶۵۲	۰/۹۲۷		
حس تعلق	۰/۵۲۱	۰/۷۵۸	۰/۵۹۱	۰/۸۹۲	
مشارکت	۰/۴۴۶	۰/۵۷۲	۰/۶۵۴	۰/۵۶۲	۰/۸۵۱

همان طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، از کلیه مقادیر موجود در سطر و ستون مربوطه بزرگتر است.

شاخص‌های برازندگی مدل

یافته‌های جدول ۳-۸ شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تاییدی پرسشنامه مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۸: شاخص‌های معنی داری مدل مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه

Sig	(χ^2/df)	df	(χ^2)	شاخص‌های برازندگی
۰/۰۰۱	۱/۷۳۰	۲۲۴	۳۸۷/۵۶۷	مقدار شاخص

یافته‌ها نشان داد که مقدار ($\chi^2 = ۳۴۹/۲۴$, $df = ۲۲۴$, $p = ۰/۰۰۱$) است که حاکی از برازندگی قابل قبول الگو در جامعه است، همچنین به منظور تعیین مناسب بودن معنی داری الگو لازم است که مقدار شاخص (χ^2/df) از ۳ کمتر باشد که در اینجا برابر ۱/۷۳۰ برآورد شده است.



جدول ۳-۹: شاخص‌های معنی داری مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه

شاخص‌های برازندگی	(RMSEA)	(NFI)	(NNFI)	(CFI)	(GFI)	(AGFI)
مقدار شاخص	۰/۰۷۳	۰/۹	۰/۸۷	۰/۹۳	۰/۸۹	۰/۸۵

یافته‌ها نشان داد که مقدار (RMSEA=۰/۰۷۳) است که از مقدار ۰/۰۸ کوچکتر است حاکی از برازندگی قابل قبول الگو در جامعه است، همچنین به منظور تعیین مناسب بودن برازندگی الگو با داده‌ها از شاخص‌های برازندگی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که شاخص نرم شده برازندگی^۱ (NFI)=۰/۹، و شاخص برازندگی تطبیقی^۲ (CFI)=۰/۹۳ است که نشان دهنده برازندگی بسیار خوب مدل با داده‌ها است، بخصوص مقدار CFI که از دیدگاه مولر^۳ (۱۹۹۹) باید بالای ۰/۹ و از دیدگاه وستون و گور جر^۴ (۲۰۰۶) باید بالای ۰/۹۵ باشد تا مدل برازندگی مناسبی با داده‌ها داشته باشد زیرا تحت تاثیر حجم نمونه قرار نمی‌گیرد. همچنین اگر جذر برآورد واریانس خطای تقریب^۵ (RMSEA≤۰/۰۵) بسیار خوب، بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ باشد برازش قابل قبول و اگر بالاتر از ۰/۰۸ باشد برازش ضعیف است که در این مطالعه RMSEA بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ بود که حاکی از برازش قابل قبول است.

مقادیر بار عاملی سوالات

نمودار زیر نشان دهنده بار عاملی سوالات پرسشنامه مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه است.

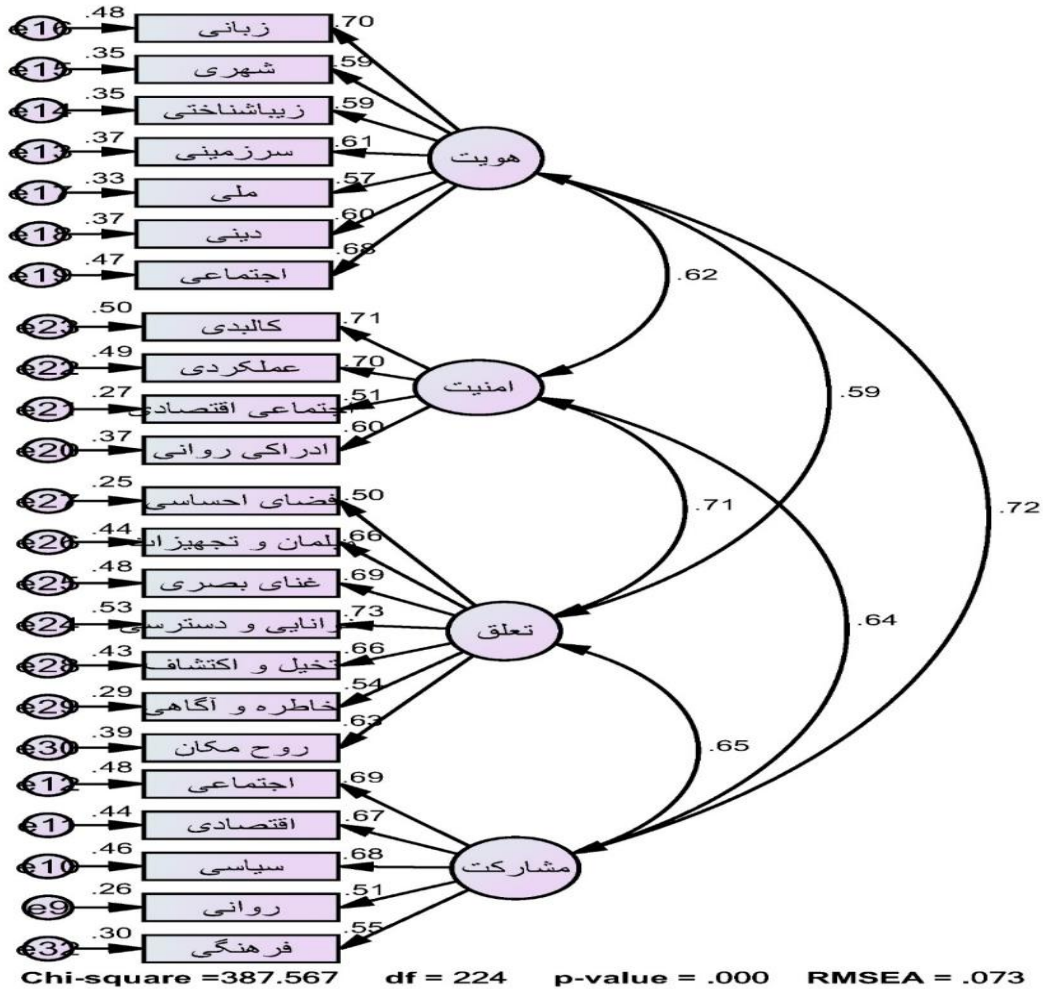
^۱ - Normed Fit Index(NFI)

^۲ - Comparative Fit Index(CFI)

^۳ - Muller

^۴ - Weston& Gore Jr

^۵ - Root Mean Square Error of Approximation(RMSEA)



نمودار ۴-۱: نمودار مسیر تحلیل شده پرسشنامه مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه

همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌شود، مقدار بارهای عاملی مربوط به سوالات بزرگتر از ۰/۵ است که تایید‌گر آن است که مدل از برازش قوی برخوردار بوده و هیچ کدام از متغیرها از مدل حذف نخواهند شد. ارزیابی سوالات متغیر هویت به منظور ارزیابی سوالات لازم است بارهای عاملی، ضریب بتا استاندارد نشده و مقادیر آماره Z مورد آزمون قرار گیرد.



جدول ۴-۱۰: تخمین استاندارد سوالات متغیر هویت

گویه	بار عاملی	ضریب بتا (β)	انحراف معیار (S.E)	مقدار آماره Z	P-VALUE
زیبایی	۰/۶۰۱	۱/۲۷۳	۰/۱۲۰	۱۰/۵۸۹	۰/۰۰۱
شهری	۰/۵۵۷	۱/۰۴۱	۰/۱۰۹	۹/۵۶۷	۰/۰۰۱
زیباشناختی	۰/۵۹۱	۱/۰۳۲	۰/۱۱۳	۹/۱۳۵	۰/۰۰۱
سرزمینی	۰/۶۷۷	۱/۰۰۰	-	-	۰/۰۰۱
ملی	۰/۶۲۲	۱/۱۲۵	۰/۱۱۳	۹/۹۴۸	۰/۰۰۱
دینی	۰/۶۲۰	۱/۳۱۸	۰/۱۳۳	۹/۹۲۹	۰/۰۰۱
اجتماعی	۰/۶۸۳	۱/۱۳۴	۰/۱۰۶	۱۰/۶۵۵	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌نماییم که تمامی بارهای عاملی سوالات متغیر هویت بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند. مقادیر آماره Z در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است که نشان می‌دهد بارهای عاملی برآورد شده معنی دارد هستند.

ارزیابی سوالات متغیر امنیت

به منظور ارزیابی سوالات لازم است بارهای عاملی، ضریب بتا استاندارد نشده و مقادیر آماره Z مورد آزمون قرار گیرد.

جدول ۴-۱۱: تخمین استاندارد سوالات متغیر امنیت

گویه	بار عاملی	ضریب بتا (β)	انحراف معیار (S.E)	مقدار آماره Z	P-VALUE
کالبدی	۰/۶۹۵	۱/۶۴۲	۰/۱۸۷	۸/۸۰۰	۰/۰۰۱
عملکردی	۰/۶۷۰	۱/۵۵۹	۰/۱۸۰	۸/۶۴۳	۰/۰۰۱
اجتماعی - اقتصادی	۰/۶۲۹	۱/۳۱۸	۰/۱۵۸	۸/۳۶۸	۰/۰۰۱
ادراکی - روانی	۰/۵۳۶	۱/۰۰۰	-	-	۰/۰۰۱



با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌نماییم که تمامی بارهای عاملی سوالات متغیر امنیت بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند. مقادیر آماره Z در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است که نشان می‌دهد بارهای عاملی برآورد شده معنی دارد هستند.

ارزیابی سوالات متغیر تعلق

به منظور ارزیابی سوالات لازم است بارهای عاملی، ضریب بتا استاندارد نشده و مقادیر آماره Z مورد آزمون قرار گیرد.

جدول ۴-۱۲: تخمین استاندارد سوالات متغیر تعلق

P-VALUE	مقدار آماره z	انحراف معیار (S.E)	ضریب بتا (β)	بار عاملی	گویه
۰/۰۰۱	۸/۱۳۲	۰/۱۰۱	۰/۸۱۷	۰/۵۴۴	فضای احساسی
۰/۰۰۱	۱۱/۷۳۷	۰/۰۷۳	۰/۸۵۳	۰/۶۳۸	مبلمان و تجهیزات مانوس
۰/۰۰۱	۱۳/۱۵۲	۰/۰۶۴	۰/۸۳۷	۰/۷۱۴	غناهی بصری
۰/۰۰۱	-	-	۱/۰۰۰	۰/۷۴۲	خوانایی و دسترسی
۰/۰۰۱	۱۲/۵۵۹	۰/۰۷۲	۰/۹۰۷	۰/۶۸۲	تخیل و اکتشاف
۰/۰۰۱	۹/۵۹۷	۰/۰۸۱	۰/۷۷۵	۰/۵۲۳	خاطره و آگاهی
۰/۰۰۱	۱۱/۴۷۹	۰/۰۶۵	۰/۷۴۵	۰/۶۲۴	روح مکان

با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌نماییم که تمامی بارهای عاملی سوالات متغیر تعلق بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند. مقادیر آماره Z در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است که نشان می‌دهد بارهای عاملی برآورد شده معنی دارد هستند.



ارزیابی سوالات متغیر مشارکت

به منظور ارزیابی سوالات لازم است بارهای عاملی، ضریب بتا استاندارد نشده و مقادیر آماره Z مورد آزمون قرار گیرد.

جدول ۴-۱۳: تخمین استاندارد سوالات متغیر تعلق

P-VALUE	مقدار آماره Z	انحراف معیار (S.E)	ضریب بتا (β)	بار عاملی	گویه
۰/۰۰۱	-	-	۱/۰۰۰	۰/۷۰۳	اجتماعی
۰/۰۰۱	۶/۵۸۷	۰/۲۳۳	۱/۵۳۸	۰/۶۸۳	اقتصادی
۰/۰۰۱	۶/۶۸۱	۰/۲۷۴	۱/۸۳۱	۰/۶۵۲	سیاسی
۰/۰۰۱	۶/۷۳۵	۰/۲۶۹	۱/۸۰۹	۰/۵۹۲	روانی

با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌نماییم که تمامی بارهای عاملی سوالات متغیر تعلق بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند. مقادیر آماره Z در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است که نشان می‌دهد بارهای عاملی برآورد شده معنی دارد هستند.

ارزیابی مدل ساختاری

یافته‌های جدول ۴-۱۴ شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تاییدی را نشان می‌دهد.

جدول ۴-۱۴: شاخص‌های معنی داری مدل

Sig	(χ^2/df)	df	(χ^2)	شاخصهای برازندگی
۰/۰۰۱	۱/۸۷۲	۴۶۰	۸۶۱/۴۵۵	مقدار شاخص

یافته‌ها نشان داد که مقدار ($p=۰/۰۰۱$ ، $df=۴۶۰$ ، $\chi^2=۸۶۱/۴۵۵$) است که حاکی از برازندگی قابل قبول الگو در جامعه است، همچنین به منظور تعیین مناسب بودن معنی داری الگو لازم است که مقدار شاخص (χ^2/df) از ۳ کمتر باشد که در اینجا برابر ۱/۸۷۲ برآورد شده است.



جدول ۴-۱۵: شاخص‌های معنی داری مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه

شاخص‌های برازندگی	(RMSEA)	(NFI)	(NNFI)	(CFI)	(GFI)	(AGFI)
مقدار شاخص	۰/۰۴۷	۰/۹	۰/۸۷	۰/۹۲۳	۰/۸۷۶	۰/۸۶۴

یافته‌ها نشان داد که مقدار (RMSEA=۰/۰۴۳) است که از مقدار ۰/۰۸ کوچکتر است حاکی از برازندگی قابل قبول الگو در جامعه است، همچنین به منظور تعیین مناسب بودن برازندگی الگو با داده‌ها از شاخص‌های برازندگی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که شاخص نرم شده برازندگی^۱ (NFI)=۰/۹، و شاخص برازندگی تطبیقی^۲ (CFI)=۰/۹۲۳ است که نشان دهنده برازندگی بسیار خوب مدل با داده‌ها است، بخصوص مقدار CFI که از دیدگاه مولر^۳ (۱۹۹۹) باید بالای ۰/۹ و از دیدگاه وستون و گور جر^۴ (۲۰۰۶) باید بالای ۰/۹۵ باشد تا مدل برازندگی مناسبی با داده‌ها داشته باشد زیرا تحت تاثیر حجم نمونه قرار نمی‌گیرد. همچنین اگر جذر برآورد واریانس خطای تقریب^۵ (RMSEA≤۰/۰۵) بسیار خوب، بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ باشد برازش قابل قبول و اگر بالاتر از ۰/۰۸ باشد برازش ضعیف است که در این مطالعه RMSEA بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ بود که حاکی از برازش قابل قبول است.

مقادیر بار عاملی سوالات مدل ساختاری

نمودار زیر نشان دهنده بار عاملی سوالات مدل است.

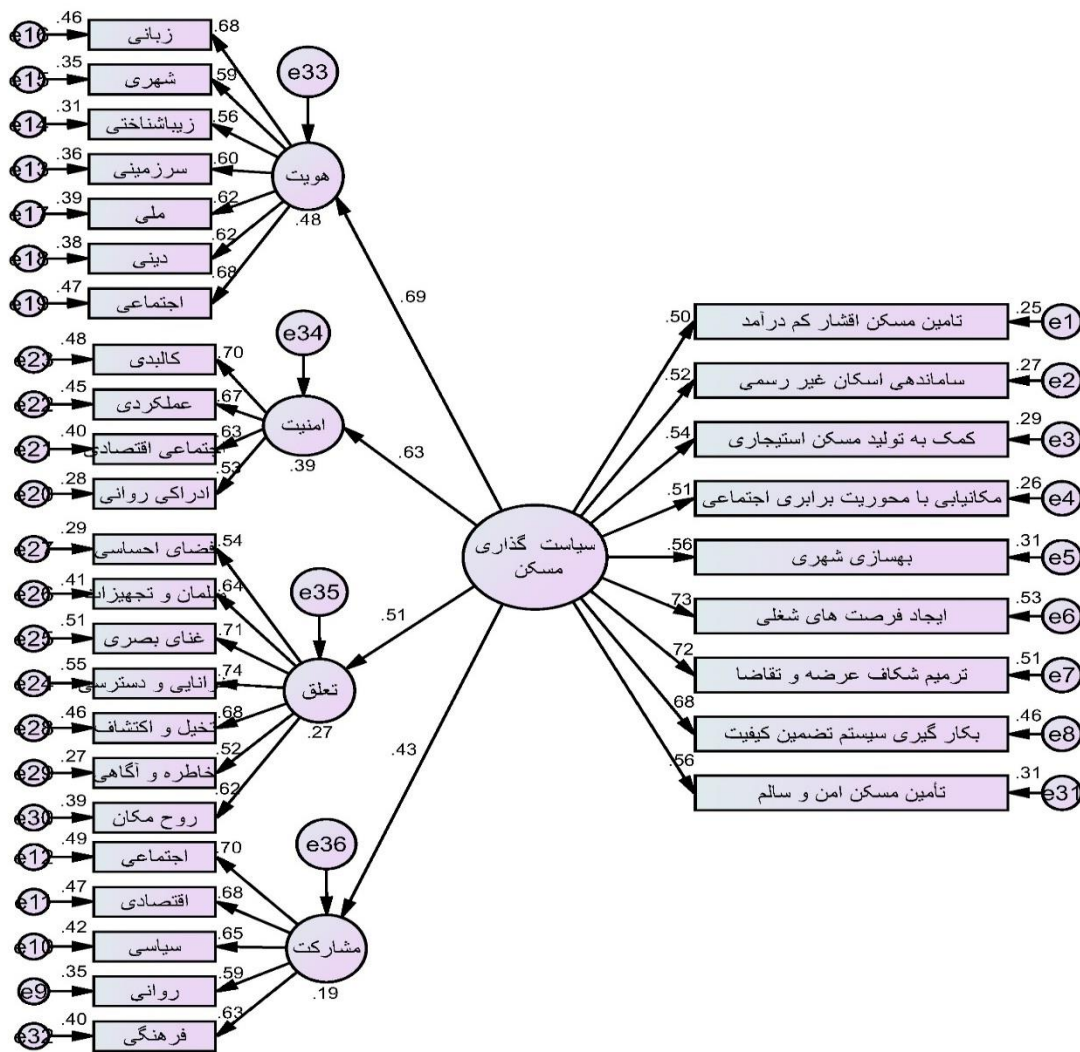
^۱ - Normed Fit Index(NFI)

^۲ - Comparative Fit Index(CFI)

^۳ - Muller

^۴ - Weston& Gore Jr

^۵ - Root Mean Square Error of Approximation(RMSEA)



Chi-square =861.455 df = 460 p-value = .000 RMSEA = .047

نمودار ۴-۲: نمودار مسیر تحلیل شده پرسشنامه مسکن اقشار آسیب پذیر جامعه

همان طور که در شکل بالا مشاهده می شود، مقدار بارهای عاملی مربوط به سوالات بزرگتر از ۰/۵ است که تایید گر آن است که مدل از برازش قوی برخوردار بوده و هیچ کدام از متغیرها از مدل حذف نخواهند شد.

**۴-۶: آزمون فرضیه‌ها**

فرضیه اول: سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های هویت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

جدول ۴-۱۶: ضرایب ارتقای مؤلفه‌های هویت در بین اقشار آسیب‌پذیر

مقدار t	خطای استاندارد (S.E)	ضرایب استاندارد شده (γ)	ضرایب استاندارد نشده (β)	متغیر درون‌زا/برون‌زا
۸/۲۵۵	۰/۱۵۸	۰/۶۹۷	۱/۳۰۰	سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت * ارتقای مؤلفه‌های هویت

یافته‌های جدول ۴-۱۶ نشان داد اثر مستقیم سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های هویت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل ($p < ۰/۰۱$ ، $t = ۸/۲۵۵$ ، $\gamma = ۰/۶۹۷$) مثبت و معنی‌دار است. در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان ادعا نمود که فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های هویت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

جدول ۴-۱۷: ضرایب رگرسیونی و همبستگی ارتقای مؤلفه‌های هویت در بین اقشار آسیب‌پذیر

P-VALUE	ضریب رگرسیونی (R^2)	ضریب مسیر (R)	متغیر درون‌زا/برون‌زا
۰/۰۰۱	۰/۴۸۵	۰/۶۹۷	سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت * ارتقای مؤلفه‌های هویت

مقدار ضریب مسیر تبیین شده برابر ۰/۶۹۷ و مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۴۸۵ است که نشان می‌دهد ۴۸/۵ درصد تغییرات ارتقای مؤلفه‌های هویت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل توسط متغیر سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن قابل پیش‌بینی است.



فرضیه دوم: سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های حس تعلق در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

جدول ۴-۱۸: ضرایب ارتقای مؤلفه‌های حس تعلق در بین اقشار آسیب‌پذیر

مقدار t	خطای استاندارد (S.E)	ضرایب استاندارد شده (γ)	ضرایب استاندارد نشده (β)	متغیر درون‌زا/برون‌زا
۸/۶۰۴	۰/۱۶۰	۰/۵۲۱	۱/۳۴۷	سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت * ارتقای مؤلفه‌های هویت

یافته‌های جدول ۴-۱۸ نشان داد اثر مستقیم سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های حس تعلق در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل ($p < ۰/۰۱$ ، $t = ۸/۶۰۴$ ، $\gamma = ۰/۵۲۱$) مثبت و معنی‌دار است. در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان ادعا نمود که فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های حس تعلق در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

جدول ۴-۱۹: ضرایب رگرسیونی و همبستگی ارتقای مؤلفه‌های حس تعلق در بین اقشار آسیب‌پذیر

P-VALUE	ضریب رگرسیونی (R^2)	ضریب مسیر (R)	متغیر درون‌زا/برون‌زا
۰/۰۰۱	۰/۲۷۱	۰/۵۲۱	سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت * ارتقای مؤلفه‌های حس تعلق

مقدار ضریب مسیر تبیین شده برابر ۰/۵۲۱ و مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۲۷۱ است که نشان می‌دهد ۲۷/۱ درصد تغییرات ارتقای مؤلفه‌های حس تعلق در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل توسط متغیر سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن قابل پیش‌بینی است. فرضیه سوم: سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.



جدول ۴-۲۰: ضرایب ارتقای مؤلفه‌های امنیت در بین اقشار آسیب پذیر

مقدار t	خطای استاندارد (S.E)	ضرایب استاندارد شده (γ)	ضرایب استاندارد نشده (β)	متغیر درون زا/برون زا
۷/۲۸۶	۰/۱۵۴	۰/۶۳۱	۱/۱۲۳	سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت * ارتقای مؤلفه‌های امنیت

یافته‌های جدول ۴-۲۰ نشان داد اثر مستقیم سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل ($p < 0/01$ ، $t = 7/286$ ، $\gamma = 0/631$) مثبت و معنی‌دار است. در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان ادعا نمود که فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

جدول ۴-۲۱: ضرایب رگرسیونی و همبستگی ارتقای مؤلفه‌های امنیت در بین اقشار آسیب پذیر

P-VALUE	ضریب رگرسیونی (R^2)	ضریب مسیر (R)	متغیر درون زا/برون زا
۰/۰۰۱	۰/۳۹۸	۰/۶۳۱	سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت * ارتقای مؤلفه‌های امنیت

مقدار ضریب مسیر تبیین شده برابر ۰/۶۳۱ و مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۳۹۸ است که نشان می‌دهد ۳۹/۸ درصد تغییرات ارتقای مؤلفه‌های امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل توسط متغیر سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن قابل پیش بینی است. فرضیه چهارم: سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های مشارکت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.



جدول ۴-۲۲: ضرایب ارتقای مؤلفه‌های امنیت در بین اقشار آسیب پذیر

مقدار t	خطای استاندارد (S.E)	ضرایب استاندارد شده (γ)	ضرایب استاندارد نشده (β)	متغیر درون ز/ابرون زا
۵/۸۱۶	۰/۱۴۲	۰/۴۳۵	۰/۸۲۶	سیاست گذاری‌های توسعه‌ای دولت * ارتقای مؤلفه‌های مشارکت

یافته‌های جدول ۴-۲۲ نشان داد اثر مستقیم سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های مشارکت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل ($p < 0/01$, $t = 5/816$, $\gamma = 0/435$) مثبت و معنی‌دار است. در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان ادعا نمود که فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های مشارکت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

جدول ۴-۲۳: ضرایب رگرسیونی و همبستگی ارتقای مؤلفه‌های مشارکت در بین اقشار آسیب پذیر

P-VALUE	ضریب رگرسیونی (R^2)	ضریب مسیر (R)	متغیر درون ز/ابرون زا
۰/۰۰۱	۰/۱۸۹	۰/۴۳۵	سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت * ارتقای مؤلفه‌های مشارکت

مقدار ضریب مسیر تبیین شده برابر ۰/۴۳۵ و مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۱۸۹ است که نشان می‌دهد ۱۸/۹ درصد تغییرات ارتقای مؤلفه‌های مشارکت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل توسط متغیر سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن قابل پیش بینی است.



بحث و نتیجه گیری:

۱- یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرایط علی تحقق سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه مسکن اجتماعی شامل "مدیریت مقرون به صرفگی مسکن از طریق یارانه بخش عرضه و یارانه بخش تقاضا، مکانیابی با محوریت برابری اجتماعی و بهره مندی عمومی، بهسازی شهری همراه با جلب مشارکت مدنی، سازگاری برنامه‌ریزی مسکن با شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقلیمی منطقه، رعایت استانداردهای علمی سازه‌های فیزیکی و ساختمانی" می‌گردد.

- مسکن مقرون به صرفه به این معناست که چه خانوارهایی در گستره مختلف درآمدی می‌توانند هزینه مسکنی که در بازار بدون توجه به کیفیت مسکن مهیا شده است را پردازند. مقرون به صرفگی به طور قراردادی از طریق نرخ هزینه‌های مسکن نسبت به درآمد محاسبه می‌شود. مقرون به صرفگی مسکن به چالش‌هایی که هر خانواده در راستای متعادل کردن هزینه بالفعل و بالقوه مسکن خود و سایر هزینه‌های غیر مسکن در محدودیت‌های درآمدی خود با آن مواجه است اشاره می‌کند. مسکن در صورتی که دیگر هزینه‌ها را تحت فشار قرار دهد برای خانوارها، مقرون به صرفه نمی‌باشد. بدیهی است که هزینه‌های مسکن همیشه هزینه‌های غیر از مسکن را تحت فشار قرار می‌دهند. مقرون به صرفگی ویژگی مسکن نیست بلکه ارتباطی میان مردم و مسکن می‌باشد. برای برخی، همه نوع مسکنی قابل پرداخت است و هزینه آن هیچ اهمیتی ندارد و برای برخی هیچ نوع مسکنی قابل پرداخت نیست مگر آنکه رایگان باشد. در دسترس نبودن مسکن مقرون به صرفه به همان اندازه که برای فقرا مشکلی بزرگ است، برای میان درآمدها نیز به عنوان مشکل بزرگی مطرح می‌باشد. از نظر اقتصاددانان مقرون به صرفه بودن مسکن معانی زیادی را در بر می‌گیرد از جمله توزیع قیمت‌های مسکن، توزیع کیفیت مسکن، توزیع درآمد، توانایی خانوارها برای وام گرفتن، سیاست‌های عمومی تاثیرگذار بر بازارهای مسکن، شرایط موثر بر عرضه مسکن نوساز و انتخاب مردم. مقرون به صرفگی مسکن می‌تواند از طریق یارانه بخش عرضه و یارانه بخش تقاضا مدیریت شود.

- بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات ضعیف، رهیافت نوینی است که به دنبال شکست و عدم موفقیت راهبردهای قبل از خود ارائه گردید و راه حل مسئله فقر شهری و اسکان غیررسمی را تنها بر مهندسی فنی و تزریق منابع مالی دولتی نمی‌بیند. بلکه در کنار و مقدم بر اینها مهندسی اجتماعی با حمایت بخش عمومی و سازمان‌های غیر دولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان مورد نظر است.

- تأمین مسکن مناسب در کشورهای مختلف با توجه به شرایط اقتصادی و بازار مسکن، میزان نیاز به مسکن و دیدگاه دولتهای حاکم برای تخصیص فضا و امکانات، متفاوت و یکی از عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی خانوارها می‌باشد. پس از انقلاب اسلامی تاکنون چندین برنامه توسعه اقتصادی،



اجتماعی و فرهنگی در کشور تدوین شده که در آن تأمین مسکن برای اقشار کم درآمد در اولویت است.

- احتمالاً رعایت استانداردهای لازم در طراحی و ساخت واحدهای مسکونی باعث افزایش هزینه‌ها و طولانی شدن مدت احداث مساکن شد که این خود موجب گردید که گروه‌های هدف (فقرا) از آن بی نصیب بمانند. اما تأثیر آن در طولانی مدت و محاسبه‌ی هزینه‌های نگهداری و بازسازی رقم قابل ملاحظه‌ای خواهد شد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره توضیح می‌دهند که، می‌بایست قبل از اجرای طرح با قانع نمودن مردم اعتمادسازی صورت گیرد تا مشارکت مردم بیشتر شود، برنامه و سیاست‌های حمایتی باید در اولویت قرار داده شود، استفاده از خود مردم در اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها، حمایت از تعاونی‌های مسکن، افزایش میزان تسهیلات، کاهش نرخ تسهیلات، تأمین زمین رایگان و افزایش مدت بازپرداخت اقساط می‌تواند در ارتقای مشارکت اجتماعی مفید واقع شود.

۲- همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مقوله‌ی محوری سیاست‌گذاری‌های حوزه‌ی مسکن اجتماعی شامل "ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مسکن و برنامه‌های توسعه شهری و روستایی، توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق، مخاطب شناسی دقیق و سنجیده، توجه به مسائل فرهنگی، اعتماد سازی قبل از اجرا" می‌باشد.

-در مقیاس منطقه‌ای مسکن، عرضه و تقاضا در سطح منطقه سنجیده شده و تعادل آنها مورد نظر است. در اینجا رابطه بین بخش مسکن و اقتصاد کلان مورد توجه نبوده، بلکه تأکید اساسی بر ابعاد و پتانسیل‌های اقتصادی در داخل منطقه است. به عنوان نمونه در برنامه دوم توسعه برای توزیع جغرافیایی انواع واحدهای مسکونی (آزاد، حمایت شده و اجتماعی) در مناطق شهری کشور، از شاخص‌ها و معیارهای اجتماعی، شاخص‌های اقتصادی و شاخص‌های کالبدی مبین وضعیت مسکن در این مناطق استفاده شده و توزیع مناسب تری برای تخصیص این واحدها به مناطق شهری ارائه شده است.

- اگر چه شیوه جدید مسکن به بخش ساخت‌افزایی مسئله مسکن‌سازی یعنی اقتصاد مسکن و شهر مربوط می‌شود اما بخشی که بیشتر درگیر حوزه فرهنگ زندگی شهری است به آداب، فرهنگ و قوانین این سبک جدید زندگی مربوط می‌شود. لذا واحدهایی که بدون هیچ گونه بررسی بر روی چگونگی گذران زندگی، فرهنگ و سنت‌های رایج فقرا ساخته می‌شدند، مورد قبول آنها واقع نمی‌شدند و از طریق فروش یا اجاره در اختیار دیگران قرار می‌گرفت.

۳- یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بستر و زمینه تحقق سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه مسکن اجتماعی شامل "مدیریت بهینه اراضی و تأکید بر بهره‌وری، انبوه‌سازی، ارتقای فن آوری ساخت و ساز، ایجاد حس تعلق به مکان با سبک‌های معماری نوین" می‌باشد.



- در پروژه‌های ساخت مسکن لازم است به ابعاد مختلف شهرسازی و توسعه شهری توجه شود و از ظرفیت‌های زمین‌های دولتی در این زمینه استفاده شود. در صورتی که به پروژه‌های ساخت مسکن به عنوان یک پروژه توسعه شهری با همه زیربناهای لازم آن توجه شود، علاوه بر کاهش هزینه‌ها، مسکن با کیفیت نیز برای مردم ساخته می‌شود. اما به دلیل وجود تعارض منافع در دستگاه‌های دولتی، در پروژه مسکن مهر این اتفاق نیفتاد و علاوه بر افزایش هزینه ساخت مسکن، به فراهم کردن خدمات مختلف توسعه شهری نیز توجهی نشد. فلسفه دستگاه‌های دولتی کسب سود از ساخت مسکن و زمین‌های دولتی نیست، اما رویکرد دستگاه‌های دولتی در حال حاضر این نیست و این مسئله یکی از چالش‌های طرح‌های ساخت مسکن در کشور است.

مصاحبه شونده دیگری در اینباره توضیح می‌دهند که باید گروه‌های هدف شناسایی شود و در احداث و مکان یابی برای واحدهای مسکونی و ایجاد فضای محیطی آن توجه به هویت فرهنگی گروه‌های هدف مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد، هویت فردی، اجتماعی، مذهبی و سایر ابعاد هویتی افراد مورد عنایت واقع شود، شباهت‌ها و یکسانی در گروه‌های هدف و افراد و در عین حال وجه تمایز بین گروه‌های هدف لحاظ شود.

۴- همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرایط مداخله‌گر در تحقق سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه مسکن اجتماعی شامل "ساخت خودیار و تدریجی، حمایت از تعاونی مسکن، مکانیابی با محوریت برابری اجتماعی، بکارگیری سیستم تضمین کیفیت و ایجاد اطمینان" است.

- شرکت‌های تعاونی مسکن یکی از راه‌هایی است که هر خانواده، بمنظور تهیه و تملک سرپناهی برای رهایی از رنج اجاره‌نشینی و خانه بدوشی سالانه، به عضویت آنها در می‌آیند. تا پایان مهر ماه ۱۳۸۵ تعداد ۱۳۱۵۹ تعاونی مسکن در کل کشور تشکیل و ثبت شده که بالغ بر دو میلیون نفر عضو دارند. ۷۹۵۵ تعاونی (معادل ۶۰ درصد کل تعاونی‌های کشور) کارمندی، ۳۸۷۳ تعاونی (معادل ۳۰ درصد) کارگری، ۶۵۱ تعاونی فرهنگیان و ۶۸۰ تعاونی آزاد می‌باشند. قریب به یک میلیون و پانصد و سی و شش هزار نفر از کارمندان و فرهنگیان و بالغ بر چهارصد و چهل و پنج هزار نفر از کارگران به امید دستیابی به مسکن در شرکت‌های تعاونی مسکن عضو شده‌اند.

- ساخت خودیار و تدریجی که بیشتر شیوه عملی اغلب کشورها بوده است، به این صورت است که دولت زمین آماده را در اختیار اقشار کم درآمد و فقیر جامعه قرار می‌داد. در این طرح که زمین‌ها دارای طرح و نقشه‌های کاربردی بودند، امکان ساخت خودیار و تدریجی به موازات بهبود وضعیت اقتصادی خانوار فراهم بوده و سرمایه‌گذاری سرانه دولت نیز کاهش می‌یابد و هم این که تعداد بیشتری مشمول برنامه ی حمایتی می‌شدند.



- انتخاب مکان مناسب جهت احداث مکان‌های مسکونی در زمره ی مسائل بسیار مهم در برنامه ریزی شهری می باشد. در مورد طرح مسکن اجتماعی علاوه بر معیارهای فنی، باید به مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز توجه ویژه داشت. من جمله به اسکان آبرومندانه و عدم تفکیک و رعایت ملاحظات جدا سازی و تردد اجتماعی و اسکان در مناطق جدا افتاده، باید توجه ویژه داشت.

- نظارت و ارزیابی منظم و برنامه‌ریزی شده جنبه‌های گوناگون یک پروژه، سرویس، سیستم یا وسیله است که در مورد مسکن اجتماعی نیز باید اعمال گردد. این اصل احتمال رعایت حداقل‌های استاندارد کیفیت در فرایند تولید را به حداکثر می‌رساند. تضمین کیفیت راهی برای جلوگیری از خطا و اشکالات احتمالی پیش آمده در هنگام تحویل محصولات یا ارائه ی خدمات به مشتری است. تضمین کیفیت شامل اقدامات اجرایی در یک سیستم کیفی است که اهداف محصول، خدمات یا فعالیت‌ها را انجام پذیر می کند. اندازه گیری سیستماتیک، مقایسه با استاندارد، بازرسی روندها و بازخوردها که جهت جلوگیری از خطا انجام می شود. این می تواند تفاوت تضمین کیفیت با کنترل کیفیت باش، که بر روی خروجی روندها تمرکز دارد. یکی از مصاحبه شوندگان در این باره توضیح میدهند که، مکان‌ها و محلاتی که افراد متعلق به آنجا هستند و با آنجا خاطره دارند، مورد توجه برنامه ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد، نمادها و نشانه‌های فرهنگی و اجتماعی افراد اگر در طراحی مجتمع‌ها و اجرای طرح‌ها لحاظ شود حس تعلق افراد را بالا می برد، همچنین اگر سعی شود مکان یابی مناسبی صورت گیرد که افراد بتوانند با آن محیط ارتباط برقرار کنند نیز مفید خواهد بود.

۵- یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که راهبردها تحقق سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه مسکن اجتماعی شامل "کنترل شکاف عرضه و تقاضا، مخاطب شناسی دقیق و سنجیده، توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی، توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق، توجه به مسائل فرهنگی، توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی، کنترل قیمت اجاره" است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به بررسی آسیب‌ها و چالش‌های بازار مسکن پرداخته است. این گزارش با بررسی شاخص خانوار در واحد مسکونی بر افزایش شکاف عرضه و تقاضا تاکید کرده است. این گزارش همچنین با بررسی چالش‌ها در این بازار پیشنهادات سیاستی خود را ارائه کرده است. در زیر بخش‌هایی از این گزارش را می‌خوانید.

طی پنج سال گذشته، تولید مسکن با کاهش بسیاری مواجه بوده به گونه‌ای که به پایین‌ترین حد آمار شروع احداث واحدهای مسکونی جدید در ۱۰ سال اخیر رسیده است و شکاف تولید و عرضه مسکن متناسب با نیاز و تقاضای بازار نبوده است. به لحاظ قیمت نیز بعد از یک دوره چندساله ثبات نسبی قیمت‌ها از ابتدای سال ۱۳۹۷ تاکنون، رشد شدید قیمت تا بیش از دو برابر را داشته است. عوامل بسیاری بر این افزایش قیمت مسکن تاثیرگذار بوده که علاوه بر تاثیر رکود سال‌های گذشته و کاهش تولید که یکی از



عوامل قابل پیش‌بینی افزایش قیمت بوده است، از عوامل دیگر آن می‌توان به نوسان‌های بازارهای موازی از جمله ارز و سکه اشاره کرد. با افزایش تورم و کاهش سود سپرده‌های بانکی در سال گذشته بخش عمده‌ای از نقدینگی کشور به سمت بازارهایی که می‌توانند باعث حفظ ارزش سرمایه شوند از جمله مسکن، ارز و سکه حرکت کرد که افزایش قیمت‌ها را تشدید کرد. در واقع حرکت مسکن از سمت یک کالای مصرفی به سمت یک کالای سرمایه‌ای و معاملات پرسود آن در غیاب مالیات‌های کنترل‌کننده سبب تشویق دلالتان و سودگران به فعالیت در این بازار و دامن زدن به نابسامانی آن شده است.

در کنار این عوامل، موضوع مهم دیگر تاثیرگذار بر بازار مسکن عدم تعادل بین عرضه و تقاضای مسکن است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ کل مسکن موجود در کشور حدود ۲۵/۴ میلیون واحد بوده است که از این تعداد حدود ۲۲/۸ میلیون واحد مسکونی دارای سکنه و حدود ۲/۶ میلیون واحد خالی است. تعداد کل خانوارها نیز در این سال ۲۴ میلیون خانوار بوده که با در نظر گرفتن واحدهای مسکونی دارای سکنه، شاخص خانوار در هر واحد مسکونی برابر با ۱/۰۶ است که نشان می‌دهد حدود ۲/۱ میلیون خانوار بدون مسکن مستقل هستند.

به نظر می‌رسد رونق تولید مسکن تا حد زیادی تحت تاثیر تحولات کلان اقتصادی و سیاسی است و به نوعی گذار به دوران ثبات، کاهش جذابیت سوداگری در بازارهای موازی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری مسکن پیش‌شرط‌های فرابخشی رونق تولید مسکن خواهند بود.

به کارگیری و تغییر سازوکار اجرایی، ابزارهایی موثر و قدرتمند نظیر تامین زمین دولتی، افزایش اعتبارات و تنوع روش‌های تامین مالی و کاهش هزینه ساخت و مصالح می‌تواند تا حد زیادی به رخوت و رکود تولید مسکن پایان بخشد. در این جدول بخش‌هایی از چالش‌ها و آسیب‌ها و راهکارهای و ضرورت‌های آن ارایه شده است.

کنترل نرخ اجاره یکی از طرح‌هایی است که در سالهای اخیر با توجه به افزایش اجاره بها و اهمیت روز افزون نسبت خانوارهای اجاره نشین در شهرهای بزرگ مطرح شده است. مجلس نیز به این موضوع ورود کرد و با توجه به دغدغه مردم طرح دوفوریتی را تحت عنوان ساماندهی و کنترل اجاره بهای املاک مسکونی تهیه کرد. پس از تصویب دو فوریت این طرح اکنون در کمیسیون عمران در حال چکش کاری بوده و به زودی به صحن مجلس می‌آید. خیلی از قراردادهایی که از قبل نوشته شده با رقم بالایی بوده و حال اگر مصوبه هیات وزیران نیز اجرایی شود افزایش قیمت چشمگیری خواهد بود.

یکی از مصاحبه شوندگان در اینبار میگویند که، در تمامی طرح‌ها باید گروه‌های هدف شناسایی شوند، زمین رایگان در اختیار مردم گذاشته شود، مشارکت دادن مردم در اجرای طرح‌ها جدی گرفته شود، نرخ سود تسهیلات برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه کمتر لحاظ شود، طول دوران بازپرداخت اقساط افزایش یابد و برای افرادی که هیچگونه توانمندی مالی ندارند دولت ملک رایگان تهیه و در اختیارشان بگذارد.



۶- همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیامدهای سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه مسکن اجتماعی شامل "ارتقای کمی و کیفی تولید و عرضه، تعادل بخشی به بازار مسکن، کاهش استهلاک واحدهای مسکونی، ارتقای شاخص‌های به سازی مسکن روستایی، ایجاد حس تعلق به مکان با سبک‌های معماری نوین، واگذاری امور به مردم در اجرای طرح" می‌گردد.

اینکه کیفیت ساخت و ساز مسکن نباید فدای سرعت و کمیت شود، ادامه داد: ساخت و ساز مسکن باید درست و با طراحی‌های مناسب و برنامه ریزی شده باشد.

حس تعلق به مکان یکی از واکنش‌های احساسی و عاطفی انسان نسبت به محیط است که فرد را به مکان پیوند داده و هویت شخص و مکان را شکل می‌دهد. حس تعلق به مکان، پیوندی محکم بین فرد و مکان ایجاد کرده و افراد خود را با مکانی که به آن تعلق دارند می‌شناسند. نوع معماری مسکن روستایی و سبک آن‌ها با ساختارهای اجتماعی-اقتصادی خاص خود به‌عنوان مناطق متمایز از شهرها مطرح بوده و می‌توانند باعث شکل‌گیری احساس تعلق مکانی برای ساکنان خود و هویت مستقل شوند.

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گویند: واگذاری بیشتر امور به مردم در اجرای طرح‌ها می‌تواند مشارکت اجتماعی را بالا ببرد، حمایت از گروه‌های خیرین مسکن ساز، حمایت از تعاونی‌های مسکن، افزایش میزان تسهیلات، کاهش نرخ تسهیلات، تامین زمین رایگان، افزایش مدت بازپرداخت اقساط و برقراری پلکانی اقساط، از دست آوردهای این اقدام خواهد بود.

تفسیر نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های هویت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

یافته‌ها نشان داد اثر مستقیم سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های هویت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مثبت و معنی‌دار است. می‌توان ادعا نمود که فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های هویت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های " روستایی، شری زاده (۱۳۹۹)، حسینی (۱۳۹۷) و زیاری، پوراحمد، محمدی (۱۳۹۵) تا حدودی همخوانی دارد

فرضیه دوم: سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های حس تعلق در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

یافته‌ها نشان داد اثر مستقیم سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های حس تعلق در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مثبت و معنی‌دار است. لذا می‌توان ادعا نمود که فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای



مؤلفه‌های حس تعلق در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های "قاراخانی (۱۳۹۰)، اطهاری (۱۳۹۰) تا حدودی همخوانی دارد
فرضیه سوم: سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

یافته‌ها نشان داد اثر مستقیم سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مثبت و معنی‌دار است. در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان ادعا نمود فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

این یافته با نتایج پژوهش‌های "اطهاری (۱۳۹۰) حسینی (۱۳۹۷) و قاراخانی (۱۳۹۰)، تا حدودی همخوانی دارد

فرضیه چهارم: سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های مشارکت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است.

یافته‌ها نشان داد اثر مستقیم سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های مشارکت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مثبت و معنی‌دار است. بنابر این می‌توان ادعا نمود که فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای دولت در بخش مسکن، بر ارتقای مؤلفه‌های مشارکت در بین اقشار آسیب‌پذیر استان اردبیل مؤثر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های "

شیرعلی (۱۳۹۲)، حسینی (۱۳۹۷) و زیاری، احمد پوراحمد، محمدی (۱۳۹۵) تا حدودی همخوانی دارد
در نهایت باید گفت تأمین مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه از مهمترین مسائل و چالش‌ها برای رسیدن به توسعه پایدار محسوب می‌شود و یکی از حوزه‌های مهم در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی است، مسکن به مثابه ی نه تنها یک مکان، بلکه جایی است که فراغ، آسودگی و امنیت شهروندان جامعه در آنجا شکل می‌گیرد (مأمّن امن) و بر این اساس هست که نباید مسکن را فقط به عنوان یک سرپناه مورد مطالعه قرار داد. دغدغه تأمین مسکن مسأله و مشکل اساسی اقشار کم درآمد و آسیب پذیر جامعه است، چرا که اقشاری که بهره‌مند از سرمایه اقتصادی هستند خود می‌توانند در بازار آزاد اقدام به تهیه و حتی سرمایه‌گذاری در بخش مسکن نمایند.

همچنین بخش مسکن از بخش‌های پیشرو در توسعه می‌باشد و توجه به آن علاوه بر تأثیرات اقتصادی به لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز حائز اهمیت بوده و همچون موتور رشد و توسعه عمل می‌نماید و ارتباط تنگاتنگی با تمامی شاخص‌ها و ابعاد توسعه دارد. لذا برنامه ریزی در بخش مسکن یکی از الزامات مهم برای توسعه و بالاخص توسعه اجتماعی محسوب می‌شود.



در این میان، سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته توسط دولت در حوزه تأمین مسکن برای اқشار آسیب‌پذیر جامعه در اردبیل نیز می‌بایست به گونه‌ای باشد که منجر به ایجاد رفاه اجتماعی و حذف نابرابری‌ها در جامعه شود. لذا عوامل موفقیت در حوزه مسکن اجتماعی شامل "مدیریت مقرون به صرفگی مسکن از طریق یارانه بخش عرضه و یارانه بخش تقاضا، مکانیابی با محوریت برابری اجتماعی و بهره‌مندی عمومی، بهسازی شهری همراه با جلب مشارکت مدنی، سازگاری برنامه ریزی مسکن با شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقلیمی منطقه، رعایت استانداردهای علمی سازه‌های فیزیکی و ساختمانی" مقوله محوری شامل "ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مسکن و برنامه‌های توسعه شهری و روستایی، توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق، مخاطب‌شناسی دقیق و سنجیده، توجه به مسائل فرهنگی، اعتماد سازی قبل از اجرا"، بستر و زمینه شامل "مدیریت بهینه اراضی و تأکید بر بهره‌وری، انبوه‌سازی، ارتقای فن‌آوری ساخت و ساز، ایجاد حس تعلق به مکان با سبک‌های معماری نوین" می‌باشد. شرایط مداخله‌گر شامل "ساخت خودیار و تدریجی، حمایت از تعاونی مسکن، مکانیابی با محوریت برابری اجتماعی، بکارگیری سیستم تضمین کیفیت و ایجاد اطمینان" است. راهبردها شامل "کنترل شکاف عرضه و تقاضا، مخاطب‌شناسی دقیق و سنجیده، توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی، توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق، مخاطب‌شناسی دقیق و سنجیده، توجه به مسائل فرهنگی، توجه به نمادهای فرهنگی و نشانه‌های اجتماعی، توجه به فرهنگ اقلیم و اقتصاد مناطق، کنترل قیمت اجاره" و پیامدها شامل "ارتقای کمی و کیفی تولید و عرضه تعادل بخشی به بازار مسکن، کاهش استهلاک واحدهای مسکونی، ارتقای شاخص‌های به‌سازی مسکن روستایی، ایجاد حس تعلق به مکان با سبک‌های معماری نوین، واگذاری امور به مردم در اجرای طرح" می‌باشد.



منابع و ماخذ:

- اطهاری، کمال (۱۳۹۰). گزارش وضعیت اجتماعی ایران، مقاله مسکن، تهران: موسسه رحمان.
- بایبو، نوربرتو، (۱۳۸۴)، چپ و راست؛ اهمیت یک تفکیک سیاسی، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: علم و ادب.
- بلیک مور، کن (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه: علی اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵)، اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.
- داریوش، آشوری، دانشنامه ی سیاسی، نشر مروارید، چاپ شانزدهم ۱۳۸۷- ص ۳۸.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغ شده از سوی مجلس شورای اسلامی ایران، مهر ۱۳۸۳.
- سیدهادی حسینی (۱۳۹۷). بررسی سیاست‌های جهانی در زمینه ی تأمین مسکن مقرون به صرفه و ارائه ساز و کار پیشنهادی برنامه ریزی مسکن در ایران. معماری شناسی. شماره ۱.
- شیرعلی، ابراهیم، (۱۳۹۲)، مطالعه تحولات سیاست‌های مسکن در ایران بعد از انقلاب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران.
- شهرپور روستایی، عادل شری زاده (۱۳۹۹) آینده نگاری برنامه ریزی مسکن اقشار کم درآمد شهری با رویکرد سناریونویسی (مطالعه موردی: کلان شهر تبریز). پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری دوره ۸، شماره ۴ ۸۳۳ - ۸۵۹.
- قاراخانی، معصومه، (۱۳۹۰)، پژوهش سیاست اجتماعی در ایران، فصلنامه برنامه ریزی رفاه توسعه اجتماعی، شماره ۹.
- کرسول، جان. (۱۳۹۱). پویای کیفیت و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی). ترجمه حسن دانایی‌فرد، حسین کاظمی. انتشارات صفار. ویرایش دوم. تهران.
- کرامت الله زیاری احمد پوراحمد حسین حاتمی نژاد اکبر محمدی (۱۳۹۵). برنامه ریزی مسکن گروه‌های کم درآمد شهری با تأکید بر توانمندی مالی و خط فقر مسکن (جمعیت شهری استان کردستان). پژوهش‌های جغرافیایی انسانی دوره ۴۸، شماره ۲ (پیاپی ۹۶).



10.30495/JSCC.2024.19938



- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). تجربه نوسازی (مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای). تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- موسوی، م. (۱۳۸۵). (مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۳، صص ۶۷-۹۲.
- نجفی، موسی (۱۳۹۲). هویت شناسی: پیرامون نظریه هویت ملی در ایران و بازتاب آن در فرهنگ، تاریخ و سیاست، انتشارات آرما.
- یعقوبی، فریرز و یعقوبی سنقرچی، معصومه، ۱۳۹۵، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، سومین کنفرانس بین المللی علوم و مهندسی، <https://civilica.com/doc/491636>

- Barclay, D. W. Higgins, C. & Thompson, R. (1995) "The Partial Least Squares (PLS) Approach to Causal Modelling, Personal Computer Adoption and Use as an Illustration." *Technology Studies*, 2 (2): 285-309.
- Cronbach, L. (1951). Coefficient alpha and the internal structure of tests. *Psychometrika*.
- Fornell, C. & Larcker, D. (1981) "Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error." *Journal of Marketing Research*, 18 (1): 39-50
- Nunnally, J. (1978). *Psychometric methods*: New York: McGraw-Hill.
- Nunnally J C, Bernstein I H. *The theory of measurement error*. *Psychometric theory*. 3th ed. Human Kinetics; 1994. P. 209-247.
- Werts, C. E. Linn, R. L. & Joreskog, K. G. (1974) "Intra Class Reliability Estimates; Testing Structural Assumptions." *Educational and Psychological Measurement*, 34 (1): 177 -190.



Investigating the Cultural and Social Effects of the Transition from Tradition to Modernity on the Physical Structure of Historical Houses in Tabriz

Leila Firozfar Aghaei¹, Mir Saeed Mousavi*², Nima Valizadeh³, Asadollah Shafizadeh⁴

(Received date: 2023/00/00 - Received date: 2023/00/00)

Abstract

The house, as one of the most important types of buildings, has always been a platform for social and cultural changes, and an important part of society's developments can be seen in it. From the end of the Qajar period and the beginning of the Pahlavi period, the architecture of houses in most cities, including Tabriz, was affected by social and cultural developments. Considering that most of the historical houses in Tabriz belong to the late Qajar and Pahlavi period, which coincides with the transition from tradition to modernity in Iran. In this research, the effectiveness of this transition on the evolution of the structure of houses was investigated from the perspective of architects. The main strategy of this research was analytical-historical, and data collection was done in a combination of documentary and field methods. For this purpose, a questionnaire to measure the degree of impact (transition from tradition to modernity) in three components of historical houses of Tabriz, including spatial relationships, interior decorations and the main facade, has been prepared in the form of a five-point Likert spectrum and is available to architectural experts who have sufficient knowledge of The houses of this period were placed. The results were analyzed in Expert Choice software and with AHP technique. The results show that there is a relatively significant relationship with the index of interior decorations in the course of this process. In the index of spatial relationships, a significant change is evident in the buildings leading to the first side, and in the third index of the main view of these buildings, no specific meaningful relationship is seen. What is worthy of consideration in this evolution is the greatest impact on the area of the arenas.

Keywords: Cultural and Social Changes, Historical houses, Tradition and Modernity, Society, Architecture

¹ PhD student in Architecture, Islamic Azad University, Ahar, Iran, leylafirozfar67@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (corresponding author): ms.moosavi@iaut.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tabriz, Iran Nima.valizadeh@iaut.ac.ir

⁴ Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Ahar, Iran Shafizade.a@gmail.com



10.30495/jsc.2023.199129



بررسی اثرات فرهنگی و اجتماعی گذار از سنت به مدرنیته بر ساختار کالبدی خانه‌های تاریخی تبریز

لیلا فیروزفر آقایی^۱، میرسعید موسوی^{۲*}، نیما ولیزاده^۳، اسدالله شفیع زاده^۴

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰)

چکیده

خانه، به منزله یکی از مهمترین گونه‌های ساختمانی، همواره بستر تغییرات اجتماعی و فرهنگی بوده و بخش مهمی از تحولات جامعه را می‌توان در آن مشاهده کرد. از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، معماری خانه‌ها در بیشتر شهرها از جمله تبریز تحت تاثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی قرار گرفت. با توجه به اینکه اکثر خانه‌های تاریخی تبریز مربوط به اواخر دوره قاجار و پهلوی هستند، که مصادف با جریان گذار از سنت به مدرنیته در ایران می‌باشد. در این پژوهش، نحوه اثرپذیری این گذار بر تحول ساختار خانه‌ها از دید معماران بررسی گردید. راهبرد اصلی این تحقیق، تحلیلی- تاریخی بود و گردآوری اطلاعات به صورت ترکیبی از روش اسنادی، میدانی انجام شد. بدین منظور، پرسشنامه‌ای برای سنجش میزان تاثیر گذار از سنت به مدرنیته در سه مولفه خانه‌های تاریخی تبریز شامل روابط فضایی، تزئینات داخلی و نمای اصلی به صورت طیف پنج مرحله‌ای لیکرت تنظیم شده و در اختیار متخصصان معماری که شناخت کافی از خانه‌های این دوره داشتند قرار گرفت. نتایج در نرم افزار Expert Choice و با تکنیک AHP مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد شاخص تزئینات داخلی در سیر این روند یک رابطه نسبتاً معناداری وجود دارد. در شاخص روابط فضایی تغییر معنادار در بناهای منتهی به پهلوی اول مشهود است و در شاخص سوم نمای اصلی این بناها رابطه معنادار مشخصی دیده نمی‌شود. آنچه که قابل تامل است در این سیر تحول بیشترین تاثیر در مساحت عرصه‌ها می‌باشد.

کلیدواژگان: تغییرات فرهنگی و اجتماعی، خانه‌های تاریخی، سنت و مدرنیته، جامعه، معماری.

leylafirozfar67@gmail.com
ms.moosavi@iaut.ac.ir
Nima.valizadeh@iaut.ac.ir
Shafizade.a@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
^۲ استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).
^۳ استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
^۴ استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.



10.30495/jsc.2023.199129



مقدمه

درک خانه و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه با در نظر گرفتن تمامی وجوه نمادین، نهادین، مادی، زیبایی‌شناسانه یا همان «فرهنگ خانه» امکانپذیر است. آنچه که فرهنگ خانه نامیده میشود دربردارنده ریشه‌ها، کارکردها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی مسکن در هر جامعه معین است. خانه از دیدگاه اقتصادی نوعی کالا، از دیدگاه هنری نماد، از دیدگاه جامعه‌شناسانه نهاد، از دیدگاه مهندسی و معماری بنا یا ساختمان، از دیدگاه شهرسازی فضا و از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی فرهنگ است که تمام ابعاد مذکور را در بر دارد (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۷). ایران در اوایل قرن بیستم، مصادف با دوره پهلوی اول تغییرات گسترده‌ای را از سرگذراند که این تغییرات بر ساختار اجتماعی، روابط قدرت و زبان سیاسی آن دوره تأثیر اساسی گذاشت. نفوذ روز افزون اروپائیان موجب تضعیف دولت، اقتصاد داخلی و نخبان سنتی شد و در نتیجه ایران را در معرض جریان پیشروی سریع نظام سرمایه داری روبه گسترش غرب قرار داد. اولین جریان نوگرایی در سبک زندگی ایرانیان، به تقلید از غرب در اواخر دوره قاجار در جامعه ایران رخ داد و بیشترین تأثیر را در معماری خانه‌ها نشان داد (پیتر آوری، ۱۳۸۶: ۴۳). با ادامه گسترش روابط ایران و غرب، تجدد طلبی روز به روز فزونی یافت و روشنفکران با ترویج افکار و اندیشه‌های غربی در قالب مشروطه خواهی پایه‌های اقتدار سیاسی قاجار را تضعیف کردند و با حمایت آنها قاجار ساقط شد و سلسله پهلوی ظهور پیدا کرد و بدین ترتیب رضا شاه مجری قهاری برای اندیشه متجدد طلبان در ایران شد. یکی از اهداف عمده حکومت پهلوی، تغییر سبک زندگی به شیوه تجدد غربی بود. در این راستا فعالیت‌هایی نظیر نوسازی و تجهیز ارتش، ایجاد بروکراسی و مرکزگرائی، توسعه نهادهای آموزشی نوین، تلاش برای حضور بیشتر زنان در عرصه عمومی، کشف حجاب، متحد الشکل کردن لباس، تلاش برای تضعیف نهادها و نیروهای سنتی و مذهبی بر طبق تصویر غرب صورت گرفت و به دنبال آن زمینه‌های تحول معماری هم آشکار شد (هدایت نقل شده در ابراهیمی، سلطان زاده و میرشاهزاده، ۱۳۹۶: ۵۰۶ و اتابکی، ۱۳۸۳: ۱۸). سیاست تجدد گرانه به تریخ فضای سنتی و اجتماعی و همین‌طور سیاسی ایران را تغییر داد، نهادهای تازه‌ای چون ارتش منظم، نظام پولی واحد و برنامه‌های آموزشی عرفی بنا گذاشته شد و ساخت بناهایی با کاربری جدید و بر اساس الگوی معماری غرب آغاز شد (اتابکی، ۱۳۸۳: ۱۸). با نگرشی کلی به تحولات جامعه ایران در گذار از سنت به مدرنیته، چنین به نظر میرسد که شناخت هویت مفهومی معماری خانه‌های آن دوره و چگونگی تأثیرپذیری آن از تحولات جامعه با توجه به گذر از سنت به تجدد و با دخیل شدن کلیه عوامل خارجی در آن، مورد توجه معماران و پژوهشگران متعدد بوده است.

علی‌رغم توجه به خانه‌های تاریخی تبریز در سال‌های اخیر، مطالعات تحلیلی دقیق از چگونگی تغییر ماهیت معماری آنها در اثر تحولات اجتماعی و فرهنگی انجام نشده و بیشتر پژوهش‌ها به معرفی خانه‌ها



10.30495/jssc.2023.199129



بسنده کرده اند. با توجه به اینکه اکثر خانه‌های تاریخی موجود در تبریز مربوط به اواخر دوره قاجار و پهلوی هستند (خانه‌های دوره‌های قبل در زلزله مهیب سال ۱۱۹۳ ق از بین رفته اند)، که مصادف با جریان گذار از سنت به مدرنیته در ایران است، در این پژوهش، نحوه تاثیر گذاری این گذار بر تحول ماهیت خانه‌ها در چهار مولفه شامل روابط فضایی، تزئینات داخلی، نمای اصلی، روش ساخت و مصالح از دید معماران بررسی شده و به صورت زوجی مقایسه تطبیقی انجام شده است.

تاثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی بر تغییر ماهیت خانه

نگاهی به تاریخ ایران پس از مشروطه، نشان می‌دهد که تا اواخر دوران قاجار، در خانه‌های طبقه متوسط وضع بسان قبل بود؛ هنوز حیاط فضایی مستقل و اصلی بود که در میانه آن حوضی قرار داشت و آب و آسمان و درخت را به خانه هدیه می‌داد. به تدریج در خانه‌های اشراف و متمولان، بارقه‌های مدرنیزاسیون در تزئینات پیدا شد؛ لیکن اسلوب کلی خانه‌ها بر همان سیاق قبلی بود. رفته رفته این تأثیرپذیری از تزئینات به مبلمان و به عبارتی انتظام فضاها سرایت کرد و سپس به اسلوب خانه نیز راه یافت. آمدن میز و صندلی و لوستر و شومینه و... هرچند در ابتدا معنی ای جز همان تزئینات نداشت، ناخودآگاه عاملی شد بر تحول سبک زندگی (بهشتی، ۱۳۹۵). در ادامه، گونه‌ای از مسکن رواج یافت که کمتر حالت درون گرایی داشت؛ مانند گذشته به خیابان پشت نکرده و حتی دارای پنجره است. در عین حال، این مسکن دارای دری جدا از درب حیاط است که مستقیماً به سرسرای خانه راه دارد و ساکنان بدون نیاز به تردد از حیاط، به داخل فضای خانه راه می‌یافتند. به علاوه، گونه‌های دیگر مسکن، از جمله خانه باغ‌ها در شهرهای نفتی، آپارتمان‌های کوچک در طبقه بالای واحدهای تجاری در خیابان‌های نوساز پهلوی، خانه‌های دوبلکسی، کوی‌ها و آپارتمان‌های مسکونی با اعتبار دولتی، خانه‌های سازمانی و... توسط معماران حرفه‌ای یا بخش دولتی یا سازندگان غیرحرفه‌ای ساخته شد. در مجموع، عوامل مؤثر بر این تغییرات کالبدی گاه ناشی از اعمال سیاست‌های جدید حکومت و تغییر سبک‌های معماری بوده که تأثیرات خود را در زمان کوتاه تری نشان داده است؛ و گاهی نیز ناشی از نواخواهی مردم و تغییر در تقاضای جامعه بوده که به تدریج رخ داده است (حق شناس و حناچی، ۱۳۹۹).

از ابتدای قرن حاضر و با شروع دوران پهلوی تحولات وسیعی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران به وقوع پیوست. تمرکز روزافزون قدرت و نظام کشوری، جنگ جهانی دوم، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اجرای برنامه‌های توسعه و افزایش مبادلات اقتصادی و فرهنگی با غرب نمونه‌هایی از این تحولات بودند که اثرات جمعیتی، کالبدی و فرهنگی وسیعی بر جای گذاشتند (طالبی، حجت و فرضیان، ۱۳۹۳: ۲۴). البته شروع برخی از این تحولات را می‌توان از قرن پیش و در زمان حکومت قاجار جست و جو کرد. حضور مستشاران، مبلغان دینی و متخصصان غربی در ایران و تعامل ایشان با عموم مردم و ارایه سبک متفاوت زندگی، حضور معماران خارجی در ایران و اعزام دانشجویان ایرانی به خارج از کشور، ساخت شهرک‌های



10.30495/jssc.2023.199129



جدید مسکونی توسط شرکت‌های صنعتی و نفتی، آموزش اصول نوین بهداشت و سبک خانه داری در مدارس و مجلات معماری و نشریات زنان، از جمله عوامل خارجی مؤثر بر تغییر سبک زندگی و معماری خانه هستند (حق شناس و حناچی، ۱۳۹۹).

ضرورت تحقیق:

تبریز از ابعاد گوناگون همواره به عنوان یکی از تاثیرگذار و تاثیرپذیرترین از شهرهای ایران در تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این دوره بوده است. به سبب این امر، معماری شهر تبریز دستخوش تغییراتی می‌گردد. که در معماری خانه‌ها علاوه بر ادامه روند معماری سنتی، بروز سبک‌های معماری غربی مشاهده می‌گردد. امروزه مشاهده می‌شود در ساخت بناها تاثیرپذیری الگوهای غربی، الگوهای شرقی و یک سری ساختارهایی از هم گسیختگی که از هیچ گونه الگوهایی پیروی نمی‌کند. آنچه که بدیهی است همواره یک رابطه قوی و تاثیرگذاری دو طرفه بین معماری و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی هر جامعه وجود دارد. برای درک این تاثیر و هدایت هوشمندانه و هدفمند آن، نیاز به شناخت سیر تحول در بازه‌های زمانی تاثیرگذار در محیط پژوهش می‌باشد.

بیان مسئله:

پژوهش در باب ماهیت اثر معماری و تاثیرپذیری آن از زمان، از گذشته‌های دور مورد توجه فیلسوفان و اهل اندیشه از افلاطون و ارسطو تا نیوتن، لایبنیتس، کانت، هگل، هایدگر و... بوده است و هریک فراخور فهم و اقتضای نظام فکری‌شان روایتی از مکاشفات ذهنی خود درباره آن عرضه کرده‌اند (شکری، ۱۳۹۵). در این میان، عناصر مرتبط با معماری همچون فضا، مکان، فرم و عملکرد و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

لینچ در کتاب تئوری شکل شهر، معنای مکان را حاصل رابطه بین عناصر فضا با ساختارهای ذهنی مشاهده گر می‌داند. در این تعریف منظور از عناصر و اجزای فضا، عواملی است که محیط کالبدی به وسیله آنها تعریف می‌شود. الگوهای ذهنی در تعریف لینچ در برگیرنده تمام مفاهیم و ارزش‌هایی است که شامل فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه، ساختار اجتماعی و ... استفاده کنندگان از فضا است (لینچ، ۱۳۸۷: ۷۶). آموس راپاپورت نقش فرهنگ و ساختار اجتماعی حاکم بر یک جامعه را در شکل‌گیری معنای محیط، بسیار با اهمیت می‌داند. به اعتقاد وی «مردم به یاری فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان بینی و نظام‌های نهادی مشترک، به محیط خود معنی داده و فضای بی معنی را به مکان تبدیل می‌کنند. از دیگر سو، او اعتقاد دارد که فرهنگ به گونه‌ای نامستقیم یکی از پایه‌های اصلی زندگی روانی انسان‌هاست و با مطالعه فرهنگ می‌توان به ادراک انسان از محیطی که گرداگرد خود ساخته، پی برد.» به عبارتی واکنش افراد نسبت به محیط‌های مختلف متأثر از معانی است که از آن محیط‌ها ادراک می‌کنند به نوعی که حتی



10.30495/jssc.2023.199129



رفتارهای افراد در محیط بسته به معانی است که از محیط دریافت می‌کنند (Rapaport, 1982: 93) .

زمینه ایجاد چنین انتخابی بدون تردید، پدیده اجتماعی مدرنیسم (مدرنیته) بود. نگرش‌های جدید، برداشت‌های تازه و تفکرات نوین در کنار نیازهای و خواست‌های جدید که همگی زاینده تفکر مدرنیته بود پشتوانه مناسبی را برای چنین انتخابی فراهم کرده بود. این گفته ویکتور کوزین فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم را که «التقاط‌گرایی هرگز نمی‌تواند هنر تازه‌ای پدید آورد ولی قادر است به عنوان یک شیوه انتقالی و دوره گذار عمل کند» (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

در حال حاضر شهر تبریز مواجه است با یک سری معماری بی‌هویت که پیروی از الگوهای نامتعارفی که به شکل نامتعارف تر هم اجرا می‌شود. این سبک معماری که رایج است و هیچ هویتی را نمی‌توان تعریف کرد چه سنتی، چه پست مدرن و چه مدرن که با هم هیچ تطبیقی ندارد و با نیازهای اجتماعی و فرهنگی و زیستی روزمره ساکنین نیز مطابقت ندارد. در این راستا می‌توان با بررسی معماری گذشته خانه‌های قدیمی تبریز که ریشه در معماری مکتب تبریز دارد و با فرهنگ و ساختارهای اجتماعی آن تطبیق داشته است، به یکسری الگوهایی دست پیدا کرد که نوع، نحوه و میزان تاثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی در دوره‌های گذشته را تبیین کرد. در حال حاضر روند معماری و شهرسازی ناهمگون با ترکیب اجتماعی و مولفه‌های فرهنگی حاکم بر شهر، شهر را می‌توان از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی موجود برشمرد.

هدف و سوال پژوهش:

تبیین تاثیر گذاری تحولات فرهنگی و اجتماعی در تحول معماری خانه‌های تاریخی تبریز در گذار از سنت به مدرنیته.

آیا الگوی قابل‌تعمیم در سیر تحول ساخت خانه‌های دوره قاجار تا پهلوی اول شهر تبریز تحت تاثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی این زمان وجود دارد؟

روش تحقیق:

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، ترکیبی از روش اسنادی، مشاهده و پیمایشی بود. بر اساس مستندات سازمان میراث فرهنگی تبریز در حدود ۵۷۳ باب بنای دارای ارزش معماری وجود دارد که از میان آنها تقریباً ۱۵۴ باب از این بناها مربوط به دوره هدف (دوره قاجار تا اوایل دوره پهلوی اول) می‌باشد. در این پژوهش با لحاظ پراکنش این بناها در بافت تاریخی ۱۶ باب به عنوان نمونه با بازه زمانی ساخت متفاوت (از قدیمی‌ترین تا اواخر قاجار) انتخاب گردیده است. به منظور ارزیابی این بناها در راستای اهداف تحقیق، پرسشنامه‌ای برای سنجش میزان تاثیر و تجلی سنت یا مدرنیته در سه مولفه خانه‌های تاریخی تبریز شامل روابط فضایی، تزئینات داخلی و نمای اصلی به صورت طیف پنج مرحله‌ای لیکرت (کاملاً سنت



10.30495/jssc.2023.199129



گرا، نسبتاً سنت گرا، ترکیب برابر، نسبتاً مدرن، کاملاً مدرن) تنظیم شده و در اختیار ۳۵ نفر از متخصصان معماری که شناخت کافی از ماهیت معماری خانه‌های این دوره داشتند قرار داده شد. نهایتاً تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل و جمع‌آوری گردید که یافته‌های پژوهش بر مبنای نتایج این پرسشنامه‌ها تدوین شده است. بازه زمانی مد نظر برای پژوهش از اواخر دوره قاجار تا اوایل دوره پهلوی اول می‌باشد که تعداد ۱۶ خانه مرمت شده و حفاظت شده مربوط به این دوره که قابل بازدید هستند مورد بررسی قرار گرفته است. خلاصه‌ای از اطلاعات مربوط به خانه‌های منتخب در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: مشخصات خانه‌های مورد مطالعه

کد خانه	نام خانه	زمان ساخت	موقعیت	مساحت
۱	خانه صحتی	اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی	خیابان شهید مطهری (راسته کوچه)، کوچه گوگانی	حدود ۸۴۴ مترمربع زیربنا و ۴۰۹ متر مربع مساحت
۲	خانه شربت اوغلی	اواخر دوره قاجار	خیابان شهید ثقفی‌الاسلام، روبه روی مقبره الشهداء (ایران‌شناسی) محله قدیمی سرخاب	۱۵۰۰ متر مساحت و ۱۳۰۰ متر زیربنا
۳	خانه مجتهدی	احتمالاً اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی	خیابان جمهوری اسلامی، روبروی استانداری	۱۲۰۰ مترمربع وسعت
۴	خانه رستگار	اوایل حکومت پهلوی	نبش خیابان ارتش جنوبی و باغشمال (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)	زیربنای ۴۲۰ متر مربع
۵	خانه کوزه کنانی (مشروطه)	دوره قاجاریه	خیابان استاد مطهری (راسته کوچه)، روبه روی مسجد جامع	بیش از هزار مترمربع مساحت
۶	خانه گنجه‌ای زاده	بخش شرقی دوره قاجار و بخش غربی اوایل پهلوی	خیابان مقصودیه، جنب مسجد کدخداباشی	سه هزار متر مربع مساحت
۷	خانه قدکی	اواسط دوره قاجاریه	خیابان مقصودیه، کوچه مشیردفر	۱۳۴۰ مترمربع
۸	خانه بهنام	اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجار	خیابان مقصودیه، کوچه مشیردفر	حدود ۹۰۰ مترمربع
۹	خانه لاله‌ای‌ها	دوره پهلوی اول	خیابان ارتش، کوچه صدر، بن بست فتح اله زاده	حدود ۹۰۰ مترمربع



10.30495/jssc.2023.199129



۱۰	خانه نیشابوری (مهرداد قرآن)	اواخر دوره پهلوی اول	خیابان فردوسی، کوچه اردبیلی‌ها روبه روی مسجد استاد شاگرد
۱۱	خانه ساوجبلاغی‌ها	دوره پهلوی اول	خیابان امام، انتهای خیابان کهنه، بن بست ساوجبلاغی‌ها
۱۲	خانه حاج شیخ	دوره قاجار	خیابان ارتش شمالی، بازارچه رنگی، در بند حاج شیخ
۱۳	خانه علوی	به اواسط دوره قاجار	شمس تبریزی، ایستگاه گرو، کوچه صرافلار
۱۴	خانه کلانتری	دوره قاجاریه	باغ‌میشه، خیابان شهریار، کوچه‌های شمی
۱۵	خانه امیرنظام	دوره قاجاریه	خیابان ششگلان، جنب سازمان صنایع
۱۶	خانه کلکته چی	دوره پهلوی اول	محلّه راسته کوچه و بن بست کلکته چی

در ادامه پژوهش، سطوح مختلف تاثیرگذاری سنت و مدرنیته بر متغیرها به صورت دو به دو مقایسه شده اند. اما با توجه به اینکه اطلاعات حاصل از پرسشنامه بر مبنای گذار از سنت به مدرنیته و در سطح رتبه‌ای جمع‌آوری شده است؛ لازم است که نتایج تبدیل به سطح قابل بررسی در مدل AHP گردد. با توجه به اینکه در ساختار سلسله مراتبی گذار از سنت به مدرنیته، گزینه‌ی «کاملاً مدرن» در بالاترین سطح و گزینه‌ی «کاملاً سنت‌گرا» در پایین‌ترین سطح قرار دارد چنانچه آنها را در یک طیف رتبه‌ای دسته بندی کنیم بالاترین امتیاز ۵ برای «کاملاً مدرن» و پایین‌ترین امتیاز برای «کاملاً سنت‌گرا» یعنی یک خواهد بود لذا هرچه میانگین نزدیک به ۵ باشد یعنی آن مولفه در ساختار گذار از سنت به مدرنیته متمایل به سطح «کاملاً مدرن» است و هرچه متمایل به یک باشد یعنی به سطح «کاملاً سنت‌گرا» نزدیک است. میان این دو سطح، سه سطح «نسبتاً سنت‌گرا» با امتیاز ۲، «ترکیب برابر» با امتیاز ۳ و «نسبتاً مدرن» با امتیاز ۴ قرار دارد که میانگین مولفه‌ها جایگاه هر یک از مولفه‌ها را در این ساختار نشان می‌دهد.



10.30495/jssc.2023.199129



جدول ۲: شاخص‌های توصیفی مولفه‌های پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین مقدار ممکن	کمترین مقدار ممکن	تعداد	مولفه‌ها
۰/۴۷	۲/۱۳	۵	۱	۳۰	روابط فضایی
۰/۵۲	۲/۵۴	۵	۱	۳۰	تزیینات داخلی
۰/۵۳	۲/۵۰	۵	۱	۳۰	نمای اصلی

روایی و پایایی

در این پژوهش به منظور بررسی روایی که مقیاس و محتوای ابزار سنجش (سوالات پرسشنامه) با متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد از شیوه‌ی روایی صوری (Face Validity) استفاده شده است. همچنین، به منظور اطمینان از پایایی پژوهش از دو روش آلفای کرونباخ و ضریب ناسازگاری به جهت استفاده از تکنیک AHP استفاده شده است. بدین صورت که در ابتدا آلفای کرونباخ برای مجموع مولفه‌های پژوهش اندازه‌گیری شده که مقدار آن ۰/۹۸۷ بوده و لذا به جهت بالاتر بودن آن از ۰/۷، پایایی کلی پرسشنامه در سطح مطلوب مورد تایید قرار گرفته است. سپس به منظور اطمینان از مقایسات زوجی و پایایی داده‌ها در هریک از مولفه‌های پژوهش، ضریب ناسازگاری با استفاده از نرم افزار Expert Choice محاسبه شده که نتایج آن در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۳: آزمون پایایی پرسشنامه‌ی پژوهش

پایایی کل		پایایی پرسشنامه به تفکیک مولفه‌ها	
آلفای کرونباخ	تعداد سوالات	ضریب ناسازگاری	مولفه‌ها
۰/۹۸۷	۸۰	۰/۰۲۴	روابط فضایی
		۰/۰۱۹	تزیینات داخلی
		۰/۰۲۷	نمای اصلی

توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر سن

جدول شماره ۴ توزیع فراوانی پاسخگویان را از نظر سن نشان داده است. با توجه به این جدول مشاهده می‌شود که سن ۵۰ درصد (معادل ۱۵ نفر) پاسخگویان بین ۳۱ تا ۴۰ سال و سن ۵۰ درصد (معادل ۱۵ نفر) بقیه بین ۴۱ تا ۵۰ سال است.



10.30495/jssc.2023.199129



جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد
۳۱ تا ۴۰	۱۵	۵۰
۴۱ تا ۵۰	۱۵	۵۰
جمع	۳۰	۱۰۰

توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر تحصیلات

جدول شماره ۵ مشخصات پاسخگویان را از نظر تحصیلات نشان داده است. با توجه به این جدول و نمودار مشاهده می‌شود که ۳/۳ درصد (معادل ۱ نفر) پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی، ۳۰ درصد (معادل ۹ نفر) دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۶۶/۷ درصد (معادل ۲۰ نفر) دارای مدرک دکترا هستند.

جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد
کارشناسی	۱	۳/۳
کارشناسی ارشد	۹	۳۰/۰
دکترا	۲۰	۶۶/۷
جمع	۳۰	۱۰۰

توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر سابقه فعالیت تخصصی در زمینه معماری

جدول شماره ۶ توزیع فراوانی پاسخگویان را از نظر سابقه فعالیت تخصصی در زمینه معماری نشان داده است. با توجه به این جدول و نمودار مشاهده می‌شود که سابقه فعالیت ۶/۷ درصد (معادل ۲ نفر) پاسخگویان بین ۶ تا ۱۰ سال، ۴۰ درصد (معادل ۱۲ نفر) بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۳۰ درصد (معادل ۹ نفر) بین ۱۶ تا ۲۰ سال و سابقه فعالیت ۲۳/۳ درصد (معادل ۷ نفر) پاسخگویان بالاتر از ۲۰ سال است.

جدول ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه فعالیت

سابقه (سال)	فراوانی	درصد
۶ تا ۱۰	۲	۶/۷
۱۱ تا ۱۵	۱۲	۴۰/۰
۱۶ تا ۲۰	۹	۳۰/۰
بیشتر از ۲۰	۷	۲۳/۳
جمع	۳۰	۱۰۰



10.30495/jscc.2023.199129



یافته‌ها

در این مرحله، به منظور تبدیل نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها در مقایسه‌ی زوجی اختلاف میانگین هریک از زوج‌ها از یکدیگر محاسبه شده و سپس در گام بعدی نتیجه‌ی به دست آمده در اختلاف بین بالاترین امتیاز و کمترین امتیاز در مدل AHP که برابر با ۸ خواهد بود ضرب گردید.

جدول ۷: مقایسه‌ی زوجی مولفه‌های پژوهش

مؤلفه‌ی اول	اختلاف میانگین	اختلاف میانگین*۸	امتیاز ارجحیت یا اهمیت	مؤلفه‌ی دوم
روابط فضایی	-۰/۴۱	-۳/۲۸	-۸	تزیینات داخلی
روابط فضایی	-۰/۳۷	-۲/۹۶	-۷/۲۲	نمای اصلی
تزیینات داخلی	۰/۰۴	۰/۳۲	۰/۷۸	نمای اصلی

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های ۱۶ باب خانه انتخاب شده با بازه زمانی از اول دوره قاجار تا اول دوره پهلوی با ۳ مؤلفه تزیینات داخلی، نمای اصلی و روابط فضایی نتایج حاصل نشان می‌دهد در این سیر و تحول زمانی در مؤلفه تزیینات داخلی با گذشت زمان در دوره هدف رابطه معناداری وجود داشته و اثرات سبک‌های مدرنیته در اجزا و حتی بعضاً در کلیات مشاهده می‌شود. در مؤلفه نمای اصلی در اکثر بناهای بررسی شده سیر تحول و گرایش به الگوهای مدرن مشهود بوده و بین تحول دوره و عناصر نماهای اصلی به خصوص اجزای زیبا شناختی رابطه معنا دار تا حد قابل توجهی وجود دارد.

در خصوص مؤلفه روابط فضایی بر خلاف ۲ مؤلفه قبلی با سیر تحول دوره هدف و تغییرات چشم گیر وجود نداشته و یک روند ثابت را در بر داشته است. با لحاظ وقایع و جریان‌های شالوده‌ای در این دوره زمانی از جمله ورود مستشاران نظامی، فرهنگی و سیاسی و گسترش وسیع تجارت با جهان خارج از مرزها و اعزام افراد زیادی برای ادامه تحصیل به غرب و گسترش زیر ساخت‌های فرهنگی از جمله مطبوعات و نهضت ترجمه و تبادلات فرهنگی و اجتماعی گسترده به خصوص بعد از جنگ جهانی اول و نشان می‌دهد جامعه ایرانی به خصوص تبریز از لحاظ مؤلفه‌های زیبا شناختی و سبک زندگی روزمره تا حدودی از این تحولات تاثیر پذیرفته اما به جهت وجود ریشه‌های عمیق مذهبی و ایدئولوژیکی در روابط اجتماعی و



10.30495/jssc.2023.199129



ساختارهای فرهنگی متکی به باورهای دینی بوده و مفاهیمی چون اشرافیت، محرمیت و مفهوم اندرونی و بیرونی را در محیط زندگی، خود را پایبند نگه داشته است.

منابع

- آوری، پیترو. ۱۳۸۶. تاریخ معاصر ایران. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، نشر نو.
- اتابکی، تورج. ۱۳۸۳. تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه، ترجمه مهدی حقیقت خواه، نشر ققنوس.
- بهشتی، سید محمد. ۱۳۹۵. خانه (از آغاز پهلوی اول تا دهه چهل شمسی). دو فصلنامه مطالعات معماری ایران (۱۰): ۲۲۹-۲۴۲.
- کیانی، مصطفی. ۱۳۸۶. معماری در دوره پهلوی اول، تهران، نشر هنر، ص ۱۴۴، ص ۵۰.
- حق شناس، محیا و حناچی، پیروز. ۱۳۹۹. بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران «مورد پژوهشی: تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار». مطالعات معماری ایران. شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۹۹.
- شکری، محمد. ۱۳۹۵. مکان در پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی مرلوپونتی. فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، دانشگاه شهید بهشتی. بهار ۹۵، کد مقاله ۸۵۷۱.
- طالبی، حامد، عیسی حجت، و محمد فرضیان. ۱۳۹۳. بررسی نقش حکومت، مردم و معماران در پیدایش کوی‌های مسکونی کوتاه مرتبه تهران در دوره پهلوی دوم. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۱۹(۱): ۲۳-۳۲.
- لینچ، کوین. ۱۳۸۷. تئوری شکل شهر. ترجمه: سید حسین بحرینی. تهران: دانشگاه تهران.
- Rapoport, A. (1982). The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach, Arizona: University of Arizona Press.



10.30495/JSCC.2024.2001659. doi

Alien defendants: a Delphi study on the causes of labeling in Ardabil province

Farshad Mawafaq¹, Samada Abdini^{2*}, Rababepour Jebeli³
(Received date: 2023/11/20 - Accepted date: 2023/00/00)

Abstract

Alien defendants are used for those who not only did not break the law, but based on the label they eat act as if they did, the purpose of this article is to identify the causes of flooding in Ardabil to study 29 specialists and experts of Ardabil province in a methodical way. Snowball sampling was selected and the researcher-made questionnaire based on the semi-structured interview criteria was adjusted and provided to the experts, and after analyzing the percentages that were higher than 60% and the significance level was lower than 05. Kendall's correlation coefficient showed that the agreement And there is a consensus among experts and also the weighted average of the factors showed that the social, psychological and individual, legal and religious factors are assigned priority 1 to 4 respectively. Therefore, the officials should try to make policies in line with these indicators of these factors.

Key words: alien defendants, social factor, psychological factor, legal factor, religious factor, labeling

¹ PhD in Sociology, Khalkhal Islamic Azad University, Khalkhal, Iran, f. movafag@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran. (Corresponding author): abedinisamad@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Zanjan, Iran, pourjabali@gmail.com



متهمان بیگانه: مطالعه‌ای دلفی در مورد علل برچسب زنی در استان اردبیل

فرشاد موفق^۱، صمدعابدینی^{۲*}، ربابه پور جلیلی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰)

چکیده

متهمان بیگانه برای کسانی استفاده می‌شود که نه تنها قانون‌شکنی نکرده‌اند، ولی براساس برچسبی که می‌خورند طوری رفتار می‌کنند که انگار چنین کاری کرده‌اند، هدف این مقاله شناسایی علل زیرآب‌زنی در اردبیل هست برای مطالعه ۲۹ نفر از متخصصان و خبرگان استان اردبیل به صورت روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده و پرسش‌نامه محقق ساخته براساس معیار مصاحبه نیمه ساختاریافته، تنظیم و در اختیار متخصصان قرار گرفت و بعد از تحلیل درصدها که بالاتر از ۶۰ درصد بود و سطح معناداری پایین‌تر از ۰/۰۵ ضریب هم‌هنگی کندال نشان داد که توافق و اجماع در بین متخصصان وجود دارد و همچنین میانگین وزنی عوامل نشان داد که عامل اجتماعی، روانی و فردی، حقوقی و مذهبی به ترتیب اولویت ۱ تا ۴ را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین، باید مسئولان تلاش کنند تا در راستای این شاخص‌های این عوامل سیاستگذاری کرد.

واژگان کلیدی: متهمان بیگانه، عامل اجتماعی، عامل روانی، عامل حقوقی، عامل مذهبی، برچسب زنی

f. movafag@gmail.com
abedinisamad@gmail.com
pourjabali@gmail.com

^۱ دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران،
^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران. (نویسنده مسئول):
^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران،



مقدمه

رفتار برچسب زنی در جوامعی زیاد به چشم می‌خورد که علیرغم نقص در جریان جامعه‌پذیری افراد و ویژگی‌های تقویت‌کننده فردی و روانی، محدودیت منابع و امکانات یا نحوه توزیع نابرابرانه منابع وجود دارد. بنابراین نظر مارکس در جامعه‌ای امور طبقاتی هستند توزیع امکانات و منابع کمیاب هم که در اختیار اقلیت افراد قرار دارد محدود و نابرابرانه هست.

زیرآب‌زنی یا به عبارت ساده‌تر تخریب ناحق دیگران برای مطرح کردن خود یا رسیدن به منافع ناحق و نامشروع، ریشه در حسادت، غیبت، شایعه، تملق، جست‌وجو در زندگی و حریم خصوصی دیگران، حسادت، دروغ، وارونه جلوه‌دادن واقعیت و ده‌ها خصوصیت ناپسندی است که زشتی آن بر کسی پوشیده نیست. جامعه‌پذیری و تربیت ناکافی و نامطلوب، حسادت، رقابت، کینه و دشمنی، ضعف در تخصص و کمبود اعتماد اجتماعی از جمله دلایل برچسب زنی است. گاهی در سازمان‌ها برچسب زنی باعث سایش در محیط کار می‌شود. چون مکانیسم ارزیابی عملکرد افراد به گونه‌ای است که کمترین چشمداشتی به بهبود و ارتقای عملکرد و رفتار افراد در فرآیندهای کاری ندارد، طبیعتاً نباید انتظار داشتن سلامت و رقابت سازنده را از ارزیابی‌شوندگان داشته باشد وقتی مبنای ارتقا و پیشرفت شایستگی نباشد، فراگیر شدن رفتارهای بیمارگونه زیرآب‌زنی بیشتر مجال بروز و حضور خواهند یافت و به مرور دیگر جاهای سالم سازمان را نیز مبتلا خواهند کرد.

سخن‌چینی، دزدیده گوش دادن، تزویر، استفاده ابزاری از باورها و فرهنگ عمومی، حسادت. (Malone, Hayes)، و...، ریشه در ناهنجاری‌های اجتماعی داشته و از مصادیق برچسب زنی به شمار می‌رود. تخریب دیگران (زیرآب‌زنی) یکی از عوامل مؤثر بر عدم کارایی سازمان‌ها می‌باشد. نتایج تحقیق اسلامی و همکاران نشان می‌دهد که حسادت، کینه‌توزی، منفعت‌طلبی و ماکیاولیسم بالا از جمله عوامل فردی زیرآب‌زنی است. افراد با ویژگی ماکیاولی بالا، تمایل به برد دارند و توجه اساسی آن‌ها وظیفه و کاری است که باید انجام بدهند و نه چیز دیگر. به همین دلیل، آن‌ها برای انجام وظیفه خود از افراد تحت سلطه خود برای رسیدن به هدف به عنوان یک ابزار استفاده می‌نمایند. از دیگر عوامل فردی مؤثر در زیرآب‌زنی در سازمان‌ها می‌توان به عدم وجود توانایی و شایستگی لازم در فرد زیرآب‌زن، عقده‌ها و حقارت‌های درونی، نداشتن اعتماد به نفس کافی و همچنین ضعف اعتقادات دینی اشاره نمود (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۷).

برخی از محققان علل زیر آبی زنی در سازمان‌ها را، مدیریتی است. علت این امر نقش و اهمیتی است که مدیران می‌توانند در افزایش و کاهش این رفتار داشته باشند. مدیران دهن بین و سطحی نگر، حمایت و همراهی مدیر با افراد زیرآب‌زن، رفتار نسنجیده و تبعیض آمیز مدیر، نداشتن کانال‌های ارتباطی علمی و فنی برای دریافت اطلاعات، آگاهی کم مدیر از شایستگی‌های کارکنان، آشنایی کم مدیران تازه وارد با افراد سازمان و همچنین اعتماد بیش از حد مدیر به افراد زیرآب‌زن عوامل مدیریتی تشدید نماینده این رفتار است (Duffy et al, 2012).



نتایج تحقیق یوسفی زنوز و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که در بعد فردی، مقایسه اجتماعی منفی در رتبه اول، ارزیابی شناختی آگاهانه از آینده بهتر دیگران در رتبه دوم و آگاهی از توانایی‌های دیگران در رتبه سوم قرار گرفتند. همچنین در بعد سازمانی، سطح پایین انصاف و عدالت در سازمان در رتبه اول، ارزیابی عملکرد در رتبه دوم و تعامل رهبر- عضو در رتبه سوم قرار گرفتند.

نتایج تحقیق جمشیدزادی و همکارش (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که عوامل فردی، سازمانی و محیطی تاثیر بسیار زیادی بر زیرآب زنی دارد.

همچنین نتایج پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد که عدم شایسته‌سالاری در سازمان، نبود فرهنگ سازمانی مبتنی بر اخلاقیات، منافع حزبی و گروهی، ضعف در آموزش رفتارهای سازمانی مناسب، عدم وجود قوانین و مقررات برای رعایت اصول اخلاقی در سازمان، امنیت شغلی کم، غنی و چالشی نبودن شغل، ارتباط ضعیف و نامناسب بین کارکنان با یکدیگر و همچنین احساس بی عدالتی و نابرابری عوامل سازمانی تاثیرگذار بر رفتار زیرآب‌زنی هستند (شول و همکاران، ۱۳۹۸).

از نظر جامعه‌شناسی برچسب زنی یک رفتار عکس‌العملی است و نشان می‌دهند که بر چسب خوردن یک جریان اجتماعی روانی است که بر تصویر فرد از خود تاثیر می‌گذارد و به تدریج تعهدی آگاه به این عمل شکل می‌گیرد برچسب زدن می‌تواند تاثیری تعیین‌کننده بر رفتار و شخصیت فرد داشته باشد در جامعه شناسی از متهمان بیگانه برای کسانی استفاده می‌شود که نه تنها قانون‌شکنی نکرده‌اند، ولی براساس برچسبی که می‌خورند طوری رفتار می‌کنند که انگار چنین کاری کرده‌اند (ستوده، ۱۳۷۹).

متهمان بیگانه که اطلاعی از عمل انجام شده در مورد خود اطلاعی ندارند و افراد برچسب زن که عمل خود افراد دیگر را از چرخه کار و موقعیت‌ها و مسئولیت‌های شغلی به حاشیه می‌رانند هر چند خودشان را ارتقاء می‌دهند ولی در طولانی مدت به سازمان و جامعه ضربه می‌زنند.

بنابراین، توجه به زیرآب‌زنی از آن جهت اهمیت بیشتری می‌یابد که به سلامت روانی محیط کار انجامیده و باعث می‌شود افراد با دغدغه‌های منفی و استهلاکی در محیطی که گاه بیش از زمان بودن در کنار خانواده را در آن تجربه می‌کنند، مواجه نشوند این باعث می‌شود انرژی‌ها تلف شود نیروهای انسانی متخصص و بعضاً متعهد نتوانند در عرصه‌های کاری حضور داشته باشند و این زمینه‌های توسعه و رسیدن به اهداف متعالی را از دست جامعه خواهد گرفت.

شهرهایی که دارای ساختار غالب سنتی بود و درگیر آنومی در تعادل عناصر فرهنگ سنتی و مدرن هستند از طرفی دارای محدودیت در منابع دسترسی به موقعیت‌ها و مناصب هستند برخی از اشکال رفتاری و کنشی برای کسب موقعیت برچسب زنی و برچسب زن به دیگران هست استان اردبیل هم بدلیل برخورداری از چنین مشخصه‌ای زمینه‌ها را برای برچسب زنی فراهم می‌کند به همین خاطر، مطالعه حاضر بدنبال این هست که علل برچسب زنی را در استان اردبیل را از نظر متخصصان و خبرگان شناسایی کند.



مبانی نظری رفتار برچسب زنی

زیرآب‌زنی یا به عبارت ساده‌تر تخریب ناحق دیگران برای مطرح کردن خود یا رسیدن به منافع ناحق و نامشروع، ریشه در حسادت، غیبت، شایعه، تملق، جست‌وجو در زندگی و حریم خصوصی دیگران، حسادت، دروغ، وارونه جلوه دادن واقعیت و ده‌ها خصوصیت ناپسندی است که زشتی آن بر کسی پوشیده نیست. جامعه‌پذیری و تربیت ناکافی و نامطلوب، حسادت، رقابت، کینه و دشمنی، ضعف در تخصص و کمبود اعتماد اجتماعی از جمله دلایل برچسب زنی است. گاهی در سازمان‌ها برچسب زنی باعث سایش در محیط کار می‌شود. چون مکانیسم ارزیابی عملکرد افراد به گونه‌ای است که کمترین چشمداشتی به بهبود و ارتقای عملکرد و رفتار افراد در فرآیندهای کاری ندارد، طبیعتاً نباید انتظار داشتن سلامت و رقابت سازنده را از ارزیابی‌شوندگان داشته باشد وقتی مینا ارتقا و پیشرفت شایستگی نباشد، فراگیر شدن رفتارهای بیمارگونه زیرآب‌زنی بیشتر مجال بروز و حضور خواهند یافت و به مرور دیگر جاهای سالم سازمان را نیز مبتلا خواهند کرد. توجه به این مساله از آن جهت اهمیت بیشتری می‌یابد که به سلامت روانی محیط کار انجامیده و باعث می‌شود افراد با دغدغه‌های منفی و استهلاکی در محیطی که گاه بیش از زمان بودن در کنار خانواده را در آن تجربه می‌کنند، مواجه نشوند این باعث می‌شود انرژی‌ها تلف شود نیروهای انسانی متخصص و بعضاً متعهد نتوانند در عرصه‌های کاری حضور داشته باشند و این زمینه‌های توسعه و رسیدن به اهداف متعالی را از دست جامعه خواهد گرفت.

بسیاری از جامعه‌شناسان این نظریه معتقدند که گروه‌های اجتماعی قانون را به وجود می‌آورند و مشخص می‌کنند چه رفتاری و تحت چه شرایطی صورت پذیرد. وقتی قانون وضع گردید، فردی که آن را زیر پا گذارد و نتواند خود را با قوانین گروه سازگار کند، بیگانه یا اجنبی خوانده می‌شود. "هاوارد بکر" معتقد است بر اساس این فرضیه که قوانین را اجتماع می‌سازند و نقش‌ها به طور یکسان توسط افراد رعایت نمی‌شوند نظریه برچسب، به وجود می‌آید. ممکن است کجروی‌ها در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون به طور مختلفی تعریف شوند و حتی ممکن است دسته‌ای از مردم قوانین را زیر پا بگذارند، اما کجرو خوانده نشوند. بر این اساس، نظریه برچسب‌زنی می‌گوید: رفتار انحرافی به میزان احترام مردم به آن قانون بستگی دارد. این نظریه افراد را در برابر قانون به به چهار گروه تقسیم می‌کند: ۱- هم‌نوایان: مردمی هستند که از قوانین گروه سرپیچی نمی‌کنند و مطابق با نقش‌ها رفتار می‌کنند. ۲- کجروان واقعی: مردمی هستند که قوانین را زیر پا می‌گذارند و به خاطر آن تنبیه و جریمه می‌شوند. ۳- کجروان پنهانی: اشخاصی که در خفا قانون‌شکنی می‌کنند، و مجازات نمی‌گردند؛ مثل کسانی که پنهانی الکل یا مواد مخدر مصرف می‌کنند. ۴- متهمان بیگانه: کسانی که قانون‌شکنی نمی‌کنند، ولی طوری رفتار می‌کنند که انگار چنین کاری کرده‌اند. از بین این چهار دسته، دسته چهارم هستند که توسط دیگران برچسب می‌خورند که برای مثال می‌توان از سیاه‌پوستان جامعه آمریکا یاد کرد (ستوده، ۱۳۷۹).

هاوارد بکر (Howard Becker) و همکاران او دیدگاه خود را در این زمینه در قالب نظریه‌ای با عنوان «نظریه برچسب زنی» ارائه داده‌اند. به طور کلی، دیدگاه برچسب زنی با این فرض که جرم، یک فرایند



اجتماعی می‌باشد، آغاز شد. کانون توجه این دیدگاه، معطوف به ماهیت کنش متقابلی است که میان مجرم و مقامات دستگاه جزائی به وقوع می‌پیوندد. نظریه پردازان برچسب زنی، مدعی اند که اصولاً این اعمال نظام جزائی و مقامات آن است که تعیین می‌کند چه چیزی را باید جرم محسوب داشت و در نگاه آنان، مجرمانه خواندن رفتار یا مجرم شمردن فردی خاص، بسته به افرادی است که در عمل چنین برچسبی را وارد می‌آورند و در واقع افرادی که مناصب قدرت را در درون نظام جزائی دارا هستند، کنش‌های خاص افرادی معین را به عنوان کنش‌های مجرمانه تعریف میکنند (به نقل از: ممتاز، ۱۳۸۱، ۱۰۷).

نظریه پردازان برچسب زنی مدعی اند که اصولاً این اعمال نظام جزایی و مقامات آن است که تعیین می‌کند چه چیزی را باید جرم شمرد. به بیان دیگر در نگاه آنان، مجرمانه خواندن رفتار یا مجرم شمردن فردی خاص، بسته به افرادی است که در عمل چنین برچسبی را وارد می‌آورند. در واقع، عنوان اصلی جرم را افرادی بر یک رفتار می‌نهند که قدرت وارد آوردن برچسب را دارند (وایت و هینز، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

طرفداران این دیدگاه، به ملاحظه تأثیر برچسب‌ها بر روی فردی که برچسب خورده، پرداخته‌اند. این جنبه از برچسب زنی، برچسب‌ها را به عنوان یک متغیر مستقل و یک عامل سببی نگاه می‌کند که رفتار انحرافی را به وجود می‌آورد. این مسأله ممکن است از دو راه به وجود آید: ۱- برچسب ممکن است توجه مخاطبان برچسب زن را جلب کرده، موجب شود تا آنان برچسب زدن فرد را نگاه کرده، دنبال کنند؛ ۲- برچسب ممکن است از سوی فرد درونی شود و به قبول نوعی مفهوم خودی از انحراف بینجامد. هر کدام از این دو فرآیند ممکن است به تقویت کج رفتاری و آفرینش یک منحرف حرفه‌ای بینجامد (ویلایمز و مک شین، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

در این دیدگاه، برچسب‌ها به دو دسته برچسب رسمی و غیررسمی تقسیم شده‌اند: برچسب رسمی به وسیله افراد حرفه‌ای و مقامات اجرایی زده شده و برچسب غیررسمی توسط خانواده و دوستان زده می‌شود (دائر و همکاران، ۱۹۹۷) برچسب‌های غیررسمی تأثیر بیشتری نسبت به برچسب‌های رسمی دارند (لو و همکاران، ۲۰۰۰: ۴۹۹).

به نظر کنش متقابل گرایان، رفتارهای افراد به وسیله واکنش‌های دیگران شکل می‌گیرند و زمانی که دیگران، کنش‌های شخصی را انگ کج‌رو می‌زنند، فرد غالباً وادار می‌شود، نقش کج‌رو را بازی کند از نظر جامعه شناسی برچسب زنی یک رفتار واکنشی است و در اجتماع نشان می‌دهد که برچسب خوردن یک جریان اجتماعی-روانی است که بر تصویر فرد از خود تأثیر می‌گذارد خود از این دیدگاه یک پدیده اجتماعی محسوب می‌شود که در درون جامعه شکل می‌گیرد. چگونگی نگرش ما به خودمان و اعمالی که انجام می‌دهیم تحت تأثیر عکس العمل دیگران به ما قرار داد. اگر دیگران ما را متفاوت در نظر گیرند ما هم خود را متفاوت خواهیم پنداشت و رفتار متفاوتی نشان خواهیم داد.

زمانی که شخصی یا وضعیتی انگ خرده باشد انگ زنده معمولاً در موقعیتی قرار دارد که از چنین حالتی بهره می‌برد. انگ زنده باید انگی منفی و قدرتی برای چسباندن آن داشته باشد. انگ زنی اغلب توسط



کسی انجام می‌شود که شغل او انگ زنی است مثلاً عوامل کنترل اجتماعی، روزنامه نگاران، انتخاب انگ زنی به دیگران اغلب نشانه‌ی موفقیت در چنین کارهایی است.

پس از آنکه شخص انگ کجرو خورده، اغلب از او انتظار دارند که به تخلفات خود ادامه دهد. این کار می‌تواند فرصت‌های شخص انگ خورده را در زندگی، محدود و او را به توسعه‌ی نقش کجرو خود وادار کند.

بنابراین، در جمع‌بندی نهایی از رویکرد برچسب زنی می‌توان ادعا کرد اگر برای کسی به هر دلیلی که خودش هم اطلاع ندارد برچسبی زده شود این امر او را به عنوان متهم بیگانه‌ای در می‌آورد که از جرم خودش هم اطلاع نداشته و قربانی عملی می‌شود که زیر آب زن برای او برنامه‌ریزی کرده است.

روش شناسی

در این مطالعه از تکنیک دلفی استفاده شده است در مرحله اول برای استخراج شاخص‌ها از مصاحبه اکتشافی نیمه ساختاریافته استفاده شد و در مجموع ۲۹ شاخص از طریق مصاحبه با متخصصان و خبرگان بدست آمد و شاخص‌ها بعد از استخراج در اختیار ۴ نفر از مصاحبه شونده قرار گرفت تا مشاهده شود آیا موارد تنظیم شده مدنظر آنها هست یا نه؟ بر همین منوال شاخص‌های استخراج شده مورد قبول و پذیرش مصاحبه شونده‌گان بود و نشان از پایایی و اعتبار نتایج هست. براساس نتایج این مصاحبه‌ها، پرسش‌نامه‌ای در قالب ۲۹ سوال پاسخ بسته دوحالته تنظیم شد و بعد از انتخاب خبرگان برای مطالعه از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی ۲۹ نفر انتخاب شدند و پرسش‌نامه برآمده از مصاحبه‌ها به خبرگان ارسال شد و سپس نظرات آنها گردآوری شد، پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ ۸۷ / بدست آمد همچنین با محاسبه درصد پاسخ‌های خبرگان، اجماع و توافق نظر متخصصان بررسی شد و گویه‌هایی که بالاتر از ۶۰ درصد از پاسخگویان بر آن توافق نظر داشتند موردتحلیل و تفسیر قرار گرفت در راند دوم کار بعد از مصاحبه نیمه ساختاریافته اجماع نظر بین متخصصان حاصل شد و بیش از ۶۰ درصد از خبرگان در مورد گویه‌های مربوط به علل زیرآب‌زنی نظر موافق داشتند و این نشان دهنده پایان مطالعه دلفی هست.

یافته‌های پژوهش:

در تحلیل یافته‌ها در مرحله اول از جدول شماره ۱ برای نشان دادن میزان توافق نظر متخصصان استفاده شد. با بررسی پاسخ‌های پرسش‌نامه دلفی، میزان اجماع نظر متخصصان از طریق درصد موافقت نمونه آماری با علل زیرآب‌زنی مشخص شد و در جدول شماره ۲ میزان توافق نظر متخصصان از طریق ضریب توافق کندال W بررسی شد و در نهایت در جدول ۳ وزن شاخص‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است:



جدول شماره ۱ بخشی از گزاره‌ها و کدهای اولیه برآمده از استخراج مصاحبه‌های کیفی

ردیف	گزاره	کدهای اولیه
۱	بدگویی از فرد نزد دیگران جهت از بین بردن محبوبیت آن فرد	بدگویی
۲	حرف زدن کسی پشت سر کسی دیگر که موجب آسیب به آن فرد شود	پشت سر کسی حرف زدن
۳	معمولاً مدیرانی که تمایل بیشتری به دریافت اخبار و اطلاعات درباره کارمندان خود از طریق منابع غیر مسوول دارند به این پدیده دامن می‌زنند	تمایل مدیران به دریافت اخبار از کانالهای غیر رسمی
۴	ارایه گزارشات بد و یا عدم ارایه گزارشات خوب در مورد فردی بواسطه حسادت برای رسیدن به امیال شیطانی	گزارش اطلاعات دیگران
۵	استفاده از مدارک جعلی و ساختگی بر علیه دیگران برای تخریب آنها شگرد دیگری است	استفاده از مدارک ساختگی
۶	دادن اطلاعات به فردی است که از آن علیه شخص دیگری استفاده نماید	گزارش اطلاعات دیگران
۷	رفتار پنهانی که در غیاب فرد مورد هدف انجام می‌گیرد جهت تخریب شهرت و یا شغل فرد	تخریب موقعیت فرد
۸	موقعی که کارمندان نسبت به هم و موقعیت هم حسادت کنند در جهت از بین بردن وجهه شخصی تلاش می‌کنند	حسادت
۹	وقتی فردی در برابر رسیدن به هدفی ناتوان می‌ماند کسانی که به موقعیت دست یافته‌اند آنها را زیر پایش می‌کشد	حسادت
۱۰	زیرپای کسی را خالی کردن بخاطر احساس رضایت و سرخوشی خود که نشان از حسادت فرد دارد	احساس لذت
۱۱	بدگویی از یک شخص در پیش دیگران جهت به خطر انداختن موقعیت فردی و اجتماعی و شغلی طرف	تخریب موقعیت فرد
۱۲	فقدان شایستگی‌های لازم برای ارتقا و فعالیت مساوی است با تخریب جایگاه و وجهه سایرین	فقدان شایستگی برای ارتقا
۱۳	فرد اخباری که شاهد آن بوده و یا چیزی از مردم شنیده است چه خوب و چه بد گزارش دهد	گزارش اطلاعات دیگران
۱۴	عقده‌ها و کمبودهای دوره رشد انسان در بقیه زندگی و رفتارهاش بی تاثیر نیست	کمبودها و عقده‌ها
۱۵	معمولاً در رده‌های پایین اداری و موقعیت شغلی زیرآب‌زنی بیشتر هست	جایگاه‌های پایین اداری
۱۶	شکل گیری فضای گفت و گو و احترام متقابل به همدیگر پیشگیری کننده رفتار زیرآب‌زنی است	فضای گفت و گو
۱۷	مشکلات تربیتی در خانواده خودش را بالاخره در اداره نشان می‌دهد	تربیت خانوادگی
۱۸	مینا وقتی که بر ارتقا و پیشرفت شایستگی نباشد، فراگیر شدن رفتارهای بیمارگونه زیرآب‌زنی بیشتر خواهد بود	عدم شایسته سالاری
۱۹	با بد شدن شرایط اقتصادی، این رفتار ضداخلاقی نیز شدت می‌یابد	وضعیت اقتصادی نابسامان
۲۰	خدشه دار شدن ارتباطات سازمانی، زمینه‌ساز بروز چنین رفتار مخربی است	خدشه دار شدن ارتباطات سازمانی
۲۱	پدیده زیرآب‌زنی حاصل فقدان تجربه جمع‌گرایی و نظرات جمعی است	فردگرایی
۲۲	اگر در خانواده تربیت درست صورت نگیرد فرزندان حتی در صورت ناشایسته بودن موقعیت یکدیگر را خدشه دار کرده و مورد تعرض قرار می‌دهند	تربیت خانوادگی
۲۳	اگر به احادیث و آیات عمل شود مشکل حل می‌شود	توجه به آیات
۲۴	استعانت از خداوند منان و سیره ائمه و عالمان دینی که برجسته هستند و مقبولیت عام دارند	توجه به خدا
۲۵	وظیفه دین و خانواده آموزش اخلاقیات هست و اخلاقیات تمام کننده همه بدی‌ها است	توجه به آموزش اخلاقیات
۲۶	رعایت تقوای الهی و اینکه خداوند همیشه از حق و حقیقت دفاع می‌کند و از حقیقت پشتیبانی می‌کند کفایت می‌کند	توجه به خدا



توجه به خدا	انجام کار خالصانه در راه خدا و عدم توجه به حرف این و آن	۲۷
توجه به اعمال دینی	باید امر به معروف و نهی از منکر کرد	۲۸
توجه به اعمال دینی	توجه به احکام شریعت و توانمند سازی خود در عمل به آن	۲۹
توجه به حدود گفتار	حفاظت گفتار را در جمع مدنظر قرار دهیم	۳۰
اطلاعات کاذب	دادن اطلاعات غلط باعث سوختن طرف زیر آب زن می‌شود	۳۱
تغییر رفتار انگ خورده	فرد زیر آب زن براساس برچسبی که خورده رفتار خود را ادامه می‌دهد باید رفتارها عوض شود	۳۲
دقت در انتخاب دوست	از دوستی با افراد دارای شخصیت ناقص دوری کنیم یا حدود را رعایت کنیم	۳۳
دقت در رفتارهای خود	باید حواسمان باشد باعث ایجاد شرایط برچسب زنی نباشیم و بتوانیم از خودمان دفاع کنیم و شفاف سازی کنیم	۳۴
توجه به کار خود	همیشه سرآمد باید به کار خودش باشد	۳۵
دفاع از اتهامات	باید از اتهامات خود را مبرا ساخت	۳۶
شناخت اطرافیان	باید اطرافیان خود را خوب بشناسیم	۳۷
اعتمادمحتاطانه	نباید زود به افراد اعتماد کنیم	۳۸
اعتمادمحتاطانه	عدم اعتماد به روابط با دیگران و محتاط بودن در اعتماد با دیگران	۳۹
پرهیز از خودافشایی	هرچیزی را نباید با همه در میان بگذاریم	۴۰
دفاع از اتهامات	صحبت برای رفع اتهامات وارد شده بر فرد	۴۱
توجه به کار خود	تحریک نکردن حساسیت افراد حساس	۴۲
چابلوسی	تعریف و تمجید الکی یا بیهوده کسی نکردن	۴۳
احساس حسادت	باید زمینه‌هایی که حسادت را برمی‌انگیزد شناسایی کنیم و کنترل کنیم	۴۴
برتری طلبی	باید رقابت جویی و برتری جویی را کاهش داد	۴۵
عدالت در فرصت‌ها	داشتن فرصت‌های برابر و امکانات زیاد می‌تواند برچسب زنی را کاهش دهد	۴۶
عدالت در فرصت‌ها	باید زمینه ارتقای برابر را برای همه فراهم آورد	۴۷
عدم شایسته سالاری	زمانی که افراد با شیوه‌های صحیح روابط اجتماعی واز طریق تلاش فردی برای ارتقا به هدف نمی‌رسند	۴۸
مقایسه خود با دیگران	افراد عادت به مقایسه‌های متعدد خود با دیگران دارند و تلاشی برای ارزیابی عملکرد و خود نمی‌کنند.	۴۹
مقایسه خود با دیگران	بروز رفتارهای مقایسه و برابری با سایرین تا حدود زیادی در رفتارهای انسان متجلی است	۵۰
فضای گفت و گو	وجود فضای سالم رقابتی و گفتگو بین همکاران مانع تخریب می‌شود	۵۱
رواج نقد و نقدپذیری	رواج نقد و نقدپذیری در بین همکاران خیلی از مشکلات را کاهش می‌دهد	۵۲
عدم شایسته سالاری	اگر از همان ابتدا افرادی وارد سازمان شوند که صرفاً با وجود رابطه و احراز نشدن اندک شایستگی برای تصدی شغل وارد سازمان شوند، بدیهی است که نباید انتظار رفتارهای حرفه‌ای در ادامه کار را از او داشت	۵۳
جایگاه‌های پایین اداری	زیرآب‌زنی، از افراد با مسوولیت کمتر بیشتر سر می‌زند	۵۴
کمبود امکانات	کم بودن موقعیت‌ها و امکانات در دسترس همه یک جای کار را خراب می‌کند	۵۵
عدم شایسته سالاری	وقتی فردی به موقعیتی که حق اش هست نمی‌رسد در روابط اداری اش با دیگران مشکل پیدا می‌کند	۵۶



ریاکاری	رفتار زیرآب‌زنی موجب فرهنگ سازی برای رواج دروغ‌گویی، ریاکاری و تزویر می‌شود	۵۷
رواج نقد و نقدپذیری	در صورتی که نقد منصفانه در جامعه ظهور و بروز یابد افراد در فضایی مستقیم اقدام به نقد می‌کنند و جایی برای تخریب پنهانی نمی‌ماند	۵۸
ترس در سازمان	در سازمان‌هایی که فرهنگ ترس از مافوق و همچنین ترس از دست دادن جایگاه و پست سازمانی در آنها مشهود است بیش از سایرین دیده می‌شود	۵۹
قوانین حمایتی	تصویب و به اجرا گذاشتن قوانینی که حقوق فرد زیرآب‌خورده را حمایت کند موجبات کاهش این رفتار را فراهم می‌کند	۶۰
حسادت	حسادت در محیط‌های مبتنی بر نگرش فامیلی، قومی و خلاصه پارتی‌بازی افزایش یافته است	۶۱
عدالت در پرداخت‌ها	هرچه پرداخت بر اساس منطق و مبتنی بر شایستگی افراد تنظیم شود، بروز رفتارهای غلط به همان نسبت کمتر خواهد شد	۶۲
منافع شخصی	افراد زیرآب زن به دلیل توجه بیش از حد به منافع شخصی دیگران را به سوی روابطی سوق می‌دهند که در آن نفع دیگری یا جمعی هیچ اهمیتی ندارد	۶۳
عزت نفس پایین	افراد زیرآب زن از نظر شخصیتی انسان‌هایی با عزت نفس پایین هستند که دائم احساس ناامنی می‌کنند	۶۴
آگاهی از راههای پیشرفت	اگر همکاران از راههای پیشرفت مشروع در سازمان آگاهی داشته باشند رفتارهای دیگر کم می‌شود	۶۵
ریاکاری	برخی از افراد برای رسیدن به ارتقا از ترندهای همچون تهمت، دروغ، سخن‌چینی، بدگویی، دو رویی و نفاق استفاده می‌کند	۶۶
کمبودها و عقده‌ها	شخص به دلیل تقویت جنبه‌های شخصیتی نابهنجار و برای تلاش و غلبه بر ضعف‌های خود دست به اقداماتی می‌زند تا از طریق آن بتواند کمبودهای خود را مرتفع سازد و این امر شاید در او احساس لذت آنی به دنبال داشته باشد	۶۷
قانون حمایتی	اگر رفتارناشایست زیرآب زن مورد تحسین بالادست قرار گیرد احساس شادی آنی در درون او تقویت شده و قدرت طلبی ایجاد می‌کند که خود سرمنشا بسیاری از صفات ناپسند است.	۶۸
بی توجهی به قانون	بروز این ناهنجاری‌های به دلیل جایگزین شدن روابط به جای ضوابط است	۶۹
اغراق در ضعف‌های دیگران	زیرآب زن در نشان دادن اشتباهات و ضعف‌های جزئی دیگر همکاران اغراق می‌کند	۷۰
تحسین و تمجید بی مورد	زیرآب زن در حضور شما زیباترین چیزها را در مورد شما خواهد گفت ولی در جای دیگر این طور نیست	۷۱
احساس ناامنی عاطفی	آنها احساس ناامنی، آسیب‌پذیری عاطفی و عصبانیت نسبت به خود و جهان می‌کنند	۷۲
کمبودها و عقده‌ها	من دیده‌ام که همکارم از ارایه گزارش کذب در مورد دیگری عقده لذت خود را تقویت می‌کرد	۷۳
پنهان کاری در تخریب	اغلب، این افراد وقتی متوجه می‌شویم به خاطر پنهان کاری و ظرافت‌شان چه می‌کنند، ما را شگفت‌زده و گیج می‌کنند	۷۴
ریاکاری	برخی‌ها برای جلب اعتماد و پنهان کردن انگیزه‌های ناپسند خیلی تلاش می‌کنند و با شما بیش از حد دوستانه هستند و می‌توانند بدون دلیل چاپلوسی و ریاکاری کنند	۷۵
کمبود منابع اقتصادی	زمانی که در جامعه منابع اقتصادی کمیاب باشد یک عده‌ای برای کسب آن از هر راهی اقدام می‌کنند	۷۶
ولع بیشتر داشتن	ولع بیشتر داشتن و عدم رضایت به داشته‌های خود برای انسان مشکل ساز هست	۷۷
احساس تهدید منافع شخص	کسانی که در مورد منافع شخصی احساس خطر کنند هر عملی را مرتکب می‌شوند	۷۸



۷۹	برای کسب موقعیت‌های بالا اگر معیاری قانونی اجرا نشود آسیب بوجود می‌آید	عدم اجرای قوانین برای ارتقای
۸۰	افرادی که زیرآب‌زنی می‌کنند از منافع و منابعی برخوردار می‌شوند و تشویق می‌شوند	دسترسی به منافع
۸۱	همیشه افرادی که پشت سر دیگری در محیط کاری بدگویی می‌کنند به قدرت تکیه می‌کنند	دسترسی به قدرت
۸۲	نتیجه اعتماد بیش از حد به افراد دیگر از پشت خنجر خوردن هست	اعتماد بیش از حد
۸۳	افراد در سازمان می‌توانند چهره‌های مختلفی داشته باشند	دورویی
۸۴	برخی رفتارهای غیر اخلاقی را باید مردم کنترل کنند	توجه مردم به عوامل کنترل اجتماعی
۸۵	ناپهنجاری‌های نتیجه‌ترتیب ناصحیح افراد است	نتیجه‌ترتیب و پرورش و محیط
۸۶	زیرآب‌زنی حاصل انتظار از زیر دست برای خوش خدمتی است	خوش خدمتی به مافوق
۸۷	زیرآب زن‌ها اهل تحسین و تمجید بیش از حد هستند	تحسین و تمجید اغراق آمیز افراد موفق
۸۸	ریشه زیرآب‌زنی دیگران حسودی است	حسادت
۸۹	همکاری داشتم که نسبت به پیشرفت دیگران کینه پیدا می‌کرد	کینه توزی
۹۰	برخی‌ها عادت‌های رفتاری بدی در مقابل دیگران دارند	عادت رفتاری بد
۹۱	در مورد بسیاری منفعت شخصی انسان را وادار به هرکاری می‌کند	منفعت طلبی
۹۲	من مشاهده کرده‌ام که افرادی توانایی لازم را برای کار مثبت ندارند دنبال ضربه زدن به دیگران هستند	عدم توانایی در فرد زیرآب زن برای انجام کار خوب
۹۳	افراد شرور از احساس دشمنی دیگران با خودشان دست به اعمال ناپهنجار می‌زنند	دشمنی با فرد زیرآب زن
۹۴	من فکر می‌کنم افراد زیرآب زن از کودکی حقارت را تجربه کرده‌اند	عقده حقارت
۹۵	زیرآب‌زنی هم شاید نوع برتری و زرنگی نسبت به دیگران را القا می‌کند	برتری طلبی
۹۶	فرد زیرآب زن عزت نفس پایین دارد و می‌خواهد با زیرآب‌زنی آن را پوشش دهد	نداشتن اعتماد به نفس کافی در فرد زیرآب زن
۹۷	شخصیت‌های خود کم بینی برای دیگران خطر ساز هستند	خود کم بینی زیرآب زن
۹۸	اعتقادهای دینی ضعیف شود انحراف رفتاری هم پدیدار می‌شود	ضعف در اعتقادهای دینی
۹۹	با خدا بودن و توکل به خدا راه بازدارنده از رفتار غیر اخلاقی است	نداشتن توکل به خدا
۱۰۰	شرط دوری از ناپهنجاری‌ها ایمان کافی و عمل است	فقدان ایمان کافی
۱۰۱	علت گرفتاری انسانها و گمراهی شان عدم توجه به‌ایات و سیره ائمه و علمای دینی هست	توجه نکردن به‌ایات و احادیث و سیره ائمه و علمای دینی
۱۰۲	اگر مقررات و قانون برای افراد زیر آب زن اعمال شود رفتارشان متوقف می‌شود	فقدان و یا ضعف مقررات و قانون
۱۰۳	باید قانون گذار به فکر تنظیم قواعد مناسب برای کنترل زیرآب‌زنی باشد	تنظیم نکردن قواعد مناسب و کاربردی برای کنترل زیرآب زنی
۱۰۴	فرد زیرآب زن از تهمت و افترا به دیگران استفاده می‌کند	تهمت و ناسزا
۱۰۵	قربانی زیرآب‌زنی ذهن اش تخریب می‌شود	تخریب ذهنی فرد
۱۰۶	هرکسی که زیرآب زن باشد در مقابل دیگران برخورد نفاق گونه‌ای دارد	دورویی و نفاق
۱۰۷	ابزار زیرآب زن نسبت ناروا و نادرست دادن به افراد دیگران برای تخریب آنهاست	گزارش نادرست
۱۰۸	استفاده از گزارش بی پایه و بی اساس و نادرست در مورد فرد قربانی شگرد زیرآب زن‌ها است	گزارش نادرست
۱۰۹	برخی‌ها از آزارهای زبانی و گفتاری و شفاهی برای زیرآب‌زنی بهره می‌برند	شگردگفتاری و شفاهی



۱۱۰	ممکن هست زیرآب زن‌ها از ایماء و اشاره برای تخریب ذهنی فرد استفاده کنند	شگرد ایماء و اشاره
۱۱۱	نامه نگاری و ارایه مکتوب و مستند سازی و پرونده سازی شیوه رایج زیرآب زن‌ها در ادارات هست	شگرد پرونده سازی
۱۱۲	نفوذ به زندگی شخص قربانی و استفاده از داده‌های عینی مربوط به زندگی فرد و تلاش برای ایجاد باور عمومی علیه فرد قربانی تلاش مذبوهانه زیرآب زن‌ها است	شکل دادن باور غلط به فرد دیگر
۱۱۳	سردرگم کردن دیگران با اطلاعات ضد و نقیض در مورد دیگران شیوه دیگری برای زیرآب‌زنی هست	ارایه اطلاعات ضد و نقیض
۱۱۴	زیرآب زن تلاش می‌کند به اطلاعات فرد قربانی به هر شیوه ممکن دسترسی پیدا کند	دسترسی به اطلاعات دیگران
۱۱۵	فردی که مرتکب خطایی نشده ممکن هست در اداره از چشم دیگران بیافتد و نهایتاً اخراج و طرد شود	بدبین کردن دیگران
۱۱۶	یک خطای کوچک توسط زیرآب زن تبدیل به اشتباه بزرگ می‌شود	بزرگ نمایی اشتباه دیگران
۱۱۷	هرچه که زیرآب زن در مورد فرد قربانی استفاده می‌کند ممکن هست درست نبوده و یک سلسله مطالب کذب باشد که برای حقیقت نشان دادن ازش استفاده می‌کند	ارائه مطالب کذب و سعی در حقیقت نشان دادن آن

از نتیجه مصاحبه‌های نیمه ساختارمند ۲۰۰ گزاره و کد اولیه بدست آمد که جهت تلخیص و گذر از تکرار، گزاره‌های تکراری و مشابه آورده نشد و مجموعاً ۱۱۷ کد تولید شده برای عرصه‌های شکل دهنده زیرآب‌زنی آورده شد.

جدول شماره ۲ فراوانی کدهای اولیه براساس کدگذاری باز مصاحبه‌ها

فراوانی	کدگذاری باز	ردیف
۲	بدگویی	۱
۵	حسادت	۲
۲	احساس لذت	۳
۲	تخریب موقعیت فرد	۴
۳	فقدان شایستگی برای ارتقاء	۵
۲	جایگاه‌های پایین اداری	۶
۴	فضای گفت و گو	۷
۳	تربیت خانوادگی	۸
۲	خدشه دار شدن ارتباطات سازمانی	۹
۲	فردگرایی	۱۰
۲	توجه به‌ایات	۱۱
۳	توجه به آموزش اخلاقیات	۱۲
۴	توجه به خدا	۱۳
۲	توجه به اعمال دینی	۱۴
۲	توجه به حدود گفتار	۱۵
۲	تغییر رفتار انگ خورده	۱۶



10.30495/JSCC.2024.2001659



۳	دقت در انتخاب دوست	۱۷
۳	دقت در رفتارهای خود	۱۸
۲	توجه به کار خود	۱۹
۲	فرصت دفاع از اتهامات	۲۰
۳	شناخت اطرافیان	۲۱
۲	اعتمادمحتاطانه	۲۲
۴	پرهیز از خودافشایی	۲۳
۲	چابلوسی	۲۴
۲	برتری طلبی	۲۵
۲	عدالت در فرصت‌ها	۲۶
۴	عدم شایسته‌سالاری	۲۷
۲	مقایسه خود با دیگران	۲۸
۲	بزرگ‌نمایی اشتباه دیگران	۲۹
۲	رواج نقد و نقدپذیری	۳۰
۳	کمبود امکانات	۳۱
۳	ریاکاری	۳۲
۲	ترس در سازمان	۳۳
۲	قوانین حمایتی	۳۴
۳	عدالت در پرداخت‌ها	۳۵
۲	عزت نفس پایین	۳۶
۴	آگاهی از راههای پیشرفت	۳۷
۳	کمبودها و عقده‌ها	۳۸
۵	تمایل مدیران به دریافت اخبار از کانالهای غیر رسمی	۳۹
۳	بی‌توجهی به قانون	۴۰
۲	احساس ناامنی عاطفی	۴۱
۳	پنهان‌کاری در تخریب	۴۲
۲	کمبود منابع اقتصادی	۴۳
۴	ولع بیشتر داشتن	۴۴
۲	احساس تهدید منافع شخص	۴۵
۳	عدم اجرای قوانین برای ارتقاء	۴۶
۵	دسترسی به منافع	۴۷
۲	دسترسی به قدرت	۴۸
۳	اعتماد بیش از حد به دیگران	۴۹
۳	توجه مردم به عوامل کنترل اجتماعی	۵۰
۲	خوش‌خدمتی به مافوق	۵۱
۲	تحسین و تمجید اغراق‌آمیز افراد موفق	۵۲



10.30495/JSCC.2024.2001659



۲	کینه توزی	۵۳
۳	عادت رفتاری بد	۵۴
۵	منفعت طلبی	۵۵
۳	عدم توانایی در فرد زیرآب زن برای انجام کار خوب	۵۶
۴	داشتن عقده حقارت	۵۷
۳	خود کم بینی زیرآب زن	۵۸
۲	ضعف در اعتقادهای دینی	۵۹
۳	فقدان ایمان کافی	۶۰
۵	فقدان و یا ضعف مقررات و قانون	۶۱
۴	تنظیم نکردن قواعد مناسب و کاربردی برای کنترل زیرآب زنی	۶۲
۲	تهمت و ناسزا	۶۳
۳	تخریب ذهنی فرد	۶۴
۳	دورویی و نفاق	۶۵
۳	شگردگفتاری و شفاهی	۶۶
۲	شگرد ایماء و اشاره	۶۷
۲	شگرد پرونده سازی	۶۸
۹	ارایه اطلاعات ضد و نقیض	۶۹
۲	بدبین کردن دیگران به فرد	۷۰

از مجموع ۲۰۰ کد اولیه در گدگذاری ۷۰ کد غیرتکراری بدست آمد که در جدول ۲ ذکر شده است

جدول شماره ۳ کد گذاری باز و محوری (مقولات) مقوله‌های عمده بر اساس کد بندی عوامل شکل گیری برجسب زنی

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	ردیف
فرصت‌ها و محدودیت‌های سازمانی	خدشه دار شدن ارتباطات سازمانی	۱
	عدم شایسته‌سالی	۲
	فقدان شایستگی برای ارتقاء	۳
	عدالت در پرداخت‌ها	۴
	احساس تهدید منافع شخص	۵
	تمایل مدیران به دریافت اخبار از کانالهای غیر رسمی	۶
	ترس در سازمان	۷
	جایگاههای پایین اداری	۸
	خوش خدمتی به مافوق	۹
	دسترسی به قدرت	۱
	عدالت در فرصت‌ها	۲
	مقایسه خود با دیگران	۳



فرصت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی	فردگرایی	۴
	رواج نقد و نقدپذیری	۵
	کمبود امکانات	۶
	فضای گفت و گو	۷
	کمبود منابع اقتصادی	۸
	دسترسی به منافع	۹
آموزش	تربیت خانوادگی	۱
	آگاهی از راه‌های پیشرفت	۲
خودکنترلی	اعتماد بیش از حد به افراد دیگر	۳
	اعتمادمحتاطانه	۴
	شناخت اطرافیان	۵
	دقت در انتخاب دوست	۶
	دقت در رفتارهای خود	۷
	توجه به کار خود	۸
	توجه مردم به عوامل کنترل اجتماعی	۹
احساسات	حسادت	۱
	کینه توزی	۲
	کمبودها و عقده‌ها	۳
	خود کم بینی زیرآب زن	۴
	احساس لذت	۵
	احساس ناامنی عاطفی	۶
	داشتن عقده حقارت	۷
	عزت نفس پایین	۸
	ولع بیشتر داشتن	۹
رفتارها	پنهان کاری در تخریب	۱۰
	دورویی و نفاق	۱۱
	برتری طلبی	۱۲
	ریاکاری	۱۳
	عادت رفتاری بد	۱۴
	بزرگ نمایی اشتباه دیگران	۱۵
	منفعت طلبی	۱۶
	عدم توانایی در فرد زیرآب زن برای انجام کار خوب	۱۷
	تغییر رفتار انگ خورده	۱۸
	پرهیز از خودافشایی	۱۹
	چابلوسی	۲۰
	بدگویی	۲۱



	تخریب موقعیت فرد	۲۲
	تحسین و تمجید اغراق آمیز افراد موفق	۲۳
شناخت دینی	ضعف در اعتقادهای دینی	۱
	توجه به خدا	۲
	توجه به آموزش اخلاقیات	۳
	توجه به آیات	۴
	فقدان ایمان کافی	۵
کنش دینی	توجه به اعمال دینی	۶
	توجه به حدود گفتار	۷
ضعف در قانون گذاری	قوانین حمایتی	۱
	تنظیم نکردن قواعد مناسب و کاربردی برای کنترل زیرآب زنی	۲
	فقدان و یا ضعف مقررات و قانون	۳
ضعف در اجراء	فرصت دفاع از اتهامات	۴
	بی توجهی به قانون	۵
	عدم اجرای قوانین برای ارتقاء	۶
مکانیزم‌های برچسب زنی	تهدت و ناسزا	۱
	تخریب ذهنی فرد	۲
	شگردگفتاری و شفاهی	۳
	شگرد ایماء و اشاره	۴
	شگرد پرونده سازی	۵
	ارایه اطلاعات ضد و نقیض	۶
	بدبین کردن دیگران به فرد	۷

براساس جدول ۳ می‌توان عوامل مختلفی را برای زیرآب‌زنی از نظر مصاحبه شوندگان بدست آورد مثلاً مصاحبه کننده‌ای مطرح کرده که «اگر از همان ابتدا افرادی وارد سازمان شوند که صرفاً با وجود رابطه و احراز نشدن اندک شایستگی برای تصدی شغل وارد سازمان شوند، بدیهی است که نباید انتظار رفتارهای حرفه‌ای در ادامه کار را از او داشت» یا «خدشه دار شدن ارتباطات سازمانی، زمینه‌ساز بروز چنین رفتار مخربی است» و... بازنمای فرصت‌ها و محدودیت‌های سازمانی در ساختارهای اداری و سازمانی است که عرصه را برای شکل دادن زیرآب‌زنی فراهم می‌کند. زمانی که افراد احساس کنند در ساختار اداری جایگاه بالایی ندارند یا ممکن هست جایگاه موجودشان را ازدست بدهند امنیت شغلی آنان به خطر افتاده است، سعی می‌کنند تا به هر شیوه‌ای که شده، آن را حفظ کنند. این گونه رفتارها معمولاً زمانی که سازمان می‌خواهد تعدیل نیرو کند و برخی از کارکنان را اخراج کند، بیشتر است. چرا که در چنین شرایطی، افراد سعی می‌کنند تا با بد جلوه دادن همکاران در نزد مدیر، شرایط اخراج آنها را فراهم کرده و خود در سازمان باقی بمانند. یا افرادی که ارتقای دیگرانی را که ناآشنا هستند ببینند، در حالی که زمینه ارتقا



برای آنها فراهم نیست از رفتار زیرآب‌زنی استفاده می‌کنند در چنین موقعی است احساس ناامنی مزمی پیدا می‌کنند. در مصاحبه‌ای چنین بیان شده است «زیرآب‌زن‌ها در نشان دادن اشتباهات و ضعف‌های جزئی دیگر همکاران اغراق می‌کند» و «آنها احساس ناامنی، آسیب‌پذیری عاطفی و عصبانیت نسبت به خود و جهان دارند» و همچنین «برخی‌ها برای جلب اعتماد و پنهان کردن انگیزه‌های ناپسند خیلی تلاش می‌کنند و با شما بیش از حد دوستانه هستند و می‌توانند بدون دلیل چاپلوسی و ریاکاری کنند». . . معمولاً فرد در اثر مقایسه خود با دیگران به کمبودهایش پی می‌برد و از این که می‌بیند دیگران از چیزی لذت می‌برند، رنج برده و حسادت می‌ورزد افراد حسود به دلیل کمبودهای ذاتی و اکتسابی در تلاش هستند تا با شیوه‌های سوء و عامدانه، جایگاه همکاران خود را متزلزل سازند و شرایط پیشرفت و ارتقای خود را فراهم سازد. یا اگر فردی از همکار خود دلخوری داشته باشد یا در حالتی بدتر دشمنی داشته باشد، این امر انگیزه لازم را برای زیرآب‌زدن فرد فراهم می‌آورد افرادی که نسبت به شایستگی‌ها و قابلیت‌هایشان اعتماد ندارند و موقعیت خود را متزلزل و معرض خطر می‌بینند، به ظن خودشان برای اینکه خود را در حاشیه امن نگه دارند، دست به تخریب افراد توانمندتر از خود می‌زنند یا از طرف دیگر فقدان قوانین حمایتی برای افرادی که زیر آب زده شده و یا نبود راهکارهای قانونی برای برخورد با آنها زمینه و عرصه دیگری را برای برچسب زنی فراهم می‌کند نبود قوانین و مقرراتی که افراد را ملزم به رعایت اصول اخلاقی در سازمان کند، عاملی است که باعث می‌شود که افراد، بدون هیچ گونه ترسی، اقدام به غیبت و بدگویی از دیگران کنند؛ بدون این که کسی آنها را بازخواست کند. در مصاحبه‌ها گفته شده است «تصویب و به اجرا گذاشتن قوانینی که حقوق فرد زیرآب‌خورده را حمایت کند موجبات کاهش این رفتار را فراهم می‌کند». . . «اگر رفتارناشایست زیرآب‌زن مورد تحسین بالادست قرار گیرد احساس شادی آنی در درون او تقویت شده و قدرت طلبی ایجاد می‌کند که خود سرمنشا بسیاری از صفات ناپسند است». . . «بروز این ناهنجاری‌های به دلیل جایگزین شدن روابط به جای ضوابط است» اگر قوانین حمایتی در مورد افراد زیرآب‌زن و قربانی تدوین شود و فرد قربانی فرصت آگاهی و دفاع از اتهامات وارد بر خود را پیدا کند به میزان قابل توجهی زیرآب‌زنی کاهش می‌یابد.

یا مشکلات خانوادگی و نقصان در آموزش به عنوان عرصه شکل دهنده زیرآب‌زنی در سازمان‌هاست. نقص در تربیت خانوادگی، اعتماد کردن‌های افراطی به دیگران یا محتاط بودن در اعتماد و . . . زمینه ساز کاهش یا افزایش در زیرآب‌زنی سازمانی است مصاحبه شونده‌ای نظرش این بود که «تابهنجاری‌های نتیجه‌تربیت ناصحیح افراد است» و «اگر در خانواده تربیت درست صورت نگیرد فرزندان حتی در صورت ناشایسته بودن موقعیت یکدیگر را خدشه دار کرده و مورد تعرض قرار می‌دهند»

زیرآب‌زنی به لحاظ عینی و ذهنی فرد را در هم می‌ریزد و می‌تواند دو بعد عینی و ذهنی فرد را درگیر کند، حداقل درجه برچسب زنی حالت خفیف و آزار دهنده ذهنی است (از تهت و ناسزا گرفته تا ایجاد بدبینی و



ذهنیت سازی در افراد نسبت به دیگران) و حداکثر آن و حالت شدید آن استفاده از تکات ضعف فرد قربانی و پرونده سازی و مستند کردن نکات ضعف فرد هست به قصد حذف فرد در حالت آشکار انجام می‌گیرد.

جدول شماره ۴ کد گذاری باز و محوری (مقولات) مقوله‌های عمده بر اساس کد گذاری راهکارهای برچسب زنی

ردیف	گزاره	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	
۱	اگر به احادیث و آیات عمل شود مشکل حل می‌شود	خدماتحوری و تکلیف مداری	اقدامات پیشگیرانه مذهبی	
۲	استعانت از خداوند منان و سیره ائمه و عالمان دینی که برجسته هستند و مقبولیت عام دارند			
۳	وظیفه دین و خانواده آموزش اخلاقیات هست و اخلاقیات تمام کننده همه بدی‌ها است			
۴	رعایت تقوای الهی و اینکه خداوند همیشه از حق و حقیقت دفاع می‌کند و از حقیقت پشتیبانی می‌کند کفایت می‌کند			
۵	انجام کار خالصانه در راه خدا و عدم توجه به حرف این و آن			
۶	باید امر به معروف و نهی از منکر کرد			
۷	توجه به احکام شریعت و توانمند سازی خود در عمل به آن			
۸	حفاظت گفتار را در جمع مدنظر قرار دهیم	نظارت فرد بر عمل و رفتار خود	اقدامات پیشگیرانه فردی	
۹	دادن اطلاعات غلط باعث سوختن طرف زیر آب زن می‌شود			
۱۰	فرد زیر آب زن براساس برجسی که خورده رفتار خود را ادامه می‌دهد با رفتارها عوض شود			
۱۱	از دوستی با افراد دارای شخصیت ناقص دوری کنیم یا حدود را رعایت کنیم			
۱۲	باید حواسمان باشد باعث ایجاد شرایط برچسب زنی نباشیم و بتوانیم از خودمان دفاع کنیم و شفاف سازی کنیم			
۱۳	نباید سر به سر کسی گذاشت			
۱۴	همیشه سرآمد باید به کار خودش باشد			
۱۵	باید از اتهامات خود را میرا ساخت			
۱۶	باید اطرافیان خود را خوب بشناسیم			هشیار بودن نسبت به شرایط اجتماعی
۱۷	نباید زود به افراد اعتماد کنیم			
۱۸	عدم اعتماد به روابط با دیگران و محتاط بودن در اعتماد با دیگران			
۱۹	هرچیزی را نباید با همه در میان بگذاریم			
۲۰	مراقبت از خود در برخورد با دیگران			
۲۱	صحبت برای رفع اتهامات وارد شده بر فرد			
۲۲	تحریک نکردن حساسیت افراد حساس			



		تعریف و تمجید الکی یا بیهوده کسی نکردن	۲۳
		باید زمینه‌هایی که حسادت را برمی‌انگیزد شناسایی کنیم و کنترل کنیم	۲۴
		باید رقابت جویی و برتری جویی را کاهش داد	۲۵
اقدامات پیشگیرانه اجتماعی	برابر دانستن افراد	داشتن فرصت‌های برابر و امکانات زیاد می‌تواند برچسب زنی را کاهش دهد	۲۶
		باید زمینه ارتقای برابر را برای همه فراهم آورد	۲۷

یافته‌های جدول ۴، راهکارهای کنترل زیرآب‌زنی را نشان می‌دهد براساس این جدول سه دسته اقدام پیشگیرانه فردی، مذهبی و اجتماعی می‌تواند راهکاری برای کنترل درونی، کنترل شرایط اجتماعی و تقویت ایمان و کردار مذهبی و هشیار بودن در شرایط زندگی را فراهم کند تا از رفتارهای زیرآب‌زنی در امان ماند و یا از ارتکاب به عمل زیرآب‌زنی پرهیز کرد.

جدول شماره ۵ کد گذاری باز و محوری (مقولات) مقوله‌های عمده بر اساس کد گذاری برداشت از زیرآب زنی

ردیف	گزاره	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱	بدگویی از یک شخص در پیش دیگران جهت به خطر انداختن موقعیت فردی و اجتماعی و شغلی طرف	تصور بیانی داشتن	برداشت از زیرآب زنی
۲	بدگویی از فرد نزد دیگران جهت از بین بردن محبوبیت آن فرد		
۳	حرف زدن کسی پشت سر کسی دیگر که موجب آسیب به آن فرد شود		
۴	فرد اخباری که شاهد آن بوده و یا چیزی از مردم شنیده است چه خوب و چه بد گزارش دهد	تصور عملی داشتن	
۵	ارایه گزارشات بد و یا عدم ارایه گزارشات خوب در مورد فردی بواسطه حسادت برای رسیدن به امیال شیطانی		
۶	استفاده از مدارک جعلی و ساختگی بر علیه دیگران		
۷	دادن اطلاعات به فردی است که از آن علیه شخص دیگری استفاده نماید		
۸	رفتار پنهانی که در غیاب فرد مورد هدف انجام می‌گیرد جهت تخریب شهرت و یا شغل فرد		
۹	موقعی که کارمندان نسبت به هم و موقعیت هم حسادت کنند در جهت از بین بردن وجهه شخصی تلاش می‌کنند		
۱۰	وقتی فردی در برابر رسیدن به هدفی ناتوان می‌ماند کسانی که به موقعیت دست یافته‌اند آنها را زیر پایش می‌کشند	تصور استیصالی داشتن	
۱۱	زیرپای کسی را خالی کردن بخاطر احساس رضایت و سرخوشی خود که نشان از حسادت فرد دارد		



براساس نتایج جدول ۵ نظر مصاحبه شونده‌ها در مورد درون فهمی و برداشت شان از برچسب زنی در سه مقوله تصور بیانی، داشتن تصور عملی، داشتن تصور استیصالی داشتن مقوله بندی می‌شود

جدول شماره ۶ دسته بندی مقوله‌ها براساس پارادایم نظریه بنیادی

ردیف	مقوله	نوع مقوله
۱	فرصت‌ها و محدودیت‌های سازمانی	علی
۲	فرصت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی	علی
۳	آموزش	پیامدی
۴	خودکنترلی	پیامدی
۵	احساسات	زمینه‌ای
۶	رفتارها	زمینه‌ای
۷	شناخت دینی	مداخله گر
۸	کنش دینی	مداخله گر
۹	ضعف در قانون گذاری	مداخله گر
۱۰	ضعف در اجراء	مداخله گر
۱۱	اقدامات پیشگیرانه مذهبی	راهبردی
۱۲	اقدامات پیشگیرانه فردی	راهبردی
۱۳	اقدامات پیشگیرانه اجتماعی	راهبردی
۱۴	مکانیزم برچسب زنی	پدیده

شرایط علی؛ نشان دهنده حوادث، وقایع، و اتفاق‌هایی است که وقوع اش به گسترش پدیده‌ها می‌انجامد. در این مطالعه محدودیت‌ها و فرصت‌های سازمانی و اجتماعی به عنوان واقعیت‌هایی هستند که با فقدان فرصت‌های برابر برای ارتقاء و فقدان عدالت در پرداخت یا فقدان شایسته‌سالاری و یا فقدان فضای گفتگو و... عنوان شده است اگر این شرایط وجود داشته باشد محدودیتی برای رشد سازمان و جامعه خواهد بود و فرصت‌ها را تبدیل به تهدید می‌کند. به عبارتی کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها به محدودیت‌ها و در صورت برعکس آنها فرصتی برای تعالی سازمان و جامعه هستند. پدیده، یا ایده و فکر محوری، همان مکانیزم‌های برچسب زنی هست که از حالت نرم و ذهنی می‌تواند به حالت سخت و عینی خودش را نشان دهند از تهمت و ناسزا گفتن تا پرونده سازی بر علیه فرد قربانی بدون اطلاع خود فرد.

راهبردهای کنش/ کنش متقابل برای مدیریت زیرآب‌زنی در سازمان‌ها و محیط‌های اجتماعی که می‌تواند به صورتی برخورد کنند یا اینکه سلسله رفتارها بدانها مرتبط شوند شامل اقدامات پیشگیرانه فردی، مذهبی و اجتماعی است با توجه به آنها زیرآب‌زنی می‌تواند کاهش پیدا کند که بخشی از اینها به صورت کنترل‌های درونی و بخشی به عنوان کنترل‌های بیرونی عمل کند.

زمینه، سلسله خصوصیات ویژه‌ای است که به پدیده‌ای دلالت می‌کند؛ برخی وضعیت‌ها باعث کنترل و یا تشدید عمل برچسب زنی می‌شود. احساسات و رفتارها دو مقوله مهم برای زمینه سازی شکل گیری رفتار



زیرآب‌زنی و یا کنترل آن هست حسادت، کینه‌توزی، بدگویی، برتری‌طلبی و کمبود و عقده‌ها و . . . زمینه‌هایی برای شکل‌دهی به عمل برجسب‌زنی هستند.

شرایط میانجی یا مداخله‌گر؛ شرایط ساختاری که به پدیده‌ای تعلق دارند در کدهای مشخص شده شامل مقوله‌ای کنش و شناخت دینی و قانون‌گذاری و اجرای قانون هست که می‌توان با تقویت آنها زیرآب‌زنی را محدود کرد.

پیامدی: نتیجه برخورد و تعامل مقوله‌ها با هم می‌تواند آموزش اصول کار در سازمان، تربیت خانوادگی و جامعه‌پذیر سالم و ایجاد مکانیزم خودکنترلی برای کنترل رفتار زیرزنی باشد.

در نهایت مدل زمینه‌ای نهایی حول مقوله اصلی ترسیم شد.

جدول شماره ۷ نظرات خبرگان در مورد علل زیرآب‌زنی

ردیف	علل برجسب‌زنی	موافقم	مخالقم
۱	کمبود منابع در جامعه	۶۲/۱	۳۷/۹
۲	قانع نبودن به داشته‌های خود	۸۲/۸	۱۷/۲
۳	احساس خطر در مورد منافع شخصی	۸۹/۷	۱۰/۳
۴	ارتقاء به موقعیت بالاتر	۷۹/۳	۲۰/۷
۵	برخورداری از منابع یا صاحب منابع بودن زیرآب‌زنها	۵۸/۶	۴۱/۴
۶	برخورداری از قدرت یا صاحب قدرت بودن زیرآب‌زنها	۶۵/۵	۳۴/۵
۷	واکنش اجتماعی به تخلف فرضی از مقررات یا انتظارات اجتماعی	۶۵/۵	۳۴/۵
۸	اعتماد بیش از حد به افراد دیگر	۶۲/۵	۳۷/۵
۹	گسترش فرهنگ دورویی در افراد	۸۲/۸	۱۷/۲
۱۰	توجه مردم به عوامل کنترل اجتماعی	۵۱/۷	۴۸/۳
۱۱	نتیجه تربیت و پرورش و محیط	۸۲/۸	۱۷/۲
۱۲	خوش‌خدمتی به مافوق	۸۲/۸	۱۷/۲
۱۳	تحسین و تمجید اغراق‌آمیز افراد موفق	۶۵/۵	۳۴/۵
۱۴	حسادت	۱۰۰	۰
۱۵	کینه‌توزی	۸۹/۷	۱۰/۳
۱۶	نوعی عادت رفتاری	۶۲/۱	۳۷/۹
۱۷	منفعت‌طلبی	۹۶/۶	۳/۴
۱۸	عدم وجود توانایی در فرد زیرآب‌زن برای انجام کار خوب	۶۹	۳۱
۱۹	دشمنی با فرد زیرآب‌زن	۶۹	۳۱
۲۰	داشتن عقده حقارت	۸۲/۸	۱۷/۲
۲۱	برتری‌طلبی	۹۳/۱	۶/۹
۲۲	نداشتن اعتماد به نفس کافی در فرد زیرآب‌زن	۶۰/۶	۳۹/۴
۲۳	خود کم‌بینی زیرآب‌زن	۷۹/۶	۲۰/۴
۲۴	ضعف در اعتقادهای دینی	۹۶/۶	۳/۴
۲۵	نداشتن توکل به خدا	۸۹/۷	۱۰/۳



۳/۴	۹۶/۶	فقدان ایمان کافی	۲۶
۶/۹	۹۳/۱	توجه نکردن به ایات و احادیث و سیره ائمه و علمای دینی	۲۷
۲۷/۶	۷۲/۴	فقدان و یا ضعف مقررات و قانون	۲۸
۱۳/۸	۸۶/۲	تنظیم نکردن قواعد مناسب و کاربردی برای کنترل زیرآب زنی	۲۹

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ۲۹ گویه مطرح شده برای متخصصان بالای ۶۰ درصد اجماع را در مورد علل برچسب زنی نشان می‌دهد. برای افزایش دقت برای این گویه‌ها از ضریب هم‌هنگی کندال هم استفاده شد مطابق با جدول شماره ۲، سطح معناداری پایین‌تر از ۰.۵/ نشان دهنده توافق متخصصان بر روش گویه‌های برچسب زنی است.

جدول شماره ۸ ضریب توافق کندال برای نشان دادن توافق نظر متخصصان

ضریب کندال W	/۱۳۲
کای اسکوتر	۱۰۶/۹۴۹
درجه آزادی	۲۸
تعداد نمونه	۲۹
سطح معناداری	/۰۰۰

در جدول شماره ۷ مطابق با مطالعه راند اول که مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده شاخص بدست آمده را براساس نظر داوران در مقوله‌هایی دسته بندی شد در راند دوم نیز با تکیه بر مرحله اول مطالعه، دسته بندی‌ها مدنظر قرار گرفت و میانگین‌های حسابی و وزنی بر اساس دسته بندی‌ها محاسبه شد تا براساس توصیف آماری چند جانبه، تصویری دقیق‌تر از جامعه آماری بدست بیاوریم. میانگین وزنی توافق نظر خبرگان استان اردبیل در زمینه عوامل زیرآب‌زنی چقدر هست و کدام عوامل اولویت دارند؟

جدول شمار ۹ میانگین و میانگین وزنی شاخص‌های زیرآب‌زنی به تفکیک مقوله‌ها

اولویت	میانگین دسته وزنی	وزن شاخص	میانگین دسته	میانگین	جمع نمره	شاخص‌ها	عوامل اجتماع
		/۱۱		۱/۴	۴۰	کمبود منابع در جامعه	
		/۰۳۸		۱/۲	۳۴	قانع نبودن به داشته‌های خود	



۱	۳۸/۸۵	/۰۱۸	۱/۳	۱/۱	۳۲	احساس خطر در مورد منافع شخصی	عوامل روانی و فردی
		/۰۵۹		۱/۲	۳۵	ارتقاء به موقعیت بالاتر	
		/۰۸۷		۱/۳	۳۹	برخورداری از منابع یا صاحب منابع بودن زیرآب زن‌ها	
		/۰۸۷		۱/۳	۳۹	برخورداری از قدرت یا صاحب قدرت بودن زیرآب زن‌ها	
		/۰۸۷		۱/۳	۳۹	واکنش اجتماعی به تخلف فرضی از مقررات یا انتظارات اجتماعی	
		/۱۳۸		۱/۴	۴۱	اعتماد بیش از حد به افراد دیگر	
		/۰۳۸		۱/۲	۳۴	گسترش فرهنگ دورویی در افراد	
		/۱۷۲		۱/۵	۴۴	توجه مردم به عوامل کنترل اجتماعی	
		/۰۳۸		۱/۲	۳۴	نتیجه‌تربیت و پرورش و محیط	
		/۰۳۸		۱/۲	۳۴	خوش خدمتی به مافوق	
۲	۳۶/۷۵	/۰۱۵	۱/۲	۱	۲۹	حسادت	عوامل روانی و فردی
		/۰۷		۱/۱	۳۲	کینه توزی	
		/۱۷		۱/۴	۴۰	نوعی عادت رفتاری	
		/۰۳۱		۱/۰۱	۳۰	منفعت طلبی	
		/۱۴		۱/۳	۳۸	بی هنری یا عدم وجود توانایی در فرد زیرآب زن برای انجام کار خوب	
		/۱۴		۱/۳	۳۸	دشمنی با فرد زیرآب زن	
		/۰۹		۱/۲	۳۴	داشتن عقده حقارت	



		/۰۴۹		۱/۱	۳۱	برتری طلبی	
		/۱۹۳		۱/۴	۴۱	نداشتن اعتماد به نفس کافی در فرد زیرآب زن	
		/۱۱		۱/۲	۳۵	خود کم بینی زیرآب زن	
۴	۳۱/۱۴	/۱۳۸	۱/۱	۱/۰۳	۳۰	ضعف در اعتقادهای دینی	عوامل مذهبی
		/۴۴		۱/۱	۳۲	نداشتن توکل به خدا	
		/۱۳۸		۱/۰۳	۳۰	فقدان ایمان کافی	
		/۲۸۴		۱/۱	۳۱	توجه نکردن به آیات و احادیث و سیره ائمه و علمای دینی	
۳	۳۵/۶۷	/۶۹	۱/۲	۱/۳	۳۷	فقدان و یا ضعف مقررات و قانون	عوامل حقوقی
		/۳۱		۱/۱۴	۳۳	تنظیم نکردن قواعد مناسب و کاربردی برای کنترل زیرآب زنی	

براساس جدول شماره ۹، ملاحظه می‌شود که از بین ۴ عامل اجتماعی، روانی، مذهبی و حقوقی عامل اجتماعی بیشترین میانگین وزنی در بین عوامل دارد و اولین اولویت در بین عوامل است بعبارتی از نظر متخصصان محدودیت در توزیع منابع، اعتماد بیش از حد افراد به همدیگر و... می‌تواند علت برچسب زنی باشد و عامل دوم، روانی و عامل سوم حقوقی و چهارم عامل مذهبی به ترتیب رتبه ۲ تا ۴ را به خود اختصاص می‌دهند.

بحث و نتیجه گیری

برچسب زنی در هر قسم به معنی بدگویی از فردی در مقابل دیگران است که در نتیجه آن فرد مذکور موقعیت اجتماعی، کاری و یا محبوبیتش را از دست بدهد. این پدیده ناپسند و مخرب، متأسفانه ریشه در زشتی‌هایی دارد که بزرگان دین ما، انسان را از آن نهی کرده‌اند. رفتار برچسب زنی در جوامعی زیاد به



چشم می‌خورد که علیرغم نقص در جریان جامعه‌پذیری افراد و ویژگی‌های تقویت‌کننده فردی و روانی، محدودیت منابع و امکانات یا نحوه توزیع نابرابرانه منابع وجود دارد ینابر نظر مارکس در جامعه‌ای امور طبقاتی هستند توزیع امکانات و منابع کمیاب هم که در اختیار اقلیت افراد قرار دارد محدود و نابرابرانه هست بنابراین، رقابت در دسترسی به منابع محدود اقتصادی بوجود می‌آید و کنشگران در رقابت با توجه به ضعف ایمان مذهبی و داشتن زمینه‌های روانی و شخصیتی در تخریب دیگران ممکن هست از ابزارهای مخرب رقابتی برای دیگران استفاده کنند تا آنها را در میدان رقابتی برای دستیابی به منفعت از صحنه خارج کنند. این امر زمانی شدت می‌گیرد که افراد در شناختی که از همدیگر دارند ببینند که فردی مورد تحسین و تشویق قرار می‌گیرد که اصلاً این عمل برای او خوب مناسب نیست در چنین شرایطی ممکن است کنشگر احساس محرومیت نسبی پیدا کرده و تلافی آن را از افرادی که به منفعتی دست یافته، دریابند. از طرفی توزیع ناعادلانه اقتدار در سازمان‌ها نیز می‌تواند زمینه‌های برچسب زنی را فراهم کند و افراد بیشتر از کاری که به طبق قواعد سازمانی به آنها واگذار شده، دست به تخریب عملی شخصیت و محبوبیت افراد در سازمان‌ها بزند و از شیوه‌های غیر اخلاقی تلاش در جهت حذف شخصی از سازمان بکنند و این عمل اگر تبدیل به فرهنگ در زندگی عملی افراد بشود و از طریق قوانین رسمی و یا شیوه‌های نظارت و کنترل غیر رسمی درونی نشود هنجارمند می‌شود و می‌تواند به بخش‌های دیگر زندگی اجتماعی افراد رخنه پیدا بکنند مثلاً وارد تعاملات خانوادگی شود و زمینه فروپاشی خانواده‌ها را فراهم کنند به روابط بین معلم و دانش آموز لطمه وارد کند و . . . بنابراین، برای کاهش زیرآب‌زنی باید از تبدیل شدن این رفتار غیر اخلاقی به فرهنگ واقعی به صورت نظری و عملی جلوگیری کرد، خود کنترلی را بیشتر کرد و به لحاظ اجتماعی برای افراد زیر آب زن زمینه‌ها را محدود کرد، خدا محوری را تقویت کرد کم‌رنگ شدن اعتقادات و ارزش‌های دینی و از یاد بردن اینکه خداوند در هر حالی ناظر و حاکم بر رفتارها و کردارهای انسان است، باعث می‌شود تا فرد برای رسیدن به مقام و منفعت بیشتر هر کاری انجام دهد.

در این مطالعه عامل فردی اولویت دوم متخصصان در بین عوامل چهارگانه است نتیجه تحقیق اسلامی و همکاران (۱۳۹۷) نیز نشان می‌دهد که حسادت، کینه توزی، منفعت طلبی به عنوان عوامل فردی در زیرآب‌زنی دخالت دارند. همچنین نتیجه تحقیق جمشیدزادی و همکارش (۱۴۰۰) نیز نشان می‌دهد که عوامل فردی، سازمانی و محیطی تاثیر بسیار زیادی بر زیرآب‌زنی دارد. از نظر جامعه شناسی برچسب زنی یک رفتار عکس‌العملی است و نشان می‌دهند که بر چسب خوردن یک جریان اجتماعی روانی است که بر تصویر فرد از خود تاثیر می‌گذارد.

عدم اجرای قوانین و مقرراتی حقوقی در جامعه که افراد را ملزم به رعایت اصول اخلاقی کند باعث می‌شود که افراد، بدون هیچ گونه ترسی، اقدام به غیبت و بدگویی از دیگران کنند؛ بدون این که کسی آنها را بازخواست کند. در واقع، وجود قوانین و مقررات سفت و سخت می‌تواند به نوعی عامل بازدارنده باشد تا افراد از گفتن مطالب غیر واقعی و ناحق در مورد دیگران اجتناب کنند. این امر بخصوص در سازمان‌ها و نهادهای بیشتر به چشم می‌خورد.



از جانب دیگر علاوه بر میزان دریافتی افراد، **توزیع دوگانه اقتدار در سازمان‌ها و نهادها نیز عامل برچسب‌زنی هست** افرادی که براساس شایستگی‌های شخصی مسئولیت‌هایی را عهده دار می‌شوند و افراد دیگری که شایستگی دریافت سمتی را ندارند و یا شایستگی دارند ولی مسئولیتی به آنها واگذار نمی‌شود در این حالت برچسب زنی شدت می‌گیرد، اجماع نظر متخصصان نیز هم در بعد اجتماعی به نابرابریها در توزیع مسئولیت‌ها و هم در بعد فردی حسادت، کینه توزی و . . . را فراهم می‌کند که باعث می‌شود زیرآب‌زنی تقویت شود.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود باید سودی که از انگ زنی مایه انگ زنان می‌شود، از بین برود، تعریف‌ها به معنی مدارای بیشتر است، طوری که مردم، انگ زنی افراد یا وضعیت‌های خاص به عنوان مسئله دار را متوقف کنند. هدف بهره برداری از انگ زنی می‌تواند به این مفهوم باشد که کاهش در کار انگ زدن به خود و به دیگران انجام شود و به همین دلیل، مشکلات حاصل از این گونه انگ زنی نیز کاهش یابد بنیادهای اعتقادی مردم باید تقویت شود و همچنین هنجارهای دینی باید به واسطه جامعه‌پذیری از طریق کارگاه‌های بازآموزی در ادارات و سازمان‌ها درونی شود و نظارت درونی و بیرونی باید تقویت شود. آگاهی عمومی ارتقاء یابد در سایه چنین اقداماتی می‌توان سطح زیرآب‌زنی را کاهش داد.



منابع فارسی

- اسلامی، قاسم. رحیم نیا، فریبرز. مرتضوی سعید، خوراکیان، علیرضا. (۱۳۹۷)، علل رفتار زیرآب‌زنی در سازمان‌های بخش دولتی، فرآیند مدیریت توسعه، دوره ۳۱، شماره ۳: ۴۹-۸۳.
- جمشیدزادی، سجاد. نورمحمدی، نورالدین (۱۴۰۰)، شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر زیرآب‌زنی اداری با استفاده از روش AHP فازی، هشتمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار.
- ستوده، هدایت‌الله؛ (۱۳۷۹)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، چاپ ششم، ۱۳۲-۱۳۶.
- شول، حسین. حسین دامغانیان، عباسعلی رستگار، حسن دانایی فرد، عادل آذر (۱۳۹۸)، پیشایندها و پسایندهای زیرآب‌زنی سازمانی در سازمان‌های دولتی: پژوهشی کیفی، مطالعات رفتار سازمانی سال هشتم، شماره ۳ (پیاپی ۳۱).
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مک شین، مریلین؛ ویلیامز، فرانکلین (۱۳۸۶)، نظریه‌های جرم‌شناسی. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نشر میزان.
- وایت، راب؛ هینز، فیونا. (۱۳۸۶)، مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین دی. (۱۳۸۶)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، تهران: میزان، چاپ دوم.

منابع انگلیسی

- Downs, R. W. , & Robertson, J. F & Harrison, L. R. (1997). Control Theory, Labeling Theory and the Delivery of Services for Drug Abuse to Adolescents. *Adolescence*: Spring. 32, 125, 1- 24.
- Liu, X. (2000). The Condition Effect Of Peer on The Relationship Between Parental Labeling and Youth Delinquency. *Sociological Perspectives*. 43, 3, 499- 514.
- Malone, P. & Hayes, J. (2012). Backstabbing in Organizations: Employees' Perceptions of Incidents, Motives and Communicative Responses. *Communication Studies*, 63 (2), pp. 194-219.



A comparative study of the criterion of the right to life of a sick fetus from the perspective of Islamic religions with a social approach

*Azadeh Abdi Abianeh¹, Yunus Vaheh Yarijan*², Maryam Ibn Tarab³*

(Received date: 00/00/00 - Accepted date: 00/00/00)

Abstract

In Islam, the right to life is considered a special right for all human beings, regardless of their development stage, age, and other conditions, and as a primary and fundamental human right, it is preferred over other rights. The present study was compiled with the analytical descriptive method with the aim of comparative investigation of the criterion of the right to life of the fetus from the perspective of Islamic religions.

The mother's rights regarding the control over her own body, in the Islamic perspective, with a social approach, in contrast to the right to the life of the fetus, has no place in the Arabs, and as a general rule, all kinds of assaults on the life of the fetus are forbidden, and with this cultural approach, except in rare cases where conflict, emergency or if it requires hardship and embarrassment, abortion is not allowed. The findings of the research show that although it is difficult to determine a specific criterion about it, but the results and achievements of the study of the works of experts and the collected information and their criticism show that in cases of the permissibility of abortion for a patient from the point of view of Khamsa religions, two criteria can be introduced. The first criterion is the definition of the fetus in relation to the stages of its development, which is a matter of dispute among the jurists of different religions and is effective in the initial ruling; The second criterion also refers to the foundations of secondary rulings, which itself is divided into two types: the conflict between the rights of the fetus and the rights of the mother, which is mostly agreed upon by jurists, and the second category is titles such as difficulty and harm, which have more differences of opinion in the realm of rules. She eats.

Key words: sick fetus, the right to life of the fetus, cultural evolution, jurisprudence of Islamic religions

¹ PhD student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran. zadeh.abdiabyaneh@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author): vahedyarijantounes@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran. ebnetorab@gmail.com



بررسی تطبیقی معیار حق حیات جنین بیمار از دیدگاه مذاهب اسلامی با رویکرد اجتماعی

آزاده عبدی ایبانه^۱، یونس واحد یاریجان^{۲*}، مریم ابن تراب^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰)

چکیده

حق حیات در اسلام برای تمام افراد انسان، صرفنظر از مرحله رشد، سن و سایر شرایط، حق ویژه‌ای قلمداد می‌شود و به عنوان حق اولیه و بنیادین آدمی بر حقوق دیگرش ارجحیت دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با هدف بررسی تطبیقی معیار حق حیات جنین از منظر مذاهب اسلامی تدوین شده است. حقوق مادر نسبت به تسلط بر بدن خویش، در دیدگاه اسلامی با رویکرد اجتماعی در مقابل حق حیات جنین محلی از اعراب ندارد و به عنوان حکم کلی، انواع تعرض به حیات جنین حرام است و با این رویکرد فرهنگی جز در موارد نادر که تزاحم، اضطراب یا عسر و حرج ایجاب نماید، سقط جنین مجاز نیست. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد هرچند تعیین معیار مشخصی در مورد آن دشوار است لکن نتایج و دستاوردهای حاصل از مطالعه آثار صاحب‌نظران و اطلاعات جمع‌آوری شده و نقد و بررسی آنها، نشان می‌دهد در موارد جواز سقط جنین بیمار از دیدگاه مذاهب خمسسه، دو معیار را می‌توان معرفی نمود. معیار اول تعریف جنین نسبت به مراحل تکامل وی است که مورد اختلاف میان فقهای مذاهب بوده و در حکم اولیه مؤثر است؛ معیار دوم نیز ناظر بر مبانی احکام ثانویه می‌باشد که خود به دو قسم وجود تزاحم میان حق جنین و حقوق مادر است که بیشتر مورد اتفاق نظر فقها قرار گرفته و قسم دوم عناوینی نظیر عسر و حرج است که در قلمروی قاعده، اختلاف نظرهای بیشتری به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: جنین بیمار، حق حیات جنین، تحول فرهنگی، فقه مذاهب اسلامی

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، تهران، ایران. zadeh.abdiabyaneh@gmail.com

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول): vahedyarijantounes@gmail.com

^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، تهران، ایران. ebnetorab@gmail.com



مقدمه

حق حیات به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر قلمداد می‌شود که مبنای برخورداری از سایر حقوق است. حقوق بین‌الملل بشر، حق حیات را از بدو تولد به رسمیت می‌شناسد و نهادهای بشری بین‌المللی و منطقه‌ای در رویه خود صراحتاً بیان می‌کنند که در مرحله اول، تمامی حمایت‌های پیش از زایمان باید با لحاظ کردن حقوق بشر زنان از جمله حق سلامت، حق بر بدن و حق حریم خصوصی آنان صورت پذیرد و توجه به حفظ حیات جنین پیش از تولد، در مرحله بعد قرار می‌گیرد.

از طرف دیگر، از دیدگاه ادیان، جنین یک موجود زنده آدمی است که علیرغم اختلاف در زمان تکوین، از حق حیات برخوردار است و اینکه آیا حق بر بدن یا حق حریم خصوصی و حتی حق سلامت مادر می‌تواند به حق حیات جنین مقدم شود، محل تردید جدی است و تبیین و ارزیابی و اولویت‌سنجی‌های خاص خود را می‌طلبد. پژوهشگر در تلاش است با تبیین مفهوم جنین و بررسی و تطبیق مراحل مختلف تکامل آن بتواند به معیاری در موارد جواز سقط آن از منظر مذاهب اسلامی دست یابد.

۱- مفاهیم

۱-۱ جنین

«جنین» کلمه‌ای عربی، اسم مفعول و بر وزن فعیل است؛ جمع آن «اجنه» بوده (جوهری، ۱۴۱۰، ۱۲۳) و به معنای «هر چیز پوشیده و مستور» آمده است (عمید، ۱۳۷۶، ج ۴، ۴۷۳). در تعریف دیگری گفته شده که به بچه زمانی که در بطن مادرش قرار دارد و به واسطه مستور بودن در بطن وی، جنین اطلاق می‌شود (شهید اول، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ۲۸۸-۲۸۹). بدین ترتیب، جنین را «بچه تا زمانی که در شکم مادر است و زاییده نشده» و «بچه هر حیوان زنده که در رحم یا تخم قرار داد و پس از رسیدن به مرحله خاص از تکوین از جای خود خارج می‌شود» تعریف نمودند. (جوهری، ۱۴۱۰، ۱۲۳). دهخدا نیز جنین را در معنای «بچه اندر شکم» و «مرد در گور» نیز آورده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۱، ۱۳۳).

در قرآن کریم واژه «جنین» به صورت جمع بکار رفته است: «اذا انتم اجنه فی بطون امهاتکم» (نجم، ۳۲): زمانی که شما در شکم مادرانتان بودید.

از دیگر واژه‌هایی که برای اشاره به جنین به کار می‌رود حمل و حبل است. حمل واژه‌ای عربی است که جمع آن احمال (عمید، ۱۳۷۶، ج ۴، ۵۲۷) و حمول (مصطفی احمد، ۱۳۷۶، ج ۱، ۱۹۹) می‌باشد. حمول در لغت به مفهوم «بار و آنچه بر شاخه درختان است» می‌باشد و به معنای «بچه‌ای که در شکم همه جانوران

۱. الَّذِينَ يَجْنِبُونَ كِبَارَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى



باردار است» (جر، ۱۴۰۸، ۸۶۲) یا «بچه‌ای که در شکم مادر است» نیز آمده است (عمید، ۱۳۷۶، ۵۲۷). در قرآن مجید نیز حمل به مفهوم «آنچه در بطن مادر است» تعبیر شده است. (طلاق، ۴)^۱

حمل نیز در لغت به معنی حمل و جمع آن احبال است. حمل را چنین تعریف کرده‌اند: «بار، بار درخت، بار شکم یعنی بچه داخل شکم مادر» (عمید، ۱۳۷۶، ۵۷۳). در بسیاری از روایات فقهی حمل به همین مفهوم استفاده شده است. در نتیجه با عنایت به مفاهیمی که ذکر شد، جنین (حمل یا حمل) را می‌توان به فرزند در شکم مادر، تعریف نمود و این مرحله تا مراحل پیش از تولد را نیز دربر می‌گیرد؛ و پس از تولد که از پوشش در رحم خارج می‌شود، دیگر جنین نبوده و نمی‌توان به وی جنین اطلاق نمود. (قبله‌ای خوئی، ۱۳۷۵، ۶۰)

۲-۱ سقط جنین

«سقط» واژه‌ای عربی از مصدر سقوط است و «بچه ناتمام از شکم افتاده» معنا شده است. (معلوف، ۱۹۹۲، ۸۵۳) دهخدا «سقط و اسقاط» را به این معنا آورده است: «اسقاط جنین، بچه انداختن از شکم، بچه ناتمام افکندن زن». (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل سقط)

معادل انگلیسی سقط، «Abortion» بوده و معادل فرانسوی آن «Avortement» است که به عدم خروج جنین از رحم قبل از رشد کامل گفته می‌شود. (درخشان، ۱۳۹۲، ۱۱)

مفهوم اصطلاحی سقط جنین، به همان معنای لغوی آن بکار رفته است و عبارت است از خروج فرزند از رحم و پایان حیات وی، پیش از رسیدن به رشد کامل و تفاوتی ندارد پسر باشد یا دختر. در نتیجه می‌توان گفت که واژه سقط در لغت و اصطلاح به یک معنا آورده شده است (جوادی، ۱۳۹۶، ۸). معادل سقط جنین در زبان عربی اجهاض، ازلاق، اسلاب و املاص استفاده شده است. (غائم، ۱۴۲۱، ۱۱۲)

برخی از فقهاء گفته‌اند که سقط جنین، خارج کردن جنین بعد از به وجود آمدن آن در رحم است، و تفاوتی میان هر عملی که موجب آن شود و مرحله رشد جنین نیست؛ بنابراین چه علقه باشد چه مضغه و یا دارای استخوان باشد و یا گوشت بر وی روئیده باشد، در مفهوم و اطلاق سقط جنین، تفاوتی ایجاد نمی‌کند. (جمعی از مؤلفین، ۱۴۲۵، ج ۱، ۱۳۳)

در متون فقهی امامیه، حنفیه، مالکیه و حنابله استعمال لغت سقط و اسقاط جنین مشاهده می‌شود اما غزالی از علماء شافعیه و تابعین او، از کلمه اجهاض استعمال کرده‌اند. (غائم، ۱۴۲۱، ۱۱۳)

در فقه اهل سنت، سقط جنین به این معناست که پیش از تکمیل شدن رشد و مدت حمل، با عملی نظیر مصرف دارو یا هر عملی غیر از آن، بیفتد و تفاوتی ندارد که جنین زنده باشد یا مرده و یا اینکه قسمتی از خلقت وی آشکار شده باشد. (ابن محمد رحیم، ۱۴۲۳، ۸۷)

^۱ آیه ۴ سوره طلاق: وَاللَّائِي يَتَسَنَّ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ وَأُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا



در تعریف دیگر، چنانچه بدون ضرورتی و به صورت عمدی با اقدام به هر عملی، به صورت خودبه-خود یا توسط شخص دیگری، جنین در زمانی غیر از زمان طبیعی وضع حمل، بیفتد خواه ناقص الخلقه باشد یا ناقص الموت، سقط نام دارد. (همان)

برخی از حقوقدانان بر این باورند که چنانچه حمل پیش از موعد طبیعی وضع حمل، به شکلی که جنین زنده به دنیا نیاید یا امکان ادامه حیات نداشته باشد، از بدن مادر خارج شود، سقط جنین اتفاق افتاده است. علاوه بر این تعاریف، گروه دیگر حقوقدانان، معتقدند که «سقط جنین، منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری است». مجمع بهداشت جهانی نیز سقط جنین را این‌گونه تعریف کرده است: قطع خودبه‌خودی یا عمدی حاملگی از اولین روز قاعدگی تا هفته بیستم را سقط جنین می‌گویند. (رجحان، ۱۳۸۰، ۵)

۲- تفاوت تعریف جنین در مذاهب اسلامی

با جستجو در منابع فقهی امامیه، روشن می‌شود که فقها تعریف مشخص و دقیقی از جنین و حتی سقط جنین ارائه ندادند و عمدتاً به مراحل تکوین جنین و احکام مترتب بر آن پرداخته‌اند. اما با تأمل در عبارات ایشان می‌توان گفت که واژه جنین در اصطلاح نیز به همان معنای لغوی مورد استفاده قرار گرفته است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در ضمن خطبه‌ای می‌فرماید: «روزگاری به صورت جنین در رحم مادر خود شناور بودی» (معادی‌خواه، ۱۳۷۲، ۱۹۴۱). گفته شده «فرزند، مادامی که در رحم مادر است جنین نام دارد» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ۴۱۶) و همچنین «جنین طفل در شکم مادر» معنا شده است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۲۰۱۵)

بنابراین روشن می‌شود که در بیان فقها، بچه تا زمانی که در شکم مادر قرار دارد، جنین نامیده می‌شود اما شروع جنینی میان مذاهب اسلامی مورد اتفاق نیست. در فقه امامیه، شروع جنینی را می‌توان تشکیل نطفه دانست. در معتبره رفاعه آمده است: به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم: کنیزی خریده‌ام و عادت ماهانه او قطع شده است. برای آن دارویی می‌خورم که در همان روز حیض ببیند، آیا در حالی که نمی‌دانم قطع شدن حیض او به جهت بارداری بوده یا دلیل دیگری، چنین کاری جائز است؟ حضرت (علیه‌السلام) فرمودند: این کار را نکن ... نطفه هر گاه در رحم قرار می‌گیرد، به علقه و سپس به مضغه تبدیل می‌شود تا آنجا که خدا بخواهد؛ و اگر نطفه در غیر رحم قرار گیرد چیزی از آن بوجود نمی‌آید. لذا هر گاه یک ماه عادت ماهانه او قطع شد و زمانی که او در آن حیض می‌دید گذشت، دارویی به او نده. (شبیبری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۴، ۱۳۶۹)

در فقه مذاهب اهل سنت، هر گروه تعریف متفاوتی از جنین مطرح کرده‌اند:

شافعیه: غیر از غزالی، شافعیه معتقدند که مرحله بعد از مضغه و علقه، زمانی که یکی از اجزای انسانی مثل ناخن یا انگشت در حمل هویدا شود، اولین مرحله‌ای است که به وی جنین اطلاق می‌شود. (ماوردی، ۱۹۹۴، ج ۱۲، ۳۸۵).



لکن غزالی، انعقاد نطفه در رحم را آغاز حیات جنین دانسته و هرگونه تعرض به وی را مجاز نمی‌داند. (شافعی، ۱۴۲۲، ج ۸، ۲۴۹)

مالکیه: حمل در تمام مراحل نام جنین می‌گیرد یا به عبارت دیگر، به هرچه که مادر در رحمش حمل کند، جنین اطلاق می‌شود. دیدگاه مشهور بین مالکیه است که چنانچه منی بر این خون ریخته شود و در آن ذوب نشود، آن جنین است. تعریف دیگری از جنین به این عبارت است که در منتفی ذکر شده است: هرآنچه مادر حمل کرده و بداند که فرزند است، جنین نام دارد؛ خواه خلقت وی شکل گرفته باشد یا نه. (الدسوقی، بی‌تا، ج ۴، ۲۶۸)

حنفیه: جنین زمانی به حمل اطلاق می‌شود که آفرینش انسانی در وی رخ داده باشد و پیش از آن جنین نیست. به عبارت دیگر، زمانی حکم به ولد و جنین می‌شود که آثار نفس در آنچه در رحم است ظاهر شود؛ و دلیل آن چنین گفته شده که تا زمانی که حمل در مرحله علقه یا مضغه است، حقیقتش معلوم نیست. از دیدگاه برخی علمای حنفیه، تا پیش از آن که آثاری از خلقت در آنچه مادر حمل می‌کند، آشکار نشود، مضغه است و جنین نام نمی‌گیرد. اما منظور از ظهور آثار خلقت در حمل، از منظر حنفیه آن است که انگشت یا ناخن یا مو در آن ظاهر شود و ظهور غیر از اینها در حمل، به معنای ورود به مرحله جنین نیست. (ابن عابدین، ۱۴۱۵، ج ۳، ۵۳۹)

حنبلیه: این فرقه از اهل سنت بر این باورند که آغاز شکل‌گیری صورت انسانی در حمل، آغاز شکل‌گیری جنین است. اما پیش از آن، حتی اگر دارای صور انسانی مخفی باشد، یقیناً حقیقتش معلوم نیست. البته ابن رجب حنبلی با این دیدگاه مخالف بوده و می‌گوید که آغاز مرحله جنین، علقه است. وی اینگونه برای عدم پذیرش مبدأ جنین پیش از علقه استدلال نموده است که گاهی نطفه منعقد شده و گاهی نمی‌شود. (ابن قدامه، ۱۴۰۴، ج ۷، ۵۳۷)

۳- احکام اولیه سقط جنین و مبانی آن در فقه مذاهب اسلامی

با بررسی احکام سقط جنین در مذاهب اسلامی، می‌توان گفت حکم اولیه، حرمت سقط جنین است. البته باید توجه داشت که مذاهب خمس در تعریف جنین نسبت به سن و مراحل تکوین وی اختلاف نظر دارند و منشأ بسیاری از اختلافات آرا همین موضوع است. همچنین در هر مذهب ممکن است علما اتفاق نظر نداشته باشند، اما صرفنظر از استثنائات و با توجه به آراء مشهور، اتلاف آنچه جنین اطلاق می‌شود، به عنوان حکم کلی حرام است.

۳-۱ مذهب امامیه

در فقه امامیه، بدون شک قاعده کلی در خصوص سقط جنین، در همه مراحل تکامل، از محرمات قطعی است و این موضوع از منابع چهارگانه استخراج می‌شود.



قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ (اسراء، ۳۳)؛

ترجمه‌ایه از این قرار است: و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز به حق نکشید؛ و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل زیاده‌روی نکنند، چرا که او مورد حمایت است (ترجمه مکارم شیرازی). گفتنی است که دلالت آیه بر حرمت قتل نفس است و از آنجا که جنین پس از دمیده شدن روح در وی، حکم انسان کامل را دارد، این آیه بر حرمت قتل جنین پس از ولوج روح اشاره دارد.

همچنین در آیه‌ای دیگر، آمده است: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِن قَتَلْتُمْ كَانِ خَطًّا كَبِيرًا﴾ (اسراء، ۳۱)؛

آیه فوق اینگونه ترجمه شده است: و فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستی نکشید، ماییم که آنها و شما را روزی می‌دهیم، حقا که کشتن آنها گناهی بزرگ است. (ترجمه مشکینی اردبیلی)
علاوه بر روایتی (از معتبره رفاعه) که پیشتر نقل کردیم، به روایت دیگری به نقل از اسحاق بن عمار می‌پردازیم که صراحتاً دلالت بر حرمت و ممنوعیت اسقاط جنین دارد و به شرح ذیل است: (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ۲۶)

اسحاق بن عمار می‌گوید: به ابی‌الحسن (علیه‌السلام) عرض کردم: اگر زن از بارداری خوف داشته باشد، آیا جایز است که دارویی مصرف کند که جنین خود را سقط نماید؟ حضرت (علیه‌السلام) فرمودند: خیر، پس عرض کردم: آن جنین در مرحله نطفه است. فرمودند: اولین چیزی که خلق می‌شود نطفه است. از فرمایش امام (علیه‌السلام) چنین برداشت می‌شود که حتی پیش از ولوج روح در بدن که خلقت تکمیل می‌شود و جنین حکم انسان کامل را دارد، بواسطه‌ی اینکه خلق محقق شده و مراحل پیشین، زمینه رشد جنین و آمادگی دریافت روح را در وی پدید می‌آورد نیز سقط جنین حرام است.

علاوه بر آیات و روایات، شیخ طوسی در مورد وجوب پرداخت دیه در صورت جنایت بر جنین و به منظور جبران خسارت وارده ادعا نموده است که اجماع وجود دارد. (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۵، ۲۹۴)
برخی اینگونه استدلال نموده‌اند که از آنجایی که اسقاط جنین در هر مرحله‌ای رشد و تکامل وی، مشمول پرداخت دیه می‌باشد، بنابراین می‌توان اسقاط جنین را در هر مرحله‌ای حتی از پیش از ولوج روح حرام دانست؛ چرا که تعلق دیه به معنای جبران خسارت ناشی از جنایت است و اقدام به سقط عمدی بدون در نظر گرفتن استثنائاتی که شارع قائل شده است، جنایت و قطعاً حرام می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۲۸۶). در مجموع می‌توان گفت، همه علمای اسلام بر حرمت سقط جنین فتوا داده و علاوه بر آن احتیاط در دماء نیز اقتضاء می‌کند که به عنوان حکم اولیه سقط جنین دارای اشکال و حرام باشد. (محمدی همدانی، بی‌تا، ۶۷-۷۰)



به حکم عقل نیز، ظلم حرام بوده و عقلاء آن را قبیح می‌دانند. از سوی دیگر، جنین، در هر مرحله‌ای تکامل، خواه نطفه‌ای باشد و خواه خلقت وی کامل شده باشد، بواسطه تحقق خلقتش، موجودی محترم به شمار می‌رود و عقلاء سقط جنین را اصولاً ظلم بر موجودی محترم و مصداق ظلم بر وی تلقی نموده‌اند که حتی قابلیت دفاع از خودش را هم ندارد و اقدام به اسقاط جنین را حرام و غیرمجاز برمی‌شمرند. (وحیدی زاده، ۱۳۹۲، ۳۷)

۲-۳ مذهب حنفیه

در مذهب حنفیه در خصوص سقط جنین پیش از ولوج روح، سه دیدگاه وجود دارد:

۱- جواز سقط عمدی جنین:

دیدگاه مشهور در مذهب حنفیه همین دیدگاه است. چرا که حنفیه، پیش از ولوج روح، جنین را انسان کامل ندانسته و نفس محترم محسوب نمی‌شود. بنابراین از آنجا که قتل به معنای ازاله روح است و جنین پیش از ولوج، صاحب روح نمی‌باشد؛ در نتیجه، حتی سقط جنین عمدی قتل نفس به شمار نرفته و حرام نیست. (عويس، بی‌تا، ج ۲، ۵۳۰).

۲- جواز اسقاط عمدی جنین ولی مکروه بودن از نظر شرعی:

بعضی از علماء حنفیه معتقدند: از آنجا که اگر منی تبدیل به نطفه شود؛ سرانجام مسیر انسان شدن را طی خواهد نمود؛ بنابراین اتلاف آن با ابهام مواجه است. (ابن‌عابدین، ۱۴۱۵، ج ۸، ۵۸۶)

۳- حرمت اسقاط عمدی جنین:

استدلال این گروه از علماء حنفیه بر این قیاس بنا شده است که اگر فرد مُحرم در حج، تخم صیدی را تلف کند، ضامن است و این از باب مصداق یافتن اتلاف بر صید می‌باشد؛ بنابراین در مسئله سقط جنین پیش از ولوج روح، حداقل چنانچه عذری وجود نداشته باشد، گناه بوده و فرد گناهکار است؛ ولو اینکه چنین گناهی قتل نیست.

لازم به ذکر است که این عده بر این باورند که به نوعی اصل حکم حرمت است و چنانچه عذری وجود داشته باشد، سقط جنین را جائز دانسته و استثناء می‌نمایند؛ به عنوان مثال چنانچه در صورت ادامه حاملگی، شیر مادر برای طفل شیرخوار دیگر وی قطع شود و پدر قادر نباشد دایه‌ای برای طفل بگیرد، سقط جنین مجاز خواهد بود. (همان، ج ۳، ۱۷۶)

۳-۳ مذهب شافعیه

در مذهب شافعیه، میان دیدگاه‌های علمای این مذهب در خصوص حق حیات جنین پیش از ولوج روح، اختلاف نظرهای بسیاری مشهود است. این اختلافات ریشه در تفاوت احکام سقط بر اساس سن



جنین دارد و به اعتبار ولوج روح در جنین و پیش از آن، دیدگاه‌های علمای شافعیه به دو دسته طبقه بندی می‌شوند:

۱- سقط جنین پیش از دمیده شدن روح در جنین: علماء شافعیه، در خصوص حکم سقط جنین اختلاف نظرهایی دارند که به شرح ذیل است:

۱-۱- حرمت سقط جنین: بر اساس این دیدگاه، سقط جنین قبل از ولوج روح در جنین که ۱۲۰ روز می‌باشد حرام دانسته شده است؛ چرا که منی پس از استقرار در رحم، قابلیت تکامل و حیات دارد. (بوطنی، ۱۴۰۹، ۷۳)

۲-۱- عدم حرمت سقط جنین: بعضی از علمای شافعیه بدون اشاره به دلیل خاصی، به عدم حرمت آن قبل از ولوج روح در جنین حکم نموده‌اند؛ اما گفتنی است که گروهی از صاحب‌نظران شافعیه، سقط جنین را تنها در حد القای نطفه و علقه که بنابر اعتقاد ایشان ۸۰ روز است، مجاز دانسته، و نه پیش از ولوج روح. (الرملی، ۱۹۳۳، ج ۸، ۴۱۶)

۳-۱- حق حیات جنین ناشی از زنا: چنانچه جنین محصول زنا باشد، پیش از دمیده شدن روح در آن، سقط وی مجاز می‌باشد؛ چرا که هنوز جنین نفس محترمه محسوب نمی‌شود. (همان، ۴۳۳)

۲- سقط جنین در مرحله نطفه: به بیان ایشان، مرحله نطفه، تا چهل روزگی جنین است. که بر این اساس نیز اختلافاتی به چشم می‌خورد.

۱-۲- حرمت سقط جنین در مرحله نطفه: این دیدگاه که متعلق به غزالی است قائل است که اخراج و اسقاط نطفه، آن هنگام که در رحم استقرار یافت، جائز نیست؛ و این موضوع بر خلاف عزل است، چرا که عزل از بین بردن منی پیش از استقرار نطفه در رحم می‌باشد. غزالی به طور کلی اخراج و سقط جنین پیش از دمیده شدن روح را که معمولاً چهارماه به طول می‌انجامد، حرام می‌داند. استدلال وی چنین است که از آنجا که سقط جنین، جنایت بر موجودی است که خلق شده است، بنابراین وی در بستری قرار گرفته است که آماده شکل‌گیری و پذیرش روح انسانی است و مبدأ این مسئله، ایجاد لقاح و استقرار نطفه در رحم است. (غزالی، ۱۹۹۸، ج ۲، ۸۶)

۲-۲- کراهت سقط پیش از ۴۰ روزگی جنین: در مقابل گروه دیگری نیز هستند که با شرط رضایت زوجین صاحب جنین، سقط و اخراج عمدی جنین در مرحله نطفه یعنی از ابتدای خلقتش تا ۴۰ روز پس از آن را، در صورتی که برای مادر ضرری نداشته باشد عملی مجاز اما مکروه می‌دانند. این گروه معتقدند که پس از پایان مرحله نطفه و ۴۰ روزگی جنین، اقدام به سقط جنین مطلقاً حرام است. (زحیلی، ۱۴۳۰، ج ۹، ۹۲۵)



۳-۴ مذهب مالکیه

در میان علمای مذهب مالکیه، در خصوص سقط جنین پیش از ولوج روح در جنین، اتفاق نظر دیده می‌شود. حکم ایشان در خصوص سقط جنین با مشخصات مذکور، حرمت بوده و آن را مجاز نمی‌دانند؛ حتی اگر پیش از چهل روزگی جنین باشد. به تعبیر دیگر، ایشان اسقاط و اخراج منی که در رحم استقرار یافته است را در هر مرحله‌ای پیش از ولوج روح، حرام می‌دانند.

علمای مالکیه، این دیدگاه را مطلق دانسته و حتی حالت عذر و ضرورت را نیز استثناء ننموده‌اند. البته لازم به ذکر است که برخی از علمای مذهب مالکیه معتقدند که چنانچه جنین محصول زنا باشد، سقط آن پیش از ولوج روح در جنین، مانعی ندارد؛ بویژه آنکه در اثر ظهور بارداری، احتمال آن وجود داشته باشد که زن به قتل برسد. (احمد علیش، ۱۹۷۸، ج ۱، ۳۹۹)

گروهی از علمای مالکیه نیز نظیر لخمی، سقط جنین قبل از ولوج روح در آن را مجاز می‌دانند، اما پس از ولوج روح، سقط را به کلی حرام تلقی می‌کنند. (همان)

۳-۵ مذهب حنابله

حکم و دیدگاه مشهور علمای حنابله با اتفاق نظر و به صورت مطلق بیان شده است و در این میان، تفکیک و تفسیری نسبت به سن جنین دیده نمی‌شود. ایشان بر این باورند که سقط جنین حرام است؛ به این ترتیب، چنانچه زن بارداری دارویی بخورد که جنین وی سقط شود، «غره» بر وی ثابت می‌شود و زن، خود از آن ارث نمی‌برد؛ چرا که حکم قاتل را دارد. (عويس، بی‌تا، ۵۳۰)

در مقابل نیز، گروه اندکی از علمای این مذهب، نظیر ابن عقیل، مبنایی برای حرمت و جواز بر اساس سن جنین تعیین نموده‌اند که سقط جنین پیش از ولوج روح در جنین را جائز دانسته و پس از آن را حرام می‌دانند. (المرداوی، ۱۹۷۸، ج ۱، ۳۹۹)

۴- موارد حق حیات جنین در مذاهب خمسسه

در مذاهب خمسسه، صرف‌نظر از مواردی که به اعتبار اختلافات در تعریف جنین، موضوعاً خارج از سقط جنین هستند، مواردی به استثناء مجاز شمرده می‌شوند که برخی از آنها ناشی از تراحمات حق حیات جنین و حقوق مادر است. در این موارد اتفاق نظر بیشتری میان فقها وجود دارد و در صورتی که مرجعی وجود داشته باشد، معیار حکم قرار می‌گیرد و برخی دیگر نیز بواسطه عسر و حرج تجویز می‌شوند که در این موارد تفاوت بیشتری میان دیدگاه‌ها وجود دارد. در ادامه موارد حق حیات جنین را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.



۴-۱-۱ حق حیات جنین در تزامم با حق حیات مادر

در رابطه با سقط جنین به منظور حفظ جان مادر، به طور کلی فقهاء قائل به جواز هستند. اما با توجه به مرحله پیش از ولوج روح یا پس از آن، در اقوال فقهاء اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی تنها پیش از ولوج روح اجازه سقط جنین را صادر نموده‌اند و گروهی دیگر در هر دو مقطع، سقط جنین را مجاز می‌دانند.

۴-۱-۱-۱ پیش از ولوج روح در جنین

حق حیات جنین آنگاه که حیات مادر متوقف بر سلب حیات جنین باشد و روح در جنین دمیده نشده باشد، به اتفاق آرای فقهاء صادر شده است؛ چرا که هنوز جنین در این مرحله به حد انسان کاملی که نفس محترم بر وی اطلاق شود نرسیده است. حتی گروهی از فقهاء، در مواردی که خوف خطر جانی برای مادر متصور باشد نیز، سقط جنین را مجاز می‌دانند؛ چرا که عقلاً در مواردی که غالباً حصول یقین ممکن نباشد، وجود خوف را راه رسیدن به واقع تصور می‌کنند. بنابراین چه علم حاصل شود که حفظ جان مادر متوقف بر اسقاط است و چه خوف نسبت به از بین رفتن حیات مادر در صورت بقای جنین حاصل شود، در هر دو صورت، برخی فقهاء سقط را جایز می‌شمردند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۲۹۲)

روشن است که حکم اولیه در مورد اسقاط جنین، حرمت است، بنابراین فقهاء برای جواز سقط در صورت وجود خطر جانی برای مادر، عناوین ثانویه‌ای را مدنظر قرار داده‌اند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۴-۱-۱-۱-۱ قاعده تزامم

پیش از ورود به بحث، مفهوم تزامم را به اجمال مورد بررسی قرار می‌دهیم.

هر گاه دو حکم برای یکدیگر مزاحمتی فراهم نمایند؛ به طوری که نتوان به هر دوی آنها عمل نمود، اصطلاحاً این وضعیت را تزامم می‌گویند (مشکینی اردبیلی، ۱۴۱۳، ۱۰۲). بر این اساس با فرض آنکه پدر و مادر شخصی هر دو فقیر باشند و وظیفه تأمین مخارج آنها بر عهده وی باشد، اما تنها بتواند مخارج یکی از آنها را تأمین نماید، حکم میان وجوب تأمین مخارج و انفاق به پدر و مادر با تزامم روبروست. (محمدی، ۱۳۷۵، ۳۳۸)

در مورد مسئله مقاله، در صورتی که ادامه حاملگی برای مادر خطر جانی داشته باشد، چه بر اساس علم به آن باشد و یا خوف از تحقق آن، و حکم اتلاف نفس محترمه‌ای که مادر باشد و سقط جنینی که هنوز روح در آن ولوج پیدا نکرده است، متزامم باشند، حل این تزامم که از قبیل دوران امر میان اهم و مهم است، با حکم به اهم رفع می‌شود (مظفر، ۱۴۰۵، ج ۲، ۱۹۳)؛ به عبارت دیگر، در این مسئله وجوب حفظ نفس مادر و حرمت اسقاط جنین، تزامم داشته اما با توجه به اهمیت مضاعف حفظ سلامت و جان مادر به نسبت حفظ جنینی که خلقتش کامل نشده است، مرجح آن حکم به اهم یعنی حفظ جان مادر بوده و سقط جائز خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۲۸۶)



۴-۱-۱-۲ قاعده اضطرار

با عنایت به قاعده اضطرار و ادله آن، در صورتی که مادر برای حفظ جان خود دچار اضطرار شود، حرمت سقط جنین رفع می‌شود (صانعی، ۱۳۸۲، ۱۱۴). حکم اضطراری از جمله احکام ثانویه است؛ به این معنا که ادله قاعده مذکور بر احکام اولیه حکومت داشته و متناسب با وضعیت مکلف، به استثناء حالت علم و جهل، حکم اضطراری وضع می‌شود. این قاعده مبانی و ادله‌ای دارد که از آن جمله می‌توان به‌ایه ذیل اشاره نمود:

«... فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده، ۳)؛ یعنی: هر گاه کسی در ایام سختی، از روی اضطرار نه به قصد گناه، چیزی از آنچه حرام شده مرتکب شود، حق بر او سخت نگیرد که خداوند آمرزنده و مهربان است.

دیگر ادله قاعده، حدیث نبوی است که می‌فرماید: «رفع عن امتی ... و ما اضطروا الیه» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ۳۶۹): «از امت من، چیزی که به آن اضطرار پیدا نمودند، برداشته شده است».

بنابراین، در خصوص سقط جنین و موارد جواز آن می‌توان چنین گفت که از استثنائات جواز اسقاط جنین، حالت اضطرار است؛ چنانکه فقهاء عظام عمدتاً به ادله اضطرار برای جواز اکل گوشت مردار در وضعیت اضطراری تمسک نموده‌اند؛ در وضعیتی که امکان حفظ یک نفر وجود دارد، چنانچه مادر بتواند با اسقاط جنین، جان خود را حفظ نماید، با عنایت به ادله قاعده اضطرار، این مسئله، مجاز تلقی می‌شود. (خرازی، ۱۳۷۹، ۲۵)

۴-۱-۱-۳ قاعده لاجرح

پیش از این مواردی که مطرح شد، ناظر به وضعیتی بود که مادر برای حفظ جان خویش، عالماً یا خفواً قادر به سقط جنین با استفاده از موارد جواز سقط می‌باشد. اما با عنایت به ادله قاعده لاجرح، علاوه بر تراحم و جوب حفظ جان مادر و حرمت سقط جنین، حتی در صورتی که ادامه حاملگی، سبب ایراد ضرری کمتر از ضرر جانی برای مادر وجود داشته باشد، به صورتی که موجب عسر و حرج برای وی شود، نظیر نقص عضو یا بیماری غیرقابل درمان و غیرقابل تحمل برای مادر، می‌توان به ادله قاعده مذکور استناد نمود و سقط جنین را مجاز دانست. (دلیری، ۱۳۹۱، ۸۳)

در نتیجه، چنانچه وضعیت بوجود آمده مصداق عسر و حرج تلقی شود، عنوان ثانویه قاعده لاجرح، حکم به جواز اسقاط جنین می‌نماید؛ چرا که احکام ثانویه از باب حکومت ادله‌شان بر احکام اولی تقدم می‌یابند. (همان)



۴-۱-۱-۴ دفاع از جان

برخی بر این باورند که برای حق حیات جنین می‌توان به ادله دفاع از جان استناد نمود و این مسئله می‌تواند زمینه، جواز اسقاط جنین را فراهم آورده و آن را استثناء نماید؛ چرا که با عنایت به اطلاق دفاع از جان، می‌توان گفت که چه هجوم و خطر از خارج باشد و یا از داخل، تفاوتی نداشته، و این مسئله که در خصوص بارداری، مادر میزبان جنین است، موضوع را از ضرورت دفاع از جان خارج نمی‌کند. بنابراین در صورتی که جان مادر در خطر است، وی می‌تواند با مبادرت به سقط جنین، جان خود را حفظ نماید. (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۸۲)

از ادله‌ی روایی که درباره دفاع مشروع وجود دارد، روایت معتبره ابوبصیر از امام صادق (علیه‌السلام) است. این روایت به شرح ذیل می‌باشد: ابوبصیر می‌گوید از امام صادق (علیه‌السلام) درباره شخصی سؤال کردم که سوار بر مرکبی بود و نزدیک بود عابری را لگدمال کند، عابر مرکب را از خود راند که در اثر آن، سوار مرکب بر زمین افتاده و کشته یا مجروح می‌شود، آیا در این صورت عابر ضامن است؟ حضرت (علیه‌السلام) فرمودند: عابر ضامن نیست؛ زیرا در دفاع از خودش مرکب را رم داده است. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ۵۸)

۵-۱-۱-۴ قاعده لاضرر

قاعده لاضرر نیز از مواردی است که در صورت ضرر جانی قابل توجه برای مادر، به گونه‌ای که تحمل آن جائز نباشد، در خصوص حق حیات جنین می‌توان به آن تمسک نمود؛ به این صورت که به دلیل دفع ضرری که تشریحا از جانب شارع مقدس منتفی اعلام گردیده، می‌توان حکم به جواز سقط جنین بیمار نمود. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، ۴۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۲۹۴)

۲-۱-۴ پس از ولوج روح در جنین

به منظور پرداختن به مسئله فوق، لازم است سه فرض را از هم تفکیک نماییم:

- ۱- اگر جنین سقط نشود، حمل و مادر هر دو تلف می‌شوند؛
- ۲- شرایط به گونه‌ای باشد که تنها یکی از آن دو را می‌توان نجات داد؛
- ۳- حمل چند قلو باشد و تنها امکان نجات مادر یا جنین وجود داشته باشد.

۱-۲-۱-۴ تلف شدن جنین و مادر در صورت حیات

در این فرض بدون تردید اسقاط جنین جائز بلکه واجب است (قبله‌ای، ۱۳۷۵، ۵۱)؛ چراکه عدم سقط جنین در این فرض، موجب تلف شدن مادر و جنین می‌شود. در چنین شرایطی، حتی چنانچه در صورت



اقدام به اسقاط جنین، درباره حفظ جان مادر اطمینان نداشته باشیم، از آنجا که یقین یا ظن قابل اعتنا به تلف شدن هر دو در صورت عدم اسقاط داریم؛ می‌توان به جواز سقط جنین حکم نمود. (دلیری، ۱۳۹۱، ۷۸)

۴-۲-۱-۲ امکان نجات یکی از آن دو

در این شرایط که هم مادر و هم جنین نفس محترمه تلقی می‌شوند و تنها یکی از آن دو را می‌توان نجات داد، اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد.

برخی معتقدند از آنجا که پس از ولوج روح، جنین حکم انسان کامل را دارد و در رابطه با حرمت نفس انسانی، تفاوتی ندارد که نفس انسانی صغیر بوده یا کبیر باشد، در صورت وجود تزاحم، مرجحی برای اولویت قائل شدن یکی نسبت به دیگری وجود ندارد و نمی‌توان جواز قتل جنین را صادر نمود.

علاوه بر آن، با عنایت به روایت «انما جُعِلَتِ التَّقِيَةُ لِيُحَقَّنَ بِهَا الدَّمُ، فَإِذَا بَلَغَ الدَّمُ فَلَيْسَ تَقِيَةً» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ۲۳۶)، حتی در مواقع اضطرار، تقیه، اکراه و اجبار نیز، نمی‌توان قتل نفس و اسقاط جنین را مجاز دانست. (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ۱۷۲؛ تبریزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ۳۳۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ۲۶۸)

در مقابل گروهی معتقدند که در فرض فوق نیز می‌توان سقط جنین را مجاز دانست. ادله و مبانی‌ای که توسط این گروه ارائه شده است، متفاوت می‌باشد. موافقان سقط جنین در فرض فوق به ادله‌ای نظیر دفاع مشروع، تزاحم و برائت تمسک جسته‌اند:

دفاع مشروع همانطور که پیشتر نیز بیان شد، به جواز دفع خطر از خود زمانی که مورد تهدید خطری قرار می‌گیرد اشاره دارد؛ به عنوان مثال چنانچه شخصی بخواهد انسان را به قتل برساند، با استناد به دفاع مشروع، شخص مورد تهدید می‌تواند از جان خویش دفاع نماید حتی اگر این امر به ایجاد ضرر برای تهدید کننده همراه باشد و به قتل برسد. در رابطه با سقط جنین نیز می‌توان چنین گفت؛ به این صورت که چنانچه جنین حیات مادر را با تهدید مواجه کند، مادر می‌تواند برای دفاع از جان خویش با اقداماتی خطر را از خود دور کند؛ ولو اینکه جنین از بین برود. طبق بیان فقها، در جریان دفاع مشروع لزومی ندارد هجوم از ناحیه خارجی باشد، بلکه اگر از ناحیه داخلی هم باشد مشمول دفاع مشروع می‌شود. (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۸۲؛ دلیری، ۱۳۹۱، ۸۸)

پس از ولوج روح در جنین، چنانچه ادامه حاملگی برای مادر خطر جانی داشته باشد، مسئله از باب تزاحم فرض می‌شود؛ زیرا حکم حرمت سقط جنین در تزاحم با وجوب حفظ جان مادر قرار می‌گیرد و در باب تزاحم و دوران بین محذورین، اگر مرجحی بر یکی از دو طرف نباشد، عقل حکم به تخییر می‌کند. (شیخ انصاری، ۱۴۱۹، ج ۴، ۴۱)

در این مسئله غالباً برای حفظ جان مادر اهمیت بیشتری قائل شده‌اند، بنابراین حفظ جان مادر را ترجیح داده‌اند. (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۸۲)



اما فقها برای ترجیح جان مادر، به مرجحات زیر اشاره نموده‌اند:

برخی معتقدند تفاوت جنین و مادر، در بالفعل و بالقوه بودن خصوصیات انسانی ایشان است. به این صورت که مادر، بالفعل انسان است؛ حال آنکه جنین بالقوه استعدادهای انسانی را دارد. در نتیجه، حتی پس از ولوج روح نیز، در صورت بروز تراحم، حفظ جان مادر مرجح است. ایشان بر این باورند که حتی اگر نتوانیم این ترجیح را از باب اهمیت بالاتر حفظ جان مادر بدانیم؛ لاقلاً می‌توانیم قائل باشیم که احتمالات حفظ جان وی، از حفظ جنین از اهمیت بیشتری برخوردار است و همین به عنوان مرجح دانستن حفظ و نجات مادر کفایت می‌کند.

گروه دیگری قائلند که عمدتاً در چنین شرایطی، امر دائر بین مرگ مادر و مرگ جنین و یا مرگ هر دوی آنها می‌باشد. یعنی چنانچه جنین سقط شود، جان مادر حفظ می‌شود؛ در حالیکه اگر حکم به ادامه بارداری نماییم، با به خطر افتادن و مرگ مادر، نمی‌توان به صراحت حفظ و بقای جنین را ضمانت نمود و اکثر موارد ترجیح جان جنین به جان مادر، به مرگ هر دو منجر می‌شود. در نتیجه، با توجه به احتمال بیشتر حفظ جان مادر، نسبت به احتمال حفظ جنین، حفظ جان مادر ارجحیت می‌یابد. برخی نیز معتقدند که این مسئله از احتمال فراتر است و طبق نظر پزشکان، قطع به مرگ جنین وجود دارد؛ همچنین چنانچه جنین زنده به دنیا بیاید، علم پزشکی به آن، زایمان زودرس می‌گوید. (حاجی‌علی، ۱۳۸۳، ۴۲)

گرچه برخی فقها (خوئی، ۱۴۲۲، ۵۱۳) میان جنایت بر مادر و جنایت بر جنین تفاوتی قائل نشده و در خصوص هر دو مورد مذکور، حکم به قصاص جانی داده‌اند؛ لکن مشهور فقها در رابطه با جنایت بر مادر حکم به قصاص داده و در رابطه با جنایت بر جنین، قائل به ثبوت دیه هستند. این مسئله به روشنی بر ارجحیت و اهمیت مضاعف حفظ و نجات جان مادر نسبت به حفظ جنین تأکید دارد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۲۹۴)

حتی در صورتی که مواردی که گفته شد را به عنوان مرجح در نظر نگیریم، بنای عقلاء حل اینگونه تراحمات را که در آنها مرجحی یافت نمی‌شود، تخییر می‌دانند. به این صورت که چنانچه تراحم مذکور وجود داشته باشد و مرجحی نباشد، فرد را میان دو امر مخیر می‌دانند؛ و اختیار حفظ جان مادر با سقط جنین یا حفظ جان جنین با مادر است. (خرازی، ۱۳۷۹، ۳۰)

گروهی از فقها با استناد به ادله قاعده اضطرار، حرمت اسقاط جنین را مرتفع می‌دانند؛ چرا که گفته می‌شود با عنایت به اطلاق ادله حلیت محرّمات در صورت وجود اضطرار و ضرورت، احکام بکار بستن قاعده شامل مسئله مادر و جنین نیز می‌شود؛ بنابراین چون مادر به منظور حفظ جان خود در اضطرار است، می‌تواند مبادرت به سقط جنین نماید و وضعیت اضطراری مادر، حرمت سقط جنین را رفع می‌نماید. (همان، ۳۲)

از دیگر ادله‌ای که برای رفع حرمت اسقاط جنین در مرحله پس از ولوج روح در وی به آن تمسک می‌ورزند، اصل برائت است. از آنجا که در فرض مسئله، میان حکم به وجوب حفظ جان مادر و حرمت



اسقاط جنین، تعارض وجود دارد، دو دلیل ساقط شده و اصل برائت جریان می‌یابد. با این تفاسیر، مادر می‌تواند با استناد به اصل مذکور و به منظور حفظ نفس و جان خود، اقدام به سقط نماید؛ چرا که با استناد به اصل برائت در این وضعیت، حرمت سقط جنین و قتل نفس مرتفع می‌شود.

۳-۲-۱-۴ جنین چندقلو و امکان حفظ جان مادر یا جنین‌ها

در این صورت، چنانچه با ارجح دانستن حفظ حیات جنین و پذیرش از بین رفتن مادر، امکان زنده ماندن جنین‌ها وجود داشته باشد، با توجه به تراحم پیش آمده و جریان غالب مرجحات که قائل به عدم تفاوت وجودی مادر و جنین هستند، هیچ بعید نیست که حکم شود مادر حق سقط جنین ندارد؛ چرا که این کار حفظ نفس یک نفر با کشتن دو یا چند نفس است که کار شایسته‌ای به شمار نمی‌رود.

۴-۲-۱-۴ حق حیات جنین در تراحم با حفظ سلامت جسم و روان مادر

در مواردی، که ذیل قاعده لاجرح نیز به آن اشاره شد، حفظ جنین ضرر جانی برای مادر نداشته بلکه سلامت وی را با خطر مواجه می‌سازد. گفتنی است که برخی میان سلامت روحی و جسمی مادر تفاوتی قائل نشده‌اند. لکن باید توجه داشت، که این مسئله، با مسئله حفظ جان مادر متفاوت است؛ چرا که بعضاً بارداری‌ها با حداقل ضرر بر سلامتی مادر همراه است و از سوی دیگر، شدت و حدت ضرر طیف گسترده‌ای داشته و باید مصادیق آن از هم تفکیک شوند. مصادیق ضررهای کمتر از ضرر جانی برای مادر را می‌توان موارد زیر دانست:

- ایراد نقص عضو دائمی بر مادر در صورت ادامه حاملگی

- ابتلای مادر به بیماری غیرخطرناکی که لزوماً حیات وی را به خطر نینداخته و سبب ایراد نقص عضو نمی‌شود.

به طور کلی، چنانچه ادامه بارداری، زمینه ابتلا به بیماری، تشدید بیماری و نقص عضو را فراهم آورد و درمان آن بیماری، خود موجب سقط جنین شود یا مستلزم سقط جنین باشد و امکان ایجاد وقفه و تأخیر در درمان میسر نباشد؛ گروهی از فقها حکم به جواز سقط جنین برای مداوا و حفظ سلامت مادر داده‌اند. گفتنی است که ادله‌ای که ایشان برای این منظور ارائه داده‌اند نظیر آن چیزی است که برای جواز سقط در صورت تراحم با حفظ جان مادر به آن استناد نموده‌اند. (دلیری، ۱۳۹۱، ۹۴)

عمده ادله‌ی قائلین به جواز سقط در صورت بروز خطرهای غیرجانی برای سلامت مادر ارائه می‌کنند قواعد لاجرح و لاضرر است. اما برخی معتقدند از آنجا که دو قاعده مذکور، برای تمام مکلفین جریان دارد، در صورت تعارض و تراحم، نمی‌توان به آنها تمسک جست. در نتیجه، گروهی از فقها، در این خصوص معتقدند که سقط جنین جهت حفظ سلامتی مادر مجاز نبوده و تنها در صورتی که خلقت جنین کامل نشده



و روح در آن دمیده نشده باشد، با استناد به ادله‌ای که پیشتر ذکر شد می‌توان آن را جایز برشمرد. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، ۴۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۲۹۴)

اما در مقابل، گروه دیگری نیز هستند که در فرضی که ادامه بارداری سلامت مادر را تهدید نموده و تأخیر در اقدام برای درمان و معالجه میسر نباشد؛ و در حین معالجه به جنین آسیب رسیده و سقط شود، حرمت سقط را مرتفع دانسته و اقدام برای درمان را از باب وصول ضرر به دیگری جائز می‌دانند. گفتنی است که وصول ضرر به دیگری منع شرعی نداشته و آنچه حرام است، ایصال ضرر به دیگری است که در فرض مذکور، مصداق پیدا نمی‌کند. بنابراین، از آنجا که مادر از باب تکلیف، به معالجه اقدام نموده است تا ضرر و حرج را از خود دفع نماید؛ و در اثر چنین اقدامی، جنین سقط شود، چنین سقطی جائز خواهد بود. اما در صورتی که مادر برای حفظ سلامتی خویش، اقدام به سقط نماید؛ بدون آنکه سقط از عوارض درمان نشأت گرفته باشد، مصداق ایصال ضرر به جنین بوده و حرام است. (صانعی، ۱۳۸۰، ۸۸)

۳-۴ عسر و حرج معنوی

در خصوص مسئله سقط جنین، یکی از مواردی که پیرامون احتمال حکم جواز آن بحث شده است، عسر و حرج معنوی یا به طور خاص، عسر و حرج در آبرو و حیثیت است که مصادیق آن عبارتند از بارداری در اثر تجاوز به اکراه و یا زنا با رضایت.

در این موارد، فقهای شیعه میان آن دو تفاوتی قائل نشده و به اتفاق سقط جنین ناشی از تجاوز یا زنا را به صرف نامشروع بودن جنین و قرین بودن حمل جنین نامشروع با مشقت و دشواری آبرویی، مردود و ممنوع دانسته‌اند. به عنوان مثال، آیت الله سیستانی مطلقاً سقط جنین به علت نامشروع بودن آن را مجاز نمی‌داند. (حکیم، ۱۳۷۹، ۳۱۱)

این در حالی است که برخی از فقها، در صورتی که بارداری برای مادر، به اندازه‌ای زحمت داشته باشد که طاقت فرسا قلمداد شود و راه نجاتی جز سقط جنین وجود نداشته باشد، پیش از ولوج روح در جنین، سقط را جائز دانسته‌اند (همان). اما باید توجه داشت که اولاً همه فقها بر چنین جوازی اتفاق ندارند و ثانیاً استناد به قاعده نفی عسر و حرج در لغو ممنوعیت سقط جنین در وضعیت مذکور، تابع ضوابط کلی قاعده بوده و بیانگر گستره قاعده و امکان تمسک به آن در مسئله سقط جنین است؛ لذا در مواردی که منفرداً (یا استثنائاً) واجد ضوابط عسر و حرج باشد و مصداقی از آن به شمار آید، امکان استناد به قاعده جهت سقط جنین میسر است.

اما بیان دیگر فقها مبنی بر حرمت سقط در خصوص جنین‌های ناشی از تجاوز و زنا، روشن می‌سازد که در دیدگاه فقها نه تنها نمی‌توان از دشواری‌های ناشی از بارداری به تجاوز و زنا ارتباطی با مصادیق عسر و حرج ایجاد کرد؛ بلکه صرف مشقت‌های معنوی و آبرویی بارداری‌های نامشروع، از دایره معیارهای جریان قاعده و مصادیق آن مستثنی شده است.



بنابراین در مقام جمع دو بیان فوق می‌توان گفت: به صورت کلی، امکان تمسک به قاعده نفی عسر و حرج برای جواز سقط جنین ولو در نوع حرج‌های معنوی و آبرویی در مواردی میسر است؛ اما صراحتاً مشقت‌های آبرویی ناشی از بارداری به تجاوز یا زنا، به صرف بارداری نامشروع، مصداق عسر و حرجی که می‌تواند نفی شود، نیست.

به عنوان معیاری برای سرفصل سقط جنین به استناد قاعده لاجرح در عسر و حرج‌هایی غیر از بیماری‌ها و ناهنجاری‌های جنینی که بعدتر مورد بررسی قرار می‌گیرد، شاید بتوان گفت: از منظر فقها، مطلق مشقت‌های بارداری‌های نامشروع اعم از زنا به رضایت و یا تجاوز به اکراه، طاقت‌فرسا توصیف نمی‌شوند که نسبت به حق حیات جنین مقدم داشته شوند و معیار صدق عنوان عسر و حرج بر انواع مشقت‌ها و دشواری‌های مقارن با بارداری و به تبع آن جریان قاعده جهت صدور حکم جواز سقط جنین، تنها شامل آن دسته از مشقت‌های معنوی یا غیرمعنوی است که طاقت‌فرسا و غیرقابل تحمل باشد.

علمای اهل سنت اما، میان سقط جنین نامشروع و جنین حاصل از تجاوز به اکراه تفاوت قائل شده‌اند. در رابطه با سقط جنین نامشروع حاصل از زنا، فقهای اهل تسنن عمدتاً قائل به عدم جواز بوده و به ادله زیر تمسک نموده‌اند:

پیامبر اکرم (ص) اجرای حد زن زناکاری به نام غامدیه را تا وضع حمل او به تأخیر انداخته و اجازه دادند تا بچه‌اش را شیر دهد که این نشان از حق حیات جنین به قصد پنهان کردن زنا است. (شومان، ۱۴۱۹، ۵۴)

آیه ۱۵ سوره اسراء نیز که می‌فرماید: «هیچ کس گناه دیگری را به دوش نگیرد»، ثابت می‌نماید که حیات بی‌گناهی را قربانی شخص گناهکار نباید نمود. (بوطی، ۱۴۰۹، ۱۲۸)

همچنین برخی از ایشان گفته‌اند که جایز بودن سقط جنین نامشروع تناقض صریح دارد با مجازاتی که شارع مقدس برای فرد زناکار منظور داشته است که رسوایی او در میان مردم باعث می‌شود از تکرار زناکاری امتناع ورزد. (همان)

اما در مقابل گروهی از شافعیه، مشروعیت سقط جنین ناشی از زنا را در صورت توبه زن زناکار و مواجه بودن با ضرر و زیان فاحش مجاز دانسته‌اند. (رملی، ۱۹۳۳، ج ۸، ۴۶۱)

اما در رابطه با سقط جنین ناشی از تجاوز به اکراه، بعضی از فقهای معاصر اهل سنت، آن را جائز دانسته‌اند. یوسف قرضاوی، جادالحق علی جادالحق، رئیس سابق الازهر و دکتر محمد سعیدی طنطاوی، رئیس جامع الازهر از جمله کسانی هستند که قائل به جواز مورد فوق‌اند. (غائم، ۱۴۲۱، ۱۷۷)



۴-۴ عسر و حرج در بیماری‌ها و ناهنجاری‌های جنینی

وجود ناهنجاری‌های جنین و به عبارتی ناقص‌الخلقه بودن جنین، بواسطه اختلال در تکامل طبیعی روی می‌دهد و صاحب‌نظرانی که موافق سقط جنین در صورت وجود چنین ناهنجاری‌هایی هستند، به این موضوع از ابعاد مختلف پرداخته‌اند که عبارتند از:

- تولد جنین با چنین ناهنجاری‌هایی با آلام و مشقت‌هایی همراه است؛ جواز سقط چنین جنینی می‌تواند از باب ترحم به جنین باشد.

- از سوی دیگر، وجود طفل ناقص‌الخلقه، خانواده و والدین طفل را با مشقت‌ها و مشکلات مالی، روحی و ... روبرو می‌کند. یکی از ابوابی که می‌توان سقط جنین در چنین وضعیتی را مجاز دانست، ترحم به مادر و پدر و رعایت حقوق ایشان است.

- اطفال مبتلا به ناهنجاری‌های جنین، در صورت تولد، برای دولت و جامعه نیز مشکلاتی ایجاد می‌کند؛ چرا که دولت موظف است از ایشان و خانواده‌هایشان حمایت نماید و این حمایت هزینه‌بر است. بنابراین، به منظور حفظ حقوق جامعه و جلوگیری از صرف هزینه‌های سنگین نگهداری و درمان چنین اطفالی، می‌توان سقط جنین مبتلا به بیماری‌های جنینی را مدنظر قرار داد.

روشن است که مطلع شدن از ناهنجاری‌ها و بیماری‌های جنینی و همچنین نگهداری از ایشان در پرتوی پیشرفت تکنولوژی و علم در دسترس قرار گرفته است و در گذشته، امکان چنین پیش‌بینی‌هایی وجود نداشت؛ بلکه بیماری اطفال بعد از تولد مشخص می‌شد و غالباً نیز با توجه به فقدان امکانات بهداشتی و درمانی، امکان نگهداری از ایشان وجود نداشت و از دست می‌رفتند. لکن با توجه به امکانات پیشرفته امروز، می‌توان چنین بیماری‌هایی را تشخیص داد و با صدور جواز سقط جنین در چنین مواردی، به همه طرف‌های دخیل در موضوع خدمت نمود.

به صورت کلی، ناهنجاری‌های جنینی را می‌توان به دو قسم تقسیم نمود که عبارتند از ناهنجاری‌هایی که جنین بعد از تولد قابلیت حیات دارد؛ مثلاً اختلال در شنوایی یا بینایی و ... قسم دوم ناهنجاری‌هایی است که جنین بعد از تولد قابلیت حیات ندارد.

همانگونه که پیش‌تر گفته شد، فقهاء امامیه، جز در موارد استثناء که با بکارگیری عناوین ثانویه مستثنی می‌شوند، حکم اولیه را حرمت سقط جنین می‌دانند. در مسئله وجود بیماری‌های جنینی، غالب فقهاء با استناد به ادله احکام اولیه، اگرچه تولد چنین طفلی برای خودش و خانواده و جامعه مشکلات و معضلاتی را فراهم می‌آورد که بعضاً سخت و طاقت‌فرسا و هزینه‌بر هم هستند، سقط جنین را مجاز ندانسته و آن را ابتلا و امتحان می‌دانند. (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۰، ۲۶)

برخی اینگونه توضیح می‌دهند، همانگونه که در مورد یک انسان مبتلا به بیماری، معلولیت یا ناقص‌الخلقه، حکم به جواز قتل نمی‌کنیم؛ در خصوص جنین مبتلا به ناهنجاری‌های جنینی نیز جوازی



برای سقط وجود ندارد؛ چرا که عمومات حرمت قتل نفس، از جمله‌ایاتی که در ادله حرمت سقط جنین ذکر شد، این موارد را نیز در برمی‌گیرد.

با این حال، برخی از فقها، با تمسک به ادله قاعده لاجرح، تنها در صورتی که سبب حرج شدید برای والدین شود و روح در جنین ولوج پیدا نکرده باشد، با شرایط ویژه‌ای سقط جنین را مجاز دانسته‌اند. برخی از فتاوی‌ای فقها در این خصوص به شرح ذیل است:

از آیت الله خامنه‌ای در خصوص فردی که ادامه بارداری برایش بواسطه وجود نقایص جنینی، سبب بروز ناراحتی‌های شدید و مشقت بسیار است، استفتاء شده است و ایشان در پاسخ گفته است: «اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگهداری چنین فرزندی موجب حرج باشد، در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح، جنین را سقط کنند؛ ولی بنابر احتیاط دیه آن باید پرداخت شود». (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۰، ۶۴)

در این رابطه‌ایت الله مکارم نیز چنین فتوا داده است: «اگر در مراحل ابتدایی جنین باشد و به صورت انسان کامل در نیامده و تولد ناقص آن باعث مشقت و حرج شدید برای پدر و مادرش گردد، اشکال ندارد. اما در مورد جنینی که خلقت آن کامل شده ولو بعد از به دنیا آمدن به طور حتم و یقین مبتلا به بیماری زجرآور شده و بعد از مدتی فوت خواهد کرد، باید جنین را به حال خود بگذارند تا متولد شود و مسیر خود را هر چه هست طی نماید». (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ۱۴۷۸)

البته گروه دیگری از فقها، جواز سقط جنین در صورت ابتلا به ناهنجاری‌های جنینی را منحصر در عدم ولوج روح در جنین ندانسته و معتقدند چنانچه ناهنجاری و نقص در جنین، یقیناً سبب عسر و حرج شدید والدین طفل شود، بعید نیست که سقط جنین مجاز باشد؛ چرا که ادله حرمت سقط منصرف از این موارد است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۲۹۴ و ۴۵۳)

گروه دیگر فقها معتقدند که یکی از ملاک‌ها در جواز سقط در صورت وجود ناهنجاری‌های جنینی، داشتن صورت انسانی یا عدم آن است؛ به‌این صورت که چنانچه ناهنجاری جنین به شکلی باشد که وی صورت انسانی ندارد؛ می‌توان سقط آن را مجاز دانست؛ چرا که در ادله ائتلاف جنین غیرانسانی منعی وجود ندارد. (محسنی، ۱۴۲۴، ۷۶). به بیانی دیگر، شدت ناهنجاری اگر به گونه‌ای زیاد باشد، که تطور جنین و تکامل آن تا رسیدن به مرحله دمیده شدن روح، ممکن نباشد، می‌توان با استناد به صحیحه رفاعه، حرمت سقط جنین را رفع نمود؛ بخشی از این صحیحه از این صحیحه قرار است: «نطفه زمانی که در رحم استقرار یابد، به علقه و سپس به مضغه و بعد به هر چیزی که خداوند بخواهد تغییر می‌یابد...»

مطابق این روایت، حرمت سقط جنین منوط به‌این است که جنین در مسیر تکامل و انسان شدن قرار داشته باشد، نه نطفه‌ای که شکلی شبیه غده یا هر چیز دیگر دارد و امکان بلوغ انسانی ندارد. (خرازی، ۱۳۷۹، ۴۰)



در مقابل دیدگاه فقهای شیعه، علمای اهل سنت، در صورتی که پزشکان متخصص به طور دقیق و قطعی - نه بر اساس ظن و توهم - وجود بیماری‌های ارثی خطرناک را تشخیص دهند و در نتیجه، آن بیماری‌ها باعث مشقت فرزند و خانواده‌اش شود، مشهور علمای حنفی و بعضی از فقهای شافعی و حنبلی و همچنین ابن رشد از مالکیه قائل به مباح بودن سقط جنین قبل از ولوج روح شده‌اند.

مجمع فقهی وابسته به رابطه العالم الاسلامی هم در دوره دوازدهم سال ۱۹۹۵ سقط جنین پیش از حلول روح را با سه شرط زیر مباح دانسته است:

- موافقت زن و شوهر؛ زیرا هر دو دارای حقوق و تکالیفی متعلق به سقط جنین هستند.
- عدم متعرض شدن جان زن باردار به خطر شدیدتر
- گواهی دادن دو پزشک عادل مبنی بر ضرورت سقط.

بعضی دیگر از علمای شافعی و حنبلی نیز قائل به جواز سقط جنین در مصداق فوق شده‌اند؛ در صورتی که نزد پزشک ثابت شود که جنین دارای عیوب ارثی است، منوط به اینکه قبل از ولوج روح باشد. (شربینی، ۱۴۱۵، ج ۴، ۱۲۹؛ مرداوی، ۱۹۷۸، ج ۱، ۳۸۶)

۵- نتیجه گیری

نتایج بررسی‌های این پژوهش حکایت از دارد که:

- فقهای مذاهب اسلامی، در تعریف جنین متناسب با مراحل رشد و تکامل او، اختلاف نظر داشته و این اختلاف در صدور حکم اولیه سقط جنین به وضوح نمودار است و بدین ترتیب نحوه تعریف از جنین را می‌توان از معیارهای حق حیات جنین یا سلب حیات دانست. فقهای امامیه و مالکیه، پس از انعقاد نطفه، آن را جنین می‌دانند. در مقابل شافعیه و حنبلیه بعد از تبدیل شدن به علقه که آغاز صورت انسانی است را ملاک تعریف جنین گرفته‌اند و حنفیه ولوج روح را شروع جنینی شمرده‌اند. اما صرفنظر از اختلافات، می‌توان گفت در مذاهب اسلامی آنچه جنین به وی اطلاق گردد، هرگونه تعرض به آن حرام است.
- حق حیات در اسلام، بدون درنظر گرفتن شرایطی نظیر مرحله رشد، سن و ... از حقوق ویژه به شمار می‌رود و بر حقوق دیگر ارجح است. اما گاهی این حق در جنین، در تراحم با حق حیات مادر یا سلامت وی قرار می‌گیرد یا سبب عسر و حرج شدیدی برای والدین یا جامعه می‌شود که توجه در این موارد، از معیارهای اساسی فتوا به جواز سقط جنین در میان مذاهب اسلامی شمرده می‌شود.
- در خصوص حق حیات جنین هنگامی که در تراحم با حق حیات مادر یا سلامت وی قرار می‌گیرد، اتفاق نظر بیشتری میان فقها وجود دارد. بدین ترتیب می‌توان گفت تمام فقها، پیش از ولوج روح در جنین، حیات مادر را ارجح دانسته و حکم به جواز سقط داده‌اند و پس از ولوج روح



نیز، غالب فقها قائل به جواز سقط هستند و برخی از آنها نیز مرجحی قائل نبوده و معتقد به اختیار مادر هستند.

- هنگامی که حق حیات جنین در تزاخم با سلامت مادر قرار دارد نیز، نه از حیث ارجحیت، بلکه از حیث جواز اقدام به درمان، برخی از فقها قائل به جواز سقط هستند و اگر ضرورت درمانی محدود به سقط جنین نباشد، تعرض به جنین مشمول حکم حرمت باقی می‌ماند.
- زمانی که عسر و حرج، چه حرج آبرویی نظیر بارداری ناشی از زنا یا تجاوز و چه حرج ناشی از ناهنجاری‌های جنینی وجود داشته باشد، می‌توان گفت غالب فقهای امامیه، سقط جنین را مجاز ندانسته و در مقابل جواز سقط جنین در این موارد در مذاهب اهل سنت، طرفداران بیشتری دارد.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن ادریس، ۱۴۱۰، السرائرالحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، انتشارات جامعه مدرسین، قم
۲. ابن عابدین، محمدامین، ۱۴۱۵، حاشیه رد المختار علی الدر المختار: شرح تنویر الابصار، ج ۳ و ۸، دارالفکر، بیروت
۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، ۱۴۰۴، المغنی علی مختصر الخرقی، ج ۷، دارالفکر، بیروت
۴. ابن محمد رحیم، ابراهیم بن محمد قاسم، ۱۴۲۳، احکام الاجهاز فی فقه الاسلامی، مجله الحکمه
۵. بوطی، محمدسعید، ۱۴۰۹، تحدید النسل و قاه و علاجا، مکتبۃ الفارابی، دمشق
۶. تبریزی، میرزاچواد، ۱۴۱۶، صراط النجاه، ج ۱، چاپ اول، انتشارات سلمان فارسی، قم
۷. جر، خلیل، ۱۴۰۸، فرهنگ عربی به فارسی لاروس، ترجمه سیدحسن طیبیان، جلد اول، ۱۳۸۰، تهران،



امیرکبیر

۸. جمعی از محققین، ۱۴۲۵، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، تنظیم قدرت الله انصاری، ج ۱، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم
۹. جوادی، فضه، ۱۳۹۶، تطبیق قواعد فقهی بر جواز سقط جنین از دیدگاه فریقین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعۀ المصطفی العالمیه
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، الطبعة الاولى، دارالعلم للملایین، بیروت
۱۱. حاجی علی، فریبا، ۱۳۸۳، سقط جنین حرمت یا جواز، مقالات و بررسیها، دوره ۳۷ شماره ۴
۱۲. حرعاملی، محمد بن الحسن علی، ۱۴۱۴، وسائل الشیعه، ج ۱۵-۱۶ و ۲۹، چاپ دوم، قم، انتشارات آل البيت (ع)
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۰، رساله اجوبه الاستفتائات، مترجم: حسینی، احمدرضا، چاپ اول، انتشارات بین‌المللی هدی، تهران
۱۴. حسینی سیستانی، سیدعلی، ۱۴۱۴، المسائل المنتخبه، انتشارات مهر، قم
۱۵. حسینی شیرازی، محمد، ۱۴۰۹، الفقه کتاب الواجبات، ج ۲، چاپ دوم، دارالعلوم، بیروت
۱۶. حکیم، عبدالهادی، ۱۳۷۹، فقه برای غرب نشینان مطابق با فتاوی آیت العظمی علی سیستانی، ترجمه سیدابراهیم علوی، انتشارات دفتر آیت الله سیستانی، قم
۱۷. خرازی، سیدمحسن، ۱۳۷۹، کنترل جمعیت و عقیم‌سازی (بخش دوم)، فصلنامه فقه اهل بیت فارسی، شماره ۲۲
۱۸. خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۴۲۲، مبانی تملہ المنهاج، مؤسسه احیاء آثار امام خویی
۱۹. درخشان، مجید، ۱۳۹۲، موجبات جواز سقط جنین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۲۰. دسوقی، شمس‌الدین محمد عرفه، (بی‌تا)، حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، ج ۴، داراحیاء الکتب العربیه، بیروت
۲۱. دلیری، شهیده، ۱۳۹۱، بازنگری مسئله سقط جنین قبل و بعد از ولوج روح از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (سلام‌الله‌علیها)، دانشکده الهیات
۲۲. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ
۲۳. رجحان، محمدصادق، ۱۳۸۰، جنین شناسی کامل پزشکی، تهران، سمت



10.30495/JSCC.2023.20038



۲۴. رملی، شمس‌الدین، ۱۹۳۳، نه‌ایه‌ المحتاج الی شرح المنهاج، ج ۸، دارالکتب العلمیه، بیروت
۲۵. زحیلی، وهبه‌ المصطفی، ۱۴۳۰، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۹، دارالفکر، دمشق
۲۶. شافعی، محمد بن ادريس، ۱۴۲۲، الام، ج ۸، دارالفکر، بیروت
۲۷. شبیری زنجانی، موسی، ۱۴۱۹، نکاح، به کوشش سید محمد کاظم یزدی، ج ۴، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، قم
۲۸. شریینی، محمد، ۱۴۱۵، مغنی المحتاج الی معرفه‌ معانی الفاظ المنهاج، دارالکتب العلمیه، بیروت
۲۹. شومان، عباس، ۱۴۱۹، اجهاض الحمل و ما یترتب علیه من احکام فی الشریعه، دارالثقافیه للنشر، قاهره
۳۰. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، ۱۴۱۷، الخلاف، ج ۵، مؤسسه النشر الاسلامی، قم
۳۱. صانعی، یوسف، ۱۳۸۰، استفتائات پزشکی، چاپ چهارم، انتشارات میثم تمار، قم
۳۲. -----، ۱۳۸۲، فقه الثقلین فی شرح تحریر الوسیله، کتاب القصاص، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام الخمین، تهران
۳۳. طباطبایی حکیم، محمد سعید، ۱۴۲۰، فقه الاستنساخ البشری و فتاوی طیبیه، چاپ دوم، بی‌جا
۳۴. شهید اول، عاملی، محمد بن مکی، ۱۴۱۰، اللعمه‌ الدمشقیه فی فقه الامامیه، ج ۱۰، چاپ اول، دارالتراث - الدار الاسلامیه، بیروت
۳۵. شیخ انصاری، مرتضی، ۱۴۱۹، فرائد الاصول، ج ۴، الطبعة‌ الاولى، مجمع‌ الفکر الاسلامی، قم
۳۶. علیش، محمد بن احمد، ۱۹۷۸، فتح‌ العلی المالك فی الفتوی علی مذهب الامام مالک، ج ۱، دارالمعرفه، بیروت
۳۷. عمید، حسن، ۱۳۷۶، فرهنگ عمید، ج ۴، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر
۳۸. عویس، عبدالحلیم، (بی‌تا)، موسوعه‌ الفقه الاسلامی المعاصر، ج ۲، داروفا، بیروت
۳۹. غائم، عمر بن محمد بن ابراهیم، ۱۴۲۱، احکام الجنین الاسلامی، چاپ اول، بیروت
۴۰. غزالی، محمد، ۱۹۹۸، احیاء علوم‌ الدین، ج ۲، دار الوعی، حلب
۴۱. قبله‌ای خوئی، خلیل، ۱۳۷۵، بررسی احکام فقهی و حقوقی حمل و جنین، فصلنامه‌ دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۹
۴۲. ماوردی، علی بن محمد، ۱۹۹۴، الحاوی‌ الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی، ج ۱۲، دارالکتب العلمیه، بیروت
۴۳. محسنی، محمد آصف، ۱۴۲۴، الفقه و مسائل طیبیه، چاپ دوم، بوستان کتاب قم، قم



10.30495/JSCC.2023.20038



۴۴. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، ۱۴۰۸، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، الطبعة الثانية، مؤسسه اسماعیلیان، قم
۴۵. محمدی همدانی، اصغر، بی تا، ده رساله فقهی حقوقی در موضوعات نوپیدا، انتشارات جنگل، چاپ اول
۴۶. محمدی، ابوالحسن، ۱۳۷۵، مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه، چاپ نهم، دانشگاه تهران، تهران
۴۷. مرداوی، علاءالدین ابوالحسن، ۱۹۷۸، الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، ج ۱، مطبعة السنه المحمدیه، قاهره
۴۸. مشکینی اردبیلی، علی، ۱۴۱۳، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، چاپ پنجم، نشر الهادی، قم
۴۹. مصطفی احمد، ۱۳۷۶، حسن الزيات، المعجم الوسيط، جلد دوم، تهران، نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه
۵۰. مظفر، محمدرضا، ۱۴۰۵، اصول الفقه، ج ۲، دانش اسلامی، قم
۵۱. معادی خواه، عبدالمجید، ۱۳۷۲، فرهنگ آفتاب، انتشارات ذره، تهران
۵۲. معلوف، لوییس، ۱۹۹۲، المنجد فی اللغة، منشورات دارالمشرق، بیروت
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۲، بحوث فقیهیه هامه (مهمه)، چاپ اول، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیهما السلام)، قم
۵۴. -----، ۱۴۲۷، استفتائات جدید، ج ۱، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم
۵۵. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، ۱۴۱۳، ارشاد السائل، الطبعة الاولى، دارالصفوة، بیروت
۵۶. وحیدی زاده، معصومه، ۱۳۹۲، بررسی احکام فقهی و حقوقی سقط جنین از دیدگاه مذاهب خمسہ اسلامی و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده حقوق و الهیات



Children's Social Participation in the Qualitative Model of Group Cultural and Educational Space Design, Solutions, and Challenges

Anahita Eskandari¹, Fahima Motazadian*², Ahmad Mirza Khokhnois³
(Date Received: 2024/01/08 - Admission date: 2024/01/19)

Abstract:

Education and educational environments wield immense influence over societal mentality and civilization, notably through cultural and social lenses. Fostering a dynamic, creative education nurtures children's intellectual, social, cultural, and creative growth. Crucially, reforming educational structures necessitates the meticulous design of spaces intricately linked to students' activities, finely attuned to optimize the holistic growth—physical, mental, emotional, and social—of children. This research endeavors to introduce a comprehensive model for the design of group educational spaces, emphasizing the active participation of preschool children throughout the design process. Employing a nuanced amalgamation of quantitative and qualitative methodologies, the study underscored the pivotal role of architectural education, revealing starkly divergent outcomes between control and test groups. Physical elements, such as the interplay of color schemes, spatial configurations, and the predilection for well-illuminated, open spaces adorned with natural light and transparent architectural elements, emerged prominently. Additionally, the study unveiled the paramount importance of fostering spaces conducive to peer dialogue, artistic expression, comfort-enhancing large cushions, personalized areas, circular tables, and verdant, green surroundings. These insights pave the way for shaping educational spaces to meet children's needs, fostering an enriched and inclusive learning environment through their active involvement.

Keywords: Educational space, creativity, design, participation, preschool children.

¹ PhD Student in Architecture, Islamic Azad University, Pardis Branch, Pardis, Iran.
M.Ani.Eskan@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Pardis Branch, Pardis, Iran
(corresponding author): Fa.motazedian@pardisiau.ac.ir

³ Assistant Professor of Tourism Department, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran, Iran. A.M.Khoshnevis@gmail.com



10.30495/JSCC.2024.20057



مشارکت اجتماعی کودکان در مدل کیفی طراحی فضای فرهنگی و آموزشی گروهی، راهکارها و چالش‌ها *

آناهیتا اسکندری^۱، فهیمه معتضدیان^{۲*}، احمد میرزا کوچک خوشنویس^۳
(تاریخ دریافت «۱۴۰۲/۱۰/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۹)

چکیده

آموزش و محیط‌های آموزشی از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی، بیشترین اثر را بر ذهنیت و تمدن‌سازی جوامع برعهده دارند؛ بهره‌مندی از فضای آموزشی مناسب درجهت پرورش استعدادها و مهارت‌های اجتماعی، فرهنگی کودکان ضروری است. لازمه آن، ایجاد فضاهای مرتبط با فعالیت دانش‌آموزان، که دارای شرایط مطلوب برای رشد فیزیکی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان باشد، است و تحقق آن از طریق طراحی جزئیات فضاها با توجه به الگوهای فرهنگی رفتاری کودکان امکان‌پذیر می‌گردد. هدف، ارائه مدل طراحی فضای آموزشی گروهی با مشارکت کودکان پیش‌دبستانی در فرایند طراحی می‌باشد. روش تحقیق، ترکیب روش کمی-کیفی است و نتایج، به گروه‌های شناختی و فیزیکی تقسیم شده است. نتایج فیزیکی شامل: رنگ و شکل احجام، متریال و چیدمان است و نتایج شناختی: از زوایای فرهنگی، افزایش آگاهی از تاریخ، هنر و نحوه شکل‌گیری فضاها و تقویت زیرساخت‌های فرهنگی کودکان و افزایش ارتباط آنان با محیط‌های پیرامونی و از نظر اجتماعی، توسعه مهارت‌های ارتباطی و تعاملی، ایجاد هم‌افزایی، همکاری و تحلیل محیطی در تعاملات اجتماعی و ارتباطاتی بوده است. آموزش معماری در تقویت هویت فردی و فرهنگی کودکان نقش مؤثری دارد و این یافته‌ها می‌تواند در طراحی فضاهای آموزشی کودکان با جهت‌دهی مشارکت کودکان و تأمین نیازهای آنان مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: فضای آموزشی، خلاقیت، طراحی، مشارکت، کودکان پیش‌دبستانی

M.Ani.Eskan@gmail.com
Fa.motazedian@pardisiau.ac.ir
A.M.Khoshnevis@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، پردیس، ایران.
^۲ استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، پردیس، ایران (نویسنده مسئول).
^۳ استادیار گروه گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.



10.30495/JSCC.2024.20057



۱- مقدمه

کنونسیون حقوق کودک به وضوح نشان داده است که باید به دیدگاه کودکان به عنوان شهروندانی با ایده‌ها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی معتبر توجه شود. درحالی که مشارکت اجتماعی کودکان در طراحی فضاهای فرهنگی و آموزشی گروهی، به عنوان یک مسئله حیاتی مطرح می‌شود، ولی فرایند آن دارای چالش‌های بسیاری است. با علم بر اینکه آموزش معماری درحالت کلی بر رشد ذهنی مؤثر است (رازجویان، شیخ‌طهری، ۱۳۸۲: ۳۶). و علی‌رغم مطرح شدن ضرورت‌های بسیار در حوزه آموزش معماری به کودکان در سراسر دنیا، تحقیقات بسیار اندکی در مورد آموزش معماری به کودکان به طور ویژه و همچنین اثربخشی آن بر توانایی‌های ذهنی، فرهنگی و اجتماعی آنان در کشور ما انجام گرفته است.

بادر نظر گرفتن جوانب فرهنگی و اجتماعی، این مقاله به بررسی نحوه تأثیر مشارکت کودکان در طراحی جزئیات فضاها بر آگاهی از فرهنگ و تاریخ، هنر و الگوهای رفتاری کودکان می‌پردازد. همچنین، در ابعاد اجتماعی، تأثیر این مشارکت در تعاملات اجتماعی، ارتباطات، و تحلیل محیطی کودکان را مورد بررسی قرار می‌دهد. با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی- کمی و مطالعه نتایج به دست آمده، این مقاله به ارائه راهکارها و پیشنهادهای مؤثر برای افزایش مشارکت کودکان در طراحی فضاهای گروهی می‌پردازد.

۲- بیان مسأله

در دنیای امروز، نقش محیط‌های فیزیکی آموزشی، به ویژه فضاهای گروهی، به عنوان عامل کلیدی در کیفیت یادگیری ابتدایی کودکان به شمار می‌رود. این محیط‌ها نه تنها بر تأثیر چگونگی روابط اجتماعی کودکان تأثیرگذار هستند بلکه بر آینده فرهنگی جامعه نیز تأثیرگذار می‌باشند. با این حال، مشارکت کودکان در طراحی این محیط‌ها به طور سنتی کمتر به کار گرفته شده است. فضاهای گروهی آموزشی اولین و پرتأثیرترین محل جمعی، که کودک در آن به یادگیری مشغول می‌شود، تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی کودکان داشته و تصویر کودکان از محیط اطرافشان را تغییر می‌دهد.

محیط فیزیکی فضای یادگیری، به خصوص فضاهای آموزش گروهی آنان، جزء مهمی در کیفیت آموزش اولیه کودکان است (دبده و دیگران، ۱۴۰۲ الف: ۲). محیط‌های آموزشی گروهی به عنوان اولین و مؤثرترین مکان جمعی‌ای که کودک در آن قرار می‌گیرد، تأثیر مستقیمی بر چگونگی روابط اجتماعی کودک و در آینده فرهنگی جامعه خواهند گذاشت و تأثیراتی که نوع کالبد محیط جمعی بر انگیزه یادگیری کودک می‌گذارد نیز، بسیار قابل توجه است. علاوه بر این، محیط فیزیکی ارزش‌های آموزشی و همچنین ادراکات اجتماعی در مورد تصویر کودک را نشان می‌دهد. طراحی مناسب این فضاها می‌تواند تشویق کننده فعالیت‌های گروهی باشد و تحولات جسمی و انعطاف پذیری روابط اجتماعی را تسهیل کرده و افراد را



10.30495/JSCC.2024.20057



به هم نزدیک تر کند. عناصر تزئینی محیط، نقش مهمی در شکل‌گیری ادراکات اجتماعی از خود و دیگران به‌ویژه از دیگر کودکان ایفاء می‌کنند. از دیدگاه فرهنگی، محیط آموزش گروهی نه تنها می‌تواند به فرایند یادگیری فرهنگی اطفال کمک کند بلکه با ارائه فرصت‌های تعامل و تبادل فرهنگی، دانش فرهنگی آن‌ها را توسعه دهد و همگرایی فرهنگی میان اعضای گروه را ترویج نماید. به‌طور کلی، محیط فیزیکی فضای آموزشی گروهی، به‌عنوان یک سازه بنیادین، در تعیین و تداول ارزش‌ها و فرهنگ درون گروه‌های کودکان تأثیرگذار است و می‌تواند برای شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی ایشان نقش اساسی ایفاء نماید.

در این راستا به انطباق ابعاد آموزش معماری و نحوه یادگیری توسط کودکان براساس رشد شناختی- ادراکی آن‌ها، یافتن عوامل و فاکتورهای مهم در آموزش معماری به کودکان و ویژگی‌های طراحی حاصل از ترجیحات کودکان پرداخته می‌شود. عدم توجه سیستم آموزش معماری به اهمیت یادگیری در دوران کودکی از مشکلات امروزی طراحی معماری است. همچنین خلاء تحقیقاتی پیرامون مسأله آموزش معماری کودکان، علی‌رغم اینکه قدمت آموزش معماری به کودکان به‌شکلی کاملاً تخصصی به بیش از ۳۰ سال در اکثر نقاط جهان می‌رسد و با وجود برنامه‌های متعدد در این خصوص، مانند برنامه درسی رژیو امیلیا؛ که توسط تیم دکتر پی‌تیلور؛ و با همکاری دانشگاه میشیگان؛ در اکثر نقاط جهان انجام شد و یا نمونه‌های قدیمی تری مانند مدل مونتسوری؛ و یا مدارس والدروف؛ و یا نمونه‌های امروزی که هر کدام تلاش برای هم‌خوان کردن برنامه‌های آموزش معماری با سیستم آموزشی کشور خود دارند مانند فنلاند، ترکیه، ژاپن و دانمارک؛ در کشور ما نگاهی به‌صورت آکادمیک به این موضوع نشده است و به‌غیر از برگزاری چند ورکشاپ توسط برخی مؤسسات خصوصی و یا وابسته به سایر کشورها همچون آرکی کیدز^۱ گامی مثبت را شاهد نبوده‌ایم. با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارند مثلاً نیاز به یک ساختار آموزشی جامع و تأمین منابع و ابزارهای آموزشی مختص به این رویکرد، چالش‌هایی اساسی را ایجاد می‌کند. همچنین، پذیرش این رویکرد در ساختارهای مدرسه‌ای متداول و تغییر ذهنیت‌ها به‌عنوان یک چالش مهم مطرح می‌شود. اما با توجه به نتایج مثبت به‌دست آمده در اکثر نقاط جهان، آموزش معماری به کودکان به‌عنوان یک رویکرد نوین و مؤثر در فرایند یادگیری و تربیت آنان معرفی شده است. سؤالات این پژوهش بدین صورت مطرح است که چگونه می‌توان مشارکت اجتماعی کودکان را در مدل کیفی طراحی فضای فرهنگی و فضای آموزشی گروهی تسهیل کرد؟ این سؤال تمرکز خود را بر روی موضوع مشارکت اجتماعی کودکان، طراحی فضای آموزشی و رویکرد گروهی قرار داده است. این سؤال می‌تواند راهنمایی برای بررسی ابعاد مختلف این موضوع و تدوین راهکارها و چالش‌های مرتبط با آن باشد.

۳- پیشینه پژوهش

تیلور، ولاستوس و مارشال^۲ پژوهشی در خصوص آموزش معماری به کودکان و اینکه معلمان چطور باید کودکان را در فعالیت‌های یادگیری، بین رشته معماری و برنامه درسی راهنمایی کنند انجام داده‌اند.



10.30495/JSCC.2024.20057



علاوه بر این پروژه پست‌دکتر با عنوان انطباق از برنامه آموزش طراحی منطبق با فرهنگ ترکیه، تجزیه و تحلیل و اثربخشی آن و گسترش استفاده از برنامه توسط آسر، آلپر، بایسال و ویلماز^۳ انجام شده است. سندلر^۴ برنامه‌ای را برای آموزش ابتدایی و متوسطه توسط انیستیتوی معماران آمریکا؛ تدوین کرده است، تا ابزاری برای ترویج و پشتیبانی از طراحی خوب ارائه شده، توصیف نماید. آسر^۵ نیز به پژوهشی پیرامون آموزش معماری به کودکان خردسال و سونبرگ^۶ در پژوهشی با عنوان دموکراسی در عمل، کار با معماری در مدارس با موضوع آموزش به کودکان و نوجوانان پرداخته است. رسن، مروری بر توسعه آموزش معماری به کودکان در فنلاند را ارائه داده است. همچنین مسکان پژوهش‌هایی را پیرامون موضوع معرفی ایده‌های آموزش معماری به کودکان در سال (۲۰۰۹ میلادی)، و نیز یادگیری معماری از طریق بازی کردن در سال (۲۰۱۰ میلادی)، انجام داده است. او همچنین به همراه‌ها ملین به بررسی مدارس معماری برای کودکان پرداخته است، پارنل در سال (۲۰۲۰ میلادی) به بررسی پتانسیل آموزش معماری به کودکان در مدارس پرداخته است. همچنین پژوهش‌های بسیاری بر همکاری با کودکان در پروژه‌های معماری تأکید داشته‌اند؛ لوزانوسکا و زو^۷ در پژوهشی با ارائه یک الگوی آموزشی برای مشارکت واقعی کودکان در طراحی معماری در این زمینه بازخورد مثبت دریافت کرده و به سطح بالایی از مشارکت اصیل کودکان دست یافتند و این مدل را برای سایر مدارس ابتدایی کاربردی دانسته‌اند. هرچند پژوهش‌هایی به‌طور موردی در رابطه با تأثیر آموزش معماری بر هوش، استدلال، توانایی حل مسئله و سایر توانایی‌های کودکان و دانش‌آموزان انجام شده است؛ به‌عنوان مثال میدلی ساری^۸ از طریق ترسیم پروفایل هوشی دانش‌آموزان، قبل و بعد از آموزش معماری به این نتیجه رسیده است که آموزش معماری بر سطح هوش فضایی مؤثر است؛ تحقیقات بسیاری نیز حاکی از اثر پایدار آموزش مهارت‌های پایه به کودکان نظیر مهارت‌های فضایی، که از الزامات رشته معماری نیز هست می‌باشد؛ به‌عنوان مثال نیوکمپ، هارش پاسک، گالینکف و وردین، دریافتند که مهارت‌های فضایی در ۳ سالگی مهارت‌های ریاضیات را در ۵ سالگی پیش‌بینی می‌کند و همچنین ولفگانگ، استاندارد و جونز در پژوهشی در (۲۰۰۱ میلادی) نشان دادند که کیفیت بازی دانش‌آموزان مهد کودک مربوط به عملکرد آن‌ها در ریاضیات تا ۱۰ سال بعد است و مهارت‌های ساخت‌وساز دانش‌آموزان مهد کودک موفقیت ریاضیات را در دبیرستان پیش‌بینی می‌کند؛ ماس، هاوز، نقوی و کاسول، پژوهشی از طریق فعالیت‌هایی برای توسعه مهارت‌های فضایی پویا-ذاتی به نام «فعالیت‌های فرش»، شامل کارهای مختصر درون کلاس، نظیر تمرین‌های تجسمی، طراحی، ساخت و کپی کردن، انجام دادند. عوامل قابل توجهی وجود دارد که عملکرد، رفتار و نگرش کودکان را در مراکز تحت تأثیر قرار دهد اما بسیاری از این عوامل توسط طراحان نادیده گرفته شده و شرایط نامطلوبی را به وجود آورده که ممکن است مانع دستاوردهای آکادمیک شود. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که ارتباطی بین شرایط فیزیکی مانند: کارگاه‌های چندحسی، نور، رنگ، آکوستیک (صدا)، بو، حس لامسه، آب‌وهوا، روابط، فضا و رفتار، عملکرد و اخلاق کودکان وجود دارد (هدفی، ۱۳۹۳: ۶).



10.30495/JSCC.2024.20057



۴- مبانی نظری

۴-۱- کودکان، محیط و معماری

یافته‌های روان‌شناسان کودک و محیط حاکی از آن است که رشد ذهنی و هوشی انسان امری اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه هماهنگ و هم‌جهت با سایر ابعاد رشد انسان صورت می‌گیرد. همان‌گونه که بهبود شرایط بهداشتی و تغذیه می‌تواند بر رشد جسمانی فرد مؤثر باشد، بهبود شرایط محیطی که کودک در آن زندگی می‌کند نیز امکان رشد ذهنی و هوشی کودک را فراهم می‌کند (مظفر، ۱۳۸۶: ۷۲-۵۹). در دوران کودکی قابلیت‌ها و خلاقیت کودکان پایه‌ریزی می‌شود. کودک طی این سال‌ها از محیط تأثیر بیشتری می‌گیرد. آموزش و محیط‌های آموزشی بیشترین اثر و نقش را بر ذهنیت و تمدن‌سازی جوامع به‌عمره دارند. فضاهایی مناسب هستند که دارای شرایط مساعد و مطلوب برای رشد فیزیکی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان می‌باشند؛ تحقق این امر از طریق طراحی جزئیات فضاها با توجه به الگوهای رفتاری کودکان امکان‌پذیر می‌گردد (آزموده، ۱۳۹۱: ۲۵). از سن ۴ سالگی بسیاری از کودکان چندساعت از روز را در مدرسه سپری می‌کنند. در طول سال‌های نوجوانی، فعالیت مدرسه اغلب افزایش می‌یابد بیشترین درصد ساعات بیداریشان را صرف تحصیل دانش می‌کنند. دوستی شکل می‌گیرد و شخصیت‌ها در کلاس‌های درس و در زمین‌های بازی توسعه می‌یابد (کشاورز مهر، ۱۳۹۵: ۷۵-۶۵). به‌اعتقاد پیاژه، انسان از همان کودکی، فعالانه در جست‌وجوی انگیزش است و دنیای پیرامونش را تعبیر و تفسیر می‌کند. طی سال‌های اولیه‌ی زندگی و هم‌زمان با رشد توانایی‌های جسمی، به‌تدریج توانایی‌های ذهنی کودک هم تقویت می‌شود (حق‌پرست، ۱۳۹۷: ۶۷-۵۹). کودکان به‌سبب محدودیت‌های فیزیکی و روانی خود، تأثیرپذیری عمیق‌تری از محیط و اجتماع دارند. به‌طوری‌که تجارب محیطی دوران کودکی در تمام زندگی همراه شخص بوده و از مهمترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت وی می‌باشد. فضای آموزشی یک بستر فرهنگی، اجتماعی و فیزیکی است که یادگیری در آن اتفاق می‌افتد (دبده و دیگران، ۱۴۰۲: ۷). معماری محیط آموزشی، نقش بسیار مهمی در کیفیت فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان ایفاء می‌کند و در کنار سایر عوامل همچون خانواده، معلم، کتب درسی، از عوامل مهم در فرایند تحصیلی است (لطف‌عطا، ۱۳۸۷: ۶۵). محققان روان‌شناسی محیط، با مطالعه الگوهای رفتاری کودکان در محیط‌های آموزشی به مواردی مؤثر از قبیل، اندازه فضا، نورپردازی و رنگ که نقش عمده‌ای در افزایش یادگیری دارند، برخورد کرده‌اند که متأسفانه در کشور ما کمتر به این موضوع توجه شده و مدرسه‌سازی با توجه به علائق و خواست مدیران صورت می‌گیرد و کمتر بنایی مشاهده می‌شود که طبق نیاز کودک و پس از پرسش در زمینه نیاز او از یک فضای آموزشی و درک کامل این مقوله و سپس انجام طراحی معماری صورت پذیرفته باشد. در جدول (۱)، نظرات معماران و روان‌شناسان محیط در زمینه آموزش معماری و کودکان آورده شده است.



10.30495/JSCC.2024.20057



جدول ۱- نظرات معماران و روان‌شناسان محیط در زمینه آموزش- (طباپیان، ۱۳۸۹: ۷۲)

نظریه معماران و روان‌شناسان محیط در زمینه فضاهای آموزشی	معماران و طراحان	گریبوس	ایجاد محیط خلاق، محرک
		شارون	ایجاد حس سکونت و تعلق به مکان
		هرتز برگر	ایجاد حس زندگی و تقویت رابطه
		لاوسون	جذابیت فضای آموزشی در راستای رشد و اجتماعی کردن دانش‌آموزان
		پیرنیا	ایجاد معماری شکوهمند متناسب با وضعیت آسایش دانش‌آموزان
روان‌شناسان محیط	برونر	فرایند پویا در آموزش با تلفیق فرد با محیط آموزش	
	گلاسر	لزوم توجه به نیازهای عاطفی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان	
	لوئیس	تأکید بر حس مسئولیت، خلاقیت و افزایش حس مشارکت دانش‌آموزان	
	ویلر	تأثیر استفاده مناسب فضا و آرایش کلاس‌ها بر رفتار	
	دیونی	ایجاد حس زندگی و تقویت روابط اجتماعی	

۲-۴- طراحی فضای کودک

در سال‌های اخیر، جمعیت قابل توجه کودکان در ایران، سبب توجه ویژه به مسئله آموزش و فضاهای آموزشی کودکان شده است. متأسفانه در ایران، بیشتر دبستان‌ها و مهدکودک‌ها در فضاهای فاقد طراحی مناسب و یا در فضاهایی با کاربری غیرآموزشی (مثل خانه) تأسیس می‌گردند (شفایی، مدنی، ۱۳۸۹: ۲۱۵). یکی از نکات بسیار مهم در طراحی برای کودکان دیدن کودک، همزمان با دوره طراحی است (دبده، ۱۴۰۰: ۶۸). عوامل زیبایی‌شناسی در فضایی که برای کودک طراحی می‌شود، باید به گونه‌ای او را ترغیب کند، محیط باید شاد و سرشار از انرژی و ب توجه به گروه سنی و توسط رنگ‌ها و احجام قابل لمس باشد و عواملی چون زمینه‌های آموزش و پرورش و روان‌شناسی نیز مدنظر باشد. از عوامل لذت‌بخش ساختن محیط برای کودک تأمین وضوح و خوانایی محیط است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۰). بنابراین، در طراحی فضاها باید، ملاحظات زیباشناسی و ساختاری در کنار خلق فضاهایی که کودکان را قادر به توسعه پتانسیل‌های فکری، خلاقیت، جسمی و روحی می‌کند، مورد اهمیت واقع گردد. فضاهایی که امکان حرکت، تعامل اجتماعی، به حداکثر رساندن نور روز، آکوستیک خوب، تهویه خوب و تحریک بصری را فراهم سازد، به بهتر شدن زندگی کودک کمک خواهد کرد. این امر به‌خصوص هنگامی شاخص‌تر می‌گردد که دانسته شود، محیط فیزیکی به‌تنهایی یک محیط منفعل نیست بلکه قدرت مهار کردن رفتار و تحت تأثیر قرار دادن روابط شکل گرفته شده را دارد. به عبارتی، فضاها و مکان‌هایی که کودکان در دوران کودکی‌شان تجربه می‌کنند به آن‌ها به ایجاد خاطراتی که تا آخر عمر در ذهنشان باقی می‌ماند کمک خواهد کرد (خسروی‌لقب، همکاران، ۱۳۹۴: ۹-۱). از مهمترین نیازهای کودک در فضا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نیاز به احساس امنیت، اطمینان و برتری در فضا؛
۲. نیاز به فعالیت جسمی و ذهنی و احاطه شدن توسط عوامل مختلف؛



10.30495/JSCC.2024.20057



۳. نیاز به دستیابی به یک رابطه عاطفی با فضای نزدیک به آن و به خود و محلی برای خلوت کردن (حسین پور، نجفی، ۱۳۹۱: ۲۱۵).

امروزه در فضاهای آموزشی باید به جای فضای عملکردی، فضاهایی به وجود آورد که کودکان را به خود جذب کند. نقاشی‌های کودکان نشان می‌دهد که آن‌ها در تصوراتشان فضا را می‌بینند و آن‌را با جزئیات در ترسیمات خود بیان می‌کنند و این نشان‌دهنده برداشت دقیق کودکان از محیط اطرافشان و تأثیرگذاری عمیق محیط بر آن‌ها است. از این‌رو توجه به سازمان‌دهی فضایی در طراحی فضای کودکان اهمیت دارد (کامل‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۵). کالبد فیزیکی که در آن یادگیری اتفاق می‌افتد، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر آموزش، یادگیری، کودک و احساس کودک نسبت به خودش و دیگران دارد و این محیط می‌تواند به‌عنوان مشوق و یا بازدارنده و سرکوب‌کننده باشد. محیط‌های آموزشی دارای ساختار فیزیکی‌ای هستند که اجزای آن قابلیت درک و شمارش دارند (کاکاوند، ۱۳۹۱: ۸۷). ضرورت نقش محیط فیزیکی در یادگیری کودکان تاحدی است که رویکردهای مختلف در آموزش ابتدایی کودک، ویژگی‌های خاصی را برای بهترین محیط یادگیری کودکان شناسایی کرده‌اند. به‌عنوان مثال، لیپمن^{۱۱} استدلال می‌کند که طراحی محیط فیزیکی از یادگیری دانش‌آموزان پشتیبانی می‌کند. یوپیتیز^{۱۲} بر چگونگی معماری محیط آموزشی بر یادگیری، تمرکز دارد و تارر^{۱۳} درباره کلاس‌ها در دوران کودکی توضیح می‌دهد و نشان می‌دهند که چه چیزی برای کودکان و آموزش آن‌ها ارزشمند و مهم است و درنهایت اکثر محققان ادعا می‌کنند که برای ایجاد بهترین محیط برای یادگیری کودکان باید دیدگاه‌های کودکان را در نظر بگیریم.

۳-۴- آموزش معماری به کودکان

آموزش معماری به کودکان، بخشی از پروژه وسیعی است که از زیست با کودکان در طبیعت سرچشمه گرفته و در حیطه طراحی محیط رشد کرده است. در فرایند آموزش، از محیط‌های ساخته‌شده به‌عنوان پنجره‌ای روبه ایده‌های نو استفاده می‌شود تا با کمک آن بتوان فیزیک ساختار، طراحی در طبیعت و نیز شباهت بین سیستم‌های بدن و اجزای تشکیل‌دهنده ساختمان را به کودکان آموزش داد. آموزش، از یک سو با خلاقیت‌های فردی در ارتباط است و از سوی دیگر، اصول علم معماری و قواعد زیبایی‌شناسی در طبیعت را بسیار مورد استفاده قرار می‌دهد. آنچه در ذات معماری و سایر هنرهای تجسمی نهفته است همانا طرح و طراحی است (کاظمی، عبدی، ۱۳۹۶: ۳۶). ژان پیاژه، بر توانایی کودک در درک جهان به‌طور فعال تأکید بسیار می‌کند و معتقد است که کودکان به‌طور انفعالی اطلاعات را جذب نمی‌کنند بلکه آنچه را که در دنیای پیرامون خود می‌بینند، می‌شنوند و احساس می‌کنند، سپس انتخاب و تفسیر می‌نمایند (لطف‌عطا، ۱۳۸۷: ۶۵). کودکان به‌طور فطری خوب می‌بینند و به چیزهای به اصطلاح جزئی ولی واقعی توجه می‌کنند (رووف، ۱۳۸۸: ۲۰). آن‌ها کنجکاو و مقلد هستند و به‌راحتی می‌توان آن‌ها را در مسیر موردنظر رهنمون ساخت (کاشانی‌جو، همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳۹). آن‌ها توانایی‌های قابل‌توجهی در شکل‌دهی به محیط دارند



10.30495/JSCC.2024.20057



(نجفی، همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴). آن‌ها توانایی استنتاج دارند و زنجیره‌ای از راهبردهای متفاوت، در یک دوره زمانی کوتاه یعنی ۲ یا ۳ یا حداکثر ۵ دقیقه، را مورد استفاده قرار می‌دهند. حتی هنگامی که با مسائل روبه‌رو می‌شوند اگر قبلاً برای آن‌ها به پاسخی رسیده باشند، راهبردهای موفقیت‌آمیز پیشین را تغییر می‌دهند (برندو، تئودوتو، ۱۳۹۹: ۲۰). کودکان می‌توانند به استنتاج‌هایی عالمانه دست بزنند، کودکانی که با ۱ سؤال به‌ظاهر احمقانه مواجه می‌شوند، فرض می‌کنند که بزرگسالان واقعاً یک چیز معقول پرسیده‌اند. لذا سعی می‌کنند کار هوشمندانه‌ای انجام دهند. بنابراین منطق فی‌الذات فقط یکی از راهبردهای پردازش یک مسئله است (تورتون، برونر، ۱۳۸۶: ۱۱). و کودکان آن را به چالش کشیده‌اند. درحالی‌که بزرگسالان درگیر سوگیری باور می‌شوند که می‌توان آن را نتیجه آموزش و فرایند اجتماعی شدن دانست (نرماشیری، همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸). از این‌رو تعامل کودکان با محیط از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که این تعامل از شکل‌گیری شخصیت تا رشد جسمی و ذهنی دانش‌آموز را دربرمی‌گیرد. در واقعیت، بسیاری از بزرگسالان مشارکت کودکان را صرفاً به‌عنوان یک حس خوب برای آن‌ها ولی با ارزشی اندک برای پاسخ‌گویی به مسائل ویژه آن‌ها، مدنظر قرار می‌دهند (کربلایی‌حسینی، ۱۳۹۲: ۶۸-۵۹). کودکان، نیروهای متخصصی نیستند، اما دارای قابلیت‌های خلاقانه و توانایی اظهار نظر هستند، که با دادن نقش به افراد غیرمتخصص یعنی کودکان و قراردادن آن‌ها در نقش معمار و نه صرفاً بهره‌بردار، امکان چنین اظهار نظرهایی برقرار خواهد شد (لاوسون^۱، ۲۰۱۸: ۲۰۹). لذا اهمیت تأثیرگذاری کودکان در تصمیم‌گیری و فرایند طراحی، مورد توجه آن دسته از معمارانی که به دنبال تولید اثری غیرمعمول هستند، قرارگیرد (حقیقی‌بروجنی، فیضی، ۱۳۹۰: ۴۶). آموزش معماری به کودکان با تأکید بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی، تأثیرات قابل توجهی بر رشد و توسعه ذهنی و اجتماعی آنان دارد. این نوع آموزش نقش بارزی در افزایش آگاهی کودکان از تاریخ، هنر و نحوه شکل‌گیری فضاها دارد. آموزش معماری می‌تواند در فرایند فرهنگ‌سازی کودکان کمک کرده و ارتباط آن‌ها با محیط‌های پیرامونی را بهبود بخشد. از سوی دیگر، این نوع آموزش می‌تواند به توسعه مهارت‌های ارتباطی و تعاملی کودکان منجر شود. تمرین‌های معماری براساس مدل‌های فرهنگی و اجتماعی، کودکان را در تعاملات اجتماعی تقویت می‌کند و آن‌ها را به فردی با شخصیت هویتی و فرهنگی تبدیل می‌کند. در این راستا، آموزش معماری می‌تواند نقش مؤثری در تقویت هویت فردی و فرهنگی کودکان ایفاء نماید، آن‌ها را به دانش‌آموزانی نقدپذیر و همکارتر تبدیل کند. این فرایند می‌تواند به ایجاد هم‌افزایی، همکاری و تحلیل محیطی در کودکان کمک کرده و در تأثیرگذاری بر ارتباطات و تعاملات اجتماعی آن‌ها نقش داشته باشد. به‌طور کلی، آموزش معماری به کودکان می‌تواند زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی را تقویت کرده و به آن‌ها فرصتی برای شکل‌دهی به محیط‌های پیرامون خود ارائه دهد (اسکندری، ۱۴۰۰: ۱۱-۹).

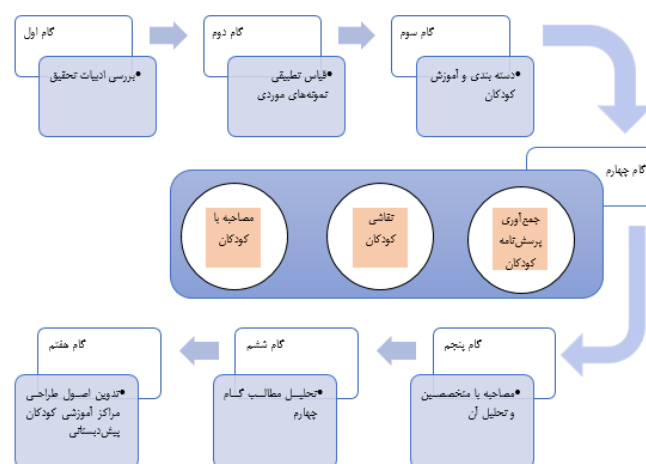


10.30495/JSCC.2024.20057



۵- روش پژوهش

باتوجه به اینکه پژوهش حاضر با حوزه‌های مختلف آموزش معماری و روان‌شناختی مرتبط است دارای رویکرد بین‌رشته‌ای می‌باشد؛ بنابراین سعی شده است بین نظریات روان‌شناختی و شناخت‌گرایی که یادگیری و نحوه ارتقاء آن، تفکر و فرایند ذهنی کودکان و نحوه پردازش اطلاعات حاصل از محیط پیرامونشان را توضیح می‌دهد با روش‌های آموزش معماری و روند طراحی معماری پیوندی برقرار گردد. روش تحقیق این پژوهش به صورت کمی-کیفی می‌باشد. این تحقیق در سراسر کشور صورت گرفت و باتوجه به اعلام رسمی سازمان آموزش و پرورش تعداد ۳۰ هزار مرکز پیش‌دبستانی در سراسر کشور وجود دارد. انجام این تحقیق ملزم به انتخاب مدرسی با حداقل تأثیرات جانبی بر روی روند تحقیق می‌باشد؛ از این رو فاکتورهای اقتصادی و اجتماعی به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شده و مناطقی به صورت غیراحتمالی بادر نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی انتخاب و همچنین به منظور دسترسی ایمن تر و راحت تر به دلیل شرایط ناشی از ویروس کووید-۱۹ جدید، با بررسی‌های انجام شده، به صورت کاملاً تصادفی تعدادی پیش‌دبستانی فعال شناسایی و انتخاب شدند، با روش‌های متفاوت مورگان و کرسی و کوکران، حجم نمونه با ضریب خطای استاندارد ۰.۰۵ درصد و با فرض اینکه هر کلاس پیش‌دبستانی به طور متوسط با ۱۰ دانش‌آموز برگزار می‌شود جامعه آماری، حدود ۳۸۴ نمونه خواهد داشت. در این روش افراد متجانس آزمودنی به طور تصادفی به ۲ گروه الف و ب تقسیم می‌شوند. در این حالت، گروه الف را گروه آزمون می‌نامند که تحت تأثیر متغیر یا متغیرهای مستقل قرار می‌گیرند؛ گروه ب را گروه شاهد می‌نامند که تحت تأثیر متغیرهای مستقل قرار نمی‌گیرند. در شکل (۱)، گام‌های تحقیق و روش آن به صورت کامل توضیح داده شده است.



شکل ۱- گام‌های پژوهش- (مأخذ: اسکندری، ۱۴۰۲)



10.30495/JSCC.2024.20057



متغیرمستقل، عناصر معماری فضای آموزشی گروهی هستند که در اینجا تدوین معیارهای ساختار فیزیکی فضاهای آموزشی کارهای گروهی (فضاهای جمعی)، است که در جدول (۲)، نشان داده شده است. متغیرهای وابسته، مشارکت کودکان و نحوه مشارکت ایشان در پژوهش و همچنین روش‌های آموزش معماری محسوب می‌گردد.

جدول ۲- معیارهای فیزیکی فضای جمعی- (اسکندری، ۱۴۰۲: ۷۸)

رنگ	معیارهای فیزیکی
نور	
پارامترهای معماری چون سقف، کف و دیوارها	
مصالح	
امکانات	
مبلمان	
ابعاد	

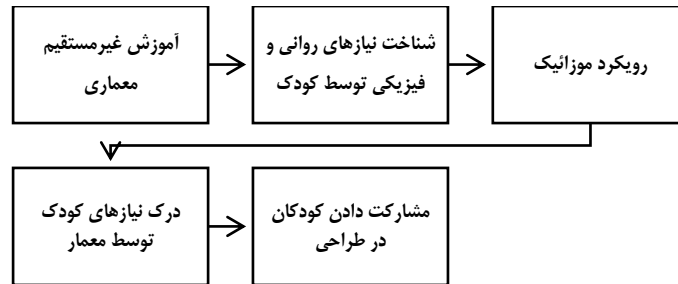
۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آموزش معماری هدفمند

فرضیه‌ای صورت گرفت که به منظور مشارکت کودکان، باید از مدل آموزشی تأیید شده‌ای چون رگیو امیلیا استفاده نموده و بعد از آموزش، طبق پرسش‌نامه استاندارد نکات حائز اهمیت برای طراحی را استخراج کرد. آموزش معماری هدفمند به کودکان به افزایش درک آنان از فضاهای پیرامونی به خصوص فضای فیزیکی محیط آموزشی گروهی موردانتظارشان و درک و بیان آن با تکنیک‌های طراحی معماری منجر می‌شود و این امکان برای کودکان فراهم می‌آید تا نیازها و خواسته‌هایشان را تبدیل به طرح معماری‌ای کنند که باعث رضایتمندی خاطرشان می‌شود. در نتیجه، ابتدا با آموزش غیرمستقیم معماری و با شناخت نیازهای روانی و فیزیکی کودک^{۱۴} و در ادامه، کمک به پاسخ‌دهی کودک به آن‌ها^{۱۵} می‌توان باعث ارتقاء سطح دانش و درک عمومی از طریق فضای آموزش‌دهنده شد. در نهایت می‌توان با استفاده از مدل‌های تأیید شده، اطلاعات ذهنی کودکان را از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری کرده و طرح‌واره‌هایی را استخراج نمود و این‌گونه کودک را در طراحی مشارکت داد. همان‌طور که در شکل (۳)، نیز نشان داده شده است.



10.30495/JSCC.2024.20057



شکل ۳- چگونگی مشارکت دادن کودکان در طراحی- (اسکندری، ۱۴۰۲: ۱۳۴)

آموزش معماری هدفمند به کودکان با افزایش درک آنان از فضاهای پیرامونی، به کودکان امکان بیان نیازها و خواسته‌هایشان را با تکنیک‌های طراحی معماری می‌دهد که باعث شناخت ترجیحات کودکان می‌شود و تأثیرات مثبتی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی آنان ایجاد کرده است؛ نتایج نشان داد که با ایجاد آموزش معماری تفاوت‌های فاحشی بین کودکان گروه آزمون و شاهد به دست آمده و کودکان گروه آزمون توانستند بسیار روان‌تر به خواسته‌ها و ترجیحات خود در فضای آموزشی برسند و آن‌ها را به معماران منتقل کنند.

آموزش معماری با فراهم کردن فرصت‌های مشارکت کودکان در تصمیم‌گیری‌ها و طراحی فضاها، احساس رضایتمندی، ارادت به محیط پیرامونی و تعهد به آن را افزایش می‌دهد. این نتایج، از طریق تکنیک موزائیک، پرسش‌نامه‌ها و ارزیابی‌های انجام شده به دست آمده‌اند و توانستند تسهیل‌کننده پس‌زمینه فکری کودکان به الگوی کیفی منطبق بر ترجیحات آنان شود؛ که اطلاعات منتج از آن‌ها تأثیرات مثبت این رویکرد را تأیید می‌کنند:

- ← **تقویت استعدادهای شناختی:** آموزش معماری باعث تقویت استعدادهای شناختی کودکان شده است، که این امر بهبود درک آن‌ها از فضاها و احجام هندسی را نشان می‌دهد.
- ← **تأثیر بر ترجیحات فضایی:** آموزش معماری به کودکان کمک کرده تا ترجیحات فضایی خود را بهتر درک کنند و این آگاهی به طراحی فضاها با سلیقه آنان منجر شود.
- ← **تأثیر درک بهتر از رنگ‌ها:** آموزش معماری نقش مهمی در درک بهتر از رنگ‌ها در کودکان ایفاء کرده و رنگ‌ها را به عنوان عناصر مهم در طراحی فضاها در نظر می‌گیرند.
- ← **تقویت خلاقیت و توجه به کارگروهی:** آموزش معماری تأثیر مثبتی بر خلاقیت کودکان داشته و علاقه بیشتری به کارگروهی و مشارکت در انجام پروژه‌های هنری و معماری ایجاد کرده است.



10.30495/JSCC.2024.20057



← افزایش توجه به جزئیات فضا: کودکان با آموزش معماری بادقت به جزئیات فضاها و طراحی‌های مختلف توجه کرده و از این طریق دانش بیشتری درمورد محیط اطراف خود کسب کرده‌اند.

← تأثیر درک بهتر از احساسات و روابط اجتماعی: آموزش معماری به کودکان کمک کرده است تا احساسات و روابط اجتماعی خود را بهتر درک کنند و در فضاها با دیگران همکاری بیشتری داشته باشند.

← زیبایی‌شناسی: آموزش معماری نه تنها به کودکان آگاهی از زیبایی‌شناسی طراحی می‌دهد بلکه آن‌ها را تشویق به شناخت و ارزیابی زیبایی در محیط اطراف می‌نماید.

← تأثیر مثبت بر علاقه به هنر و گروه‌های هنری: کودکانی که آموزش معماری دریافت کرده‌اند، علاقه بیشتری به هنر و گروه‌های هنری دارند و به شکل فعال‌تر در این حوزه‌ها شرکت می‌کنند.

۲-۵- مشارکت کودکان در طراحی

نتایج نشان داد که کودکانی که آموزش معماری دیده‌اند بسیار با دانش‌تر و با دقت‌تر به محیط، به نسبت کودکانی که آموزش ندیده‌اند، بوده‌اند. در گروه آموزش دیده، کودکان به راحتی و بی‌درنگ، اشکال را در اطراف خود تشخیص می‌دهند. این امر تأکید و اهمیت آموزش معماری بر توانایی انطباق‌پذیری دانش بر دنیای عملی کودک را نشان می‌دهد. همچنین، اگرچه آموزش معماری بر اکثریت کودکان تأثیر مثبت در پاسخ‌دهی صحیح داشته است، جدول (۳) نشان‌دهنده مؤلفه‌های طراحی موجود در یافته‌ها و تفاوت انتخاب‌های گروه آزمون و شاهد است.

جدول ۳- تفاوت‌های ۲ گروه آزمون و شاهد- (اسکندری، ۱۴۰۲: ۱۴۲)

کودکان گروه شاهد	کودکان گروه آزمون
فرم	مستطیل و دایره
طبیعت	علاقه به گیاهان و حیوانات
بازی	وسایل‌های بازی، طناب، اسباب‌بازی، ماشین اسباب‌بازی
مبلمان	چیدمان خطی
پنجره	پنجره در دیوار پشت- پنجره مربع
رنگ	قرمز و گرم و رنگارنگ



10.30495/JSCC.2024.20057



نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش معماری بر کودکان جرأت و دید انتخاب رنگ‌های متفاوت از خنثی را به نسبت کودکان آموزش ندیده داده است. در نهایت مدلی برای طراحی فضای آموزشی گروهی به دست آمد که تمایل آنان را برای برقراری روابط اجتماعی قوی‌تر خواهد کرد؛ که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ← **فضاهای دایره‌ای و مستطیلی:** ایجاد فضاهای گرد و متمرکز با میزهای دایره‌ای یا مستطیلی در آموزش معماری، هماهنگی و تفاعل گروهی کودکان را تسهیل می‌کند و بر روابط اجتماعی تأثیر مثبت می‌گذارد.
- ← **رنگ‌های گرم و درخشان:** استفاده از رنگ‌های گرم و درخشان در فضاهای آموزشی، انرژی و شادی در کودکان را افزایش می‌دهد و تأثیرات رنگی بر روابط اجتماعی مثبت است.
- ← **آرایش فضا:** فضاهای باز و پر از نور با وسایل مناسب برای فعالیت‌های جسمانی و ذهنی، ارتباط کودکان با محیط را تقویت کرده و درک آن‌ها از اطراف را بهبود می‌بخشد.
- ← **عناصر طبیعی:** افزودن عناصر طبیعی مانند گیاهان، حیوانات خانگی یا تصاویر طبیعی، احساس ارتباط کودکان با محیط زیست را تقویت می‌کند و بر روابط اجتماعی و فرهنگی تأثیر مثبت می‌گذارد.
- ← **انعطاف‌پذیری:** ایجاد فضاهای قابل تغییر شکل و تنظیم در آموزش معماری، توانمندی کودکان در تطبیق با موقعیت‌ها و فرایندهای مختلف را افزایش می‌دهد و بر روابط گروهی مؤثر است.
- ← **ترتیب و تنظیم:** برنامه‌ریزی مناسب فضاها با تأکید بر انتخاب مکان‌های مختلف برای بازی و یادگیری، نقش مهمی در بهبود تفکرات اجتماعی و فرهنگی کودکان ایفاء می‌کند.
- ← **فضای بازی متنوع:** ایجاد فضاهای بازی داخلی و خارجی متنوع، توانایی حرکت و فعالیت‌های بیرونی را افزایش داده و بر ارتباطات اجتماعی کودکان مؤثر است.
- ← **کف نرم و ایمن:** استفاده از مصالح کف نرم و ایمن در فضاهای بازی و ورزشی، ایمنی کودکان را در حین بازی تضمین کرده و ارتباطات اجتماعی را تسهیل می‌کند.
- ← **فضای اجتماعی:** ایجاد فضاهای مناسب برای هم‌صحبتی، بازی با دوستان، نقاشی، کتاب‌خوانی و فعالیت‌های گروهی، بهبود روابط اجتماعی کودکان را فراهم می‌آورد.
- ← **طراحی دیوارها و پنجره‌ها:** دیوارها با فرورفتگی و برآمدگی، پنجره‌های بزرگ و شفاف ارتباط کودکان با محیط بیرونی را تحریک می‌کنند و تجربیات حسی بهتری ایجاد می‌کنند.



10.30495/JSCC.2024.20057



- ← حضور طبیعت در فضا: ایجاد فضاهای حاوی درختان، گل و گیاهان، استخر و نگهداری حیوانات، ارتباط کودکان با طبیعت را تقویت کرده و بر فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست تأثیر مثبت دارد.
- ← رنگ‌های زنده: استفاده از رنگ‌های زنده در دیوارها، پنجره‌ها و نقاشی‌ها، جذابیت و انرژی مثبت را افزایش می‌دهد و بر ارتباطات اجتماعی مؤثر است.
- ← فضای گروهی مرتب و منظم: ایجاد فضاهایی با ترتیب و تنظیم مناسب برای فعالیت‌های مختلف کودکان، توانایی آنان در مشارکت فرهنگی و اجتماعی را تقویت می‌کند.

۳-۵- چالش‌ها و راهکارها

← چالش‌ها:

- ۱- عدم درک کودکان از مسائل فنی: یکی از چالش‌ها در مشارکت کودکان، عدم درک آن‌ها از مسائل فنی و ساختارهای پیچیده در طراحی است. کودکان ممکن است با مفاهیم معماری آشنا نباشند که می‌تواند تعامل مؤثر آن‌ها را در فرایند طراحی کاهش دهد.
- ۲- تفاوت نظرات: هماهنگی میان نظرات مختلف کودکان می‌تواند چالشی، باشد. اختلاف‌ها در ترجیحات و دیدگاه‌ها ممکن است به مشکلات هماهنگی و انجام یکپارچه فرایند طراحی منجر شود.
- ۳- مقاومت افراد به مشارکت کودکان: برخی از افراد ممکن است در قبول مشارکت فعال کودکان در طراحی فضاها مخالفت کنند یا مقاومت نشان دهند و این مقاومت می‌تواند به چالش‌های سازمانی منجر شود.

← راهکارها:

- ۱- افزایش آگاهی کودکان از مسائل فنی: ارائه آموزش‌های ساده و بازی‌های آموزشی معماری به کودکان، می‌تواند باعث افزایش درک آن‌ها از مسائل فنی و ساختارهای پروژه شود.
- ۲- مکانیزم‌های هماهنگی: ایجاد مکانیزم‌های مناسب برای هماهنگی نظرات مختلف کودکان، مثل اجتماع‌های گروهی یا جلسات تفسیر و تبادل نظر، می‌تواند تفاوت‌ها را کاهش داده و بهترین تصمیم‌گیری را فراهم کند.



10.30495/JSCC.2024.20057



- ۱- آگاه‌سازی جامعهٔ مدرسه: افزایش آگاهی اعضای جامعهٔ مدرسه از اهمیت و مزایای مشارکت کودکان در طراحی فضاها، می‌تواند مقاومت‌ها را کاهش دهد و به موفقیت فرایند مشارکت کمک کند.
- ۲- ایجاد فضاها و فرصت‌های مشارکت: ایجاد فضاها و فرصت‌های مناسب برای انجام فعالیت‌های گروهی و همکاری بین کودکان، می‌تواند مفید باشد و ارتباطات اجتماعی آنان را تسهیل کند.
- ۳- فرایند مدیریتی مؤثر: ایجاد یک فرایند مدیریتی مؤثر برای جلب نظرات کودکان و اجرای تصمیمات براساس آن‌ها، می‌تواند به مشروعیت و اثربخشی مدل طراحی فضاها را بهبود بخشد.

۴-۵- پایایی پرسش‌نامه

به منظور بررسی پایایی پرسش‌نامه، آزمون آلفا کرونباخ صورت پذیرفت که عدد مورد قبول برای پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفا کرونباخ، عدد بالای ۰.۷ می‌باشد. با انجام آزمون آلفا کرونباخ در نرم‌افزار، نتیجه ۰.۸۰۲ که در جدول (۴)، آورده شده است، نشان داد که پرسش‌نامه از پایایی کافی برخوردار است.

جدول ۴- آزمون آلفا کرونباخ- (مأخذ: اسکندری، ۱۴۰۲)

Cronbach's Alpha	N of Items
.802	22

۶- نتیجه‌گیری

باتوجه به تحلیل‌های متفاوت و رویکرد موزائیک مورد استفاده، نتایج نشان داد که آموزش معماری کودکان مورد اهمیت و باعث تفاوت در پاسخ کودکان شده است؛ که ترجیحات کودکان آموزش معماری دیده، در طراحی فضای آموزشی گروهی، بر طبق مدل مفهومی یافت شده در شکل (۴)، آورده شده است. مشارکت کودکان در روند طراحی فضای آموزشی خود و تأثیرات این مشارکت در مدل طراحی می‌تواند به عنوان یک رویکرد مؤثر در تحول فرهنگی و اجتماعی آنان مورد بررسی قرار گیرد. آموزش معماری به کودکان این امکان را می‌دهد که در طراحی فضاها آموزشیشان شرکت کنند و از طریق این مشارکت، تأثیراتی غنی و منحصر به فرد در فرایند طراحی ایجاد می‌شود.



10.30495/JSCC.2024.20057



از جنبه‌های فرهنگی، مشارکت کودکان در طراحی فضاهای آموزشی باعث افزایش آگاهی آن‌ها و باعث تقویت زیرساخت‌های فرهنگی کودکان شود و به آن‌ها این امکان را بدهد که به‌عنوان فردی فعال در فرایند طراحی شرکت کرده و ارتباط ژرف‌تری با محیط‌های آموزشی خود داشته باشند.

از نظر اجتماعی، مشارکت کودکان در طراحی فضاهای آموزشی موجب توسعه مهارت‌های ارتباطی و تعاملی آنان می‌شود. این آموزش می‌تواند مهارت‌های همکاری، ایجاد هم‌افزایی و تحلیل محیطی را در کودکان تقویت کند. مشارکت در این فرایند، کودکان را به یک محیط یادگیری تعاملی و گسترده‌تر متصل می‌کند که در آن می‌توانند نقش خود را به‌عنوان اعضای فعال و مسئول در جوامع مدرسه‌ای بهبود بخشند.

به‌صورت کلی، مشارکت کودکان در روند طراحی فضای آموزشی، نه‌تنها به بهبود فرایند یادگیری آن‌ها کمک می‌کند، بلکه در تقویت هویت فردی و فرهنگی آنان نقش اساسی دارد. این مشارکت‌ها می‌توانند کودکان را به شاهدان و بهره‌مندان از فرایند آموزشی تبدیل کرده و تأثیرات مثبتی بر هویت و توسعه فردی آنان داشته باشند.

۱-۶- ارائه راهکارها و پیشنهادات

توسعه مدل طراحی فضای فرهنگی و آموزشی گروهی با مشارکت کودکان به وسیله راهکارها و پیشنهادات فوق می‌تواند به تحقق اهداف چندگانه کمک کند. این راهکارها از طریق ترویج مشارکت فعال کودکان، ارتقاء سطح آگاهی آن‌ها از اصول معماری، بهره‌گیری از فناوری، ایجاد فضاهای آموزشی تعاملی، گسترش همکاری با اجتماع، تدوین دستورالعمل‌های مشارکتی، مدیریت منابع و تجهیزات، و ترویج تحلیل براساس تجربه، ایجاد یک فرایند آموزشی توازن‌یافته و جذاب برای کودکان را فراهم می‌سازند. این اقدامات به‌سمت ایجاد فضاهای آموزشی با انگیزه، تعاملی و باز، که کودکان را در فرایند یادگیری و طراحی به‌صورت فعال و خلاقانه درگیر کنند، سوق می‌دهد. این تدابیر نه‌تنها اثرات فرهنگی و اجتماعی مثبتی در کودکان ایجاد می‌کنند بلکه می‌توانند به بهبود مدل طراحی فضاهای آموزشی با تأکید بر مشارکت گروهی کودکان منجر شوند. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند در حال حاضر مورد استفاده برای مؤسسات آموزشی در بخش‌های خصوصی نظیر کانون‌های آموزشی معماری و مؤسسات برگزارکننده ورکشاپ‌های آموزشی برای کودکان باشد که در این راستا فاکتورهای مهم این طرح تمرین‌های معماری مناسب برای کودکان ارائه می‌گردد. نتایج این پژوهش، با افزایش ادراک کودکان از محیط ساخته‌شده، در ارتقاء انگیزه یادگیری و افزایش روابط اجتماعی تأثیر شگرفی دارد.



10.30495/JSCC.2024.20057



شکل ۴- ترجیحات طراحی کودکان- (اسکندری، ۱۴۰۲)

(۱۴۰۲)



10.30495/JSCC.2024.20057



پی‌نوشت‌ها

1. Arkikids
 2. Taylor, A. P., Vlastos, G., & Marshall, A
 3. Acer, Goksu Gozen & Dilek
 4. Sandler, A
 5. Acer, D.
 6. Svennberg, M
 7. Lozanovska, M., & Xu, L
 8. Sari, R.M
 9. Brandao, N., & Theodotou
 10. Lawson, B
 11. Lippman, P. C
 12. Upitis, R.
 13. Tarr, P.
- ۱۴ از طریق روش موزائیک
- ۱۵ در قالبی که اشتیاق و میل آموختن را در مخاطب بر انگیزد با ارائه امکانات مناسب به کودک به‌عنوان مثال بلوک، گل مجسمه‌سازی، کاغذ رنگی و ...



10.30495/JSCC.2024.20057



منابع

- اسکندری، آنهیتا. ۱۴۰۲. ارائه مدل کیفی طراحی فضای آموزشی گروهی با تأکید بر مشارکت ایشان در روند طراحی، رساله دکتری تخصصی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس.
- آزموده، مریم. ۱۳۹۱. معماری و طراحی برای کودکان، چاپ اول، تهران: انتشارات علم و دانش.
- تورنتون، استفانی؛ برونر، کریستوفر جی. ۱۳۸۶. رشد شناختی کودکان (بررسی انتقادی دیدگاه پیاژه)، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- حسین پور، سیدعلی؛ نجفی، محدثه. ۱۳۹۱. طراحی مهدکودک با نگاهی به تقدس در معماری ایرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات معماری و شهرسازی.
- حق پرست، فرزین؛ سروش، مژده. ۱۳۹۷. آموزش مفاهیم مرتبط با معماری پایدار در نظام آموزش ابتدایی با نمایان شدن در معماری مدارس، نشریه‌ی معماری سبز، شماره ۱۰، ۶۷-۵۹.
- حقیقی بروجنی، سمر؛ فیضی، محسن. ۱۳۹۰. نقش مشارکت کودکان در طراحی منظرهای شهری، مورد مطالعاتی: پارکهای محلی، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، (۳)۲، ۳۷-۴۶.
- خسروی لقب، فاطمه؛ ترکمان، احمد؛ شمتوب، سوگل. ۱۳۹۴. معماری فضاهای آموزشی متناسب کودک و بررسی مراحل رشد کودک، همایش ملی عمران و معماری با رویکردی بر توسعه پایدار، فومن، ۹-۱.
- دبدبه، محمد. ۱۴۰۰. طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی، چاپ اول، تهران: انتشارات طحان گستر.
- دبدبه، محمد. و [دیگران]. ۱۴۰۱ الف. رابطه روان شناسی- روان شناختی کودکان در محیط طراحی (مطالعه موردی: فضاهای آموزشی)، دومین کنفرانس بین المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز-ایران، ۱۰-۱.
- دبدبه، محمد. و [دیگران]. ۱۴۰۱ ب. فرایند رهیافت‌های ارتقاء آفرینش‌گری کودکان در محیط طراحی بر تحولات به عمل آمده در آینده، دومین کنفرانس بین المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز-ایران، ۱۱-۱.
- رازجویان، محمود؛ شیخ طاهری، حامد. ۱۳۸۲. گمانه‌ای به رشد ذهنی دانشجویان در کارگاه معماری، صفة، سال ۱۳(۳۶)، ۹۲-۱۱۹.
- رئووف، علی. ۱۳۸۸. پژوهش در کلاس درس و مدرسه، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۹۱. معماری کودکان، چاپ اول، تهران: انتشارات چهارطاق.
- شفایی، مینو؛ مدنی، رامین. ۱۳۸۹. اصول طراحی فضاهای آموزشی کودکان بر اساس مدل خلاقیت، نشریه فناوری آموزش (فناوری و آموزش)، دوره ۴(۳)، ۲۱۵-۲۲۲.
- کاشانی‌جو، خشایار؛ هرزندی، سارا؛ فتح‌العلومی، ایل ناز. ۱۳۹۲. بررسی معیارهای طراحی مطلوب فضای شهری برای کودکان، نمونه موردی: محله نظامیه تهران. معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره ۵(۱۱)، ۲۳۹-۲۴۹.
- کاظمی، مهروش؛ عبدی، بابک (۱۳۹۶). بررسی معماری ساختمان‌های کودکان و تأثیر آن در ارتقای خلاقیت و یادگیری کودکان در شهر تبریز، پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، ۱-۱۴.



10.30495/JSCC.2024.20057



- کاکاوند، مینا. ۱۳۹۱. باغ کودک با رویکرد ایجاد فضاهای خودآموز و پایداری در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل؛ سهیلی، جمال‌الدین. ۱۳۹۲. بررسی ویژگی‌های شهر دوست‌داشتنی از نگاه کودکان. مطالعه‌ی موردی: منطقه دو شهرداری قزوین. نشریه مطالعات شهری، ۳(۹): ۵۹-۶۸.
- کشاورزمهر، مریم؛ میرزا کوچک خوشنویس، احمد. ۱۳۹۵. ارائه مدل‌های سه‌بعدی هوشمندانه جهت ارتقاء یادگیری کودکان، ماهنامه شباک، دوره ۲(۱۱) (پیاپی ۱۸)، ۶۵-۷۵.
- لطف عطا، آیناز. ۱۳۸۷. تأثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیط‌های آموزشی (ابتدایی)، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۷، ص ۶۵.
- مظفر، فرهنگ؛ حسینی، سیدباقر؛ باقری، محمد؛ عظمتی، حمیدرضا. ۱۳۸۶. نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان، مجله باغ نظر، ۴(۸)، ۵۹-۷۲.
- نجفی، کامیاب؛ کافی، محسن؛ علینقیان، حسین. ۱۳۹۶. طراحی فرایندمحور پارک شهری-منطقه‌ای با استفاده از اصول منظرسازی باغ ایرانی با رویکرد بهبود هویت زندگی اجتماعی شهری (نمونه موردی: سایت ۴۷ هکتاری باغ بنیاد شهرقدس-تهران)، کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی نوین، تهران، ۱۹-۱.
- نرماشیری، سحر؛ رقیبی، مهوش؛ مظاهری، مهرداد. ۱۳۹۴. تأثیر آموزش شادکامی بر باورهای غیرمنطقی نوجوانان دختر تحت پوشش سازمان بهزیستی. پژوهشنامه روانشناسی مثبت، ۱(۲)، ۲۷-۴۰.
- هدفی، فرزانه؛ نافیعی میلانی، ندا. ۱۳۹۳. بررسی تعامل کودک و معماری در دوره معاصر با نگاه ویژه به تأثیر تعامل یاد شده در رشد و ارتقا خلاقیت کودکان، کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران و معماری و توسعه پایدار شهر، تبریز، ایران، ۲۲-۱.



Representation of women's social movements in movies (Suffrage, Northland, Iron Jaw Angels, Rosa Parks Story) from the decade (1920-2016) Charles Sanders Peirce Semiotics

*Ilmira Sasanpour¹, Afsana Idrisi^{*2}, Majid Tusli³*
(Received date: 2023/00/00 - Accepted date: 2023/00/00)

Abstract:

In this article, the subject of representation of women's social movements in the films of suffrage, Northland, Iron Jaw Angels, Rosa Parks story from the decade (1920-2016) is discussed. The women's movement is an organized movement to achieve women's rights and an ideology for the transformation of society, the goal of which is the dream of eliminating all kinds of racial discrimination. Pierce, with Charles Tilly's theory of collective action and the fundamental theories of feminism, wants to analyze to what extent movies will be effective in representing women's social movements. It seems that movies play a prominent role in expressing and representing women's social movements in society. The findings of the research indicated that the meanings represented in the films include: negation of the status quo and our identity, having a program and organized collective behavior, clarity of goals, having an ideology, commitment and obligation, opposition to violent behaviors, radical movement, value, Commitment has been unity.

Keywords: social movements, representation, women's films, feminism, semiotics

¹ Ph.D. student of Political Sociology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran
Elmirasasanpour @ yahoo.com

² Associate Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (corresponding author):
Edrisiafsaneh@yahoo.com

³ Associate Professor, Political Science Department, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran
tavasoli@gmail.com



بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان در فیلم‌های سینمایی (حق رأی، سرزمین شمالی، فرشته‌های آرواره آهنین، داستان رزا پارکس) از دهه (۲۰۱۶-۱۹۲۰) با روش نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس

ایلمیرا ساسانپور^۱، افسانه ادیسی^۲، مجید توسلی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰)

چکیده:

در این مقاله به موضوع بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان در فیلم‌های سینمایی حق رأی، سرزمین شمالی، فرشته‌های آرواره آهنین، داستان رزا پارکس از دهه (۲۰۱۶-۱۹۲۰)، پرداخته می‌شود. جنبش زنان، جنبشی سازمان یافته برای دستیابی به حقوق زنان وایدئولوژی برای دگرگونی جامعه است که هدف آن رویای دفع انواع تبعیض وستم نژادی می باشد. در این مقاله نویسنده با بررسی چهار فیلم سینمایی با روش کیفی و با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس و با نظریه کنش جمعی چارلز تیلی و نظریه‌های بنیادی فمینیسم می‌خواهد به این تحلیل برسد که فیلم‌های سینمایی تا چه حد در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان موثر خواهد بود. به نظر می‌رسد که فیلم‌های سینمایی نقش پررنگی در بیان و بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان در جامعه دارند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بودند که معنایی که در فیلم‌ها بازنمایی شده‌اند شامل: نفی وضع موجود و هویت ما محور، داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمان یافته، مشخص بودن اهداف، داشتن ایدئولوژی، تعهد و الزام، مخالفت با رفتارهای خشونت‌آمیز، جنبش رادیکال، ارزشمندی، تعهد، وحدت بوده است.

واژگان کلیدی: جنبش‌های اجتماعی، بازنمایی، فیلم‌های سینمایی زنان، فمینیسم، نشانه‌شناسی

Elmirasasanpour@yahoo.com
Edrisiafsaneh@yahoo.com
tavasoli@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران
^۲ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول):
^۳ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.



مقدمه:

تاریخ همواره شاهد وقوع کشمکش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و مذهبی میان بخش‌هایی از مردم و دولت‌ها و حاکمان بوده است. اوج این گونه کشمکش‌ها وقوع انقلاب‌های لیبرالیستی در انگلستان و سایر انقلاب‌های مشروطه‌خواهی در قرن نوزدهم در کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی است. پس از آن در نتیجه ناکارآمدی نظام‌های سیاسی موجود خیزش‌ها و جنبش‌های هویتی بر محور منازعات ملی، قومی و نژادی شکل گرفت که پیامدهای آن وقوع جنبش‌های فاشیستی و نازیستی و نهایتاً جنگ جهانی دوم است. پس از جنگ جهانی دوم موج جدیدی از جنبش‌های اجتماعی شکل گرفت که کاملاً برعکس جنبش‌های پیشین به دنبال دستیابی به قدرت نبودند. ویژگی این جنبش‌های اجتماعی جدید که از دهه ۱۹۶۰ به وجود آمدند عبارت بود از: عملکرد غیر ابزاری؛ جهت‌گیری آنها به سوی جامعه‌مدنی و نه دولت؛ توجه آنها به جنبه‌های نظیر فرهنگ، شیوه‌های زندگی و مشارکت در سیاست و اعتراض سمبلیک تا ادعای حقوق اجتماعی و اقتصادی؛ این جنبش‌ها بی‌تردید از گونه جنبش‌های هویت‌گرا بودند که هیچگاه در صدد دستیابی به قدرت برنیاوردند. از لحاظ تاریخی مباحث مربوط به جنبش‌های اجتماعی، نخست در نوشته‌های پیرامون رفتار جمعی آورده می‌شد و برخی از متفکران، این دو مفهوم را یکی می‌دانستند، اما جنبش‌های اجتماعی سازمان یافته‌اند و اهداف خاصی را دنبال می‌نمایند. هرچند رفتارهای جمعی و جنبش‌های اجتماعی هر دو واکنش‌هایی جمعی در برابر شرایط مسئله‌داری هستند. بنابراین جنبش‌های اجتماعی عبارت از حرکت سازمان یافته مجموعه‌ای از انسانها در زمینه‌ای از امکانات و محدودیت‌ها، به دنبال یک رهبر یا مجموعه‌ای از رهبران و همراه با یک ایدئولوژی مشخص است، این حرکت می‌تواند بصورت حرکتی انقلابی برای ایجاد تغییری بنیادی یا حرکتی آرام برای ایجاد تغییری تدریجی باشد. (زاهد، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۹).

سرعت و شدت تغییرات اجتماعی منجر به پیدایش طبقات و گروه‌های نو ظهور با علائق، گفتمانها و خاستگاه‌های جدید، پیدایش نظام ارزشی هنجاری جدید، عقلانی شدن فرآیندهای اجتماعی و گشودگی فضای اجتماعی ناشی از ارتباط با جوامع دیگر شده و نیروهای اجتماعی جدید که حاملان اندیشه‌ها، ایده‌ها و باورهای جدید برای جامعه هستند خواسته و مطالبات مدرن را در قالب گفتمان جدید تئوریزه کرده و نظام اجتماعی حاکم را به چالش میکشاند. در این چالش گفتمانی اگر نظام سیاسی اجتماعی حاکم بر جامعه نخواهد و یا نتواند همگام با مطالبات جدید اجتماعی شود و یا به زعم مکتب رفتار جمعی زمانی که هنجارهای سنتی دیگر نتواند یک ساختار رضایت‌آمیز برای رفتار ارائه دهند، آحاد جامعه مجبور میشوند نظام اجتماعی را از طریق اشکال گوناگون ناسازگاری به چالش بکشاند. در این شرایط نیروهای اجتماعی با استفاده و ساماندهی نیروها و گروه‌های دیگر به تدریج سایر لایه‌های اجتماعی را با خود همراه و همگام نموده و درصدد گسترش اشکال گوناگون ناسازگاری در لایه‌های پایین جامعه شده تا با فراگیر کردن جنبش ایده‌ها، باورها و مطالبات نو ظهور را که در قالب گفتمانها و پارادایم‌های رهبران تئوریزه شده است محقق نمایند (Harvey, 1989:225) موفقیت نهایی یک جنبش اجتماعی زمانی محقق می‌شود که جنبش رفته



رفته جذب سیستمی شود که در اعتراض به آن مبادرت به بسیج هواداران کرده بود. (حشمت زاده، ۱۳۹۲: ۲۲۷)

جنبش اجتماعی به شکلی از عمل جمعی اطلاق می‌شود که با هدف دگرگونی اجتماعی با تغییر بخشی از آن اجتماع صورت می‌گیرد و معمولاً زمانی شکل می‌گیرد که شیوه‌ی توزیع قدرت، قوانین جامعه یا تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی سیاست‌گذاران و کسانی که در رأس قدرت‌اند، نتواند مسائل عمده‌ی جاری را حل و نیازهای اکثریت اعضای جامعه را برآورده سازد. (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲) در بین جنبش‌ها، جنبش زنان، جنبشی سازمان یافته برای دستیابی به حقوق زنان و ایدئولوژی برای دگرگونی جامعه است که هدف آن صرفاً تحقق برابری اجتماعی زنان نیست، بلکه رویای دفع انواع تبعیض و ستم نژادی رادر سر می‌پروراند. همه گرایش‌هایی که زیر چتر گسترده این جنبش گردآمده‌اند، براین باورند که زنان با بی‌عدالتی روبه رو شده‌اند، اما درباره علل ستم برآنان، تحلیل‌های مختلفی ارائه می‌دهند و بر همین پایه، راهبردهای متفاوتی نیز پیشنهاد می‌کنند. بخشی از جریان اصلی کنش‌های جمعی زنان معطوف به جنبش‌های فمینیستی است. فمینیسم، جنبشی سازمان یافته برای دستیابی به حقوق زنان و ایدئولوژی‌ای برای دگرگونی تعریف شده است. در واقع، فمینیسم نه تنها در زمینه گسترش حقوق و نقش زن در جامعه فعالیت می‌کند که در حیطه عمل نیز وارد شده است. (امین صارمی، ۱۳۹۵: ۸) در مجموع، فمینیسم ایدئولوژی آزادی زنان است؛ چرا که در همه رویکردهای آن، این عقیده نهفته است که زنان به دلیل جنسیتشان، اسیر بی‌عدالتی هستند. جنبش زنان برای تغییر در ابتدا از سالن‌های اتحادیه و کارخانه‌ها بوجود آمد و به حوزه‌ی وزرا گسترش یافت. (Dorothy Sue Cobble, 2005, به نقل از سایت amazon.com). زنان بسیاری در سراسر تاریخ برای برابری مبارزه کرده‌اند. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، زنان خواستار حق رأی بودند. در دهه ۱۹۶۰، حقوق و فرصت‌های برابر برای زنان - هم در خانه و هم در محل کار - حتی بیشتر بوده است. (DEBORAH HOPKINSON and WHO HQ Illustrated by LAURIE A, 2018, به نقل از سایت amazon.com)

یکی از رسانه‌هایی که در بازتولید اینگونه کلیشه‌ها و القای جنبش‌های اجتماعی نقشی اساسی دارد سینماست. این رسانه در قالب فیلم‌های سینمایی با داستان پردازی قوی براین نکته تاکید دارد که آنچه به مخاطب عرضه می‌کند، واقعیت دارد و مخاطب نزد خود اینگونه فرض می‌کند که آنچه بازنمایی شده است عین واقعیت است. فیلم و سینما عرصه اجتماعی - فرهنگی است و همانطور که در فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرد، بر آن نیز اثر می‌گذارد، در این رابطه‌ای متقابل و دوسویه دارد، از این رو می‌تواند بابرجسته کردن مسایل و موانع هر قشر و گروهی از اعضا جامعه نقش مهمی ایفا نماید که هنرمندان بسیاری در هر کشور تکلیف خودشان می‌دانند که با استفاده از این ابزار رسالت ملی و فرهنگی خودشان را انجام دهند و با تولید آثار هنری ارزش‌ها و تاریخ مملکتشان را به نسل‌های بعدی بشناسانند و در درجه بالاتر آن را به جهان معرفی و



منتقل کنند. (اسمعیلی، ۱۳۹۱:۲) لذا تحلیل فیلم به عنوان یکی از روشهای شناخت جنبش‌های اجتماعی می‌تواند مفید باشد. در علم ارتباطات و مطالعات رسانه، بازنمایی به معنای نوشته‌ها، تصاویر، داستان‌ها و اصوات و گفتارهایی است که ایده‌ها، احساسات و موارد دیگری از این دست را نشان می‌دهند. بازنمایی‌ها با استفاده از تلقی‌ات و نشانه‌های موجود در یک فرهنگ و بر مبنای تقابل‌های تعریف شده در سیستم زبانی و معرفتی آن فرهنگ، عمل می‌کنند. در این پژوهش جنبش‌های اجتماعی زنان در چهار فیلم سینمایی تحلیل خواهد شد. برای این منظور با تحلیل محتوای کیفی فیلم‌های سینمایی، مقوله‌های مهم و مفاهیم کلیدی استخراج می‌گردد. لذا سوال اصلی پژوهش اینست که "بازتاب جنبش‌های اجتماعی زنان در دهه‌های ۱۸ و ۱۹ در فیلم‌های سینمایی چگونه بوده است؟"

پیشینه تحقیق

صدقی، رضا، (۱۳۸۸) در تحقیق خود به بررسی «جنبش‌های جدید اجتماعی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به بررسی موردی جنبش زنان ایران در استفاده و خشنودی از اینترنت» پرداخته است. از یافته‌های این تحقیق می‌توان به اثبات مشابهت ویژگی‌های جنبش زنان ایران با جنبش‌های جدید اجتماعی اشاره نمود و نیز اینکه در استفاده از اینترنت مجموعه‌ای از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری سبب گرایش به استفاده از اینترنت می‌شوند.

Danielle Thomas, Michael R Cope, Sarah Becker- (۲۰۱۶) در تحقیق خود به بررسی «پسافمینیسم برای کودکان: فمینیسم با بسته‌بندی جدید» در فیلم‌های براتز (Bratz) پرداخته و به این نتیجه رسیده که پس از انتشار عروسک‌های براتز در سال ۲۰۰۱، این عروسک‌ها بخشی از سهم فروش عروسک‌های نوجوانان که پیش‌تر در انحصار عروسک باربی بود را به دست آوردند. در میان محبوبیت روزافزون عروسک‌های براتز، منتقدان فرهنگی نگرانی‌های بسیاری را نسبت به این عروسک‌ها به ویژه در مورد نحوه جنسی کردن نوجوانان توسط این عروسک‌ها ابراز کردند، اما خط تولید توسعه یافت به گونه‌ای که شامل شمار کثیری از محصولات مثل پوشاک، جعبه‌های آرایش، بازی‌ها، کتاب‌ها و فیلم‌های سینمایی می‌شد. این عروسک همچنین الهام بخش خطوط تولید عروسک‌های مشابه توسط سایر شرکت‌های اسباب‌بازی شد.

ادبیات نظری تحقیق

چارلز تیلی (Charles Tilly) از جمله نظریه‌پردازان تاثیرگذار در زمینه مطالعات جنبش‌های اجتماعی به شمار می‌آید. نظریه جنبش‌های اجتماعی تیلی ذیل عنوان نظریه‌های تعارض سیاسی که خود تحت نظریه‌های تعارض سیاسی سازماندهی و بسیج منابع قرار دارد، دسته‌بندی می‌شود. تیلی نقطه عزیمت نظری خود را مفهوم کنش جمعی قرار می‌دهد و آن را عبارت می‌داند از «کنش مردم با هم در تعقیب منافع مشترک».



کنش جمعی از دید وی ناشی از ترکیب‌های متنوع و متحول منافع، بسیج و فرصت است (تیلی، ۱۳۸۹: به تلخیص از ۱۶-۱۲) خطوط تحلیلی‌ای که او دنبال می‌کند، از سازمان تا بسیج تا کنش جمعی تا انقلاب است (Tilly, 1978: 7). تیلی، برای توضیح کنش جمعی از الگوی بسیج استفاده می‌کند. عناصر این الگو عبارتند از: منافع، سازمان، بسیج، فرصت و کنش جمعی. منافع، مجموعه امتیازات و محرومیت‌های مشترکی است که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها بر جمعیت مورد بحث وارد آید. سازمان، میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت است. بسیج، میزان منابعی است که تحت کنترل جمعی یک مدعی قرار دارد. کنش جمعی، میزان اقدامات جمعی یک مدعی در جهت نیل به هدف مشخصی است. فرصت، رابطه میان منافع جمعیت و وضعیت جهان اطراف است به عقیده وی، «عناصر عمده تعیین کننده بسیج یک گروه، سازمان آن، منافع آن در تعاملات ممکن با دیگر مدعیان، فرصت یا تهدید کنونی آن تعاملات و در معرض سرکوب بودن گروه هستند» (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۱۰۴). تیلی در تعریف از سازمان، بر دو محور عمده اشاره می‌کند: ۱. میزان هویت مشترک ۲. ساختار وحدت بخش. برای توضیح این دو مفهوم از بحث روابط دسته‌ای و روابط شبکه‌ای بهره می‌گیرد. روابط دسته‌ای، روابط میان افراد حول ویژگی‌های مشترک است، همانند هویت جنسیتی، نژادی، ملی، سنی، مذهبی و ... روابط شبکه‌ای به ارتباط و پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم به واسطه نوع خاصی از پیوندهای بین افراد اشاره دارد. ترکیب روابط دسته‌ای و شبکه‌ای منجر به پیدایش گروه می‌شود. در نتیجه، به اعتقاد تیلی، «هر قدر که یک گروه از هویت مشترک و شبکه‌های داخلی وسیع تری برخوردار باشد، سازمان یافته‌تر است» (همان: ۹۵-۹۳). تیلی معتقد است که واژه بسیج به شکل متعارف معرفی کننده فرایندی است که بواسطه آن گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد به مشارکت کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شود. تیلی از سه شکل بسیج نام می‌برد: یکم بسیج تدافعی، دوم بسیج تهاجمی و سوم، بسیج تدارکی (همان: ۱۱۳-۱۰۴). سپس تیلی کنش‌های جمعی را که از سوی گروه‌های اجتماعی به عمل می‌آید به سه نوع تقسیم می‌کند:

۱- کنش رقابتی: نوعی کنش ابتدایی است که از سوی یک گروه به منظور به دست گرفتن امکانات یک گروه دیگر صورت می‌گیرد. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند شکل خشونت‌های جمعی ابتدایی را به خود می‌گیرند و اگر از سوی گروه‌های سازمان یافته باشند، به صورت میتینگ و راهپیمایی ظاهر می‌شود.

۲- کنش جمعی واکنشی یا تدافعی: این نوع کنش از سوی گروه‌هایی صورت می‌گیرد که منابع آنها توسط گروه‌های دیگر تهدید شده است. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند، معمولاً به صورت شورش‌های خودانگیخته و محلی ظاهر می‌شوند و اگر از سوی گروه‌های سازمان یافته باشند به صورت سرکوب‌های سازمان یافته وسیع جلوه می‌کند.



۳- کنش جمعی پیشقدمانه یا تهاجمی: این نوع واکنش از سوی گروه‌های معارضة جو به منظور ورود به هیأت حاکمه یا دولت صورت می‌گیرد. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند به صورت نهضت‌های تجدید حیات ظاهر می‌شود و اگر از سوی گروه‌های سازمان‌یافته باشند حیات تهاجمی به خود می‌گیرند (همان: ۵۷). به نظر تیلی، با افزایش تهدید احتمال شکل‌گیری کنش جمعی بیشتر می‌شود و با سازمان‌دهی و تشکل بیشتر، امکان جذب منابع برای گروه‌های مدعی قدرت افزایش می‌یابد و با تحدید گستره کنش و افزایش قدرت گروه، از احتمال سرکوب کاسته می‌شود (محمدکریمی، ۱۳۸۲: ۱۱۸).

تیلی توان جنبش‌های اجتماعی را متشکل از ترکیبی با عنوان wunc می‌داند که از ارزشمندی (Worthiness)، وحدت (Unity)، تعداد (Numbers) و تعهد (Commitment) تشکیل یافته است. در صورتی که این ترکیب به صفر برسد، توان جنبش نیز صفر خواهد شد و جنبش اعتبار خود را از دست خواهد داد. تیلی ویژگی جنبش‌های جدید را استفاده از رسانه‌های ارتباطی جدیدتر مانند تلویزیون، رادیو و در دوره‌های اخیر، موبایل می‌داند. جنبش‌های اجتماعی سه نوع ادعا را با هم ترکیب می‌کنند: برنامه، هویت و جایگاه. ادعاهای مربوط به برنامه در بردارنده‌ی حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش است. ادعاهای مربوط به هویت در بردارنده‌ی تأکید بر این مطلب است که «ما» - مدعیان - نیرویی واحد را تشکیل می‌دهیم و باید مارا متحد در نظر بگیرد. اقدامات (WUNC) ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد ادعاهای مربوط به هویت را مورد حمایت خود قرار می‌دهند. ادعاهای مربوط به جایگاه بر پیوندها و تشابهات با دیگر کنشگران سیاسی، مانند اقلیت‌های محروم، گروه‌های شهروندی به خوبی شکل یافته، یا حامیان وفادار رژیم، تأکید دارند (تیلی، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۷).

از دیگر نظریه‌پردازان مطرح در حوزه جنبش‌های اجتماعی می‌توان سیدنی تارو را نام برد. سیدنی تارو استدلال می‌کند که جنبش‌های اجتماعی بطور فردی رخ نمی‌نمایند بلکه بخشی از یک موج عمومی ناآرامی اجتماعی هستند که عموماً به وسیله بعضی از وقایع پیش‌بینی ناپذیر تسریع می‌گردند و به وسیله تغییر در ساختار فرصت‌های سیاسی تسهیل می‌شوند. وی در تشریح این فرایند از مفهوم «دوره‌های اعتراض (Protest courses)» استفاده می‌کند. به اعتقاد تارو، اگر از دور به هر یک از امواج عمل جمعی نگاه کنیم نمایانگر یک مخروط هستند، یعنی از یک منازعه نهادی شروع می‌شوند، به اوج شور و حرارت می‌رسند و به فروکش نهایی ختم می‌شوند. اقدامات جمعی پس از جلب توجه ملی و پاسخ دولت، به مرحله اوج منازعه می‌رسند که ویژگی این مرحله وجود سازمان دهندگان جنبش است که سعی در کشاندن شورش‌ها به طیف‌های گسترده‌تری از مردم دارند. هنگامی که مشارکت به کانال سازمان‌ها کشیده می‌شود جنبش‌ها یا بخشی از آنها منطق سیاسی تری پیدا می‌کنند و به چانه زنی ضمنی با دستگاه‌ها وارد می‌شوند. در نهایت هنگامی که چرخه اعتراض فروکش می‌کند ابتکار عمل به دست نخبگان و احزاب می‌-



افتند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۳: ۲۷۱-۲۷۰). در واقع، چرخه‌های اعتراض با برهه‌های شدت عمل جمعی همزمان هستند، اما باید توجه داشت که پایان هر چرخه اعتراض به معنی پایان کار جنبش نیست، بلکه در دوره زوال چرخه‌های اعتراض، سازمان‌های جنبش رویکردی معتدل‌تر و بلندمدتی را اتخاذ می‌کنند که منجر به قدرتمند شدن آنها برای آغاز چرخه اعتراضی جدیدی در آینده می‌شود (نش، ۱۳۸۴: ۱۵۲). سیدنی تارو جنبش‌های اجتماعی را در عرصه وسیع سیاست‌های مخالف، در ارتباط با دولت‌ها، احزاب سیاسی و بازیگران دیگر قرار می‌دهد. از دهقانان و کمونیست‌ها در دهه ۱۹۶۰، به حرکات و سیاست در سیاست‌های معاصر غرب، به جنبش عدالت جهانی در قرن جدید، که بازیگران متضاد نه در خارج از سیاست و نه کاملاً در سیاست، بلکه در قلمرو نا اطمینانی بین کل مخالفت و ادغام در سیاست هستند (Sidney Tarrow, 2012,) به نقل از سایت amazon.com).

جنبش‌های اجتماعی، اختلافات قومی، ملی‌گرایی و حقوق مدنی و جنبش‌های فراملیتی: این گونه سیاست-های مخالف در سیاست‌های متضاد چارلز تیلی و سیدنی تارو ترکیب شده است. سیاست متضاد به عنوان تعاملی است که در آن بازیگران ادعا می‌کنند که منافع دیگر بازیگران منجر به تلاش‌های هماهنگ شده از سوی منافع مشترک یا برنامه‌ها می‌شود. سیاست‌های متضاد استفاده از تکنیک‌ها مخرب برای ایجاد یک نقطه سیاسی و با تغییر سیاست دولت است. این دو نظریه پرداز به طور صریح ساختار فرصت سیاسی را در یک رژیم خاص را در مرکز هر تحلیلی یا پیش بینی‌های سیاسی قرار می‌دهند. انواع رژیم‌ها از محور ظرفیت و دموکراسی برای طبقه‌بندی رژیم استفاده میکنند. ظرفیت اشاره به توانایی دولت برای تنظیم زندگی، اقدامات و منابع موجود برای جمعیت در سرزمین آن است و دموکراسی به منظور تعریف حقوق و حمایت‌هایی که شهروندان در برابر قدرت نخبگان از آن استفاده میکنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین هنگامی که ظرفیت و دموکراسی تقاطع می‌شوند، آنها نتایج خاصی را تولید می‌کنند، بطوریکه رژیم‌های دموکراتیک با ظرفیت بالا، یک پدیده مدرن و غیر معمول هستند که در آن جنبش‌های اجتماعی شایع‌تر هستند (Charles Tilly, 2015,) به نقل از سایت amazon.com).

از آنجاییکه این پژوهش به جنبش‌های اجتماعی زنان پرداخته است از نظریه‌های فمینیستی نیز استفاده شده است. نظریه‌های بنیادی فمینیستی را بر مبنای پاسخ‌هایی که به پرسش چگونگی تحول وضعیت زنان ارائه می‌دهند، به سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌کند:

۱- نظریه‌های تفاوت جنسیتی: این نظریه‌ها معتقد جایگاه و تجربه‌ی زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربه‌ی مردان در همان موقعیت تفاوت دارد. مضمون اصلی این نظریه‌ها این است که زنان از ارزش‌ها، داوری ارزشی، انگیزه‌ها، سود، خلاقیت ادبی، احساس هویت، فراگرد آگاهی و ادراک در ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند که در سه بعد زیست‌شناختی، نمادی و اجتماعی - روان شناختی قابل تبیین می‌باشد.



۲- نظریه‌های نابرابری جنسیتی: براساس این نظریه‌ها جایگاه زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت از جایگاه مردان، که از آن کمتر و با آن نابرابر است و این نابرابری‌ها از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد نه تنها از تفاوت زیست‌شناختی و شخصیتی. تبیین نابرابری‌ها بر پایه‌ی این دسته نظریه‌ها در قالب دو نوع نگرش فمینیستی لیبرال و مارکسیستی عرضه می‌گردد.

۳- نظریه‌های ستمگری جنسیتی: در این نظریه‌ها با مفروض انگاشتن ساختار پدرسالاری در جامعه، موقعیت زنان بر حسب رابطه‌ی قدرت مستقیم میان مردان و زنان به گونه‌ای تبیین می‌شود که زنان در قید و بند، تابعیت، سوء استفاده و بدرفتاری مردان قرار دارند. (ریتزر، ۱۳۸۹: به تلخیص از صفحات ۴۷۴-۴۶۷)

روش پژوهش

در حوزه روش تحلیل، این مقاله از مفهوم بازنمایی بهره جسته است. این مفهوم در مطالعات فرهنگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و معمولاً «بازنمایی» را معناسازی از طریق به کارگیری نشانه‌ها و مفاهیم و استفاده از یک چیز به جای چیز دیگر با هدف انتقال معنا تعریف می‌کنند. معنا به صورت اجتماعی و از طریق نظام‌های نشانه‌شناختی و ایدئولوژیک زبان ساخته می‌شود». این ما هستیم که با استفاده از نظام‌های بازنمایی یعنی نظام مفاهیم و نظام زبان به بساخت معنا همت می‌گماریم. میدان سینمایی به طور عام و سینمای زن به طور خاص، ترکیبی از عناصر، نشانه‌ها، مفاهیم و نمادها را شامل می‌شود که هر کدام بیانگر یا به عبارتی بازنمایی کننده بُعدی از ابعادی از درک زن در جامعه است (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۲: ج ۲/ ۱۲۲-۱۲۱)

بازنمایی‌ها فرم‌هایی عینی و دال‌هایی هستند که بازنماینده و نمایانگر ایده‌ها و مفاهیم انتزاعی‌اند و به عبارت دیگر بر آن‌ها دلالت می‌کنند. امروزه مفهوم بازنمایی که به شدت و امدار آثار استوارت‌هال است و به ایده‌ای بنیادین در مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای مبدل شده است، طبق این نظریه، بازنمایی یک عمل مرکزی است که فرهنگ را تولید می‌کند و یک مرحله کلیدی در چرخه فرهنگ محسوب می‌شود. تجلی و نمودار شدن بازنمایی‌ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد. رسانه‌های جمعی یکی از ابزارهای عمده بازنمایی جهان و انتقال آن به ماهستند. رسانه‌ها بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می‌گذارند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند زیرا رسانه‌ها واسطه و میانجی بین آگاهی فردی ساختارهای گسترده‌تر اجتماعی و سازنده معنا هستند. رسانه‌ها همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی‌کنند، بلکه برساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند. براین اساس بازنمایی، ساخت رسانه‌ای واقعیت است. (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۹).



با توجه به موضوع و روش پژوهش نمونه‌گیری ما در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند همگون است. در این پژوهش فیلم‌های ساخته شده با مضامین جنبش‌های اجتماعی زنان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. فیلم‌های منتخب تحقیق حاضر، جز ۲۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما در مورد جنبش زنان می‌باشد که بانک اطلاعات اینترنتی فیلم‌ها (imdb) معرفی کرده است. (<http://www.imdb.com/chart/top>)

در این پژوهش ما از روش تحقیق کیفی استفاده کرده و با بهره‌گیری از رویکرد نظری بازنمایی به این تحلیل می‌رسیم که "فیلم‌های سینمایی" تا چه حد در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان موثر خواهد بود. در روش تحقیق کیفی ما با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی "چالز سندرس پیرس" به نشانه‌شناسی فیلم‌های "جنبش‌های اجتماعی زنان" خواهیم پرداخت. تکنیک در پژوهش حاضر، نشانه‌شناسی می‌باشد. نشانه‌شناسی بر این فرض استوار است که هر پدیده یک نظام زیربنایی متناظر دارد که خاص بودگی و فهم‌پذیری آن پدیده را رقم می‌زند. بدون شک در روند نمونه‌گیری با توجه به روش نشانه‌شناسی پیرس که باید بر ۳ عنصر اصلی "۱- نمایه ۲- شمایل ۳- نماد" متکی باشد فیلم‌های مورد نظر خود را انتخاب می‌کنیم.

۱- شمایل: از طریق تقلید تصویری یا تشابه فیزیکی با مرجع. در اینجا رابطه نشانه و مفهوم آن بر تشابه استوار است. ۲- نمایه یا شاخص: نمایه یا شاخص از طریق برقراری ارتباط فیزیکی با چیزها بر آنها دلالت می‌کند. در این نوع نشانه، نوعی پیوستگی معنایی بین ابژه و نشانه وجود دارد. نشانه‌های نمایه-ای دل بخواهی نیستند، بلکه مستقیماً به طریقی به موضوعاتشان وابسته‌اند. ۳- نمادها یا نشانه‌های عام: در این نوع، دال شبیه مدلول نیست، بلکه بر اساس رابطه دل بخواهی یا کاملاً قراردادی بر موضوع دلالت می‌کنند.

یافته‌های تحقیق

نشانه‌شناسی فیلم حق رای

فیلمی درام به کارگردانی سارا گورون و با نقش آفرینی کری مولیگان است که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد. این فیلم به جنبش طرفداران حق رای زنان در بریتانیا در اوایل قرن بیستم می‌پردازد. داستان زنی از طبقه کارگر که شرایط کاری سخت و استثمار کننده و آزار و اذیت جنسی است را شرح می‌دهد. زنی که در ابتدای امر به صورت اتفاقی درگیر جریان جنبش حق رای زنان می‌شود، اما پس از مشاهده واکنش خشونت‌آمیز دولت، به عنوان مبارزی جدی مشغول به کار می‌شود و بعد از تحمل سختی‌های فراوان سرانجام به هدف خود یعنی حق رای زنان می‌رسد.



جدول ۱: نشانه شناسی فیلم حق رای

ویژگی‌ها	نام فیلم: حق رای	نماد	شمایل	نمایه
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمانیافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	جنگیدن برای آزادی زنان، برابری، حق رای. تلاش برای آنکه هر دختری که به دنیا می‌آید شانس برابر با برادرانش داشته باشد. تلاش برای قانون سازی، انتقام از ظالمان، حق خواهی و عدالتجویی، تلاش برای اصلاح قوانین، شکستن پنجره‌ها تا قبل از اینکه بدن زنان شکسته شود.			✓
داشتن ایدئولوژی	استراتژی خاص، پایبندی به اهداف، اعلام برنامه از قبل و دعوت به سخنرانی و دوره‌هایی‌های منظم و پیوسته با وعده و وعید شرایط مناسب‌تر	✓		
تعهد و الزام	رهبر جنبش (خانم پادکست) در صدر و مابقی به صورت سلسله مراتبی و البته دموکراتیک، همدلانه و عملگرا در مراتب پایین‌تر. قلمرو و قدرت نفوذ جنبش، قدرت چانه زنی و حق خواهی برای زنان کم کم پدید می‌آید.		✓	
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	تسلیم نشدن، تحمل بدترین شکنجه‌ها، حبس و زندان، دوری از خانه و فرزندان، تعصب در زندان و سازش‌ناپذیری در جهت دستیابی به اهداف. شیوع سریع و همه‌گیری جنبش به واسطه تبلیغات و اصرار و التماس رودر روی خود زنان.		✓	
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	مرد سالاری، سرکارگران هوسباز و ظالم، دولت، شخص وزیر، شخص پادشاه که در اخر فیلم توسط زنان کشته میشود	✓		
هویت ما محور	به منافع تمام زنان می‌اندیشند. به دختران آینده و برابری‌ها			✓



نفی وضع موجود	مو(شخص اول فیلم) شاهد تجاوز سرکارگر به دختران نوجوان است، حقوق ناچیز، از پول خودشان نمیتوانند برای آزادی خودشان وثیقه بگذارند، سوختگی روی بازوی مو نشان سختی و نا مناسب بودن شرایط کار و رخت شور خانه، تجاوز در زندان.		✓	
مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	اعتراض و ایستادگی و دفاع از زنانی که تحت شکنجه و ضرب و جرح قرار میگیرند.	✓		
محرومیت نسبی	کار سخت در محیط کارخانه، حقوق کم، تضاد کار منزل و کارخانه، آلودگی محیط که سوء استفاده جنسی مردان سرکارگر، زنان حق قضاوت، وکالت و حق رای ندارند، از منظر دولت مردان توازن ذهنی برای مشاغل سیاسی ندارند، تصاحب حقوق ناچیزشان توسط شوهران		✓	
جنبش رادیکال	دعوت از تمام زنان برای شورش. شروع به مبارزه مصلحانه و حرکت‌های تخریبی و انفجار. چاپ روزنامه مخالف. سوء قصد به جان وزیر و در نهایت شخص پادشاه.		✓	
میتینگ‌های عمومی	تشکیل کمپینهای زنان مورد موافقت قرار نگرفتن بحث‌هایشان، جلسات مداوم تشکیل میدهند		✓	
رژه‌های رسمی	دعوت به گردهمایی و سخنرانی‌های پنهانی رهبران، یادبود برای جان باختگان جنبش، آتش‌زدن پرچم جلو دوربین‌های تلویزیون در مقابل پادشاه			✓

نشانه‌شناسی فیلم فرشته‌های آرواره آهنین

فیلمی به کارگردانی کاتیا فون گارنیه محصول ۲۰۰۴ ایالات متحده با بازی هیلاری سوانک است. فیلم به جنبش حق رأی زنان در ایالات متحده در دهه ۱۹۱۰ می‌پردازد. فیلم داستان فعالان سیاسی زن است که



استراتژی‌های مدنی و بی‌خشونت را به کار می‌گیرند تا زنان را برای جنبش حق رأی زنان بسیج کنند، با پارلمان و ریس جمهور مذاکره کنند، کارناوال و راهپیمایی راه بیندازند، روبروی کاخ سفید تحصن کنند، زندان بروند، در مطبوعات بنویسند و سرانجام به هدف خود برسند.

جدول ۲: نشانه شناسی فیلم فرشته‌های آرواره آهنین

ویژگی‌ها	نام فیلم : فرشته‌های آرواره آهنین	نماد	شمایل	نمایه
مشخص بودن اهداف	تلاش برای عضوگیری زنان، افزایش متحدان از طریق سخنرانی‌ها و ملاقات‌های رودر رو، چانه‌زنی و بحث برابری، حق خواهی محتمل‌تر، کسب قدرت بازدارندگی و ...			✓
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمانیافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	گرفتن حق برابری، کسر خسارت‌های تحمیلی از کارگران، پرداخت حق الزحمه ساعات کار اضافی، ایجاد حق مذاکره، جلوگیری از اخراج‌های خودسرانه مدیران.	✓		
داشتن ایدئولوژی	حق خواهی، ظلم ستیزی، مقاومت، خطرپذیری، نوع دوستی، مقاومت و مبارزه	✓		
تعهد و الزام	لزوم پیوستن همه زنان به این جنبش و پافشاری آیس پال برای عضویت زنان در بحث‌های کوچک و در ظاهر بی اهمیت		✓	
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	عضوگیری شخصی آیس پال و لوسی برنز و پافشاری شخصی برای یارگیری چهره به چهره		✓	
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	مردها و مدیران کارخانجات و شرکت‌ها			✓
نفی وضع موجود	افزایش اعضا، افزایش قدرت زنان در حق رای داشتن،			✓



مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	دست کشیدن دسته جمعی از کار و نخوردن غذا در زندان و اعتصاب			✓
محرومیت نسبی	حقوق پایین، نداشتن بیمه، اخراج‌های بی مورد، عدم نهاد حامی، بد قولی دولت	✓		
میتینگ‌های عمومی	دعوت از زنان از آغاز فیلم به سخنرانی و جلسه و بحث و اجتماعی کردن بیش از پیش دغدغه‌ها و کمبودها و ظلم‌ها		✓	
رژه‌های رسمی	پیاده روی سراسری، تحصن جلو دفتر دولت با آرم مخصوص جنبش. تحصن در زندان			✓
شب‌زنده‌داری‌ها	جلسات زنان و تلاش برای افزایش بیش از پیش اعضا و گسترش حوزه فعالیت جنبش			✓

نشانه‌شناسی فیلم سرزمین شمالی

فیلمی آمریکایی درام به کارگردانی نیکیتی کار و بازیگری شارلیزترن محصول ۲۰۰۵ می‌باشد. داستان یک زن تحصیل کرده و حس مبارزه جویی است که وارد کارخانه سنگ آهن شده و تنها خواستش حفظ ارتزاق فرزندان کوچک خود می‌باشد. اما کار کردن در آن محیط و در کنار مردان، کار بسیار سختی است و با مشکلات زیادی چون تجاوز و اذیت کردن مردهای معدن رو به رو می‌شود و این شرایط در محیط کارش بر علیه اصول آن به پا می‌خیزد و با آن مبارزه می‌کند و سرانجام به هدف خویش می‌رسد.

جدول ۳: نشانه‌شناسی فیلم سرزمین شمالی

ویژگی‌ها	نام فیلم: سرزمین شمالی	نماد	شمایل	نمایه
مشخص بودن اهداف	جنگیدن برای آزادی، برابری، مستقل شدن، دنبال وکیل برای گرفتن حق قانونی و کار در معدن	✓		
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمانیافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	جمع کردن دوستان برای اتحاد و گرفتن حق، اعلام برنامه از قبل و دعوت برای سخنرانی و دوره‌هایی‌های منظم و پیوسته با وعده و وعید شرایط مناسب‌تر		✓	



داشتن ایدئولوژی	عدالتخواهی، آزادی، برابری، تغییر دادن سرنوشت به دست خود زنان، تسلیم ناپذیری، دست از مبارزه نکشیدن	✓		
تعهد و الزام	لزوم پیوستن همه زنان به این جنبش و پافشاری جوی برای عضویت زنان در بحث‌های کوچک و در ظاهر بی اهمیت			✓
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	اسرار و التماس رودر رو، خواهش از دوستانش برای کمک به وی برای مقابله با زورگویی و تجاوز مردان در معدن			✓
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	مرد سالاری، کارگران هوس باز و ظالم	✓		
هویت ما محور	به منافع تمام زنان می‌اندیشند. به دختران آینده و برابری‌ها		✓	
نفی وضع موجود	جوی شاهد تجاوز کارگران به زنان است، مورد آزار و اذیت کارگر است، سختی و نامناسب بودن شرایط کار		✓	
مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	کار سخت در محیط معدن، حقوق کم، تضاد کار منزل و معدن، آلودگی محیط کار، سوء استفاده جنسی مردان سرکارگر، تحقیر جنسی، نداشتن بیمه، اخراج‌های بی‌مورد، عدم نهاد حامی			✓
محرومیت نسبی	افزایش اعضا از طریق سخنرانی‌ها و ملاقات رودررو و افزایش قدرت		✓	
جنبش رادیکال	دعوت از تمام زنان برای شورش علیه کارگران متجاوز در معدن		✓	



ستمگری جنسیتی	ساختار پدرسالاری در خانه، تجاوز واذیت کردن کارگران معدن			✓
تفاوت جنسیتی	تلاش برای آنکه هر دختری که به دنیا می‌آید شانس برابر با مردان داشته باشد، بی‌احترامی به کارگران زن توسط کارگران مرد		✓	
پویش	تلاش عمومی پایدار و سازمان یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل مقامات هدف		✓	
ارزشمندی	رفتار موقر و متین؛ پوشش مرتب	✓		
برنامه	حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش		✓	
هویت	مدعیان (زنان کارگر) نیرویی واحد را تشکیل دادند و با یکدیگر متحد شدند			✓
جایگاه	تاکید بر پیوندها و تشابهات کنشگران جنبش با دیگر کنشگران سیاسی		✓	

نشانه‌شناسی فیلم داستان رزا پارکس

فیلمی به کارگردانی جولی داش محصول ۲۰۰۲ با بازی آنجلا باست. این فیلم زندگینامه داستان فعال حقوق مدنی رزا پارکس خانم سیاهپوستی است که روزی سوار اتوبوس می‌شود که در قسمت وسط، جایی خالی پیدا می‌کند. در آن زمان، قانون چنان حکم میکرد که اگر حتی یک نفر سفیدپوست اراده کند که در قسمت وسط بنشیند، باید همه‌ی سیاهپوستانی که در آن صندلی‌ها نشسته‌اند، جای خود را ترک کنند. چند نفر سفید پوست وارد اتوبوس می‌شوند. راننده به «رزا پارکس» و سه نفر دیگر اشاره میکند که هرچه سریعتر صندلیها را به مسافری سفید پوست بدهند. اما زمانی که با مقاومت آن چند نفر مواجه میشود، تهدید میکند که آنها را به دست قانون خواهد سپرد «رزا پارکس» آشکارا اعلام می‌دارد که صندلی‌اش را ترک نخواهد کرد. او را دستگیر و بازداشت می‌کنند و به زندان می‌برند که این کار رزا پارکس در حقیقت جرقه اولیه برای اعتراضات و به تصویب رساندن قانون حقوق مدنی سال ۱۹۶۴ می‌شود که هرگونه تبعیض نژادی در آمریکا را ممنوع می‌کرد که بعداً توسط کنگره آمریکا به عنوان «مادر جنبش آزادی» و «بانوی اول جنبش حقوق مدنی» شناخته شد.



جدول ۴: نشانه شناسی فیلم داستان رزا پارکس

ویژگی‌ها	نام فیلم: داستان رزا پارکس	نماد	شمایل	نمایه
مشخص بودن اهداف	جنگیدن برای آزادی، برابری، مستقل شدن، تلاش برای بدست آوردن آزادی، تلاش برای ایجاد عدالت، پایبندی به اهداف خود، تلاش برای بدست آوردن حقوق نژادی سیاهان	✓		
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمان یافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	جمع کردن دوستان برای اتحاد و گرفتن حق، اعلام برنامه از قبل و دعوت برای سخنرانی و دورهمی‌های منظم و پیوسته با وعده و وعید شرایط مناسب‌تر	✓		
داشتن ایدئولوژی	عدالتخواهی، آزادی، برابری، تغییر دادن سرنوشت به دست خود زنان، تسلیم ناپذیری، دست از مبارزه نکشیدن، تلاش برای اصلاح قانون حقوق مدنی نژادی سیاهان			✓
تعهد و الزام	لزوم پیوستن همه زنان به این جنبش و پافشاری رزا پارکس برای عضویت زنان در بحث‌های کوچک و در ظاهر بی‌اهمیت، حبس و زندانی شدن، دوری از خانه و فرزندان			
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	اسرار و التماس رودر رو، درخواست از دوستان و آشنایان برای کمک به وی برای مقابله با زورگویی سفیدپوستان			✓
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	زور گویی سفید پوستان برای سیاهپوستان			✓
هویت ما محور	به منافع تمام زنان می‌اندیشند. به دختران آینده و برابری‌ها			✓



نفی وضع موجود	رزا پارکس شاهد بی عدالتی سفیدپوستان به زنان سیاهپوست است، مورد آزار و اذیت سفیدپوستان در تمام امورات زندگی است، سختی و نامناسب بودن شرایط کار	✓		
مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	اعتراض و ایستادگی و دفاع، سخنرانی در بین مردها تا از حق خویش دفاع کند			
محرومیت نسبی	نداشتن حق برابری سیاهان در انجام تمام امورات زندگی اعم از کار و سوارشدن در اتوبوس و مراکز عمومی			
جنبش رادیکال	دعوت از تمام زنان برای شورش علیه سیاه پوستان			
میتینگ‌های عمومی	دعوت از تمام سیاهپوستان برای دفاع از حق خود و حقوق اجتماعی خود			✓
پویش	تلاش عمومی پایدار و سازمان یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل سیاهپوستان	✓		
ارزشمندی	رفتار موقر و متین؛ پوشش مرتب، برخورد مودبانه و صبورانه در برخورد با هرگونه رفتار نژادپرستانه و توهینی			
برنامه	حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش	✓		
هویت	مدعیان (زنان سیاهپوست)- نیرویی واحد را تشکیل دادند و بایکدیگر متحد شدند			
جایگاه	تأکید بر پیوندها و تشابهات [کنشگران جنبش] بادیگر کنشگران سیاسی			✓



نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی چهار فیلم پرداخته شد و نتایج زیر به دست آمد:

در فیلم حق رأی که داستان فیلم با محوریت نقش زنانه است، داستان زنی از طبقه کارگر که شرایط کاری سخت و استثمار کننده و مورد آزار و اذیت جنسی است را شرح می‌دهد. زنی که در ابتدای امر به صورت اتفاقی درگیر جریان جنبش حق رأی زنان می‌شود، اما پس از مشاهده واکنش خشونت آمیز دولت، به عنوان مبارزی جدی مشغول به کار می‌شود و بعد از تحمل سختی‌های فراوان سرانجام به هدف خود یعنی حق رأی زنان می‌رسد.

در فیلم سرزمین‌های شمالی، شارلیز ترون یک زن تحصیل کرده که وارد کارخانه سنگ آهن شده و تنها خواستش حفظ ارتزاق فرزندان کوچک خود می‌باشد. اما کار کردن در آن محیط و در کنار مردان، کار بسیار سختی است و با مشکلات زیادی چون تجاوز و اذیت کردن مردهای معدن رو به رو می‌شود و با این شرایط در محیط کارش بر علیه اصول آن به پا می‌خیزد و با آن مبارزه میکند و سرانجام به هدف خویش می‌رسد.

در فیلم فرشته‌های آرواره آهنین فیلم به جنبش حق رأی زنان می‌پردازد. فیلم داستان فعالان سیاسی زن است که استراتژی‌های مدنی و بی‌خشونت را به کار می‌گیرند تا زنان را برای جنبش حق رأی زنان بسیج کنند، با پارلمان و رییس جمهور مذاکره کنند، کارناوال و راهپیمایی راه بیندازند، روبروی کاخ سفید تحصن کنند، زندان بروند، در مطبوعات بنویسند، و سرانجام به هدف خود برسند.

در فیلم رزا پارکس شاهد زنی سیاهپوست هستیم که هر روز شاهد تبعیض زنان سیاهپوست در اطرافش بود که با آنها بدر رفتاری می‌شد روزی سوار اتوبوسی می‌شود. در آن زمان، قانون چنان حکم می‌کرد که اگر حتی یک نفر سفیدپوست اراده کند که در هر قسمت اتوبوس بنشیند، باید همه‌ی سیاهپوستانی که در آن صندلی‌ها نشسته‌اند، جای خود را ترک کنند. چند نفر سفید پوست



وارد اتوبوس می‌شوند. اما جایی برای نشستن آنها نیست. راننده به «رزا پارکس» و سه نفر دیگر اشاره می‌کند که هرچه سریعتر صندلیها را به مسافری سفید پوست بدهند. اما زمانی که با مقاومت آن چند نفر مواجه می‌شود، تهدید می‌کند که آنها را به دست قانون خواهد سپرد «رزا پارکس» که از آن همه بی‌عدالتی به ستوه آمده است آشکارا اعلام می‌دارد که صندلی‌اش را ترک نخواهد کرد. او را به جرمی که مرتکب نشده و مقاومت در برابر نژادپرستانه دستگیر و بازداشت می‌کنند.

باتوجه به نظریه نابرابری جنسیتی که جایگاه زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت از جایگاه مردان، که از آن کمتر و با آن نابرابر است و این نابرابری‌ها از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و نظریه تفاوت جنسیتی که مضمون اصلی این نظریه این است که زنان از ارزش‌ها، داوری ارزشی، انگیزه‌ها، سود، خلاقیت ادبی، احساس هویت، فراگرد آگاهی، و ادراک در ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند و نظریه ستمگری جنسیتی که در این نظریه با مفروض انگاشتن ساختار پدرسالاری در جامعه، موقعیت زنان بر حسب رابطه‌ی قدرت مستقیم میان مردان و زنان به گونه‌ئی تبیین می‌شود که زنان در قید و بند، تابعیت، سوء استفاده، و بدرفتاری مردان قرار دارند. این فیلم‌ها با این سه نظریه از نظریه‌های بنیادی فمینیستی ریتزروهمچنین نظریه چارلز تیلی که توان جنبش‌های اجتماعی را متشکل از ترکیبی با عنوان wunc می‌داند که از ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد تشکیل یافته است. و در صورتی که این ترکیب به صفر برسد، توان جنبش نیز صفر خواهد شد و جنبش اعتبار خود را از دست خواهد داد. بطوریکه تجلیات WUNC می‌توانند به صورت بیانیه‌ها، شعارها، یا برچسب‌هایی که دلالت بر ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد بروز نمایند: شهروندانی که برای عدالت متحد شده‌اند، امضاکنندگان یک قسم‌نامه، حامیان قانون اساسی باشند، همخوانی و هم‌سوئی دارد.

بنابراین می‌توان از یک رابطه دوسویه کلان بین جامعه و سینما سخن گفت که با استفاده از نظریه‌ی بازنمایی در جامعه شناسی هنر قابل دفاع است. یعنی فرآیندی که در طی آن هم جامعه و مسائل و مشکلاتش در سینما منعکس می‌شود و هم سینما با ساختن واقعیاتی هر چند در حد



تصور عمومی و جهت دهی به افکار عمومی در سطح ذهنیت‌ها، بر نگرش‌ها و افکار و بالتبع آن رفتار افراد جامعه، تاثیرگذار است.

این پژوهش بر روی فیلم‌های سینمایی جنبش زنان، که در دهه‌های ۱۸ و ۱۹ اتفاق، انجام گرفته است و هدف از این پژوهش شناسایی تغییرات و تحولات اجتماعی در این آثار می‌باشد. در این پژوهش، مشخص شدن عناصری که در همه فیلمها وجود دارد تغییرات و تحولات و جنبش‌های اجتماعی است و مضمون اصلی فیلم‌های جنبش‌ها دغدغه هویت و مسائل اجتماعی بوده است. اما میزان و نوع این فیلم‌ها با توجه به اینکه در زمانهای مختلف انجام شده، متفاوت است. در واقع سینما به عنوان یکی از رسانه‌های جمعی که قادر به بازنمایی و ساختن واقعیت‌نماهاست، بر شکل‌گیری و تغییر هویت افراد جامعه موثر خواهد بود. در واقع آثار سینماگر مولف به عنوان بازنمایی و آئینه‌ی جامعه، همزمان با تغییرات اجتماعی-فرهنگی ایجاد شده در نگرش‌ها و هویت افراد در جامعه امروز که خود متاثر از تغییر و تحول نقش‌ها مختلف در جامعه و سایر عرصه‌های اجتماعی است. لذا سینما به عنوان یک هنر مدرن و «برتر» نسبت به دیگر هنرها «با زمینه اجتماعی‌اش رابطه تنگاتنگی دارد» و از این جهت می‌تواند بازنمای مسایل و واقعیات زندگی انسانی و شاخصی برای سنجش وضعیت فرهنگی و اجتماعی باشد؛ چرا که سینما به قول بنیامین «از یکسو فهم ضروریات حاکم بر زندگی‌مان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، فضای کنش گسترده و فارغ از انتظاری را برای ما فراهم می‌سازد». از این نظر، مطالعه‌ی سینما به عنوان یک عنصر فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند ما را به عمق لایه‌های حیات اجتماعی کنونی‌مان برساند. یکی از این لایه‌های قابل مشاهده در فیلم‌های سینمای، چنانکه این پژوهش درصدد پرداختن به آن بود، بررسی تحولات و تغییرات فرهنگی و جنبش‌های اجتماعی است. چنانکه فیلمهای بررسی شده به دلیل آنکه از دو دوره‌ی تاریخ سینمای جنبش زنان و حق رأی زنان انتخاب شده‌اند حکایت از این روند تغییرات و تحولات اجتماعی در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی است.

**منابع****کتاب:**

- پی استون، برایان (۱۳۸۳). *مفاهیم مذهبی و کلامی در سینما*. ترجمه امید نیک فرجام، تهران بنیاد سینمایی فارابی
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده انقلاب اسلامی.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۹). *جنبش‌های اجتماعی ۲۰۰۴-۱۷۶۱*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- دلپورتا، دوناتلا؛ دیانی، ماریو (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*، ترجمه‌ی: محمدتقی دلفروز، چاپ اول تهران: انتشارات کبیر.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: چاپ پانزدهم.
- زاهد، سعید، صبوری، محمدحسین (۱۳۸۹) *جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران*، تهران: انتشارات سروش
- محمد پور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲*، جلد ۲، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- نش، کیت (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، نشر کویر.

مقاله‌ها:

- امین صارمی، نوذر (۱۳۹۵). «زمینه‌های گرایش زنان به جنبش‌های جدید اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد کرج)»، *دوفصلنامه مطالعات پلیس زن*، سال دهم، شماره ۲۵، از ص ۱۷-۵.
- حشمت زاده، محمدباقر، نوذری، محمداسماعیل (۱۳۹۲). «بازخوانی نظریه جنبش اجتماعی: چارچوبی برای تحلیل و شناخت بسیج جنبش‌های اسلامی»، *فصلنامه تخصصی (علمی-*



پژوهشی، علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج :: بهار ۱۳۹۲، سال نهم - شماره ۲۲، (از ص ۲۴۸-۲۱۳).

عبداللهی، رضا؛ شورگشتی، محسن؛ اخوت پور، بابک (۱۳۹۱). «نقش رسانه‌های نوین در جنبش‌های اجتماعی (مطالعه موردی جنبش تسخیر وال استریت)»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال ۱۳، شماره هجدهم، ۲۸ص.

هزار جریبی، جعفر؛ امین صارمی، نوذر (۱۳۸۹). «جنبش‌های اجتماعی به مثابه قدرت نرم»، مجله: مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم؛ شماره ۳ علمی-پژوهشی (۱۸ صفحه - از ۴۸۶ تا ۵۰۳).

پایان نامه‌ها:

اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۱). «تأثیر تحولات اجتماعی ایران در آثار سینمایی ابراهیم حاتمی کیا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

صدقی، رضا (۱۳۸۸) «جنبش‌های جدید اجتماعی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی مطالعه موردی موردی جنبش زنان ایران در استفاده و خشنودی از اینترنت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

محمد کریمی، شهربانو (۱۳۸۲) «بررسی تطبیقی جنبش زنان و عوامل موثر بر آن مورد کشورهای ترکیه آمریکا و ایران»، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۹۸۵ص.

مهدی زاده، سیدمحمد (۱۳۸۳) «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب، تحلیل انتقادی گفتمان (نیویورک تایمز)، «گاردین»، «لوموند» و «دی رایت» ۲۰۰۰-۱۹۹۷م»، رساله دکتری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی.

DEBORAH HOPKINSON and WHO HQ Illustrated by LAURIE A. CONLEY ,What Is the Women's Rights Movement? , October 16, 2018



10.30495/JSCC.2024.20015



- Dorothy Sue Cobble , *The Other Women's Movement: Workplace Justice and Social Rights in Modern America (Politics and Society in Modern America)* Sep 1, 2005
- Hall, Stuart (1997) "Representation, Meaning and language" In, S. Hall et al. (eds), *Representation and Signifying Practices*, London: Sage Publications Ltd.
- Harvey, D. (1989), *The Condition of Postmodernity*, Cambridge: Basil Blackwell.
- Nancy MacLean, *The American Women's Movement, 1945-2000: A Brief History With Documents* by Nancy MacLean. Bedford/St. Martins, 2008
- Sidney Tarrow, *Strangers at the Gates: Movements and States in Contentious Politics*. March 26, 2012
- Tilly ,C and Sidney Tarrow , *Contentious Politics*, Sep 15, 2015.
- Tilly, C. *From Mobilization to Revouition* .Reading MA : Addison Wesley .1978.
- Articels:
- Sarah Becker , Danielle Thomas, Michael R Cope, *Media, Culture & Society*, vol. 38, 8: pp. 1218-1235. , First Published April 21, 2016.
- <https://www.amazon.com>.
- <http://www.imdb.com/chart/top>



Investigating the role of public relations in promoting social development in dynamic social environments of industrial companies

Zohra Ghazanfari¹, Masoume Rashad^{*2}, Rosita Sepharnia³

(Received date: 00/00/00 - Accepted date: 00/00/00)

Abstract:

During the last two decades, major changes have occurred in the industrial business environments in the world, which have left a wide impact on the social activities of economic enterprises and industries. The aim of the research is to investigate the role of public relations in promoting social development in the dynamic social environments of industrial companies. In this regard, while reviewing the concepts of public relations and social development, the structural equation modeling method was used. The statistical population is all the industrial companies of Eshtehard city, of which 280 companies were determined by simple random. The tool of data collection was a researcher-made questionnaire, whose content validity was confirmed by professors and construct validity by confirmatory factor analysis and its reliability using Cronbach's alpha coefficient of 0.97 and composite reliability of 0.75. To analyze the data, path analysis was used in SmartPLS software. The results showed that public relations has a significant effect on the promotion of social development in industrial companies with a coefficient of 65%. Also, public relations on the component of the emergence of justice with a coefficient of 0.771, on the component of social security with a coefficient of 0.66, on the component of the emergence of social ethics with a coefficient of 0.789, on the component of the formation of social welfare with a coefficient of 0.785, on the component of the formation of social capital with a coefficient of 0.773 It shows a positive and significant effect.

Keywords: social development - public relations - industrial companies- Dynamic social environments

¹ Sociology doctoral student, Islamic Azad University of Roudhen, Roudhen, Iran.
zohregazanfare@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University of Roudhen, Roudhen, Iran
(corresponding author): masi.reshad@yahoo.com

³ Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Rozita.sepharnia@iau.ac.ir



بررسی نقش روابط عمومی در ارتقاء توسعه اجتماعی در محیط‌های پویای اجتماعی شرکت‌های صنعتی

زهرة غضنفری^۱، معصومه رشاد^۲، رزیتا سپهرنیا^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰)

چکیده

تحولات عمده‌ای طی دو دهه گذشته در محیط‌های کسب و کار صنعتی در عرصه جهانی پدید آمده که تأثیرات وسیعی بر فعالیت‌های اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی و صنایع بر جای گذاشته است. هدف پژوهش بررسی نقش روابط عمومی در ارتقاء توسعه اجتماعی در محیط‌های پویای اجتماعی شرکت‌های صنعتی می‌باشد. در این راستا، ضمن مرور مفاهیم روابط عمومی و توسعه اجتماعی، از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. جامعه آماری کلیه شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد می‌باشد که ۲۸۰ شرکت به صورت تصادفی ساده تعیین شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته بوده که روایی محتوایی توسط اساتید و روایی سازه توسط تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۷ و پایایی ترکیبی ۰.۷۵ تأیید شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل مسیر در نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس استفاده شد. نتایج نشان داد روابط عمومی با ضریب ۶۵ درصد تأثیر معناداری بر ارتقاء توسعه اجتماعی در شرکت‌های صنعتی دارد. همچنین روابط عمومی بر مؤلفه بروز عدالت با ضریب ۰.۷۷۱، بر مؤلفه امنیت بخشی با ضریب ۰.۶۶، بر مؤلفه بروز اخلاق اجتماعی با ضریب ۰.۷۸۹، بر مؤلفه شکل‌گیری رفاه اجتماعی ۰.۷۸۵، بر مؤلفه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی با ضریب ۰.۷۷۳، اثر مثبت و معناداری را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: توسعه اجتماعی، روابط عمومی، شرکت‌های صنعتی، محیط‌های پویای اجتماعی.

zohreganzanfare@gmail.com

masi.reshad@yahoo.com

Rozita.sepehria@iau.ac.ir

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، رودهن، ایران.

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، رودهن، ایران (نویسنده مسئول):

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران.



مقدمه:

هدف توسعه، تامین نیازهای حال، آینده و رسیدن به وضعیت متوازن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است. مسأله توسعه یکی از مسائل مهم در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. جامعه ایران همانند جوامع دیگر در حال توسعه در دهه‌های اخیر به دنبال دستیابی به توسعه بوده است (محمودی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹). با توجه به تغییراتی که پیرامون سازمان‌ها اتفاق می‌افتد، اگر سازمان‌ها نتوانند خود را با این تغییرات وفق دهند و بهترین راهکارها را جهت هماهنگی خود با آنها انتخاب کنند؛ موفقیت خود را در حال و آینده به خطر می‌اندازند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۲).

در دنیای معاصر، افزایش فزاینده فاصله توسعه و عدم توسعه یافتگی کشورها به گونه‌ای است که نتایج حاصل از آن به قطبی شدن جهان اجتماعی و اقتصادی انجامیده و این فاصله موجب بروز حساسیت، پویایی و مطالبه‌گری نیروهای اجتماعی و فرهنگی جامعه برای زدودن چالش‌های این عقب ماندگی گردیده است. از نظر سازمان ملل متحد، توسعه اجتماعی دربرگیرنده تلاش‌ها، مسائل، علائق و بخش‌های توسعه و چشم‌انداز اجتماعی برای ملاحظه حوزه‌های فعالیت انسانی است. چشم‌انداز اجتماعی فرد را سازمان ملل ارتباط با جامعه می‌بیند و ابعاد متنوع نیازهای انسان را در نظر می‌گیرد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹). مؤسسه لگاتوم در سال میلادی ۲۰۲۰ با رشد ۶ پله‌ای به نسبت سال ۲۰۱۰ میلادی ایران را از نظر شاخص شکوفایی و توسعه در رده ۱۲۰ جهانی رتبه‌بندی نموده و در بخشی از گزارش خود می‌نویسد: ایران به شدت در حال اجرای بهبود شرایط زندگی و آموزش و پرورش است اما درآمدی شخصی ضعیف‌ترین است و بزرگترین بهبود و توسعه آن در مقایسه با یک دهه پیش در سرمایه اجتماعی است (لگاتوم، ۲۰۲۰).

توجه به روابط انسانی و علاقه‌مندی به ارتباطات، سال‌ها قبل از زمان آغاز جنبش روابط انسانی در سازمان‌ها، راهی برای گشایش پیوندها و استعداد‌های نهفته انسان جهت بروز خلاقیت و نوآوری محسوب می‌شده است. در این راستا صاحب‌نظران و اندیشمندان ارتباطات سازمانی، روابط عمومی را به عنوان واحدی ضروری و لازم در سازمان برای شکوفایی و پیشرفت و بقای آن، همیشه مورد توجه قرار داده‌اند. اگرچه ارتباطات در تمام کارکردهای مدیریت مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی در انجام وظیفه رهبری اهمیت ویژه‌ای دارد. اکثر صاحب‌نظران توافق دارند بایستی در مدیریت، ارتباطات مؤثری وجود داشته باشد. امروزه و در جوامع توسعه‌یافته، این ارتباطات مؤثر و اقناع افکار عمومی به شیوه‌ای سازمان یافته و مستمر از طریق نهادی اجتماعی به نام روابط عمومی صورت می‌گیرد (نداف و همکاران، ۱۳۹۵: ۲).

استان البرز دارای ۶ شهرستان، ۱۷ شهر و حدود ۲۸۰ روستا است که شهرستان اشتهارد از جمله مناطق کم برخوردار و محروم این استان به شمار می‌رود. شهرستان اشتهارد دارای شهرک صنعتی اشتهارد با حدود ۲ هزار واحد تولیدی و صنعتی یکی از قطب‌های صنعتی البرز و کشور است و دستگاه‌ها با تسهیل‌گری و

¹ logatum



همراهی به ارتقای شاخص‌های اجتماعی عمرانی و اقتصادی که منجر به توسعه یافتگی شهرستان اشتهارد می‌شود، کمک کنند (ایرنا البرز، مهر ۱۳۹۸).

مبانی نظری

مفهوم اجتماعی به معنی اخص کلمه ناظر به اجتماع جامعه‌ای به عنوان یکی از حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی، انسان در هر جامعه است. توسعه اجتماعی هم به معنی بسط و تعرض و تحکیم همین اجتماع جامعه‌ای است. توسعه اجتماعی با این مضمون کارکرد اصلی اجتماع جامعه‌ای و مکمل توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد (هلدن و همکاران^۱، ۲۰۱۶). موضوع توسعه اجتماعی در دیدگاه‌ها و آثار اغلب صاحب‌نظران جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر به طور ضمنی یا صریح مطرح شده است. دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی جوامع را به دو دسته سنتی و صنعتی یا مدرن تقسیم می‌کند. جوامع سنتی در جهان دارای تقسیم کار ساده مبتنی بر معیارهای محول چون سن و جنسیت و نظم اجتماعی مبتنی بر تشابه پذیری از نظر وجدان جمعی است. این وجدان جمعی رنگ غالب مذهبی دارد. ولی جوامع مدرن در جهان دارای تقسیم کار گسترده و مبتنی بر معیارهایی همچون تخصص و انسجام و نظم ارگانیک مبتنی بر تفاوت پذیری است. در این نوع جوامع در جهان امروزی نهادهای مدنی و اخلاق مدنی به عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی جایگاه و اهمیت بسیار قابل توجه پیدا می‌کنند (ثلاثی، ۱۳۹۵).

در شاخص پیشرفت اجتماعی، توسعه یا پیشرفت، به عنوان ظرفیت یک جامعه برای پاسخگویی به نیازهای اساسی شهروندان و ایجاد شرایطی برای افراد و سازمان‌ها که با استفاده از مهارت‌های خود کیفیت زندگیشان را افزایش دهند، تعریف شده که این شاخص از ترکیب سه بعد نیازهای اساسی انسانی^۲، بنیان‌های تندرستی و بهزیستی^۳، فرصت‌ها بدست آمده است. بر اساس بررسی‌های شاخص توسعه اجتماعی توسعه اجتماعی در مفهوم کلی آن نهادهای اجتماعی غیررسمی هستند که افراد را قادر می‌سازند بهینه‌ترین استفاده را از مهارت‌ها و امکانات خود داشته تا کیفیت زندگی خود را ارتقاء دهند. بر اساس این تعریف فعالیت‌های مدنی، انجمن‌ها و کانون‌ها، یکپارچگی درون‌گروهی، امنیت و اعتماد بین‌شخصی، برابری جنسیتی و مشارکت اقلیت‌ها به عنوان شاخص‌های معرف توسعه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند (شهبازی و مبارکی، ۱۴۰۰).

¹ Holden, Erling; Linnerud, Kristin; Banister, David

² Basic Human Needs

³ Foundations of Well-being



نظریه های توسعه اجتماعی

۱- نظریه پارسنز

پارسنز مطالعات خود را از کنش آغاز نموده است و به ساختارها ختم می‌کند. از نظر او صفت ویژه نظام اجتماعی این است که میان تعداد زیادی کنشگر رابطه ایجاد می‌کند؛ نظام اجتماعی قبل از هر چیز شبکه‌ای از روابط متقابل میان افراد و گروه‌ها است. کنشگران این نظام اجتماعی فقط اشخاص منفرد نیستند؛ گروه‌های اجتماعی، اجتماعات محلی، چون یک ده، یک طبقه، یک ملت نیز کنشگران اجتماعی هستند. بنابراین می‌توان نظریه کنش پارسنز را در تمام سطوح واقعیت اجتماعی به کار برد و آن را تنها به سطح کنش متقابل افراد محدود نکرد. کنش انسانی میان دو جهان غیرکنش واقع شده است، این دو جهان کنشگر را محصور کرده و تنگناهایی برای او ایجاد کرده اند. یکی محیط فیزیکی است که شامل واقعیت‌هایی چون آب و هوا، وضع منابع، ابزارها و فنون در دسترس، سازواره زیستی افراد، خصوصیات موروثی و ژنتیکی می‌شود و دومین جهان غیرکنش، همان محیط فرهنگی است. که هدف‌ها را تعیین کرده و راه‌های رسیدن به این اهداف را نشان می‌دهد. این جهان به منش‌های انسانی صورتی یگانه بخشیده و هویتی مشترک می‌بخشد. بنابراین در نظریه کنش پارسنز کنش اجتماعی از چهار عنصر زیر تشکیل می‌شود:

۱. کنشگر: می‌تواند یک فرد، یک گروه یا یک جامعه باشد.
۲. وضعیت: که شامل اشیا فیزیکی و اجتماعی است که کنشگر با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند.
۳. نمادها: که با واسطه آن‌ها کنشگر با عناصر متفاوت وضعیت ارتباط پیدا می‌کند و برای هر یک معنایی قائل می‌شود.
۴. قواعد، هنجارها و ارزش‌ها: که جهت یابی کنش را هدایت می‌کنند، یعنی روابطی را که کنشگر با اشیاء اجتماعی و غیراجتماعی محیطش دارد (ابوالحسن تنهایی و همکاران، ۱۳۹۵).

۲- نظریه وبر

ماکس وبر اقتصاددان، مورخ و جامعه‌شناس برجسته آلمانی در قرن نوزدهم، تاثیر رفتار دینی را مخصوصاً بر اخلاق، اقتصاد، سیاست، تعلیم و تربیت بررسی کرده است. نظریه بروکراسی از جمله رهیافت‌های سنتی به مدیریت محسوب می‌گردد. ماکس وبر جامعه‌شناس و روشن فکر آلمانی، بیشتر آثار خود را در اواخر قرن نوزدهم میلادی منتشر کرد. با وجود این تا سال ۱۹۲۰ که آثارش به زبان‌های دیگر ترجمه شد، ناشناخته ماند. نظریه‌های وبر عمدتاً حالت توصیفی داشت. وی بر این مسئله اساسی که چگونه می‌توان ساختار سازمان‌ها را به طور مناسبی طراحی کرد، توجه داشت. افکار و نظریات وبر تأثیر عمده‌ای بر رشته‌های مدیریتی و جامعه‌شناسی داشت. دولت وقت آلمان موضوع ویژه مورد مطالعه وبر بود. وی بر این باور بود که افراد به دلیل موقعیت اجتماعی خاص و وجهه و اعتبارشان اقتدار می‌یابند و در منصب‌های اصلی و مهم ساختار اجتماعی آلمان قرار می‌گیرند نه به دلیل توانایی‌ها و شایستگی‌هایشان. به همین دلیل



مدعی بود که سازمان‌ها با همه ظرفیت و توان خود کار نمی‌کنند. بنابراین باید شکل جدید از سازمان را طراحی کرد که به حل این موضوع کمک کند. در عمق تفکر و بر مفهوم بروکراسی قرار دارد: یعنی شکل سازمانی مطلوب که به طور منطقی طراحی گردد، بسیار کارا باشد، از اصول و منطق و نظم پیروی کند و بر مبنای اختیار مشروع بنا نهاده شده باشد.

از جمله ویژگی‌های خاص بروکراسی و بر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تقسیم کار روشن: مشاغل به خوبی تعریف می‌شوند و کارکنان به خوبی در آن‌ها مهارت می‌یابند.

سلسله مراتب اختیارات روشن: اختیار و مسئولیت برای هر منصب به خوبی تعریف می‌شود و هر مقامی به مقام بالاتر از خود گزارش می‌دهد.

قواعد و رویه‌های رسمی: دستورالعمل‌های مکتوب رفتارها و تصمیم‌ها را هدایت می‌کند و سوابق پرونده‌ها به طور مکتوب نگهداری می‌شود.

برخورد غیر شخصی: قواعد و رویه‌ها به طور یکسان و بدون استثناء در مورد همه رعایت می‌شود و با هیچکس برخورد ویژه صورت نمی‌گیرد.

مسیر ترقی مبتنی بر شایستگی: انتخاب و ارتقاء کارکنان بر مبنای توانایی عملکرد آن‌ها صورت می‌گیرد (ابوالحسن تنهایی و همکاران، ۱۳۹۵).

۳- نظریه مبادله اجتماعی هومنز

جورج کاسپر هومنز، در یازدهم اگوست ۱۹۱۰، در شهر بوستون در ایالت ماساچوست آمریکا در خانواده‌ای ثروتمند و با طرز زندگی برهمنی زاده شد. در سال ۱۹۲۸ وارد دانشگاه هاروارد شد و در رشته ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت و مدرک لیسانس خود را در سال ۱۹۳۲ از این دانشگاه گرفت. آشنایی هومنز با آثار پاره‌تو مسیر تحصیلی او را تغییر داد چنان‌که با همکاری چارلز کورتیس کتابی با عنوان "مقدمه‌ای بر آرای پاره‌تو" نوشت که در سال ۱۹۳۴ منتشر شد. هومنز بلافاصله در همان سال به مقام دستیار آموزشی حوزه جامعه‌شناسی در انجمن علمی دانشگاه هاروارد برگزیده شد. هومنز با اینکه خود هیچ‌گاه به دریافت درجه دکتری نائل نشد، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های جامعه‌شناسی در زمان خود شد. هومنز در این زمان خود را در مرکز مکتبی که به کارکردگرایی ساختاری معروف شد می‌دید.

رویگر کارکردگرایانه هومنز در "دهقانان انگلیسی در قرن سیزدهم میلادی" (۱۹۴۱) مشهود است. در سال ۱۹۳۹ به مقام مربی جامعه‌شناسی ارتقاء یافت و تا سال ۱۹۴۱ در این مقام باقی ماند. در سال ۱۹۵۳ استاد صاحب‌کرسی جامعه‌شناسی شد و در سال ۱۹۵۵ فوق‌لیسانس خود را در رشته زبان انگلیسی گرفت. هومنز تمام دوران تدریس‌اش را در هاروارد گذراند و در مقام استاد ممتاز در سال ۱۹۸۸ برنده دانش‌پژوه ممتاز انجمن جامعه‌شناسی آمریکا شد. وی در ۲۹ می ۱۹۸۹ شهر کمبریج در ایالت ماساچوست آمریکا درگذشت (ابوالحسن تنهایی و همکاران، ۱۳۹۵).



۴- نظریه مبادله اجتماعی

نظریه مبادله اجتماعی رفتار را براساس متغیرهای وابسته به تأمل، احساس، عاطفه و فعالیت صورت گرفته؛ تبیین می‌نماید. جورج کاسپر هومنز (۱۹۱۰م-۱۹۸۹م) صاحب‌نظر و مبتکر اصلی نظریه مبادله، و زیر نفوذ فایده‌گرایی و اقتصاد کلاسیک بود. نظریه مبادله اساساً تلاشی است به منظور انتخاب اصول رفتارگرایی، آمیختن آن‌ها با ایده‌های دیگر و به‌کارگیری آن‌ها در موضوعات مورد توجه جامعه‌شناسان. این نظریه ریشه در آثار جورج هومنز در دهه ۱۹۵۰ دارد. بخش عمده‌ای از نظریه مبادله هومنز را می‌توان واکنشی در برابر آرای پارسونز، دورکیم و به‌طور کلی کارکردگرایی ساختاری دانست. این نظریه را باید اثبات‌گرایانه دانست، چرا که مبتنی بر این فرض است که رفتار بشر را می‌توان با استفاده از قوانین طبیعی تشریح کرد. دیدگاه اصلی هومنز این است که جامعه‌شناسی باید به تبیین رفتار فردی و کنش متقابل انسان بپردازد. در نظریه مبادله واحد تحلیل و موضوعی که هنگام مشاهده باید به آن دقت شود و موضوع اصلی در تبیین نظم، فرد است. این نظریه بر نوعی از کنش اجتماعی که اراده‌گرایی نام دارد، تأکید می‌کند.

این نظریه رفتار روزمره را پاسخی به خواسته و محاسبه فردی می‌داند و بر این اعتقاد است که کنش‌کنندگان در انتخاب‌های خود از آزادی زیادی برخوردارند. مزیت نظریه مبادله این است که می‌تواند جامعه‌شناسی را به اقتصاد نزدیک کند، یعنی آن رشته از علوم انسانی که بیشتر کاربردی و پیشرفت بیشتری کرده ولی از جنبه‌های نظری دور شده است. هر چند مفهوم مبادله در اقتصاد کلاسیک است اما نظریه جدید مبادله جنبه‌های مادی و غیرمادی را با هم در نظر می‌گیرد. اساسی‌ترین فرض نظریه مبادله این است که افراد رفتارهایی را که در قبال انجام‌شان، پاداش می‌گیرند، تکرار می‌کنند و از رفتارهایی که قبلاً هزینه زیادی برای آنان دربرداشته است پرهیز می‌کنند. در این نظریه، رفتار اجتماعی عبارت است از مبادله یا عملی محسوس یا نامحسوس، توأم با میزانی از پاداش یا هزینه، که دست‌کم بین دو فرد رخ می‌دهد. در نظریه مبادله هومنز، بیش از آن که روابط گروهی و نهادی قابل طرح باشند، رابطه فرد با فرد مطرح می‌شود و تأکید، اساساً بر فرد یا روابط میان دو فرد است؛ لیکن هر نظریه جامعه‌شناختی باید به واحدهای جمعی بیش از دو نفر نیز توجه کند.

هومنز نیز از سطح مبادله فرد با دیگری فراتر رفته و در نظریه خود، مسئله نهادها، گروه‌ها و زیر نهادها را هم مورد بررسی قرار داده است. هومنز معتقد است نهادهای اجتماعی بر همان اصول اساسی مبادله استوارند و رفتارهای میان دو فرد و تفاوت آن‌ها، صرفاً در این است که نهادها، شبکه روابط بسیار پیچیده‌تری را شامل می‌شوند؛ که به پیچیدگی فعالیت‌ها و روابط غیر مستقیم مبادله مربوط می‌شود. هومنز اعتقاد داشت که سود فردی انگیزه عمومی است که سبب حرکت جهان و مردم آن می‌شود و مردان و زنان درست مانند کیوتران در آزمایش اسکینر به گونه‌ای مثبت یا منفی تحت تأثیر محیط خود قرار می‌گیرند (ابوالحسن تنهایی و همکاران، ۱۳۹۵).



روابط عمومی

جامع‌ترین تعریف روابط عمومی را، اسکات کاتلیپ^۱ در کتاب خود ارائه کرده است. وی معتقد است: روابط عمومی، اداره کردن وظایف، شناسایی، ایجاد، حفظ و نگهداری روابط مطلوب و حسنه بین سازمان و جامعه است. جامعه‌ای که توفیق و ناکامی یک سازمان به آن وابسته است (کاتلیپ^۲، ۲۰۲۰). امروزه اهمیت رسانه‌ها از جمله روابط عمومی‌ها به منزله یک رسانه سازمانی در شکل دهی و هدایت افکار عمومی و جریان‌سازی رویدادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره بر هیچ کس پوشیده نیست، شاید تا چندی پیش محوری‌ترین نقشی که برای روابط عمومی متصور بودند صرفاً اطلاع رسانی از رویدادهای سازمانی بود. اما در حال حاضر روابط عمومی‌ها می‌توانند با ایجاد شرايطی از یک دستگاه اداری منفعل، تبدیل به "سازمان رسانه‌ای" هدایتگر و جریان ساز در فرایند تحول جامعه بسوی توسعه تبدیل شوند. انجمن بین المللی روابط عمومی، (ایپرا) در سال ۱۹۵۵ متشکل از انجمن‌های ملی و کارشناسان روابط عمومی به وجود آمده است (رسولی و هدایتی، ۱۳۹۶).

در عرصه بین المللی انجمن بین المللی روابط عمومی (IPRA) در سال ۱۹۶۱ با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر پنج اصل پایه و عام را به عنوان اصول اخلاق حرفه‌ای در روابط عمومی مورد تصویب قرار داد که ناظر بر فعالیت شاغلان این حرفه در سراسر جهان است. در حرفه روابط عمومی ۵ نوع رابطه اخلاقی وجود دارد که شامل ۱- وظیفه نسبت به خود ۲- نسبت به مخاطب ۳- نسبت به کارفرما ۴- نسبت به حرفه و ۵- نسبت به جامعه مورد تاکید است. به منظور توصیف چهار نوع تکامل یافته روابط عمومی، اصطلاح الگوها انتخاب شده است تا بر انتزاعی بودن آنها تاکید شود. در ادبیات نظری و علمی، الگوها بازنمایی واقعیت می‌باشند (رکس^۳، ۲۰۱۵: ۱۵).

از دیدگاه گرونیک چهار الگوی روابط عمومی به ما کمک می‌کند تا با مرور تاریخ روابط عمومی آن را در عمل درک کنیم. با این حال، باید در نظر داشت که این الگوها ساده‌سازی واقعیت هستند و این ساده‌سازی همیشه تا حدی ممکن است به دلیل نادیده گرفتن برخی موارد، نادرست باشد. هر عملی که متخصص روابط عمومی انجام می‌دهد، مطابق با یکی از الگوهای روابط عمومی است. الگوها باید به اندازه کافی ملموس باشد و با مناطق مشترکی که در الگوها وجود دارند، انطباق یابند (گرونیک و هانت^۴، ۱۹۸۴: ۲۱).

¹ Scott Munson Cutlip

² Cutlip, Scott.

³ Rex, Charlotte.

⁴ Grunig & Hunt



جدول ۱- چهار الگوی روابط عمومی جیمز گرونیک

الگوها				خصوصیات
دوطرفه متقارن	دوطرفه نامتقارن	اطلاع عمومی	تبلیغات	
درک متقابل	اقتناع علمی	اشاعه و انتشار اطلاعات	پروپاگاندا	هدف
دوسویه، اثرات متوازن	دوسویه، اثرات غیر متوازن	یکسویه؛ حقیقت مهم است.	یکسویه؛ بیان کامل حقیقت ضروری نیست	ماهیت ارتباط
گروه ← گروه بازخورد →	منبع ← گیرنده بازخورد →	منبع ← گیرنده	منبع ← گیرنده	مدل ارتباط
شکل دهنده؛ تعیین ارزش و ادراک	شکل دهنده؛ تعیین ارزش و نگرش‌ها	کم	کم	ماهیت پژوهش
ادوارد برنیز، مربیان، حرفه‌ایها	ادوارد برنیز	ایوی لی	بارنوم	چهره‌های پیشگام
شرکت‌های و آژانس‌های دارای مقررات	شرکتها و آژانس‌های رقابتی	دولت، نهادهای غیرانتفاعی، تجارت	ورزش، تئاتر، تبلیغ محصولات	کاربرد امروزی

یک دیدگاه مادی روابط عمومی که آن را به عنوان یک رشته تعریف می‌کند، تمرکز بر ایجاد روابط سازنده با گروه‌هایی است که دارای منابعی هستند که به یک واحد برای تحقق اهداف خود از جمله هدف بقا نیاز دارند (گاس و مارش^۱، ۲۰۱۷). نگاه به روابط عمومی به عنوان یک فرآیند اکتساب منابع مبتنی بر روابط در ادبیات به خوبی تثبیت شده است. شکل فوق یک ترتیب خطی تقریبی را نشان می‌دهد، اما نشان می‌دهد که فرآیند سیال است و یک مرحله می‌تواند بر مراحل قبل و بعد از خود تأثیر بگذارد (مارش^۲، ۲۰۲۱).

حوزه‌های رو به رشدی که متخصصان روابط عمومی باید تحت نظارت داشته باشند این است که آنها به محض ورود به محل کار به طور قابل توجهی در زمینه مهارت‌های دیجیتال تلاش می‌نمایند (فربرگ و کیم^۳، ۲۰۱۸). یکی از حوزه‌هایی که در گزارش کمیسیون ۲۰۱۷ ذکر شده است، آموزش روابط عمومی به عنوان یک تخصص و نقش رو به رشد روابط حرفه‌ای خدمات مشتری است، به خصوص زمانی که صحبت از کاوش خدمات مشتری آنلاین در نظر گرفته می‌شود (کمیسیون آموزش روابط عمومی^۴، ۲۰۱۸). نیاز

¹ Guth & Marsh

² Marsh, C.

³ Freberg & Kim

⁴ The Commission on Public Relations Education



روزافزون به مهارت‌ها و برنامه‌های خدمات مشتری نه تنها در صنعت مورد بحث قرار می‌گیرد، بلکه به عنوان یک مهارت در محل کار در حال افزایش است (برانر و همکاران^۱، ۲۰۱۸).

گزارش کمیسیون آموزش روابط عمومی ۲۰۱۷ توصیه می‌کند که روابط عمومی دانشجویان بیش از سایر مهارت‌های دیجیتالی که به آنها نیاز دارند برای درک چگونگی و چرایی استفاده از این ابزارهای خاص برای عموم مردم مورد نیاز است (فرگوسن^۲، کمیسیون آموزش روابط عمومی، ۲۰۱۸). خدمات مشتری در روابط عمومی وجود داشته و برای سال‌ها توسط صنعت در رسانه‌های اجتماعی مورد استقبال قرار گرفته است، اما هنوز از دیدگاه تحقیقات دانشگاهی یک اصطلاح روشن برای آن وجود ندارد و نقش‌های خدمات مشتری در ادبیات روابط عمومی مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است (کیم و فربرگ، ۲۰۱۸).

کیم و فربرگ (۲۰۱۸) مطالعه‌ای ترکیبی انجام دادند. روش بررسی ماهیت مراقبت اجتماعی، همانطور که به عنوان وجود مشارکت ذینفعان در کانال‌های رسانه‌های اجتماعی که سازمان را تقویت می‌کند تعریف شده است اعتبار و شهرت به منظور توسعه وفاداری و تعهد از سوی عموم. خدمات مشتری از طرق مختلف برخی از مفاهیم کلیدی OPR را به اشتراک می‌گذارد. مدیریت کلید روابط است. امروزه بخشی از خدمات مشتریان به ویژه در فضاهای دیجیتال است. مشتری خدمات آنلاین به کاربران اجازه می‌دهد تا بتوانند به صورت حضوری با سازمان‌ها در زمان واقعی برخی از این روابط را تقویت کنند (سیسون^۳، ۲۰۱۷).

بر اساس مطالب ارائه شده فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح ذیل می‌باشد:

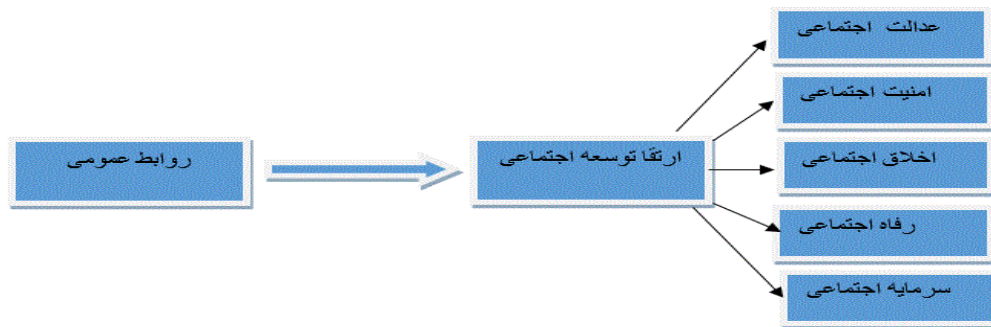
- ۱- تاثیر روابط عمومی بر توسعه اجتماعی مثبت و معنادار است.
- ۲- تاثیر روابط عمومی بر زمینه سازی بروز عدالت مثبت و معنادار است.
- ۳- تاثیر روابط عمومی بر زمینه سازی امنیت بخشی مثبت و معنادار است.
- ۴- تاثیر روابط عمومی بر زمینه سازی بروز اخلاق اجتماعی مثبت و معنادار است.
- ۵- تاثیر روابط عمومی بر زمینه سازی شکل گیری رفاه اجتماعی مثبت و معنادار است.
- ۶- تاثیر روابط عمومی بر زمینه سازی شکل گیری سرمایه اجتماعی مثبت و معنادار است.

با توجه به فرضیه‌های تحقیق، مدل تحقیق حاضر به شرح شکل زیر می‌باشد:

¹ Brunner & et.al

² Ferguson, M. A.

³ Sisson



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

پیشینه پژوهش:

الگوئا رویز و مارتینزاورتیز^۱ (۲۰۲۲)، در تحقیقی با عنوان " روابط عمومی در هزاره جدید: به سوی یک دیدگاه پانزده ساله (تحقیق در بررسی روابط عمومی در قرن بیست و یکم (۲۰۰۰-۲۰۱۴))" نشان دادند نویسندگان اصلی، دانشگاهها و کشورهای دارای بالاترین بهره‌وری و همچنین موضوعات غالب در این زمینه و تحول آنها در طول زمان، از جمله موضوعات مهم دیگر، شناسایی شده‌اند تا به مروری بر گذشته، حال و آینده عمومی کمک کنند. تحقیقات روابط عمومی از آنچه در این مجله در طول پانزده سال اول قرن بیست و یکم به آن پرداخته شد. با پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی به پایان می‌رسد.

ژانگ و ادگبالا^۲ (۲۰۲۲)، در تحقیقی با عنوان " هوش هیجانی و روابط عمومی: مروری تجربی" نشان دادند که تحقیقات موجود بیشتر بر هوش هیجانی به عنوان یک شایستگی حیاتی برای رهبری مؤثر و ارتباطات کارکنان در سازمانها متمرکز شده است. تحقیقات قابل توجهی نیز هوش هیجانی را به عنوان یک ضرورت برای مدیریت بحران و ارتباطات مؤثر مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه به بررسی نقش هوش هیجانی در حوزه‌های مختلف روابط عمومی مانند روابط رسانه‌ها و روابط اجتماعی، بهبود سنجش و کثرت‌گرایی روش‌شناختی در تحقیقات آینده، آموزش مبتنی بر هوش هیجانی برای رهبران روابط عمومی آینده و مدل EI حرفه‌ای‌گری در آموزش روابط عمومی می‌پردازد.

راس‌کوهن و اوویدار^۳ (۲۰۲۲)، در تحقیقی با عنوان " یک دهه از رسانه‌های اجتماعی در تحقیقات روابط عمومی: بررسی سیستماتیک مقالات منتشر شده در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰" درک بهتری از تحقیقات SM در زمینه روابط عمومی ارائه نمودند و جهت‌های آینده را برای تحقیقات SM، از جمله پلت‌فرم‌های

¹ Elgueta-Ruiz & Martínez-Ortiz

² Zhang & Adegbola

³ Roth-Cohen & Avidar



متنوع SM، داده‌های بزرگ، چالش‌های اخلاقی، و استفاده از SM در طول COVID-19 پیشنهاد می‌کنند.

وانگ و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، در تحقیقی با عنوان " هنگامی که روابط عمومی با رسانه‌های اجتماعی تلاقی می‌کند: بررسی سیستماتیک تحقیقات روابط عمومی مرتبط با رسانه‌های اجتماعی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ " نشان دادند روند تحقیقات روابط عمومی در سه مرحله توسعه رسانه‌های اجتماعی است. علاوه بر این، این مطالعه دستورالعمل‌هایی را برای تحقیقات روابط عمومی آینده شامل رسانه‌های اجتماعی ارائه می‌کند و خواستار مطالعات بیشتر در مورد اخبار جعلی در رسانه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی در برنامه‌های رسانه‌های اجتماعی و تأثیرگذاران رسانه‌های اجتماعی است. مفاهیم نظری و عملی یافته‌ها نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. بنک و وروی^۲ (۲۰۲۰)، در تحقیقی با عنوان " بازنمایی اجتماعی از فعالیت‌های روابط عمومی: برداشت از متخصصان روابط عمومی اولیه در آفریقای جنوبی " نشان دادند که اجرای نقش فعالان روابط عمومی آفریقای جنوبی (PRP) نه تنها ممکن است مستلزم ارتقای منافع افرادی باشد که به حاشیه رانده شده‌اند و از زمینه‌های اجتماعی کنار گذاشته شده‌اند، بلکه نیازمند حمایت از مشروعیت نقش فعال خود در زمینه‌های عملی نیز می‌باشد.

وایت و بوترایت^۳ (۲۰۲۰)، در تحقیقی با عنوان " اخلاق رسانه‌های اجتماعی در اقتصاد داده: مسائل مسئولیت اجتماعی برای استفاده از فیس‌بوک برای روابط عمومی " نگاه انتقادی مدل عملیاتی و استراتژی‌های ارتباطی فریبنده فیس‌بوک را بررسی کردند و چگونگی تأثیر استفاده از الگوریتم‌ها و هوش مصنوعی بر سهامداران را در نظر گرفتند. چارچوب‌های اخلاقی توضیح داده شده توسط محققان قبلی برای ارزیابی استانداردهای این حرفه به عنوان یک لنز نظری برای در نظر گرفتن پیامدهای مسئولیت اجتماعی استفاده از فیس‌بوک برای روابط عمومی استفاده می‌شود. محیط رسانه‌های اجتماعی به سرعت در حال تغییر است، که نیاز به در نظر گرفتن تأثیرات ناخواسته دارد.

جامه بزرگی و میگون پوری (۱۴۰۰)، در تحقیقی با عنوان " فرهنگ اکوسیستم کارآفرینی دانشگاهی، پیشران توسعه کارآفرینی اجتماعی " نشان دادند مقادیر R^2 در بعد فردی با (۰/۵۴۸)، بعد سازمانی با (۰/۵۵۵)، بعد آموزشی با (۰/۵۰۸)، بعد پژوهشی با (۰/۶۱۹)، بعد کسب و کار با (۰/۷۳۰) و بعد مدیریت با (۰/۶۱۹) واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. نتایج نشان داد فرهنگ اکوسیستم کارآفرینانه دانشگاهی می‌تواند به عنوان فضا و بستری برای توسعه کارآفرینی اجتماعی عمل نماید. ابعاد مختلف فرهنگ اکوسیستم، پیشران‌های توسعه کارآفرینی اجتماعی تلقی می‌شوند. بعد فردی با ایجاد انگیزه، اعتماد بنفس و شناسایی فرصت‌ها، بعد سازمانی با همکاری تیمی، برنامه‌ریزی و رفتار شهروندی، بعد آموزشی با کیفیت بخشی به آموزش و محتوا سازی مناسب، بعد کسب و کار با ریسک‌پذیری، خلاقیت، فرصت‌سازی

¹ Wang & et.al

² Benecke & Verwey

³ White & Boatwright



و بعد پژوهشی با کیفیت بخشی به پژوهش فن‌آورانه و با خلق ارزش اجتماعی به توسعه کارآفرینی اجتماعی کمک می‌نماید.

آذین‌فر و همکاران (۱۴۰۰)، در تحقیقی با عنوان " نقش مدیریت و استراتژی گرایش به بازار و ریسک شرکت‌های بورسی بر کارآفرینی و توسعه اجتماعی " نشان داد که گرایش به بازار شرکتها دارای رابطه مثبت و معناداری با ریسک سیستماتیک شرکتها می‌باشد و این در حالی است که این ارتباط برای ریسک غیرسیستماتیک منفی و معنادار به دست آمده است. نتایج به دست آمده در فرضیه دوم نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین گرایش به کارآفرینی با ریسک سیستماتیک، ریسک غیرسیستماتیک و بازده غیرعادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود داشته است. ضمن اینکه رابطه‌ای بین گرایش به بازار و بازده غیرعادی شرکتها به دست نیامده است.

سپنجی و عسکرنیا (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان " اخلاق حرفه‌ای در حوزه روابط عمومی و عملکردهای آن " نشان دادند از بعد برون‌سازمانی روابط عمومی‌ها برای رسیدن به مرز ماندگاری و پایداری در افکار عمومی باید صداقت، امانت و حقیقت را، که اساس یک ارتباط اخلاق‌مدار است، رعایت کنند. در همین مسیر، عدم تعهد به اجرای اخلاق و رفتار حرفه‌ای نیز تهدیدی برای مرگ سازمان تلقی می‌شود. در تحقیقات صورت گرفته در زمینه اخلاق حرفه‌ای سازمان‌ها، بر دوری از پنهان‌کاری و تمرکز بر اصل صداقت در روابط عمومی‌ها تاکید شده است. همچنین از بعد درون‌سازمانی نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که ساختار سازمانی یکی از عوامل موثر بر اخلاق حرفه‌ای بوده، از نظر کارکنان مهمترین عامل ضعف اخلاق، بی‌عدالتی‌های موجود در محیط کار است. از دیگر موارد یافته شده در این بررسی، توجه کمتر به جواخلاقی و اخلاق حرفه‌ای در محیط‌های سازمانی و وجود تبعیض نیز به عنوان مانع بزرگی در برابر تحقق اهداف سازمانی مطرح شده است.

نظقی (۱۳۹۷)، در کتاب روابط عمومی خود اشاره می‌کند، آدام اسمیت به مدیریت و جنبه‌های انسانی اقتصاد اهمیت می‌داد از نظر مدیریت و روابط عمومی او از تقسیم کار انتظار داشت که اغلب مسائل را حل کند. اعتقاد او بر این است که در نتیجه تقسیم کار بازدهی کار بیشتر می‌شود، زیرا اولاً هرکارگر با تکرار انجام دادن بخشی از کار در آن مهارت بیشتر بدست خواهد آورد و ثانیاً وقت بیهوده تلف نخواهد شد، زیرا پس از انجام دادن هر مرحله از کار تا آغاز مرحله دوم ناگریز مدتی فدا می‌شود.

ایزدپرست و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان " تاثیر تبلیغات بر رفتار مصرف‌کنندگان کتاب‌های ورزشی از طریق روابط عمومی و فروش شخصی " نشان دادند که بین تمامی مؤلفه‌های تبلیغات، روابط عمومی و فروش شخصی با رفتار مصرف‌کننده رابطه مثبتی وجود داشت؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد که روابط عمومی و فروش شخصی می‌توانند به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین تبلیغات و رفتار مصرف‌کنندگان کتاب‌های ورزشی نقش مثبتی داشته باشند. همچنین، نقش میانجی روابط عمومی و فروش شخصی در رابطه بین تبلیغات و رفتار مصرف‌کنندگان معنادار بود. به نظر می‌رسد که توجه به روابط



عمومی و فروش شخصی همزمان با تبلیغات، می‌تواند تأثیرات مثبت بیشتری بر رفتار مصرف کنندگان بگذارد.

خسروی (۱۳۹۵)، در کتاب خود با عنوان "روابط عمومی و ارتباطات؛ نظریه شخصیت و سازمان" اشاره می‌کند؛ نظریه شخصیت و سازمان از جمله رهیافت‌های منابع انسانی به مدیریت است. مجموعه آثار کریس آرجیس نمایانگر آن است که وی همانند مازلو و مگ گریگور بر این باور است که انسان یک کل منسجم و نظام یافته است. آرجیس در کتاب خود تحت عنوان "شخصیت و سازمان" ضمن مقایسه فعالیت‌های مدیریتی در سازمان‌های مراتبی و سنتی، با نیازها، توانایی‌های افراد بالغ، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که برخی اقدام‌ها و فعالیت‌ها که بویژه تحت تاثیر رهیافت‌های سنتی مدیریت انجام می‌پذیرد، با شخصیت افراد بالغ ناسازگارند.

روش پژوهش:

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی است زیرا نتایج حاصل از آن در رفع نیازها و حل مشکلات به کار می‌آید و نتایج حاصل از این پژوهش دارای کاربردی فراگیر و کلی است. روش به کار گرفته شده توصیفی - تحلیلی می‌باشد که به روش تحلیل عاملی تاییدی و تحلیل مسیر در مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌باشد. در این تحقیق جهت بعد نظری از روش کتابخانه‌ای (مقالات، متون اینترنتی، کتاب‌ها و غیره) استفاده خواهیم کرد و اطلاعات موردنیاز از طریق پرسش‌نامه و جمع‌آوری داده‌ها در میدان تحقیق استخراج می‌شود. با توجه به تعداد نمونه آماری به جمع‌آوری داده‌ها پرداختیم و داده‌های جمع‌آوری شده را داخل نرم‌افزار اکسل و سپس جهت انجام تحلیل‌های آماری وارد نرم‌افزار SPSS نمودیم. یکی از جدیدترین رویکردها در مدل‌سازی معادلات ساختاری روش پی ال اس می‌باشد که برای توزیع داده‌های نرمال و غیر نرمال استفاده می‌شود. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه پرسنل و کارکنان و مدیران صنایع و مشاوران شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد می‌باشد. حجم نمونه بر اساس جامعه آماری که شامل ۸۰۰ شرکت فعال بوده که با استفاده از فرمول کوکران، ۲۸۰ نفر به صورت تصادفی ساده تعیین شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، از پرسش‌نامه استفاده شده است که روایی آن به صورت روایی محتوا توسط خبرگان و روایی همگرا، روایی فورنل و لارکر و روایی سازه و ساختار توسط تحلیل عاملی تاییدی در نرم‌افزار اسمارت پی ال اس و پایایی آن با استفاده از ضریب پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ در نرم‌افزار اس پی اس تایید شده است. به منظور از آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف، جهت تست نرمال و از آزمون مدل‌یابی معادلات ساختاری جهت تأیید مؤلفه‌ها و اعتبار سنجی مدل استفاده شده است. پرسش‌نامه تحقیق حاضر به شرح جدول ذیل می‌باشد:



جدول ۲- پرسش‌نامه

مفهوم	مؤلفه	شاخص
ارتقاء توسعه اجتماعی	زمینه سازی بروز عدالت	۱- عدالت اقتصادی به چه میزان می‌تواند زمینه سازی بروز عدالت در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد باشد؟
		۲- عدالت فرهنگی به چه میزان می‌تواند زمینه سازی بروز عدالت در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد باشد؟
		۳- عدالت اجتماعی به چه میزان می‌تواند زمینه سازی بروز عدالت در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد باشد؟
امنیت بخشی		۴- امنیت اقتصادی به چه میزان می‌تواند امنیت در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد ایجاد کند؟
		۵- امنیت فرهنگی به چه میزان می‌تواند امنیت در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد ایجاد کند؟
		۶- امنیت اجتماعی به چه میزان می‌تواند امنیت در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد ایجاد کند؟
بروز اخلاق اجتماعی		۷- کمک به نظم اجتماعی به چه میزان می‌تواند منجر به بروز اخلاق اجتماعی در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۸- هویت بخشی اخلاق حرفه‌ای به چه میزان می‌تواند منجر به بروز اخلاق اجتماعی در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۹- ارزش گذاری به اخلاق حرفه‌ای- فرهنگی به چه میزان می‌تواند منجر به بروز اخلاق اجتماعی در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
شکل گیری رفاه اجتماعی		۱۰- کمک به حمایت اجتماعی به چه میزان می‌تواند منجر به شکل گیری رفاه اجتماعی در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۱۱- فراهم کردن و دسترسی اوقات فراغت به چه میزان می‌تواند منجر به شکل گیری رفاه اجتماعی در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
شکل گیری سرمایه اجتماعی		۱۲- فراهم کردن و دسترسی به خدمات به چه میزان می‌تواند منجر به شکل گیری رفاه اجتماعی در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۱۳- زمینه ساز اعتماد اجتماعی به چه میزان می‌تواند منجر به شکل گیری سرمایه اجتماعی در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۱۴- کمک به مشارکت اجتماعی به چه میزان می‌تواند منجر به شکل گیری سرمایه اجتماعی در شرکت‌های صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۱۵- مهیا سازی ارتباط اجتماعی به چه میزان می‌تواند منجر به شکل گیری



روابط عمومی	روابط عمومی	سرمایه اجتماعی در شرکتهای صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۱۶- اطلاع رسانی به چه میزان می تواند منجر به ارتقاء روابط عمومی در شرکتهای صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۱۷- شفاف سازی به چه میزان می تواند منجر به ارتقاء روابط عمومی در شرکتهای صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۱۸- توانمند سازی به چه میزان می تواند منجر به ارتقاء روابط عمومی در شرکتهای صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۱۹- آگاهی بخشی به چه میزان می تواند منجر به ارتقاء روابط عمومی در شرکتهای صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟
		۲۰- نیازسنجی به چه میزان می تواند منجر به ارتقاء روابط عمومی در شرکتهای صنعتی شهرستان اشتهارد شود؟

یافته‌های پژوهش:

یافته‌های آمار توصیفی نشان داد در جامعه آماری بیشترین گروه سنی را افراد ۳۶ الی ۴۰ به خود اختصاص داده‌اند. از نظر وضعیت تحصیلی، بیشترین افراد جامعه آماری افراد با میزان تحصیلات کارشناسی بوده و بیشترین فراوانی برای افراد با سابقه کاری ۶ الی ۱۰ سال با ۶۲.۵ درصد می‌باشد. همچنین متغیرها، همگی از مقدار قابل قبولی در شاخص میانگین در محدوده ۳ برخوردارند و با توجه به طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت در پرسش‌نامه، در صورتی که متغیر در این محدوده قرار داشته باشد، دارای وضعیت نسبتاً مطلوب در جامعه آماری می‌باشد. همچنین معیارهای چولگی و کشیدگی در محدوده بین اعداد ۳ و ۳- قرار دارد که پراکندگی داده‌ها را به صورت مطلوب نشان می‌دهد.

قبل از بررسی آمار استنباطی به بررسی پایایی و روایی پرسش‌نامه پرداخته شده است. جهت بررسی اعتبار پرسش‌نامه در گام نخست، تست پایایی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ و پایایی مرکب محاسبه شده است. در جدول زیر، پایایی مؤلفه‌های پرسش‌نامه مورد آزمون قرار گرفتند.

جدول ۳- پایایی مرکب و آلفای کرونباخ

متغیرهای تحقیق	پایایی مرکب	آلفای کرونباخ
توسعه اجتماعی	۰.۷۵	۰.۹۷
امنیت بخشی	۰.۷۲	۰.۸۱
بروز اخلاق اجتماعی	۰.۸۶	۰.۹۲
روابط عمومی	۰.۸۶	۰.۸۸



۰.۸۵	۰.۷۸	زمینه بروز عدالت
۰.۸۸	۰.۸۱	شکل‌گیری رفاه اجتماعی
۰.۸۵	۰.۷۷	شکل‌گیری سرمایه اجتماعی

با توجه به جدول فوق، ضریب پایایی همه مؤلفه‌ها بیشتر از ۰.۷ بوده که حاکی از همگونی مؤلفه‌های پرسش‌نامه است.

جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش در ابتدا به بررسی نرمال بودن متغیرها پرداخته می‌شود. بنابراین در ابتدا این شرط برای متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد که خلاصه نتایج آن در جدول زیر مشاهده می‌گردد:

جدول ۴- آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

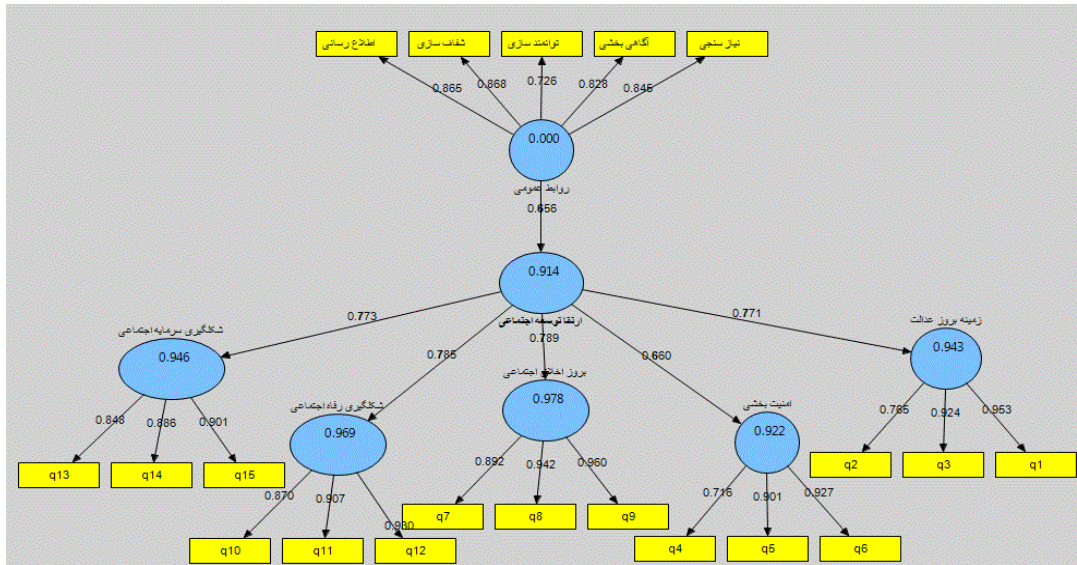
روابط عمومی	توسعه اجتماعی	شکل‌گیری سرمایه اجتماعی	شکل‌گیری رفاه اجتماعی	بروز اخلاقی اجتماعی	امنیت بخشی	زمینه سازی بروز عدالت	آماره آزمون
۰.۳۹	۰.۲۰	۰.۲۳	۰.۲۴	۰.۲۸	۰.۲۳	۰.۲۳	آماره آزمون
۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	سطح معناداری

مطابق جداول فوق سطح معنی‌داری آزمون، همگی کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌شود که توزیع داده‌ها تفاوت معناداری با توزیع نرمال دارد و لذا نرمال نمی‌باشد. و جهت آزمون فرضیات می‌توانیم از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده نماییم. جهت بررسی روایی سازه‌ای ابزار تحقیق و برازش الگوی اندازه‌گیری و مدل‌سازی معادلات ساختاری نرم‌افزار SmartPLS2 مدنظر قرار گرفت. مدل‌سازی معادلات ساختاری به دو بخش کلی تحلیل عاملی تأییدی جهت تأیید روایی سازه و ساختار و تحلیل مسیر جهت تأیید مسیرها تقسیم می‌شود. در قسمت اندازه‌گیری ارتباط نشانگرها یا همان سؤالات پرسش‌نامه با سازه‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در قسمت ساختاری ارتباط عامل‌های مورد بررسی با یکدیگر جهت آزمون مسیرها مورد توجه هستند. جهت تست و تأیید روایی سؤالات از تحلیل عاملی تأییدی و جهت تأیید مدل کلی از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده می‌شود.

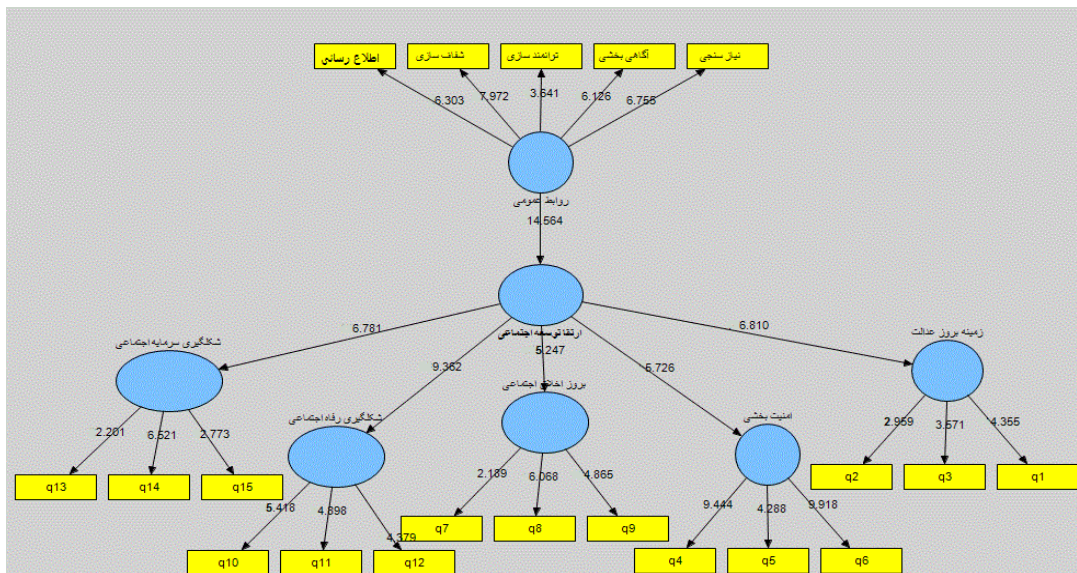


مدل مفهومی تحقیق در حالت ضرایب استاندارد:

شکل ۲- اندازه‌گیری مدل کلی در حالت استاندارد



مدل مفهومی تحقیق در حالت ضرایب معناداری:



شکل ۳- اندازه‌گیری مدل کلی در حالت معناداری



با توجه به شکل ۲، نتایج فرضیه ها به شرح جدول زیر می باشد:

جدول ۵- نتایج فرضیه ها

ردیف	فرضیه	ضریب مسیر	معناداری	نتیجه
۱	تأثیر روابط عمومی بر توسعه اجتماعی مثبت و معنادار است.	۰.۶۵۶	۱۴.۵۶۴	تایید فرضیه
۲	تأثیر روابط عمومی بر زمینه سازی بروز عدالت مثبت و معنادار است.	۰.۷۷۱	۶.۸۱۰	تایید فرضیه
۳	تأثیر روابط عمومی بر زمینه سازی امنیت بخشی مثبت و معنادار است.	۰.۶۶۰	۵.۷۲۶	تایید فرضیه
۴	تأثیر روابط عمومی بر زمینه سازی بروز اخلاق اجتماعی مثبت و معنادار است.	۰.۷۸۹	۵.۲۴۷	تایید فرضیه
۵	تأثیر روابط عمومی بر زمینه سازی شکل گیری رفاه اجتماعی مثبت و معنادار است.	۰.۷۸۵	۹.۳۵۲	تایید فرضیه
۶	تأثیر روابط عمومی بر زمینه سازی شکل گیری سرمایه اجتماعی مثبت و معنادار است.	۰.۷۷۳	۶.۷۸۱	تایید فرضیه

با توجه به جدول فوق، ضرایب معناداری از مقادیر خوبی برخوردار هستند زیرا همگی بیشتر از ۱.۹۶ می باشند. در نتیجه تمام فرضیه ها تایید می گردد.

بحث و نتیجه گیری:

در پژوهش حاضر جهت بررسی روابط بین مؤلفه ها نتایج نشان داد حوزه روابط عمومی با ضریب ۶۵ درصد تأثیر معناداری بر ارتقا توسعه اجتماعی در شرکت های صنعتی اشتهارد دارد. در اثرگذاری روابط عمومی بر مؤلفه های مربوط به ارتقا توسعه اجتماعی، بر مؤلفه زمینه سازی بروز عدالت با ضریب ۰.۷۷۱، بر مؤلفه زمینه سازی امنیت بخشی با ضریب ۰.۶۶، بر مؤلفه زمینه سازی بروز اخلاق اجتماعی با ضریب ۰.۷۸۹، بر مؤلفه زمینه سازی شکل گیری رفاه اجتماعی با ضریب ۰.۷۸۵، بر مؤلفه زمینه سازی شکل گیری سرمایه اجتماعی با ضریب ۰.۷۷۳، مثبت و معناداری را نشان می دهد. همچنین در سنجش میزان تناسب یا درجه برازش مدل تحقیق، نتایج اعتبار سنجی نشان داد شاخص برازش کلی مدل GOF مثبت بوده و شاخص نیکویی برازش (GOF) که دارای مقدار ۰.۸۴۸ است، برازش کلی مدل را مطلوب نشان می دهد. زیرا این مقدار بیش از ۰.۳۵ است، بنابراین نتیجه می شود که از مقدار مطلوبی برخوردار است. در نتیجه برازش کلی مدل تأیید می گردد.



در تبیین نتایج تحقیق با تحقیقات پیشین می‌توان گفت این نتایج با نتایج تحقیقات جامه بزرگی و میگون پوری (۱۴۰۰)، در حوزه توسعه کارآفرینی اجتماعی، آدین فر و همکاران (۱۴۰۰)، در حوزه کارآفرینی و توسعه اجتماعی، سپنجی و عسکرنیا (۱۳۹۸)، در حوزه روابط عمومی و عملکردهای آن، نطقی (۱۳۹۷)، در کتاب روابط عمومی، ایزدپرست و همکاران (۱۳۹۸)، در حوزه روابط عمومی و فروش شخصی، خسروی (۱۳۹۵)، در حوزه روابط عمومی و ارتباطات، الگوتا رویز و مارتینزاورتیز^۱ (۲۰۲۲)، در حوزه روابط عمومی در هزاره جدید، ژانگ و ادگبالا^۲ (۲۰۲۲)، در حوزه هوش هیجانی و روابط عمومی، راس کوهن و آوویدار^۳ (۲۰۲۲)، در حوزه رسانه‌های اجتماعی در تحقیقات روابط عمومی، وانگ و همکاران^۴ (۲۰۲۱)، در حوزه روابط عمومی و رسانه‌های اجتماعی، بنک و وروی^۵ (۲۰۲۰)، در حوزه بازنمایی اجتماعی از فعالیت‌های روابط عمومی، وایت و بوترایت^۶ (۲۰۲۰)، در حوزه اخلاق رسانه‌های اجتماعی در استفاده از فیس‌بوک برای روابط عمومی، همخوانی داشته همراستا می‌باشد.

پیشنهادات مبتنی بر یافته‌های تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

- ارزش‌گذاری و هویت بخشی به کارکنان در شرکت‌های صنعتی.
 - برقراری نظم اجتماعی در راستای بروز اخلاق اجتماعی در شرکت‌های صنعتی.
 - حمایت اجتماعی کارکنان جهت شکل‌گیری رفاه اجتماعی در شرکت‌های صنعتی.
 - توزیع عادلانه امکانات مالی، رفاهی، اقتصادی در بین کارگران.
 - ایجاد عدالت اقتصادی در بین کارکنان در شرکت‌های صنعتی و جوامع کارگری.
 - ایجاد عدالت فرهنگی جهت زمینه‌سازی بروز عدالت در شرکت‌های صنعتی.
 - ایجاد عدالت اجتماعی در بین کارگران و کارمندان و ایجاد بستر مناسب جهت ارتباط بیشتر کارگران.
 - حفظ امنیت اقتصادی کارکنان و توجه به ضرورت امنیت فرهنگی.
 - فراهم کردن و ایجاد دسترسی به اوقات فراغت و خدمات در راستای شکل‌گیری رفاه اجتماعی.
 - کمک به مشارکت قوی تر اجتماعی و مهیا سازی ارتباط اجتماعی در جوامع کارگری.
 - نیازسنجی اطلاعاتی کارگران در راستای بهبود روابط عمومی.
 - شفاف‌سازی و اطلاع رسانی صحیح اخبار و اطلاعات موجود در شرکت‌های صنعتی.
- پیشنهادها برای محققان آینده به شرح ذیل ارائه می‌گردد:
- ۱- پیشنهاد می‌گردد مدل ارائه شده در شرکت‌های صنعتی دیگر استان البرز پیاده سازی و اعتبار سنجی شود.

¹ Elgueta-Ruiz & Martínez-Ortiz

² Zhang & Adegbola

³ Roth-Cohen & Avidar

⁴ Wang & et.al

⁵ Benecke & Verwey

⁶ White & Boatwright



10.30495/JSCC.2023.20036



- ۲- پیشنهاد می‌گردد، با روش کیفی به شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های بیشتری از توسعه اجتماعی و فرهنگی پرداخته شود.
- ۳- پیشنهاد می‌گردد مدل تحقیق با استفاده از متغیر میانجی مشارکت کارکنان، فرهنگ سازمانی و تیم‌های کاری، بررسی شود.



منابع فارسی

- ابوالحسن تنهایی، حسین؛ ساروخانی، باقر؛ قورچیان، نادرقلی؛ ابراهیمی قلعه قاضی، عباس. (۱۳۹۵). ابعاد توسعه اجتماعی در قشم با تکیه بر نظریه پارسنز. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال ۷، شماره ۱، ۲۳۴-۲۲۵.
- آذین فر، کاوه؛ حسینی، سیدرضا؛ داداشی، ایمان؛ فلاح، رضا. (۱۴۰۰). نقش مدیریت و استراتژی گرایش به بازار و ریسک شرکت های بورسی بر کارآفرینی و توسعه اجتماعی. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۱۳، شماره ۱۴.
- ثلاثی، محسن. (۱۳۹۵). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، (لوئیس آلفرد کوزر) تهران، انتشارات علمی، صص ۵۰-۶۳.
- جامه بزرگی، محمدجواد؛ میگون پوری، محمدرضا. (۱۴۰۰). فرهنگ اکوسیستم کارآفرینی دانشگاهی، پیشران توسعه کارآفرینی اجتماعی. مجله مدیریت فرهنگی، سال ۱۴، شماره ۵۱.
- جعفری، فیروز و دیگران. (۱۳۹۹). تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای کشور بر مبنای شاخص‌های اجتماعی، ۱۲ (۱)، ۱-۲۸.
- خسروی، حسن؛ خسروی، سارا. (۱۳۹۳). روابط عمومی و ارتباطات، تهران: انتشارات مشق شب.
- رسولی، محمدرضا و هدایتی، محمدرضا. (۱۳۹۶). نقش خلاقیت و عوامل مؤثر بر آن در کارایی روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۷ (۲)، ۲۱۷-۲۴۲.
- سپنجی، امیرعبدالرضا؛ عسکرنیا، سارا. (۱۳۹۸). اخلاق حرفه‌ای در حوزه روابط عمومی و عملکردهای آن. رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصلنامه علمی، مقاله علمی پژوهشی، سال ۹، شماره ۱، ۱۲۵-۱۰۹.
- شهبازی، زهره؛ مبارکی، مهدی. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی در استان مرکزی. دوفصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، ۲۵۸-۲۲۷.
- محمودی، ایوب. سیف‌اللهی. سیف‌اله. شیری. طهمورث. رسول زاده اقدم. صمد. (۱۴۰۲). تحلیل و تبیین جامعه شناختی توسعه اقتصادی- اجتماعی و توسعه پایدار در ایران از سال ۱۴۰۰-۱۳۵۷. تغییرات اجتماعی- فرهنگی. ۲۰ (۲)، ۷-۳۵. doi:10.30495/jssc.2023.1961618.2026
- موسوی، سید ابراهیم. زینالی. مهدی. محمدی. احمد. پور کریم. یعقوب. (۱۴۰۲). نقش حسابداری مدیریت با رویکرد توسعه توان اجتماعی و شکستناپذیری. تغییرات اجتماعی - فرهنگی. ۲۰ (۲)، ۱۰۱-۱۲۶. doi: 10.30495/jssc.2023.1994317.2135
- نداف، مهدی؛ درزیان عزیزی، عبدالهادی؛ مسعودی، زینب. (۱۳۹۵). بررسی نقش رفتارهای روابط عمومی در عملکرد روابط عمومی و اعتماد اجتماعی (مورد مطالعه: بانک های استان خوزستان). فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۱، شماره ۲، ۲۲۲-۱۹۹.



10.30495/JSCC.2023.20036



نطقی، حمید، (۱۳۹۷). مدیریت و روابط عمومی، چاپ اول، مؤسسه انتشارات آگاه.

منابع لاتین

- Benecke, D. R., & Verwey, S. (2020). Social representation of PR activism: Perceptions of early career public relations professionals in South Africa. *Public Relations Review*, 46 (5), 101978.
- Brunner, B. R., Zarkin, K., & Yates, B. L. (2018). What do employers want? What should faculty teach? A content analysis of entry-level employment ads in public relations. *Journal of Public Relations Education*, 4 (2), 21-50.
- Cutlip, Scott. 2020. *The Unseen Power: Public Relations: A History* (Routledge Communication Series). London: Routledge.
- Elgueta-Ruiz, A., & Martínez-Ortiz, J. (2022). Public relations in the new millennium: Towards a synoptic view of fifteen years of research in *Public Relations Review* in the 21st century (2000-2014). *Public Relations Review*, 48 (2), 102175.
- Ferguson, M. A. (2018). Building theory in public relations: Interorganizational relationships as a public relations paradigm. *Journal of public relations research*, 30 (4), 164-178.
- Freberg, K., & Kim, C. M. (2018). Social media education: Industry leader recommendations for curriculum and faculty competencies. *Journalism & Mass Communication Educator*, 73 (4), 379-391
- Grunig, J. E., & Hunt, T (1984). *Managing public relations*. New York: Holt R. nehart & Winston.
- Guth, D. W., & Marsh, C. (2017). *Public relations: A values-driven approach* (6th ed.). New York: Pearson.
- Hurst, B., & Johnston, K. A. (2021). The social imperative in public relations: Utilities of social impact, social license and engagement. *Public Relations Review*, 47 (2), 102039.
- Holden, Erling; Linnerud, Kristin; Banister, David (2016). »The Imperatives of Sustainable Development«, Sustainable



10.30495/JSCC.2023.20036



- Development Published online in Wiley Online Library, (<https://doi.org/10.1002/sd.1647>).
- Kim, C., & Freberg, K. (2018). Social care and professional standards: Developing an ethical decision-making model. Presented at The Bridge Conference.
- Marsh, C. (2021). Echoes and shadows: Situating social licenses to operate within the six R's of public relations. *Public Relations Review*, 47 (1), 102015.
- Rex, Charlotte. 2015. Intercultural market studies (English), A reconceptualization of Grunig & Hunt's public relations models from a CCO perspective", Master Thesis, Copenhagen Business School.
- Roth-Cohen, O., & Avidar, R. (2022). A decade of social media in public relations research: A systematic review of published articles in 2010–2020. *Public Relations Review*, 48 (1), 102154.
- Sisson, D. C. (2017). Control mutuality, social media, and organization-public relationships :A study of local animal welfare organizations' donors. *Public Relations Review*, 43 (1), 179–189. <https://doi.org/10.1016/j.pubrev.2016.10.007>.
- Wang, Y., Cheng, Y., & Sun, J. (2021). When public relations meets social media:
A systematic review of social media related public relations research from 2006 to 2020. *Public Relations Review*, 47 (4), 102081.
- White, C. L., & Boatwright, B. (2020). Social media ethics in the data economy: Issues of social responsibility for using Facebook for public relations. *Public Relations Review*, 46 (5), 101980.
- Zhang, W., & Adegbola, O. (2022). Emotional intelligence and public relations: An empirical review. *Public Relations Review*, 48 (3), 102199.



The role of Sensory Perception Components on Promotion of the Sense of Place in the Historical Bazaar of Tabriz Community

Fatemeh Sadat Gheibi¹, Azadeh Shahcheraghi*², Alireza Bandarabad³
(Received:2024/00/00 - Final acceptance: 2024/00/00)

Abstract:

Sense of place is one of the most important social-urban concepts that leads to the formation of a unique relationship between humans and the environment which is bilinear relation. Perception is a mental process during which sensory experiences become meaningful and humans understand the relationships between things and the meanings of objects which feeling is the first step in this relationship. Thus, the present study, considering the importance of the sensory perception system in promoting the sense of place, studies the sensory perception process in the Tabriz historical Bazaar community. this study tries to answer the following question: what is the role of sensory components in promoting the sense of place in the Tabriz historical Bazaar community? What are the most important components of a sense in this regard? This research, based on the purpose, is of the applied type and based on the method, it is a survey. The method used in this research is a combination of quantitative and qualitative methods. To conduct theoretical studies and provide quality criteria and indicators, the method of collecting library information and using existing documents and for field studies, the methods of questionnaire, observation, focus on environmental information have been used. A case study of this research is Tabriz historical Bazaar community. The statistical population in this study includes users of Tabriz Bazaar, including Bazaars and pedestrians, who were selected in January 2022 to measure the sensory dimensions of the space using random sampling. The results show that the components of sensory perception have a significant effect on the sense of place in the Tabriz historical Bazaar community and among these components, chemical sense, sense of hearing and body sense have the highest correlation with the sense of place.

Keywords: Sensory perception, sense of place, social dynamics of Tabriz historical Bazaar.

¹ PhD student in Architecture, School of Civil Engineering, Architecture and Art, Tehran Islamic Azad University of Science and Research, Tehran, Iran. fatemeh.gheibi@srbiau.ac.ir

² Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Civil Engineering, Architecture and Art, Tehran Islamic Azad University of Sciences and Research, Tehran, Iran. (Corresponding author). shahcheraghi@srbiau.ac.ir

³ Associate Professor of Urban Planning Department, School of Architecture and Urban Planning, Central Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran. bandarabad@iauctb.ac.ir



نقش مؤلفه‌های ادراک حسی بر ارتقاء حس مکان در اجتماع بازار تاریخی تبریز

فاطمه‌سادات غیبی^۱، آزاده شاهچراغی^{۲*}، علیرضا بندرآباد^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰)

چکیده:

حس مکان از مهمترین مفاهیم اجتماعی-شهری است که موجب شکل‌گیری رابطه بی‌همتا بین انسان و محیط که رابطه‌ای دوسویه است می‌گردد. ادراک فرایندی ذهنی است که طی آن، تجارب حسی معنی‌دار شده و انسان روابط امور و معانی اشیاء را درمی‌یابد که احساس گام‌اول این ارتباط است. بدین‌ترتیب، پژوهش حاضر باتوجه به اهمیت نظام ادراکات حسی در ارتقاء حس مکان، به مطالعه فرایند ادراک حسی در اجتماع بازار تاریخی تبریز می‌پردازد. این پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به سؤال ذیل می‌باشد که: نقش مؤلفه‌های منظر حسی بر ارتقاء حس مکان در اجتماع بازار تاریخی تبریز چگونه است؟ مهم‌ترین مؤلفه‌های حس منظر در این راستا کدام است؟ این تحقیق، بر مبنای هدف، از نوع کاربردی و بر مبنای روش، پیمایشی می‌باشد. روش مورد استفاده در این پژوهش تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی است. برای انجام مطالعات نظری و ارائه معیارها و شاخص‌های کیفی، روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و مدارک موجود و برای انجام مطالعات میدانی از روش‌های پرسش‌نامه، مشاهده، تمرکز بر اطلاعات محیط استفاده شده است. نمونه‌موردی این پژوهش بازار تبریز می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش استفاده‌کنندگان از بازار تبریز شامل بازاریان و عابرن می‌باشد که در دی‌ماه سال ۱۴۰۰ شمسی جهت سنجش ابعاد حسی فضا و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد مؤلفه‌های منظر حسی تأثیر معناداری بر حس مکان در بازار تاریخی تبریز دارند و از بین این مؤلفه‌ها، حس شیمیایی، حس شنوایی و حس تنانه بیشترین هم‌بستگی را با حس مکان دارند.

واژگان کلیدی: ادراک حسی، حس مکان، اجتماع بازار تاریخی تبریز.

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. fatemeh.ghеibi@srbiau.ac.ir

^۲ دانشیار گروه معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). shahcheraghi@srbiau.ac.ir

^۳ دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران. bandarabad@iauctb.ac.ir



مقدمه

حس مکان در فضاهای شهری موجب شکل‌گیری رابطه خاص بین فرد و محیط می‌گردد و از جمله؛ مهمترین و ارزشمندترین معیارهای ارزیابی این فضاها است (دبده، ۱۳۹۹ الف: ۱). این حس در مقیاس‌های گوناگون مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد. ادراک محیطی فرایندی ذهنی-عینی است که با برقراری رابطه تعاملی با محیط حاصل می‌گردد (میرغلامی، آیشم، ۱۳۹۵: ۷۰). این فرایند ماهیتی پویا دارد و می‌تواند به خلق حس مکان در محیط بی‌انجامد (صمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶). ادراک نه تنها تشکیل‌دهنده تجربه دنیای پیرامونمان است بلکه به ما اجازه می‌دهد که درون محیط به فعالیت و عمل پردازیم (عباسی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۹۶). در علوم ادراک و شناخت محیط، بر اهمیت نظام‌های جهت‌دهنده محیط و نظام ادراکی انسان تأکید می‌شود. می‌توان گفت؛ احساس، گام نخست ارتباط انسان با محیط است و شامل دریافت اطلاعات از محیط به وسیله حواس چندگانه، تبدیل اطلاعات به صورت پیام‌های قابل انتقال به مغز و مخابره این اطلاعات به مغز است (پاکزاد، بزرگ، ۱۳۹۵: ۶۲). در حس کنایه وجود ندارد که چیزی بگوید اما مقصودش چیز دیگری باشد (هال و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۰). احساس به گونه‌ای منفعل حاصل می‌گردد و اساسی ۱۰۰ درصد فیزیولوژیک دارد. احساس با رفتار همانند نیست ولی می‌توان اثرات آن را در رفتار مشاهده کرد (ایروانی، خداینه‌ای، ۱۳۹۶: ۲۳-۲۴). مبحث ادراک حسی از آن جهت حائز اهمیت است که جهان پیرامون ما حاوی اطلاعات و محرک‌هاست و برای برقراری بهتر ارتباط با محیط، ضروری است این مفاهیم شناخته شوند (آتکینسون و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱). انسان برای برقراری ارتباط و تعامل مناسب با محیط کالبدی اطراف به دریافت و ادراک این اطلاعات نیازمند است (دبده، ۱۴۰۰: ۸۸). ادراک محیط فرایندی است که انسان از طریق آن داده‌های لازم را براساس نیاز از محیط پیرامون برمی‌گزیند (شرفی و دیگران: ۱۳۹۶: ۷۸). یکی از این محیط‌هایی که برای شهر حائز اهمیت است، بازار می‌باشد. در طول تاریخ، بازارهای سنتی ایران، با مجموعه‌ای وسیع از کاربری‌ها و بناهای جنبی، مرکز جنب‌وجوش شهرها و تعاملات اجتماعی بودند. در این بازارها علاوه بر انجام معاملات اقتصادی، بسیاری از رویدادهای اجتماعی، مذهبی و حتی سیاسی نیز رخ می‌داد. بازار مهمترین محور ارتباط و فضای شهری در شهرهای تاریخی ایرانی در گذشته به‌شمار می‌آمده است و همانند سایر پدیده‌ها در ابتدا فرم و عملکرد ساده‌ای داشته، لیکن به تدریج براساس نیازهای مکانی و زمانی تغییراتی یافته است (عباسی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۹۱).

اصطلاح حس مکان از ترکیب دو واژه حس و مکان تشکیل شده است. واژه حس در فرهنگ لغت آکسفورد ۳ معنای اصلی دارد اما واژه حس در این اصطلاح بیشتر به مفهوم عاطفه، محبت، قضاوت و تجربه کلی مکان یا توانایی فضا در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است. از دیدگاه روان‌شناسی محیطی انسان‌ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند (دبده، ۱۳۹۹ ب: ۱). این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی همذات‌پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد قابل تحقق است، این تعامل صمیمی و همذات‌پنداری، روح یا حس مکان نامیده می‌شود. از نظر روحی حس مکان، کاتالیزوری است که



باعث تبدیل شدن یک محیط به یک مکان می‌شود. تعلق مکانی به این معناست که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند تعریف می‌کنند. این ارتباط که به‌طور کلی حس مکان نامیده می‌شود مردم را به‌گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد (فلاحت، ۱۳۸۵).

باتوجه به مفهوم حس مکان در دیدگاه‌ها و سطوح مختلف، عوامل تشکیل‌دهنده حس مکان در ۲ گروه قرار دارد: (۱) عوامل ادراکی و شناختی: حس مکان ترکیبی پیچیده از معانی و نمادها و کیفیت‌هایی است که شخص یا گروه به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از فضا یا منطقه‌ای خاص ادراک می‌کنند. معانی و مفاهیمی که پس از ادراک مکان توسط فرد رمزگشایی می‌شود از عوامل ایجاد حس مکان هستند. حس مکان توانمندی فضا یا مکان در ایجاد حسی خاص نسبت به کلیت مکان است و با این حس مکان رابطه فرد با تمامی مفاهیم، اشخاص و سایر موضوعات موجود در آن مکان تأمین می‌شود. در این صورت مکان کلیتی می‌شود که مردم تمام فعالیت‌ها و اتفاقات را با آن می‌شناسد. (۲) عوامل کالبدی: از نظر فریتز استیل، مهمترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان شامل موارد زیر می‌باشد برپایه (جدول ۱). (میرغلامی، آیشم، ۱۳۹۵).

جدول ۱. عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان - (Schuls Norberg, 1997)

اندازه مکان	درجه محصوریت	تعداد	مقیاس	تناسب	مقیاس انسانی
فاصله	بافت	رنگ	بو	صدا	نوع بصری

باتوجه به مطالب مطرح شده در مورد مفهوم حس مکان و دیدگاه‌های مختلف در سطح فضاهای شهری می‌توان گفت مفهوم حس مکان در فضاهای شهری شامل ۴ مؤلفه است: مؤلفه کالبدی، ادراکی، اجتماعی و عملکردی. در فرایند ادراک محیط رابطه‌ای ۲ سویه میان ویژگی‌های محیط و ادراک، شناخت، ارزیابی و رفتار انسان وجود دارد (گلکار، ۱۳۸۷). در مرحله ادراک، محیط شهری هندسه و ویژگی‌های محسوس مانند: ویژگی‌های بصری، صوتی، لمسی و بویایی را در معرض حواس انسان قرار می‌دهد (دبده، صدیق، رضوان پناه، ۱۴۰۱: ۹۹). در این مرحله، اطلاعات محیطی در قالب منظر (عینی، صوتی، بویایی، چشایی و لمسی)، توسط حواس پنج‌گانه مورد ادراک قرار می‌گیرند که در مجموع منظر حسی محیط را شکل می‌دهند (لطفی، زمانی، ۱۳۹۴: ۴۵). شهر قلمروی مناظر و فرصت‌های حسی است که فرد با زمینه‌ای که مکان خود را در آن تعریف می‌نماید، تعامل برقرار می‌کند (Picker, 2003). در طول تاریخ همواره صاحب‌نظران و اندیشمندان بسیاری از جمله: موریس مرلوپوتتی؛ بر لزوم توجه به تجارب حسی در فضاهای شهری تأکید کرده و تسلط بیش از حد حس بینایی را به چالش کشیده‌اند. یان بنتلی؛ نقش حواس در فضاهای شهری را با نوان کیفیت غنای حسی معرفی کرده و پرداختن به حواس غیربصری را عاملی مهم در طراحی شهری می‌داند. مکان‌ها باتوجه به نشانه‌های حسی مورد علاقه یا نفرت قرار می‌گیرند. مردم در شرایط سنی، جنسی، فرهنگی و اجتماعی مختلف، محیط را به لحاظ حسی به روش‌های مختلفی درک و ارزش‌گذاری می‌کنند. برای هریک از قلمروهای حسی، کدهای فرهنگی وجود دارد. یک بو می‌تواند در فرهنگی شیرین و

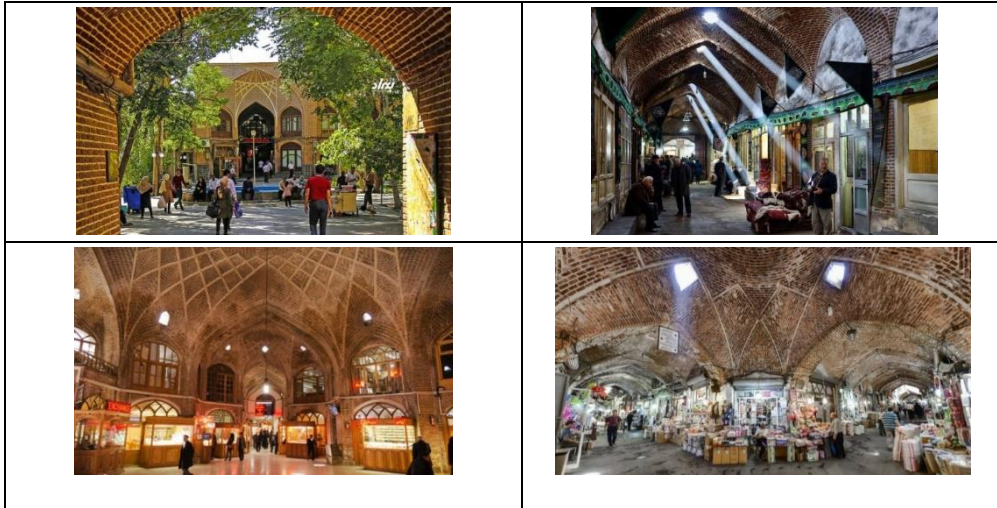


آرام‌بخش و در دیگری ترس‌آور باشد. سکوت ممکن است احساسی آرامش‌بخش برای یک فنلاندی و غرضی سهمگین برای یک تایلندی باشد. در شمال اروپا، مردم تمایل کمتری به لمس یکدیگر و در جنوب تماس فیزیکی بیشتری دارند. نکته مهم این است که با وجود اختلافات در تفاسیر، توافق گسترده‌ای بر اهمیت حواس در سراسر زمان‌ها و فرهنگ‌ها وجود دارد (Landry, 2008). بنابراین می‌توان مدعی شد که منظر حسی و میزان توجه به ادراک از طریق حواس مختلف انسان در فرایند طراحی فضا، از معیارهای سنجش کیفیت فضا در محیط است.

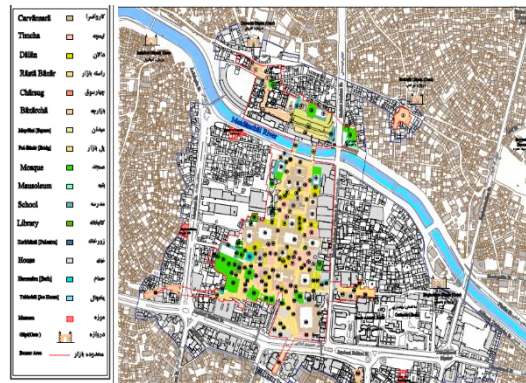
بازار تاریخی تبریز به‌عنوان یکی از ارزنده‌ترین بازارهای ایرانی در مسیر جاده تاریخی ابریشم واقع شده و در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است این بازار یکی از مهمترین عناصر و هسته اصلی شهر دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است و یکی از نشانه‌های وسعت اهمیت و بزرگی شهر تبریز به‌شمار می‌آید (Navari et al. 2008).

بازار تاریخی تبریز با حدود یک میلیون مترمربع مساحت ۷۰ هکتار حریم و ۳۰ هکتار عرصه شایسته عنوان بزرگترین سازه سرپوشیده جهان است مجموعه بازار تبریز شبکه ارتباطی متشکل از تعدادی راسته‌های موازی و متقاطع دارای کشیدگی شمالی-جنوبی است و از لحاظ ریخت‌شناسی جزء بازارهای چندمحوری محسوب می‌شود این بازار نه تنها به صورت خطی گسترده نشده بلکه با شکل‌گیری چندین راسته اصلی و راسته‌های فرعی در چهار جهت گسترش پیدا کرده است مجموعه بازار تاریخی تبریز به‌عنوان یکی از بزرگترین بازارهای جهان دربرگیرنده بخش‌های مهم چون مساجد، مدارس، تیمچه‌ها، دالان‌ها، راسته‌ها، بازارچه‌ها، سراها و کاروانسراها، یخچال، حمام و پل بازارهاست که متأثر از تنوع فعالیت‌ها و شرایط محیطی شکل گرفته است. این بازار متشکل از راسته‌های اصلی و فرعی و اشکال مختلف در فضاهای باز و بسته سرپوشیده و سرباز با طاق‌ها و نورگیرها و کاربردی‌های زیبا است و تمام راسته‌بازارها، دالان‌ها، کاروانسراها و تیمچه‌ها به هم پیوسته بوده و بخش وسیعی از شهر تبریز را فراگرفته است (تصویر ۱ و ۲).





تصویر ۱- نماهایی از بازار تاریخی تبریز- (مأخذ: غیبی، ۱۴۰۱)



تصویر ۲- نقشه بازار تبریز، مأخذ: سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری

پژوهش حاضر باتوجه به اهمیت نظام ادراکات حسی در ارتقاء حس مکان، به مطالعه فرایند ادراک حسی در بازار تاریخی تبریز می پردازد. درصدد نیل به هدف موردنظر، یعنی تبیین نقش مؤلفه های منظر حسی بر ارتقا حس مکان در بازار تاریخی تبریز و همچنین معرفی مهمترین مؤلفه های حس منظر در این راستا، پژوهش حاضر انجام یافته است.



روش تحقیق:

پژوهش حاضر که به بررسی نقش مؤلفه‌های منظر حسی بر ارتقای حس مکان می‌پردازد، برمبنای هدف، از نوع کاربردی و برمبنای روش، پیمایشی است. روش مورد استفاده در این پژوهش تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی است. برای انجام مطالعات نظری و ارائه معیارها و شاخص‌های کیفی، روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و مدارک موجود و برای انجام مطالعات میدانی از روش‌های پرسش‌نامه، مشاهده، تمرکز بر اطلاعات محیط استفاده شده است. در آغاز پژوهش سؤال به این صورت مطرح بود که آیا ادراک حسی و مؤلفه‌های آن در ارتقاء حس مکان تأثیر دارند و میزان آن‌ها چقدر بوده است؟ در ادامه روند پژوهشی ثابت شد که ارتباط معناداری بین این مؤلفه‌ها و حس مکان وجود دارد به این معنا که مؤثر واقع هستند. باهدف تعیین مؤلفه‌های مؤثر در ارتقاء حس مکان و همچنین معرفی مؤلفه‌هایی که بیشترین تأثیر را دارند؛ هر کدام از عوامل ادراک که براساس تعریف و تدقیق موارد در قسمت مبانی نظری تعیین گردید موردآزمون قرار گرفت و میزان تأثیرگذاری هر کدام براساس اظهارات جامعه آماری بازار تاریخی تبریز و تحلیل و بررسی نتایج در محیط برنامه "SPSS"، استخراج گردید.

نمونه‌موردی این پژوهش بازار تاریخی تبریز می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش استفاده‌کنندگان بازار تبریز شامل بازاریان و عابران می‌باشد که در دی‌ماه ۱۴۰۰ شمسی، جهت سنجش ابعاد حسی فضا و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که با بررسی تعداد مغازه موجود در مسیر مطالعه و همچنین با توجه به ثابت نبودن جمعیت عابران، حجم نمونه به صورت تقریبی در حدود ۳۷۴ نفر به دست آمد. با توجه به احتمال ناآشنا بودن عابران با بازار تبریز و هدف پژوهش، پژوهشگران در طول مسیر با ایشان همراهی و راهنمایی نمودند تا پاسخ پرسش‌نامه را براساس طیف لیکرت ۵ امتیازی پاسخ دهند.

بررسی ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌گویان نشان داد که به لحاظ توزیع جنسی ۲۸/۱ درصد از پاسخ‌گویان زن و ۷۱/۹ درصد از پاسخ‌گویان مرد هستند؛ به لحاظ توزیع سنی ۶/۱ درصد از پاسخ‌گویان زیر ۲۶ سال و ۵۳/۲ درصد ۲۶ تا ۴۵ سال و ۳۲/۱ درصد ۴۶ تا ۶۵ سال و ۸/۶ درصد هم بالای ۶۵ سال هستند؛ به لحاظ توزیع تحصیلات ۱۹/۵ درصد پاسخ‌گویان زیر دیپلم، ۳۱/۶ درصد دیپلم، ۱۱/۲ درصد فوق دیپلم، ۱۹/۵ درصد لیسانس، ۱۵/۸ درصد فوق لیسانس و نهایتاً ۲/۴ درصد دکتری می‌باشد؛ به لحاظ توزیع شغلی ۱۰/۹ درصد پاسخ‌گویان شغل خود را بی‌کار، ۷ درصد خانه‌دار، ۵/۹ درصد دانشجو، ۱۳/۹ درصد آزاد، ۵۶/۴ درصد بازاری و ۱۲ درصد دولتی و ۲/۹ درصد بازنشسته عنوان داشته‌اند برپایه (جدول ۲).



جدول ۲- فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش- (مأخذ: غیبی، ۱۴۰۲)

شاخص		فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی معتبر	فراوانی تجمعی
توزیع جنسی	زن	۱۰۵	۲۸.۱	۲۸.۱	۵۷.۳
	مرد	۳۶۹	۷۱.۹	۷۱.۹	۱۰۰.۰
	جمع	۳۷۴	۱۰۰.۰		
توزیع سنی	زیر ۳۶	۲۳	۶.۱	۶.۱	۶.۱
	۳۶ تا ۴۵	۱۹۹	۵۳.۲	۵۳.۲	۵۹.۳
	۴۶ تا ۶۵	۱۲۰	۳۲.۱	۳۲.۱	۹۱.۴
	بالای ۶۵	۳۲	۸.۶	۸.۶	۱۰۰
جمع	۳۷۴	۱۰۰.۰	۱۰۰		
توزیع تحصیلات	زیردیپلم	۷۳	۱۹.۵	۱۹.۵	۱۹.۵
	دیپلم	۱۱۸	۳۱.۶	۳۱.۶	۵۱.۱
	فوق‌دیپلم	۴۲	۱۱.۲	۱۱.۲	۶۲.۳
	لیسانس	۷۳	۱۹.۵	۱۹.۵	۸۱.۸
	فوق‌لیسانس	۵۹	۱۵.۸	۱۵.۸	۹۷.۶
	دکتری و بالاتر	۹	۲.۴	۲.۴	۱۰۰.۰
	جمع	۳۷۴	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	

در مورد پایایی این تحقیق، در تحلیل هم‌خوانی درونی، آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰/۷۷۱ به دست آمد. نیز تمامی حوزه‌های پرسش‌نامه از ضرایب استاندارد پایایی بین ۰/۷۱۳ تا ۰/۸۱۱ را برخوردار بودند. این پژوهش به منظور بررسی نقش مؤلفه‌های منظر حسی بر ارتقاء حس مکان در بازار تاریخی تبریز از دیدگاه کسبه و رهگذران در مجموعه بازار تاریخی تبریز انجام گرفت. با بررسی ادبیات تحقیق، ۵ مؤلفه منظر حسی شامل؛ حس بصری، شنوایی، شیمیایی، تنانه و زمان، استخراج گردید. در ادامه جهت سنجش رابطه و تأثیر این مؤلفه‌ها بر حس مکان، پرسش‌نامه‌ای با ۳۸ سنجح طراحی گردید. برای سنجش روایی و پایایی پرسش‌نامه به ترتیب از روایی صوری و روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای بررسی روایی، سؤالات اولیه پرسش‌نامه در اختیار متخصصان قرار گرفت که با اعمال برخی نظرات اصلاحی مورد تأیید قرار گرفت؛ همچنین برای سنجش پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد به این صورت که تعداد ۳۰ پرسش‌نامه توسط کسبه بازار تکمیل ضریب آلفای کرونباخ استاندارد شده برای مؤلفه‌ها و سنجح‌های پرسش‌نامه در نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید. ضریب مذکور برای سنجح‌ها و مؤلفه‌ها ۰/۷۷۱ به دست آمد باتوجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ بین ۰ تا ۱ نوسان دارد هرچه این ضریب به عدد ۱ نزدیکتر باشد نشان‌دهنده هم‌سازی بیشتر گویه‌های یک مقیاس است از این رو پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق در سطح خیلی خوب تأیید شد.

آزمون تی (آزمون میانگین جامعه) برای تشخیص تأثیر یا عدم تأثیر متغیر در وضعیت مورد بررسی استفاده می‌شود. طوری که اگر میانگین هر متغیر از حد معینی (میانگین عددی)، بیشتر باشد، آن متغیر در پدیده مورد نظر (حس مکان)، مؤثر تلقی می‌شود بر پایه (جدول ۳ و ۴).



جدول ۳ و ۴- آمار توصیفی هر یک از مؤلفه‌ها- (مأخذ: غیبی، ۱۴۰۰)

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین انحراف استاندارد
عوامل بصری	۳۷۴	۳.۰۵	۰.۵۶۹۴۱	۰.۰۲۹۴۴
عوامل شنوایی	۳۷۴	۲.۸۶	۰.۵۸۲۲۵	۰.۰۳۰۱۱
عوامل شیمیایی	۳۷۴	۲.۹۴	۰.۶۲۴۴۸	۰.۰۳۲۲۹
عوامل تنی	۳۷۴	۲.۹۱	۰.۷۷۹۳۸	۰.۰۴۰۳۰
عوامل زمان	۳۷۴	۳.۰۱	۰.۷۵۰۷۱	۰.۰۳۸۸۷

ارزش آزمون-۲.۵						
متغیرها	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین هر متغیر با عدد ۲/۵	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	
					حد پایین	حد بالا
عوامل بصری	۱۸۸.۰۲	۳۷۳	۰.۰۰۰	۰.۵۵۳۶۰	۰.۴۹۵۷	۰.۶۱۱۵
عوامل شنوایی	۱۲.۱۷۱	۳۷۳	۰.۰۰۰	۰.۳۶۶۴۲	۰.۳۰۷۲	۰.۴۲۵۶
عوامل شیمیایی	۱۳.۸۶۲	۳۷۳	۰.۰۰۰	۰.۴۴۷۶۱	۰.۳۸۴۱	۰.۵۱۱۱
عوامل تنی	۱۰.۳۸۰	۳۷۳	۰.۰۰۰	۰.۴۱۸۳۲	۰.۳۳۹۱	۰.۴۹۷۶
عوامل زمان	۱۳.۳۶۹	۳۷۳	۰.۰۰۰	۰.۵۱۹۶۶	۰.۴۴۲۲	۰.۵۹۶۱

یافته‌های پژوهش:

طبق مطالعات صورت گرفته منظر حسی در ۵ بعد شامل منظر بصری، صوتی، شیمیایی، تنانه و زمان به شرح زیر جمع‌بندی شد و در نهایت مدل مفهومی و الگوی تحقیق تعیین گردید. منظر بصری عبارت است از آنچه در فضای شهری توسط چشم دیده می‌شود (لطفی، زمانی، ۱۳۹۳: ۴۵). حس بینایی توانایی درک و تفسیر محیط با استفاده از نور مرئی منعکس شده از اجسام است. انسان‌ها معمولاً بیشتر اطلاعات محیطی را از راه حس بینایی کسب می‌کنند (Cohen, ۱۹۹۷: ۴۸). منظر بصری بالاترین موقعیت در رتبه‌بندی حواس و اصلی‌ترین نقش در نمایش و ادراک فضای شهری دارد (Simon, 1993). بینایی آخرین حس است که تکامل یافته و به مراتب پیچیده‌ترین حس می‌باشد (هال، ۱۳۸۵: ۵). حواس زیرمجموعه حس بینایی، ۲ حس رنگ و روشنایی است. برپایه (جدول ۵).



جدول ۵- عناصر مؤثر بر ادراک حس بینایی، عوامل ایجاد غنای بینایی، کیفیت ایجاد شده توسط مؤلفه‌های منظر بصری، (مأخذ: نگارنده، برگرفته از پژوهش-عباسی و دیگران، ۱۳۹۷)

عناصر مؤثر بر ادراک حس بینایی	رنگ (سلول‌های مخروطی)	این سلول‌ها در نور زیاد تحریک می‌شوند. دسته اول رنگ‌های ثابت شامل رنگ بدنه‌ها و اجزای بنا و دسته دوم رنگ‌های متغیراند	
	روشنایی (سلول‌های میله‌ای)	سلول‌های میله‌ای در نور کم تحریک می‌شوند	
	حرکت	دسته اول عناصر متحرکی مانند: انسان، خودرو و حیوانات عامل بعدی مسیرهای حرکتی	
	انواع زیبایی و زشتی‌های محیط	حضور مراتب مختلف زیبایی ظاهری و باطنی فضای مادی	
	مناظر عمومی محیط زندگی	ارتباط ارگانیک بنا با بافت شهر	
	مناظر طبیعی و مصنوع	عناصر طبیعی مانند آب، باد، خاک، گیاه و نور مصنوع	
	افق دید و عمق	متمرکز کردن دید و ایجاد توجه به مناظر خاص	
	جنس اجزاء موجود در محیط	مصالح بوم‌آورد و متنوع	
	عوامل ایجاد غنای بینایی	عناصر متنوع	
		عناصر شاخص	
کیفیت‌های بصری کالبد همچون: رنگ، بافت و فرم			
کیفیت ایجاد شده توسط مؤلفه‌های منظر بصری	تنوع بصری	تنوع در رنگ، فرم تنوع و جزئیات طراحی در فرم و کالبد	
	نوذپذیری بصری	قابلیت رویت فضا، دید به عناصر شاخص، استفاده از حداقل دیوارها	
	هویت کالبدی	وجود نشانه‌های شاخص و مناظر بصری	
	تشخیص و خوانایی	دید بصری مطلوب به نشانه‌ها و فضاها	
	تناسبات بصری و فضایی	عدم وجود اغتشاشات بصری و عناصر الحاقی، وجود مناظر	
	رنگ تعلق	عناصر و جزئیات شخصی قابل رویت در فضاهای همگانی	

منظر صوتی (شنوایی) صدا تغییر در فشار هوایی است که به وسیله حرکات موجی شکل مولکول‌های هوا ناشی از لرزش اشیاء پدید آمده‌است. منظر صوتی عامل تمایز مناطق شهری و قومیت، جنسیت و رفتار اجتماعی است (Steward, 2007 Cowen). انرژی امواج صوتی منشأ ادراک حسی هستند و درک آن به صورت صدا یا الگوهای مشخصی از زیروبمی، ریتم، ضرب‌آهنگ و طنین است (باچ، درستکار، بل، ۱۳۹۶: ۲۶۸). حس شنوایی تجربه و درک فضا را پی‌ریزی و بیان می‌کند. صدا به فضا پویایی و تحرک می‌بخشد. صداها، سیگنال‌ها و نشانه‌های صوتی یک مکان مشخص نشان‌دهنده هویت یک جامعه است (Peter et al. 2013). برپایه (جدول ۶).

جدول ۶- عناصر مؤثر بر ادراک حس شنوایی، عوامل ایجاد غنای شنوایی، کیفیت ایجاد شده توسط مؤلفه‌های منظر شنوایی- (مأخذ: غیبی، ۱۴۰۰)

منظر شنوایی	عناصر مؤثر بر ادراک حس شنوایی	صداهای زنده	دایم	فعالیت‌های انسان مثل دوره گردها، دست فروش‌ها و فروشندگان
			موقت	پدیده‌های طبیعی مثل رعد و صدای پرندگان و باد صدای حرکت ماشین در معابر بازی‌های کودکان در معابر متصل
		صداهای ضبط شده	دایم	حرکت و ریزش آب ناشی از فواره‌ها و حوض‌های داخل کاروان‌سراها
			موقت	صداهای فعالیت‌های مخصوص در هر قسمت از بنا فعالیت‌های مذهبی مانند صدای اذان



صدای قرآن			
مراسم و اعیاد مذهب			
تنوع اصوات			عوامل شنوایی
نقش نشانه‌ای اصوات			
فعالیت روزمره مردم (کافهها، مکالمات و غیره)			
صداهای هوشمند			
صداهای مطلوب و متنوع در فضا (طبیعی و مصنوعی)، موسیقی	تنوع شنوایی		کیفیت ایجاد شده توسط موقف‌های شنوایی
قابلیت تشخیص فضا با استفاده از صدای قابل شنیدن در آن	خوانایی		
وجود صداهای مطلوب و خوشایند محیطی و طبیعی	خاطره انگیزی		
کاهش صداهای نامطلوب و اغتشاشات صوتی مانند ترافیک آژیر اتوبیله‌ها و غیره	آرامش		
ریتم صوتی توسط عناصر معماری	هویت منحصر به فرد		
صدای منحصر به فرد زمینه‌ای در فضا مانند چکش قلم‌زنی، پنبه‌زنی	حس تعلق		
صداهای منحصر به فرد زمینه‌ای در فضا، صداهای مطلوب و خوشایند			

منظر شیمیایی با انفعالات شیمیایی و ایجاد خاطره‌انگیزی و شکل‌گیری احساسات قوی در فرد همراه است (Porteos, 1985). حواس زیرمجموعه این حس به دلیل وجود گیرنده‌های مجزاء برای هریک شامل ۳ حس چشایی، بویایی و دریافت شیمیایی است که هریک زیرمجموعه‌ای دارند.

منظر چشایی: بو با مزه در ارتباط است. (Degen, 2008) حواس زیرمجموعه این حس، به دلیل وجود انواع متفاوت گیرنده‌های زبان، شامل شش حس، شیرینی و شوری (نوک زبان)، تلخی (عقب زبان)، ترشی (کناره‌های زبان)، گوستی (گلوتامات عامل اصلی این طعم بوده؛ تشخیص پروتئین و چربی گیرنده‌های شیمیایی در جوانه‌های چشایی روی زبان)، است (Rogowski, 2016: 27).

حس بویایی عبارت از محرک‌هایی است که گیرنده‌های مخاط بینی را تحریک و به مغز منتقل می‌کنند. جریان مداوم منظر بویایی از طریق تنفس جنبه‌ای جداناپذیر از فضا است (Engen, 1979, Henshaw, 2013). با استفاده از حس بویایی، درک قوی از مکان و موقعیت به‌هنگام شناسایی فضا ایجاد می‌شود. اصطلاح منظر بویایی برای توصیف کلیت چشم‌انداز بویایی استفاده شده که هردو بوهای عارضی-ضمنی (پس‌زمینه یا محدود به زمان)، و غیرارادی-اجتناب‌ناپذیر را دربرمی‌گیرد. منظر بویایی گذرا و توصیف آن در قالب کلمات دشوارتر از ابعاد صوتی و بصری محیط است (Classen et al. 1995). حساسیت متفاوت افراد به بوها (بسته به فرهنگ و وضعیت فیزیولوژیکی)، در ارتباط با گیرنده‌های بویایی-چشایی (احساس مرکب)، است (شاهچراغی، بندرآباد، ۱۳۹۴: ۱۵۹). در زمان افلاطون بو به دو گروه خوشایند و ناخوشایند؛ در زمان ارسطو و بعد از آن به انواع معطر (گیاهان)، عطری (گل‌ها)، بسیارمطبوع (مشک)، دفع‌کننده و تهوع‌آور طبقه‌بندی شده است (Corbin, 1988, Landry 2006) با ابداع کارخانه‌ها و اضافه شدن بوهای جدید به شهرها مناطق مسکونی و گروه‌های اجتماعی شهرهای مدرن تمایز یافتند. (Degen, 2008) حواس زیرمجموعه این حس، به دلیل وجود انواع متفاوت از گیرنده‌های بویایی و تنوع در واکنش‌های شیمیایی، شامل ۱۱ حس: مصالح، شیمیایی، دره‌های آزاد، میوه، غذا، ادویه، نامطبوع، معمولی، گوشت، سبزی و بدن است. (Keller, Vosshall, 2004: 4)



حس دریافت شیمیایی متضمن کشف هورمون‌ها و مواد شیمیایی موجود در خون است و محرک‌های شیمیایی را شامل می‌شود، حواس زیرمجموعه این حس، به دلیل تنوع در محرک‌های شیمیایی، شامل ۵ حس: گرسنگی، سیری، تشنگی، تهوع و خفگی است (Myers, ۲۰۱۷: ۲). برپایه (جدول ۷).

جدول ۷- عناصر مؤثر بر ادراک حس شیمیایی، عوامل ایجاد غنای شیمیایی، کیفیت ایجاد شده توسط مؤلفه‌های منظر شیمیایی- (مأخذ: غیبی، ۱۴۰۲)

عناصر مؤثر بر ادراک حس شیمیایی	بوایی	طبیعی	
		فضای سبز، یازدگی و آب‌پاشی روی محیط (بوی رطوبت و مصالح مصرفی)	
چشایی	مصنوعی	کاربری‌ها و خدماتی مثل رستوران، غذاخوری و غیره	
	نوشیدنی و خوردنی	سرو غذا و نوشیدنی	
بوایی	انواع حس چشایی	شامل ۶ حس، شیرینی، شوری، تلخی، ترشی، گوشتی و چربی	
	آیینی	برخی غذاها مثل نذری یا شرکت در برخی آیین‌ها	
عوامل ایجاد غنای شیمیایی	بوایی	تنوع بوایی	
		نقش نشانه‌ای بو	
		بوهای خاطره انگیز	
	چشایی	بوهای مطلوب	
منظر شیمیایی	چشایی	محرک‌های چشایی هوشمند	
		حس تعلق	بوهای منحصر به فرد زمینه‌ای فضا، بوهای مطلوب محیطی و طبیعی
	بوایی	تنوع بوایی	بوی عناصر طبیعی مانند خاک و کاربری‌هایی چون ناوایی
		نقش انگیزی (خاطره)	نشانه‌دار بودن فضاها و مسیرها با بوی عناصر و کاربری‌های خاص، مصالح دارای بو (خاک و کاهگل)
		خوانایی	تشخیص فضا با استفاده از بوی قابل استشمام در آن
		هویت منحصر به فرد	بوی منحصر به فرد زمینه‌ای در فضا (مطاری، سبزی‌فروشی، شیرینی‌پزی و غیره)، و مصالح بودار خاک و کاهگل
	چشایی	تنوع چشایی	کاربری‌های مختلف غذا و نوشیدنی در اغذیه‌فروشی، رستوران، کافه تریا وجود درختان و گیاهان میوه‌دار
		خوانایی	تشخیص فضا با استفاده از غذاها و نوشیدنی‌های خاص
		(خاطر انگیزی)	وجود درختان و گیاهان میوه‌دار و قابل استفاده عموم در فضاهای شهری
		حس تعلق	کاشت درختان میوه‌دار در باغچه‌ها و جلو خان‌ها
		حس تعلق	امکان چشیدن محصولات خاص و منحصر به فرد

منظر تنانه: پوست نخستین وسیله ارتباطی و کاراثرین محافظ ماست. دست‌ها، پاها، لب‌ها، صورت و پوست واسطه تماس درون و بیرون هستند (Dege ۲۰۰۸). منظوراز حواس تنانه حواسی است که در دسته اول حس لامسه یا بساواایی بوده و از طریق تماس مستقیم بدن با محیط، محرک‌ها را از فاصله نزدیک یا درون بدن حس می‌کند. تفاوت این حس با سایر حواس در پراکنده‌بودن گیرنده‌های آن در سطح بدن است. حس بساواایی جنبه ارادی و غیرارادی دارد (بنتلی، ۱۳۹۱: ۲۶۷). حس بساواایی با آگاه‌کردن فرد از حرارت و کیفیت سطوح اطراف، وی را از حس مکان و بودن در جهان آگاه می‌کند (Rodaway, ۱۹۹۴). بنابراین کلیه اطلاعات قابل دریافت توسط حس لامسه در یک محیط شامل گرما و سرما، زبری و سختی، فشار و اختلاف سطح منظرلمسی محیط را شکل می‌دهند. لامسه یکی از مهمترین اشکال تجربه حسی در شهرهای گذشته بوده است. (Foster, 1998) با گسترش صنعت، فناوری و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و



فرهنگی، فرهنگ کمترلمسی شکل گرفت و لمس کالاها با اشکال جدید و با روش‌های جدید بازاریابی جایگزین شد (Steward, 2007). (Cowen, 2007, برپایهٔ (جدول ۸).

جدول ۸- عناصر مؤثر بر ادراک منظر تنانه، عوامل ایجاد غنای منظر تنانه، کیفیت ایجاد شده توسط مؤلفه‌های منظر تنانه-

(مأخذ: غیبی، ۱۴۰۲)

عناصر مؤثر بر ادراک منظر تنانه		عوامل ایجاد غنای منظر تنانه	عوامل ایجاد شده توسط مؤلفه‌های منظر تنانه
حس لامسه یا ساوای	حس فشار حس لرزش حس تماس حس خارش حس حرارت بیرونی حس درد حواس وضعی-عضلانی		
حرکت	حرکت باد و حرکت اشیای سبک در فضا، حرکت انبوه انسان‌ها تماس‌های فیزیکی و تنه خوردن	تنوع در جنس و بافت و مصالح	قابلیت درک عناصر در حوزهٔ لامسه
پستی و بلندی	پستی و بلندی سطح زمین، ناهمواری یا همواری زمین، صیقلی بودن یا نازندگی، نرمی یا صلبیت کف‌سازی‌ها	توانایی درک عناصر در حوزهٔ لامسه	کف‌سازی ویژه مسیرهای پیاده، سواره، دوچرخه، افراد نابینا و ناشنوا
حس تعادل	حس حرکت بدن با توجه به شتاب و تغییرات مسیر	توانایی تخمین نیرو	وجود مبلمان شهری و تجهیزات انتطاف‌پذیر در فضا
حس نیرو	توانایی تخمین نیرو	حس حرارت درونی	
حس حرارت درونی	صرف بخشی از انرژی تولیدی بدن انسان جهت امور مکانیکی و تبدیل بقیه به حرارت درونی	حس شتاب	
حس شتاب	توانایی در حس حرکت، شتاب و سرعت	حس کشش	
حس کشش	کشش در اندام‌های داخلی و ماهیچه‌ای	حس تنش	
حس تنش	احسگرهای تنش در عضلات		
	مصلح بومی و محلی		
	جزئیات کالبدی		
	محرك‌های لامسه جزئی		
	محرك‌های لامسه چشمی		
	محرك‌های لامسه ذهنی		
	تنوع در جنس و بافت و مصالح		
	قابلیت درک عناصر در حوزهٔ لامسه		
	کف‌سازی ویژه مسیرهای پیاده، سواره، دوچرخه، افراد نابینا و ناشنوا		
	وجود مبلمان شهری و تجهیزات انتطاف‌پذیر در فضا		

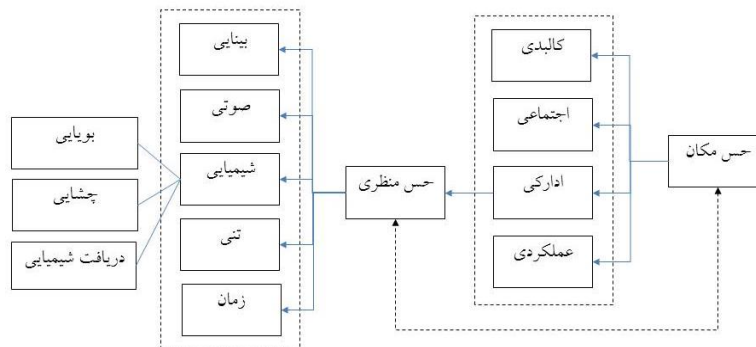
حس زمان: گذشت زمان، فضاها را تبدیل به مکان‌هایی می‌کند که جریان‌زندگی در آن‌ها برقرار است. این فضاها با کیفیت‌های وابسته به زمان، معنای بیشتری می‌یابند. از این رو حس زمان در کنار سایر حواس قابل‌درک توسط انسان در فضای شهری در چارچوب منظر چندحسی موضوعیت می‌یابد. گذر زمان از طریق تغییر و حرکت درک می‌شود و هرگونه آگاهی و ادراک زمان با این جنبه ارتباط پیدا می‌کند (Poidevin, ۲۰۰۹: ۶, Le). از این رو تجربهٔ زمان مستلزم درک تغییرات و توالی رویدادهاست؛ به گونه‌ای که برخی از این تغییرات متوالی مبتنانه بر نظم و قواعد طبیعی یا ساختگی به عنوان مظاهر عینی احساس و شاخص سنجش زمان استفاده می‌شود.

حس زمان از جمله؛ عوامل مرتبط با حس مکان به‌شمار می‌رود (Madanipour, 2000; Lynch, ۱۹۷۲). از نظر ادراک ذهنی، درک زمان و سرعت گذر آن پدیده‌ای وابسته به ویژگی‌های فردی و شرایط محیطی است. (Flaherty, ۱۹۹۹). زمان از طریق ریتم‌های طبیعی (روز و شب، ماه، فصول و سال)، و



ریتم‌های اجتماعی و تناوب فعالیت‌ها در زندگی روزمره استراحت، کار، فراغت، عبادت، انجام مراسم و مناسک فرهنگی احساس می‌شود (Madanipour, 2007). حس‌زمان از مؤلفه‌های تجربی-زیباشناختی طراحی شهری و مرتبط با دریافت‌های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در فضاهای شهری است که از طریق ریتم و سکانس‌های ناشی از تناوب عناصر و ویژگی‌های محیط (صدا، بو، رنگ، مصالح، اشیای ثابت و متحرک)، درک می‌شود. (Poppel, 1978; Kreitzman, 1999). کیفیت‌های ادراکی همچون احساس تندی یا کندگی گذر زمان ناشی از پیاده‌مداری، تعدد و تنوع وقایع، شدت و پیچیدگی رخدادهای، تنوع و جذابیت محیط در ارتباط با گذر زمان تغییر می‌کنند. (Giro, 2006) بانوجهبه مفاهیم بررسی شده می‌توان نتیجه گرفت آنچه به‌عنوان الگو و مدل اصلی برای یافتن مؤلفه‌های حس‌منظری در ارتقای حس‌مکان مؤثر می‌باشد مطابق مدل و جدول ذیل، قابل جمع‌بندی است. برپایه نمودار ۱)، و (جدول ۹).

نمودار ۱. تبیین مدل مفهومی رابطه حس‌مکان و حس‌منظری - (مأخذ: غیبی، ۱۴۰۲)



جدول ۹- الگوی نظری تحقیق: مؤلفه‌های مؤثر حس‌منظری در ارتقای حس‌مکان - (مأخذ: غیبی، ۱۴۰۲)

مؤلفه	توضیح	مؤلفه	توضیح
حس مکان	تنوع در رنگ، فرم، تنوع و جزئیات طراحی در فرم و کالبد	تنوع بصری	
	قابلیت رویت فضا، دید به عناصر شاخص، استفاده از حداقل دیوارها	نفوذپذیری بصری	
	وجود نشانه‌های شاخص و مناظر بصری	هویت کالبدی	
	دید بصری مطلوب به نشانه‌ها و فضاها	تشخیص و خوانایی	
	عدم وجود اغتشاشات بصری و عناصر الحاقی، وجود مناظر عناصر و جزئیات شخصی قابل رویت در فضاهای همگانی	تناسبات بصری و فضایی	
حس منظری	وجود صداهای مطلوب و متنوع در فضا (طبیعی و مصنوعی)، وجود موسیقی در فضا	رنگ تعلق	
	قابلیت تشخیص فضا با استفاده از صدای قابل شنیدن در آن	تنوع شنوایی	
	وجود صداهای نامطلوب و اغتشاشات صوتی مانند ترافیک آژیر اتومبیل‌ها، شلوغی و غیره	خوانایی	
	ریتم صوتی طراحی شده (وجود صداهای منحصربه‌فرد زمینه‌ای در فضا مانند چکش قلم‌زنی، بنه‌زنی و غیره)	خاطره انگیزی	
	وجود صداهای منحصربه‌فرد زمینه‌ای در فضا، وجود صداهای مطلوب و خوشایند محیطی	آرامش	
حس مکان	وجود بوهای منحصربه‌فرد زمینه‌ای در فضا، وجود بوهای مطلوب محیطی و طبیعی	هویت منحصربه‌فرد	
	وجود بوهای عناصر طبیعی مانند خاک و غیره، بوی برخاسته از کاربری‌هایی چون فانوایی	حس تعلق	
	نشانه‌دار بودن فضاها و مسیرها با استفاده از بوی عناصر و کاربری‌های خاص موجود در آن‌ها، استفاده از مصالح دارای بو مانند خاک و کاهگل	حس تعلق	
	قابلیت تشخیص فضا با استفاده از بوی قابل استشمام در آن	تنوع بوایی	
	وجود بوهای منحصربه‌فرد زمیندای در فضا مانند عطاری، سبزی فروشی، شیرینی پزی و غیره، استفاده از مصالح دارای بو مانند خاک و کاهگل	نقش انگیزی (خاطر انگیزی)	
وجود کاربری‌های مختلف فراهم‌کننده غذا و نوشیدنی در فضای اغذیه فروشی، رستوران، کافه تر یا وجود درختان و گیاهان میوه‌دار	خوانایی		
	هویت منحصربه‌فرد		
	تنوع چشایی		



ع.ع.	وجود عناصر خاطره انگیزی	(خاطر انگیزی)
	کاشت درختان میوه‌دار در باغچه‌ها و جلوخان‌ها	رتگ تعلق
	امکان چشیدن محصولات خاص و منحصر به فرد زمینه فضا	حس تعلق
	تنوع در جنس و بافت و مصالح	تنوع لمسی
	قابلیت درک عناصر در حوزه لامسه	مقیاس انسانی
ع.ع.	کف‌سازی ویژه مسیره‌های پیاده، سواره، دوچرخه، افراد نابینا و ناشنوا	انعطاف پذیری
	وجود میلمان شهری و تجهیزات انعطاف‌پذیر در فضا	ایمنی
	احساس زمان از طریق ریتم‌های طبیعی (روز و شب، ماه، فصول و سال)	ریتم طبیعی
	احساس زمان از طریق ریتم‌های اجتماعی و تناوب فعالیت‌ها در زندگی روزمره استراحت، کار، فراغت، عبادت، انجام مراسم و مناسک فرهنگی)	ریتم اجتماعی
	تفسیر کیفیت‌های ادراکی در ارتباط با گذر زمان همچون احساس تنگی یا گندنی گذر زمان ناشی از پیاده‌مداری، تعدد و تنوع وقایع، شدت و پیچیدگی رخدادها، تنوع و جذابیت محیط	گذر زمان

۲۸ گزاره در ۵ بعد حسی (بصری، شنوایی، شیمیایی، تنانه و زمان)، به صورت فرضیه برای سنجش حس مکان در بازار تاریخی تبریز طراحی شد. ۳۸ سنجه از مؤلفه‌های حسی مایثر بر حس مکان توسط ۳۷۴ نفر از کسبه و افراد گذری ارزیابی شد و نتایج آن با استفاده از نرم‌افزار "SPSS"، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای واکاوی داده‌ها از روش‌های آماری ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده گردیده که در این روش مشاهدات از نوع رتبه‌ای می‌باشند.

برای بررسی رابطه بین هر کدام از مؤلفه‌های مؤثر در منظر حسی بازار تاریخی تبریز که هر ۵ مؤلفه در سطح فاصله‌ای می‌باشند از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که فرض ۰ در آزمون که به معنای عدم ارتباط میان کمیت‌های متوسط در آزمون است رد می‌شود و رابطه معناداری بین کمیت‌ها وجود دارد برپایه (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- آزمون رابطه بین مؤلفه‌های حس منظری- (مأخذ: غیبی، ۱۴۰۲)

ضریب پیرسون						
زمان	تنی	شیمیایی	شنوایی	بصری	مؤلفه‌ها	
					ضریب پیرسون	حس منظری
۰.۳۶۶	۰.۶۰۱	۰.۱۳۵	۰.۱۲۳	۰.۴۸۵	ضریب پیرسون	
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۳۷۴	۳۷۴	۳۷۴	۳۷۴	۳۷۴	تعداد	

ضریب هم‌بستگی بین متغیرهای مؤلفه‌های حس مکان و حس منظری چگونگی رابطه بین آن دو را نشان می‌دهد از این رو ضریب هم‌بستگی بین مؤلفه بصری و منظری ۰/۴۸۵ و بین مؤلفه زمان و حس منظری، ۰/۳۶۶ وجود دارد که رابطه‌ی متوسطی است.

ضریب هم‌بستگی بین مؤلفه شنوایی و حس منظری ۰/۶۲۳ و مؤلفه شیمیایی و حس منظری ۰/۶۳۵ و بین مؤلفه تنانه و حس منظری، ۰/۶۰۱ وجود دارد که نشانگر رابطه‌ای خوب بین دو متغیر است. سطح معنی‌داری بین مؤلفه‌های حس مکان و حس منظری (۰/۰۰۰)، است.



نتیجه گیری:

حس مکان مفهومی در روان‌شناسی است که موجب ایجاد نوعی هماهنگی و رضایت و علاقه‌به حضور مکرر و ارتباط بیشتر با محیط می‌شود. پژوهش حاضر باهدف تعیین نقش مؤلفه‌های منظرحسی بر حس مکان در بازار تاریخی تبریز و میزان تأثیرگذاری هر کدام، به‌تیین مهمترین آن‌ها در تقویت حس مکان انجام گرفت. شناسایی مهمترین مؤلفه‌ها به‌منظور توجه و تقویت و همچنین رفع موانع و ارائه راهکار برای ایجاد شرایط بهتر محیطی از منظر حسی مورد تأکید قرار گرفته‌است. توجه به ابعاد منظرحسی و تأثیر معنی‌دار مؤلفه‌های آن بر حس مکان در بازار، زمینه برای ایجاد محیطی انسانی و تقویت ارتباط کاربران با محیط بازار و ارتقاء کیفیت بازار و تداوم حیات آن است. براین اساس مؤلفه‌های عوامل بصری، شنوایی، شیمیایی، تنانه و زمان به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌های حس منظر حسی تعریف گردید. براساس نتایج آماری و میزان موافقت پاسخ‌گویان با گزاره‌های سنجش حس مکان، چنین استنباط می‌شود که در مجموع حس مکان کسبه و افراد گذری در بازار تاریخی تبریز در سطح قابل قبولی است. مطابق جداول ۳ و ۴ سطح معنی‌داری برای مؤلفه‌های بصری، شنوایی، شیمیایی، تنانه و زمان وارد شده در آزمون کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و میانگین مؤلفه‌ها اختلاف معنی‌داری با میانگین عددی (۲.۵)، دارد که نشان می‌دهد با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰)، نمره اکتسابی هر کدام در بحث منظرحسی بازار تاریخی تبریز از مقدار قابل قبولی برخوردار است. برای مثال عوامل بصری میانگینی برابر با ۳.۰۵ که بالاترین مقدار را کسب کرده‌است، گویای این واقعیت است که پاسخ‌گویان حس مکان خوبی از طریق حس بصری و زمان با محیط (بازار تاریخی تبریز)، دارند. عامل شنوایی با کسب کمترین مقدار میانگین، ۲.۸۶ نسبت به بقیه عوامل نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان از طریق حس شنوایی ارتباط مکانی ضعیف‌تری با محیط بازار تاریخی تبریز دارند و حاکی از کم‌رنگ بودن این مؤلفه‌ها در محیط است و بایستی توجه ویژه به این مؤلفه‌ها و عوامل مهمی که در این مؤلفه‌ها موثرند شود. همچنین مؤلفه‌های شیمیایی و تنانه هم‌بستگی متوسطی را با حس مکان در بازار تاریخی تبریز دارند. این پژوهش هم‌بستگی بالایی حس بصری و حس زمان با حس مکان را نشان می‌دهد که می‌توان از نقاط قوت و موفقیت محیط در مطلوبیت و اقبال این موارد یاری جسته و در کار بست این مؤلفه‌ها در خصوص حس شنوایی که هم‌بستگی کمتری نسبت به بقیه حواس در حس مکان داشته‌است اهتمام ورزید. مؤلفه‌هایی که در ارتباط حس شنوایی و حس مکان بررسی شده‌اند شامل تنوع شنوایی، خوانایی، خاطره‌انگیزی، آرامش، هویت منحصر به فرد و حس تعلق می‌باشند. در بررسی اجمالی از نتایج تحقیق این مهم نتیجه‌گیری شد که محیط بازار از کمبود آواها و صداها و موسیقی رنج می‌برد و همچنین صداها نامطلوب محیطی مانع از درک محیط مطلوب به لحاظ حس شنوایی می‌شود که ارائه راهکار مناسب، ایجاد نواها و آواهای محیطی خوشایند به لحاظ شنوایی مطلوب فضایی را ارتقاء می‌بخشد. وجود صداها متناسب با کاربری‌های مختلف می‌تواند عاملی برای خوانایی بهتر محیط و ایجاد محیطی با هویت منحصر به فرد شود و در عین حال آرامش و خاطره‌انگیزی و حس تعلق که برای بهتر شدن ارتباط انسان با محیط مؤثرند تقویت خواهد شد. در برابر صداها نامطلوب محیطی نیز می‌توان تمهیدات لازم در جهت سد کردن نوفه ناخواسته و نامطلوب بایجاد



به‌طور مثال؛ جدارهای جاذب صوت یا ایجاد حریم درمقابل اصوات مزاحم اندیشید. بررسی آماری و تحلیل نتایج این پژوهش می‌تواند راهکار مناسبی درجهت بهسازی نقاط ضعف و بهبود شرایط محیطی بازار برای داشتن رابطهٔ آسویه و پایدار و مؤثر بین انسان و محیط ارائه دهد. امید است که پژوهش حاضر و پژوهش‌های آتی زمینه‌ساز اقدامات مؤثر و یاری‌گر مسئولین میراث فرهنگی و دیگر ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط و همچنین تلاش مضاعف دربه‌سازی و متناسب‌سازی بستر بازار تاریخی تبریز شود.



منابع

- آتکینسون، ریتا ال. ۱۳۹۳. زمینه روان‌شناسی احساس و ادراک، ترجمه حسین ابراهیمی مقدم، چاپ دوم، تهران: انتشارات فارابی.
- ایروانی، محمود. خداپناهی، محمدکریم. ۱۳۸۱. روان‌شناسی احساس و ادراک، چاپ یازدهم تهران: انتشارات سمت.
- پاکزاد، جهان‌شاه. بزرگ، حمیده. ۱۳۹۱. الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان، تهران: آرمانشهر.
- پالاسما، یوهانی. ۱۳۹۴. چشمان پوست، ترجمه علیرضا فخرکننده، تهران: انتشارات چشمه.
- جوان فروزنده، علی. مطلبی، قاسم. ۱۳۹۰. مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، مجله هویت‌شهر، شماره ۸، بهار و تابستان ۹۰، صفحات ۳۷-۲۷.
- حبیبی، داوود. حبیبی، دیانا. کسالایی، افسانه. گرجی‌پور، فاطمه. توکلی، مهرداد. ۱۳۹۷. تبیین حس تعلق به مکان و هویت در فضاهای شهری باتأکید بر بازارهای سنتی، معماری‌شناسی، سال اول، شماره ۳، آذر.
- دبده، محمد. ۱۳۹۹. وجودیت‌مکان، اولین کنفرانس ملی عمران، معماری و فناوری اطلاعات در زندگی شهری، مشهد-ایران، ۱۴-۱.
- دبده، محمد. ۱۳۹۹. وجودیت‌فضا، اولین کنفرانس ملی عمران، معماری و فناوری اطلاعات در زندگی شهری، مشهد-ایران، ۱۰-۱.
- دبده، محمد. ۱۴۰۰. طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی، چاپ اول، تهران: انتشارات طحان گستر.
- دبده، محمد. صدیق، مرتضی. رضوان‌پناه، مجید. ۱۴۰۱. نقد و بررسی کتاب «طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی»؛ از مجموعه آثار معمار دبده، فصلنامه علمی پژوهشی-معماری و شهرسازی؛ معمار شهر، دوره ۱، شماره ۴، ۹۸-۱۱۷.
- رضایی، محمود. ۱۳۹۲. سنجه‌های پیاده‌پذیری (نقش پیاده‌راه‌سازی در بهبود حس مکان)، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، زمستان، شماره ۴، صفحات ۲۴-۱۵.
- رضایی، معصومه. عارفی‌مقدم، ویکتور. فرشچیان، امیرحسین. ۱۳۹۵. رنگ و تأثیر آن بر هم‌افزایی حس تعلق مکان در فضا‌سازی مکان معماری اسلامی، مطالعات هنر و علوم انسانی، سال دوم، شماره ۱۰، دی ماه، صفحات ۴۲-۳۳.
- شاهچراغی، آزاده. ۱۳۸۸. تحلیل فرایند ادراک محیط باغ ایرانی براساس نظریه روان‌شناسی بوم‌شناختی، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۵ تهران.
- شاهچراغی، آزاده. بندرآباد، علیرضا. ۱۳۹۴. محاط در محیط؛ کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی، چاپ اول، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- صالحی‌نیا، مجید. نیرومند شیشوان، مهدیه. ۱۳۹۷. تبیین نقش مؤلفه‌های منظر حسی مبتنانه بر حواس در کیفیت ادراک حسی محیطی گذر ارگ جدید تبریز، مطالعات شهر ایرانی-اسلامی. سال ۸، بهار، شماره ۳۱، صفحات ۳۱-۱۹.



10.30495/JSCC.2024.2001659



- ضرابیان، فرناز. منغان، محمدرضا. ۱۳۸۷. بررسی میزان و عوامل تأثیرگذار برحس مکان، مجله شهرداری‌ها، سال نهم، شماره ۸۹، صفحات ۲۸-۲۳.
- عباسی، زهرا. حبیب، فرح. مخابرات امری، سیدمصطفی. ۱۳۹۴. تدوین اصول و معیارهای ادراک فضایی در معماری بازارهای سنتی. مدیریت شهری.
- فلاح، محمداصداق. ۱۳۸۵. مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، مجله هنرهای زیبا، دوره ۱۵، تابستان، شماره ۲۶، صفحات ۶۶-۵۷.
- فلاح، محمداصداق. نوحی، سمیرا، ۱۳۹۱. ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱، بهار، صفحات ۲۵-۱۷.
- گروت، لیندا. ۱۳۸۴. روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. لطفی، افسانه. زمانی، بهادر. ۱۳۹۳. نقش مؤلفه‌های منظر حسی در کیفیت محورهای مجهز محلی (مطالعه موردی محور علیقلی آقا در اصفهان، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۱۳، تهران.
- مرتضوی، شهرناز. ۱۳۸۰، روان‌شناسی محیط و کاربرد آن، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مرلوپوتنی، موریس، ۱۳۹۱، جهان ادراک، ترجمه فرزاد جابراالانصار، تهران: انتشارات ققنوس.
- مکاندرو، فرانسیس تی. ۱۳۹۲. روان‌شناسی محیطی، ترجمه غلامرضا محمودی، تهران: انتشارات ونیا.
- میرغلامی، مرتضی. آیشم، معصومه. ۱۳۹۵. ارائه مدل مفهومی ارزیابی حس مکان براساس مؤلفه‌های کلیدی، ادراکی عملکردی و اجتماعی (مطالعه موردی خیابان امام ارومیه)، مطالعات شهری، شماره ۱۹، تابستان، صفحات ۸۰-۶۹.
- هال، ادوارد. ۱۳۸۵. بعد پنهنان، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Berque, Augustin, 2008. Landscape, place, History. Translated By Maryamosadat .

Campbell, R. 2002. Barcelona. Boston Globe, Ritrived from www.bostww.boston.com. Cohen, M. J. 1997. Reconnecting with Nature: Finding Wellness through Restoring Your Bond with the Earth. Minneapolis: Ecopress.

Degen, Monica, Montserrat & Rose Gillian. The Sensory Experiencing of Urban Design: The Role of Walking and Perceptual Memory” in Urban Studies, 49(2008), pp. 3271-3287.

Keller, A. & Vosshall, L. B. 2004. Human olfactory psychophysics. Curr Biol, 875-878.

Landry, Charles. 2008. The Art of City Making. Routledge journals .



10.30495/JSCC.2024.2001659



- Le Poidevin, Robert 2009. The Experience and Perception of Time, in "Stanford encyclopedia of philosophy edited by Edvard N Zalta, Available at: [http:// plato.stanford.edu/entries/time-experience./](http://plato.stanford.edu/entries/time-experience/)
- Lynch, K. 1997. A theory of city form. Translated by Hossein Bahrain. Tehran University Press: Tehran. [in Persian]
- Madanipour, Ali. 2011. Urban design wisdom. Translated By Bahador Zamani. Tehran: Tehran University Press. [in Persian]
- Mansoori, Seyedamir. 2004. Introduction to the understanding of landscape architecture. Bagh eNazar Journal. No. 2. [in Persian]
- Myers, J. 2017. A List of All Human Senses. San Francisco: Scribd.
- Picker, John M. 2003. Victorian Soundscapes. Oxford: Oxford University Press.
- Rodaway, P. 1994, Sensuous Geographies, London, UK & New-York, NY, USA: Routledge .
- Rogowski, M. 2016. The Multi-Sensory Landscape as an Inspiration in the Creation of a Tourism Product. *Tourism*, 26, 23-32
- Schafer, R. M. 1994, The Soundscape: our Sonic Environment and the Tuning of the World, Rochester: Destiny Books
- Truax, B 1984. Acoustic Communication, Norwood.
- Wunderlich. F .M. 2013. Place-Temporality and Urban Place-Rhythms in Urban; Analysis and Design: An Aesthetic Akin to Music. Bartlett School of Planning, University College.



Development of a structural model of sports identity in taekwondo athletes of West Azerbaijan province

Nabi Allah Mutallebi¹, Mohammad Rahim Najafzadeh^{2}, Jafar Barghi Moghadam³, Hamid Jananii⁴*
(Received date: 2023/00/00 - Accepted date: 2023/00/00)

Abstract:

Sports identity is a type of social identity that refers to the belonging of a group of athletes to a specific discipline. Sports identities are a valuable part of a person's feeling. A strong sports identity can cause the motivation and discipline necessary for an athlete's continuous attendance in training as well as success at high levels of sports. The statistical population includes taekwondo athletes of West Azarbaijan province with at least 2 years of experience in the provincial league, which included 2100 people based on the documented statistics of the General Directorate of Sports and Youth of West Azarbaijan province. The sample size was calculated based on Cochran's 324 formula and selected based on simple random sampling. The data collection tool was a researcher-made questionnaire, which was confirmed based on the criteria of Fornell and Larcker, the divergent validity of the questionnaires; Also, composite reliability (Dillon-Goldstein coefficient) was acceptable. SPSS and SmartPLS software were used for data analysis. The results showed that the effect of identification with the sports team (with a regression coefficient of 0.30 and a critical ratio of 18.48) , technical sports identity (with a regression coefficient of 0.36 and a critical ratio of 2.00) , social sports identity (with a regression coefficient of 27 0.0 and critical ratio 19.22) and sports moral identity (regression coefficient 0.30 and critical ratio 2.38) which are outside the range of ± 1.96 and also due to obtaining a significance level smaller than 0.05 , is positive and significant on sports identity in taekwondo athletes of West Azarbaijan province. The GOF coefficient indicates a strong general fit of the model.

¹ · PhD student in physical education, Islamic Azad University of Tabriz, Tabriz, Iran.

² · Assistant Professor, Department of Physical Education, Islamic Azad University of Tabriz, Tabriz, Iran (corresponding author). Fhatami2010@gmail.com

³ · Assistant Professor, Department of Physical Education, Islamic Azad University of Tabriz, Tabriz, Iran.

⁴ · Assistant Professor, Department of Physical Education, Islamic Azad University of Tabriz, Tabriz, Iran.



Key words: sports identity, taekwondo players, West Azerbaijan

تدوین مدل ساختاری هویت ورزشی در تکواندوکاران استان آذربایجان غربی

نبی اله مطلبی^۱، محمدرحیم نجف زاده^{۲*}، جعفر برقی مقدم^۳، حمید جنانی^۴

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰)

چکیده:

هویت ورزشی نوعی هویت اجتماعی است که از تعلق گروهی از ورزشکاران به رشته خاص حکایت دارد. هویت‌های ورزشی جزء ارزشمندی از احساس فرد هستند. هویت ورزشی قوی می‌تواند موجب انگیزش و نظم لازم جهت حضور مداوم ورزشکار در تمرین‌ها و همچنین موفقیت در سطوح عالی ورزشی شود. هدف پژوهش حاضر تدوین مدل ساختاری هویت ورزشی در تکواندوکاران استان آذربایجان غربی بود. جامعه آماری شامل ورزشکاران تکواندوکار استان آذربایجان غربی با سابقه حداقل ۲ سال فعالیت در لیگ استانی است، که بر اساس آمار مستند اداره کل ورزش و جوانان استان آذربایجان غربی شامل ۲۱۰۰ نفر شد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۲۴ محاسبه و بر اساس نمونه گیری تصادفی ساده گزینش شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است که بر اساس معیار فورنل و لارکر روایی و اگر پرسشنامه‌ها مورد تایید قرار گرفت؛ همچنین پایایی ترکیبی (ضریب دیلون- گلدشتاین) قابل قبول بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار اسپاس اس و اسمارت پی ال اس استفاده شد. نتایج نشان داد که تاثیر هویت‌یابی با تیم ورزشی (با ضریب رگرسیونی ۰/۳۰ و نسبت بحرانی ۱۸/۴۸)، هویت فنی ورزشی (با ضریب رگرسیونی ۰/۳۶ و نسبت بحرانی ۲/۰۰)، هویت اجتماعی ورزشی (با ضریب رگرسیونی ۰/۲۷ و نسبت بحرانی ۱۹/۲۲) و هویت اخلاقی ورزشی (ضریب رگرسیونی ۰/۳۰ و نسبت بحرانی ۲/۳۸) که خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار دارند و همچنین بنابر کسب سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵، بر هویت ورزشی در تکواندوکاران استان آذربایجان غربی مثبت و معنا دار است. ضریب GOF، حاکی از برازش کلی قوی مدل می‌باشد.

^۱ دانشجوی دکتری تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

^۲ استادیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول). Fhatami2010@gmail.com

^۳ استادیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

^۴ استادیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران.



واژگان کلیدی: هویت ورزشی، نکواندوکاران، آذربایجان غربی

مقدمه

مفهوم هویت از دهه ۱۹۹۰ به بعد مورد توجه جامعه روانشناسی ورزش قرار گرفت (ابنک^۱ و دیگران، ۲۰۲۰). هویت ورزشی^۲ بخش مهمی از فرهنگ ورزشی است که با مؤلفه‌های متعددی از نحوه ارتباط یک فرد با ورزش خود مرتبط است (ادیسون^۳ و دیگران، ۲۰۲۱). اشاره شده است که ورزشکاران با هویت ورزشی قوی اهداف ورزشی خاصی را تعیین می‌کنند. تعیین هدف به آنها انگیزه ادامه تمرینات را می‌دهد و به آنها کمک می‌کند تا خود را به عنوان ورزشکار معرفی کنند (پوچر و تاممینن^۴، ۲۰۱۷). هویت ورزشی یک نقش اجتماعی است که تحت تأثیر والدین/ سرپرستان، دوستان، هم تیمی‌ها و مربیان قرار می‌گیرد (کندی^۵، ۲۰۲۱).

بر اساس شرایط، افراد ممکن است هویت خود را در طول زمان در پاسخ به نقش و نیازهای مرتبط با وظیفه‌شان تغییر دهند و همچنین تعیین کنند که چگونه باید در یک موقعیت خاص احساس یا رفتار کنند (ون رنس^۶ و دیگران، ۲۰۱۹). بر اساس این گزاره‌ها، جونز و مک ایون^۷ (۲۰۰۰) مدل ابعاد چندگانه هویت هویت را توسعه دادند که چارچوبی را برای مطالعه هویت ورزشکاران حرفه‌ای دوگانه از دیدگاه چند بعدی ارائه می‌دهد. بر اساس این مدل، هر بعد از هویت نیاز به بررسی در رابطه با سایر ابعاد هویت دارد. این مدل ابعاد هویت را به عنوان حلقه‌های به هم پیوسته نشان می‌دهد، که نشان می‌دهد چگونه «هیچ بُعدی را نمی‌توان به تنهایی درک کرد و فقط در رابطه با ابعاد دیگر قابل درک است». (الیزا^۸ و دیگران، ۲۰۲۲). هویت توسط اریکسون^۹ (۱۹۶۸) به عنوان فرایند سازمانی تعریف شده است که نحوه عملکرد افراد و رفتارشان با جهان اطراف آن‌ها را به هم متصل می‌کند. با گسترش مفهوم هویت ورزشی، برور و همکاران^{۱۰} (۱۹۹۰) مقیاس سنجش هویت ورزشی را برای ارزیابی قدرت و اختصاصی بودن نقش ورزشی توسعه دادند. بررسی‌های بعدی ساختار هویت ورزشی و مقیاس سنجش هویت ورزشی سه عامل ویژه از هویت ورزشی را شناسایی کرد: هویت اجتماعی^{۱۱}، منحصر به فرد بودن^{۱۲} و تأثیرپذیری منفی^{۱۳}. هویت

¹ . Eubank

² . Athletic Identity

³ . Edison

⁴ . Poucher & Tamminen

⁵ . Kennedy

⁶ . van Rens

⁷ . Jones & McEwen

⁸ . Albouza

⁹ Ericsson

¹⁰ Breuer- van raalte- Linder

¹¹ Social Identity

¹² Exclusivity

¹³ Negative Affectivity



اجتماعی درجه‌ای است که ورزشکار خودش را به عنوان یک ورزشکار در چشم دیگران می‌بیند. منحصر بودن درجه‌ای است که هویت ورزشی افراد خود پنداری دیگران را شامل می‌شود که منجر به خود انگارهٔ منحصر به فرد به عنوان یک ورزشکار می‌شود. تأثیرپذیری منفی اندازه‌ای است که افراد از عملکرد ضعیف یا عدم توانایی برای انجام نقش ورزشی‌شان نگران‌اند. اگرچه مقیاس سنجش هویت ورزشی می‌تواند برای ایجاد خرده مقیاس‌های هویت ورزشی استفاده شود، محققان هنوز ساختار هویت ورزشی را بررسی می‌کنند. افراد خود هویتی چندبعدی دارند که نحوه‌ی مشاهدهٔ خودشان در موقعیت‌های متفاوت را هدایت، گسترش و توسعه می‌دهد. هویت ورزشی به حدودی که افراد در زندگی‌شان، نقش ورزشی‌شان را می‌شناسند و به حدودی که آن‌ها خودشان را به عنوان ورزشکار می‌بینند اشاره دارد بنابراین افرادی که دارای سطح بالای هویت ورزشی هستند اطلاعات را از دیدگاه ورزشکار تفسیر می‌کنند (برور و همکاران، ۲۰۱۲).

هویت ورزشی قوی می‌تواند انگیزش مورد نیاز جهت حضور مداوم و منظم ورزشکار در تمرینات و همچنین موفقیت در سطوح عالی ورزشی را منجر شود این امر می‌تواند مبین این موضوع باشد که هویت ورزشی قوی، دارای تأثیرات مثبت در عملکرد و موفقیت ورزشی، سالمی، آمادگی و عزت نفس ورزشکار است (صفایی و همکاران، ۱۴۰۰). هویت‌های ورزشی جزء ارزشمندی از احساس فرد هستند اما خطراتی نیز به همراه دارند. هنگامی که ورزشکاران دارای هویت‌های ورزشی قوی، با پایان ناگهانی حرفه‌ای (مثلاً آسیب دیدگی) مواجه می‌شوند، تمایل دارند از هویت ورزشی خود جدا شوند و احساس فقدان همراهی را تجربه می‌کنند که خطر افسردگی را افزایش می‌دهد (گراوپنسپرگر^۱ و دیگران، ۲۰۲۰).

هویت ورزشی نوعی هویت اجتماعی است که از تعلق گروهی از ورزشکاران به رشته خاص حکایت دارد؛ از این رو، پیروزی تیم‌های ورزشی یا ورزشکاران در سطوح جهانی و ملی، بازنمایی هویت اجتماعی و ملی و ورزشی نیز است (پالرمو و رانکورت^۲، ۲۰۱۹). ماهیت ورزش پدیده‌ای اجتماعی بوده که مشارکت و همکاری در آن تعیین کننده است؛ شبکه اجتماعی تشکیل شده بین ورزشکاران در تیم موجب گسترش حس تعلق اجتماعی و همزادپنداری بین آنها می‌شود. در واقع ورزشکار خودش را از لحاظ اجتماعی و فرهنگی به جمع و موفقیت‌ها و شکست‌هایشان وابسته می‌داند و نیز موجب ارزیابی مثبت درقبال گروه یا تیم شده و ایجاد دلبستگی می‌کند. درنهایت، هماهنگی در رفتارها و مشارکت جدی و فعال را به نفع گروه به همراه دارد (ویمنت^۳ و دیگران، ۲۰۱۹).

چزلاک^۴ (۲۰۰۴) در بررسی و تحقیقات جامع، هویت ورزشی را شامل مؤلفه‌های بیرونی و درونی می‌داند. مؤلفه‌های بیرونی هویت ورزشی شامل انحصارگرایی و هویت اجتماعی بوده که به واسطه گروه‌های درون جامعه (خانواده، دوستان، مربیان، معلمان) و زمینه‌ها (تحصیل، ورزش، مذهب)، با میزان تأثیر جامعه بر فرد مرتبط هستند. مؤلفه‌های درونی از هویت خود و تأثیرپذیری منفی و تأثیرپذیری مثبت

¹ . Graupensperger

² . Palermo & Rancourt

³ . Wayment

⁴ . Cieslak



تشکیل شده است و به درجه تأثیرپذیری ادراکات فردی، مانند ارزیابی و تفسیر نقش ورزشکاری اطلاق می‌شود. هویت ورزشی قوی می‌تواند موجب انگیزش و نظم لازم جهت حضور مداوم ورزشکار در تمرین‌ها و همچنین موفقیت در سطوح عالی ورزشی شود. این امر مبین آن است که هویت ورزشی قوی، دارای تأثیرهای مثبت بر عملکرد ورزشی، سلامت، آمادگی و عزت نفس ورزشکار است. همچنین هویت ورزشی بیشتر، سطوح بهتری از تصمیم‌گیری شغلی و خودکارآمدی و خوش‌بینی را در آینده برای ورزشکار به همراه دارد (هوارد و بورگلا، ۲۰۱۸). در این راستا، گودرزی و سورکیلا^۱ (۲۰۲۰) شاخص‌های اصلی هویت ورزشکاران را در سه بُعد هویت دوگانه، هویت متغیر و هویت ورزشی مدلسازی کردند. خواجه افلاطون و همکاران (۱۳۹۹) چهار دسته عوامل تیمی، فنی، فردی و خانوادگی- دوستان را شناسایی و نشان دادند که تمامی عوامل شناسایی شده بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی تأثیری معنادار دارد. در این میان، میزان تأثیر عوامل فردی در جهت هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی بیش از سایر عوامل است.

هویت نشان دهنده خود طبقه‌بندی فرد به نقشی خاص است. در واقع هویت ورزشی باعث می‌شود که ورزشکار به دلیل قبول نقش ورزشکاری در جامعه قوانین شخصی و استانداردهای رفتاری خاص را برای مانند ورزش اتحاد کند. لذا این امر باعث می‌شود ورزشکار نسبت به استانداردهای رفتاری خود تعهد داشته باشد و این تعهد منجر به ایجاد هویت در ورزشکار می‌شود که می‌تواند جنبه‌های مثبت و منفی را به همراه داشته باشد. وقتی که ورزشکار بتواند در چارچوب آن استانداردها فعالیت کند، احساسات مثبت را ایجاد می‌کند و وقتی نتواند به آن استانداردها پایبند باشد می‌تواند احساسات منفی ایجاد کند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه برای ورزشکاران داخل کشور همچنان الگویی مشخصی از هویت ورزشی با توجه به شرایط روحی و روانی و فرهنگی ورزشکاران ایرانی وجود ندارد از یکسو یک خلاء تحقیقاتی در حوزه آکادمیک احساس می‌شود و از سوی دیگر این ابهام در رابطه با ورزشکاران و به ویژه ورزشکاران رشته تکواندو به عنوان یک رشته ورزشی پرفشار و پرتنش همچنان باقی مانده است که هویت این ورزشکاران تا چه اندازه است. چه عواملی می‌توانند به عنوان شاخص‌های هویتی در ایجاد هویت ورزشکاران موثر باشند و ورزشکاران را به عنوان یک فرد ورزشکار در جنبه‌های مختلف زندگی و جامعه به عنوان یک ورزشکار نشان دهد. لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که مدل هویت ورزشی در تکواندوکاران استان آذربایجان غربی چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش:

پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدلسازی معادلات ساختاری است و از لحاظ هدف نیز جزء تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. داده‌های این تحقیق به صورت میدانی و با

¹ . Howard & Borgella

² . Goodarzi, Sorkkila



استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از روایی همگرا و برای بررسی روایی واگرا از معیار فورنل و لاگر استفاده شد.

جامعه آماری این تحقیق را تمامی ورزشکاران تکواندوکار استان آذربایجان غربی که سابقه حداقل ۲ سال فعالیت در لیگ استانی را دارند، تشکیل داد که بر اساس امار مستند اداره ورزش و جوانان استان آذربایجان غربی در سال (۱۴۰۱) برابر با ۲۱۰۰ نفر است. تعداد نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۲۴ نفر و به صورت تصادفی ساده در نظر گرفته شد. در این تحقیق از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که شامل ۳۲ سوال بود که شرکت کنندگان از طریق لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) به گویه‌ها پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های توصیفی از روش آماری توصیفی استفاده شد و از این طریق فراوانی، درصد، محاسبه شد. جهت تعیین طبیعی بودن توزیع داده‌ها از شاخص چولگی و کشیدگی و مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار اسپس-اس و اسمارت پی ال اس نسخه ۳ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش:

از لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از نظر وضعیت سنی بیشترین فراوانی به تعداد ۱۳۸ نفر به دامنه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال و کمترین فراوانی به تعداد ۳۴ نفر به دامنه سنی بالاتر از ۳۵ سال تعلق داشت. از لحاظ وضعیت جنسیت، از بین افراد نمونه تعداد ۱۱۴ نفر زن (حدود ۳۸ درصد) و تعداد ۲۱۰ نفر مرد (حدود ۶۲ درصد) متاهل بودند. از لحاظ وضعیت تحصیلی، بیشترین فراوانی به تعداد ۲۵۹ نفر دارای مدرک کارشناسی و کمترین فراوانی به تعداد ۴ نفر دکتری بودند.

براین اساس طبق جدول یک می‌توان مشاهده کرد که پرسشنامه‌های تحقیق به ترتیب دارای واریانس ۰/۵۲، ۰/۶۴، ۰/۷۳، ۰/۵۸، ۰/۶۳ می‌باشد و از وضعیت مطلوبی برخوردار می‌باشد. همچنین، پایایی ترکیبی (ضریب دیلون - گلدشتاین) نیز به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۴، ۰/۸۹، ۰/۸۹ و ۰/۸۴ به دست آمد که از ملاک ۰/۷۰ بالاتر می‌باشد که نشان دهنده قابل قبول بودن آن می‌باشد. همچنین، پایایی پرسشنامه‌ها نیز به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۲، ۰/۸۱، ۰/۸۶ و ۰/۷۱ به دست آمد که حاکی از مطلوب بودن آن‌ها می‌باشد.

جدول (۱) وضعیت روایی همگرا و پایایی پرسشنامه‌ها

سازه‌ها	آلفای کرونباخ	rho_A	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس (مستخرج AVE)
هویت اجتماعی ورزشی	۰/۷۳۹	۰/۵۵۱	۰/۷۶۴	۰/۵۲۱
هویت اخلاقی	۰/۷۲۷	۰/۷۲۸	۰/۸۴۶	۰/۶۴۷
هویت فنی ورزشی	۰/۸۱۷	۰/۸۲۰	۰/۸۹۱	۰/۷۳۲
هویت ورزشی	۰/۸۶۴	۰/۸۷۱	۰/۸۹۲	۰/۵۸۲
هویت یابی با تیم ورزشی	۰/۷۱۸	۰/۷۱۹	۰/۸۴۱	۰/۶۳۹



همچنین برای بررسی برازش مدل از شاخص GOF استفاده می‌شود. برای بدست آوردن برازش مدل در ابتدا باید مقدار اشتراکی متغیر وابسته (هویت ورزشی) را (۰/۵۸۲) و سپس مقدار ضریب تعیین متغیر وابسته (هویت ورزشی) (۰/۹۷۵) را در نظر گرفت و سپس این مقادیر را در فرمول زیر گذاشت.

$$GOF = \sqrt{\text{Communality} \times R\text{square}}$$

$$GOF = \sqrt{0.582 \times 0.975} =$$

$$GOF = \sqrt{0.567}$$

$$GOF = 0.752$$

در نتیجه مقدار شاخص GOF برابر است با ۰/۷۵۲ که این عدد با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، و ۰/۴۱ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF، حاکی از برازش کلی قوی می‌باشد.

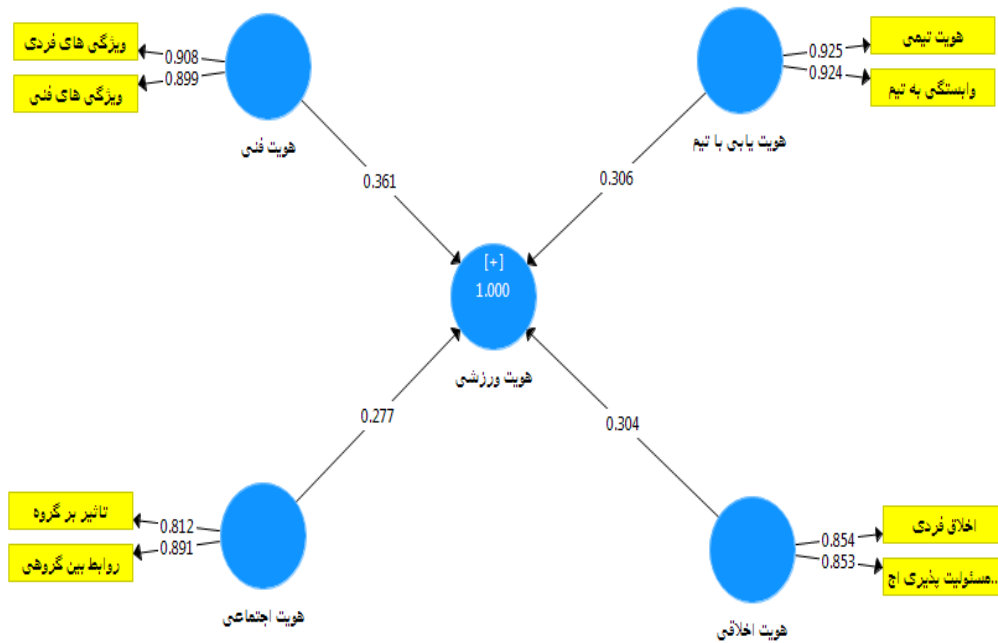
نتایج جدول دو وزن‌های رگرسیونی استاندارد شده مدل را نشان می‌دهد. براساس نتایج، می‌توان گفت با توجه به ضریب رگرسیونی ۰/۲۴ و نسبت بحرانی ۱۲/۸۵ که خارج از بازه $\pm ۱/۹۶$ قرار دارد (بر اساس قاعده خطای پنج درصد در ناحیه رد فرض صفر برای مقادیر خارج بازه ۱/۹۶ تا -۱/۹۶ هر پارامتر مدل) و همچنین سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ هویت‌یابی با تیم ورزشی بر هویت ورزشی ورزشکاران تکواندوکار استان آذربایجان غربی تاثیر مثبت معناداری دارد. همچنین، هویت فنی ورزشی با ضریب رگرسیونی ۰/۴۹ و نسبت بحرانی ۲۶/۵۸ که خارج از بازه $\pm ۱/۹۶$ قرار دارد (بر اساس قاعده خطای پنج درصد در ناحیه رد فرض صفر برای مقادیر خارج بازه ۱/۹۶ تا -۱/۹۶ هر پارامتر مدل) و همچنین سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ بر هویت ورزشی ورزشکاران تکواندوکار استان آذربایجان غربی تاثیر مثبت معناداری دارد. علاوه بر این، هویت اجتماعی ورزشی با ضریب رگرسیونی ۰/۱۹ و نسبت بحرانی ۹/۳۳ که خارج از بازه $\pm ۱/۹۶$ قرار دارد (بر اساس قاعده خطای پنج درصد در ناحیه رد فرض صفر برای مقادیر خارج بازه ۱/۹۶ تا -۱/۹۶ هر پارامتر مدل) و همچنین سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ بر هویت ورزشی ورزشکاران تکواندوکار استان آذربایجان غربی تاثیر مثبت معناداری دارد. هویت اخلاقی نیز با ضریب رگرسیونی ۰/۲۰ و نسبت بحرانی ۹/۷۲ و همچنین سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ بر هویت ورزشی ورزشکاران تکواندوکار استان آذربایجان غربی تاثیر مثبت معناداری دارد.

جدول (۲) ضرایب رگرسیونی

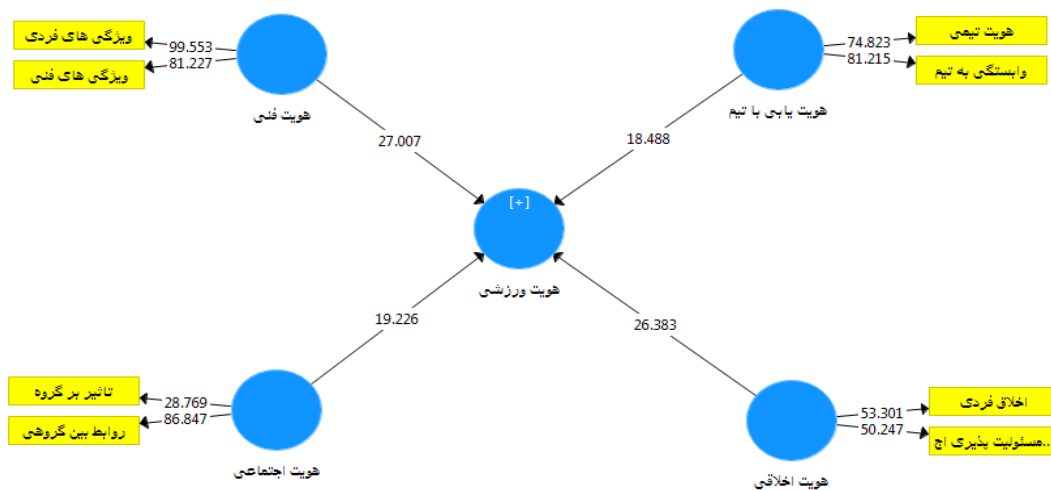
نتیجه	سطح معنی-داری	آماره تی	ضرایب رگرسیونی	متغیرهای تحقیق
تایید	۰/۰۰۱	۱۲/۸۵۳	۰/۲۴۹	هویت‌یابی با تیم ورزشی <--- هویت ورزشی
تایید	۰/۰۰۱	۲۶/۵۸۲	۰/۴۹۵	هویت فنی ورزشی <--- هویت ورزشی
تایید	۰/۰۰۱	۹/۳۳۶	۰/۱۹۴	هویت اجتماعی ورزشی <--- هویت ورزشی
تایید	۰/۰۰۱	۹/۷۲۸	۰/۲۰۰	هویت اخلاقی <--- هویت ورزشی



شکل ۱: مدل در حالت تخمین ضرایب استاندارد



شکل ۱: مدل در حالت تخمین ضرایب استاندارد



شکل (۲) مدل برآورد آماری

بحث و نتیجه گیری:

هدف کلی پژوهش حاضر مدلسازی عوامل موثر بر هویت ورزشی در تکواندوکاران استان آذربایجان غربی بود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که هویت‌یابی با تیم ورزشی بر هویت ورزشی در تکواندوکاران استان آذربایجان غربی تاثیر مثبت معناداری دارد. ساتن و همکاران (۲۰۰۱) اذعان داشتند که هویت تیمی تحت تاثیر تعهد شخصی فرد و درگیری احساسی و وابستگی عاطفی وی با یک تیم ورزشی است که جنبه‌های روان‌شناختی و رفتاری را در هم می‌آمیزد. هویت‌یابی با تیم ورزشی به عنوان سطح ارتباط روانشناختی یک فرد با یک نهاد ورزشی یا تیم تعریف می‌شود (کلارک^۱ و دیگران، ۲۰۲۲). به اعتقاد وان (۲۰۰۱) شروع هویت‌یابی تیمی به عنوان لحظه‌ای است که یک فرد این شناخت را ایجاد می‌کند که از یک تیم حمایت و پیروی می‌کند. لاک^۲ و همکاران (۲۰۱۴) عوامل مختلفی را برای توسعه هویت‌یابی با تیم ورزشی در افراد بر شمرده است، مانند مکان تیم، تاریخچه، ورزشکاران در تیم، یا سایر سازه‌هایی که افراد نیز با آنها هویت می‌شوند. هویت نشان دهنده خود طبقه بندی فرد به نقشی خاص است. این فرآیند به توسعه قوانین شخصی و استانداردهای رفتار با یک رفتار خاص، مانند ورزش کمک می‌کند. به این ترتیب، مکانیسم مرکزی که رفتار را حفظ می‌کند، به یک دستورالعمل حول استاندارد هویت تبدیل می‌شود. هویت ورزشی به درجه‌ای اشاره دارد که یک فرد خود را به عنوان یک "ورزشکار" یا کسی که برای ورزش ارزش قائل

^۱ . Clarke

^۲ . Lock



است و به طور منظم درگیر آن است، شناسایی می‌کند (ستراچان و دیگران، ۲۰۱۳). اختلاف بین هویت ورزشی فرد و موقعیت فعلی (به عنوان مثال، عدم فعالیت بدنی) می‌تواند احساسات منفی ایجاد کند، که برای ایجاد انگیزه در فرد برای از بین بردن شکاف بین رفتار فعلی و استاندارد هویت مطلوب است (برکه، ۲۰۱۶). در اصل، هویت یک سیستم خودتنظیمی بازتابی از تداوم/ثبات رفتاری است. هویت ورزش به دلیل رابطه متقابل بین هویت‌های نقش و رفتار به عنوان یک سازه مهم برای ارتقای ورزش ظاهر شده است (لو و دیگران، ۲۰۲۱). در این راستا، گودرزی و سورکیلا (۲۰۲۰) شاخص‌های اصلی هویت ورزشکاران را در سه بُعد هویت دوگانه، هویت متغیر و هویت ورزشی مدلسازی کردند. خواجه افلاطون (۱۳۹۹) چهار دسته عوامل تیمی، فنی، فردی و خانوادگی- دوستان را شناسایی و نشان دادند که تمامی عوامل شناسایی شده بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی تأثیری معنادار دارد. بنابراین، یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق گودرزی و سورکیلا (۲۰۲۰) و خواجه افلاطون (۱۳۹۹) همسو است.

نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که هویت فنی ورزشی بر هویت ورزشی در تکواندوکاران استان آذربایجان غربی تأثیر مثبت معناداری دارد. هویت حرفه‌ای ابزاری راهبردی برای رسیدن به هدف‌ها و چشم-اندازهاست. هویت حرفه‌ای مربوط به تجربه‌ها و ایده‌هایی است که اعضا به طور کلی از سازمان دارند (حول و کلوک^۱، ۲۰۱۵). هویت حرفه‌ای رابطه‌ای شناختی است و از نظر آنها این رابطه زمانی ایجاد می‌شود که فرد در جایگاه فردی ویژگی‌هایی مشابه با افراد موجود در سازمان داشته باشد. هویت حرفه‌ای مفهومی است که برای توصیف رابطه فرد با محیط شغلی خود به کار می‌رود (خواجه افلاطون و همکاران، ۱۳۹۹). بر این اساس، چنین به نظر می‌رسد که از دیدگاه تکواندوکاران استان آذربایجان غربی به دلیل رابطه‌ای که آن‌ها با شغل‌شان یعنی تکواندو برقرار کرده‌اند و خودشان را به عنوان یک تکواندوکار هم سطح با سایر تکواندوکاران قرار می‌دهند و از این طریق منجر به بهبود هویت ورزشی‌شان می‌شوند. از طرفی، برور و همکاران هویتی فردی یا به عبارتی دیگر منحصر بودن را درجه‌ای می‌داند که هویت ورزشی افراد خود پنداری دیگران را شامل می‌شود که منجر به خود انگاره منحصربه‌فرد به عنوان یک ورزشکار می‌شود. در این راستا، گودرزی و سورکیلا (۲۰۲۰) شاخص‌های اصلی هویت ورزشکاران را در سه بُعد هویت دوگانه، هویت متغیر و هویت ورزشی مدلسازی کردند. خواجه افلاطون (۱۳۹۹) چهار دسته عوامل تیمی، فنی، فردی و خانوادگی- دوستان را شناسایی و نشان دادند که تمامی عوامل شناسایی شده بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی تأثیری معنادار دارد. بنابراین، یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق گودرزی و سورکیلا (۲۰۲۰) و خواجه افلاطون (۱۳۹۹) همسو است.

نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که هویت اجتماعی ورزشی بر هویت ورزشی در تکواندوکاران استان آذربایجان غربی تأثیر مثبت معناداری دارد. از دیدگاه برور و همکاران (۱۹۹۳) هویت اجتماعی درجه‌ای است که ورزشکار خودش را به عنوان یک ورزشکار در چشم دیگران می‌بیند. ماهیت ورزش پدیده‌ای اجتماعی بوده که مشارکت و همکاری در آن تعیین کننده است؛ شبکه اجتماعی تشکیل شده بین

¹ . Houle & Kluck



ورزشکاران در تیم موجب گسترش حس تعلق اجتماعی و همزادپنداری بین آنها می‌شود. در واقع ورزشکار خودش را از لحاظ اجتماعی و فرهنگی به جمع و موفقیت‌ها و شکست‌هایشان وابسته می‌داند و نیز موجب ارزیابی مثبت در قبال گروه یا تیم شده و ایجاد دلبستگی می‌کند. در نهایت، هماهنگی در رفتارها و مشارکت جدی و فعال را به نفع گروه به همراه دارد (ویمنت^۱ و دیگران، ۲۰۱۹). هویت ورزشی نوعی هویت اجتماعی است که از تعلق گروهی از ورزشکاران به رشته خاص حکایت دارد؛ از این رو، پیروزی تیم‌های ورزشی یا ورزشکاران در سطوح جهانی و ملی، بازنمایی هویت اجتماعی و ملی و ورزشی نیز است (پالرمو و رانکرت^۲، ۲۰۱۹). بر این اساس، تکواندوکاران شرکت کننده نیز در این تحقیق نسبت به این امر و مقوله تعلق اجتماعی ورزشکاران نسبت به شرایط و موقعیت اجتماعی توجه ویژه‌ای دارند و از دیدگاه آن‌ها توجه به این امر می‌تواند هویت ورزشی آن‌ها را بهبود بخشد. در این راستا، گودرزی و سورکیلا (۲۰۲۰) شاخص‌های اصلی هویت ورزشکاران را در سه بُعد هویت دوگانه، هویت متغیر و هویت ورزشی مدلسازی کردند. خواجه افلاطون (۱۳۹۹) چهار دسته عوامل تیمی، فنی، فردی و خانوادگی - دوستان را شناسایی و نشان دادند که تمامی عوامل شناسایی شده بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی تأثیری معنادار دارد. بنابراین، یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق گودرزی و سورکیلا (۲۰۲۰) و خواجه افلاطون (۱۳۹۹) همسو است.

در نهایت، یافته‌های دیگر این تحقیق نشان داد که هویت اخلاقی ورزشی بر هویت ورزشی در تکواندوکاران استان آذربایجان غربی تأثیر مثبت معناداری دارد. در تبیین این یافته می‌توان چنین ادعان داشت که ضرورت اخلاقی بودن ورزش، نتیجه مستقیم قوانین و مقررات ورزشی نیست. هنگامی که از واژه‌هایی مانند بازی جوانمردانه، بازی منصفانه و یا گذشت و ایثار و رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی در بازی‌ها و مسابقات ورزشی سخن به میان می‌آید، در حقیقت توجه به روح قوانین است و نه خود قوانین. در واقع از دیدگاه شرکت کنندگان در این تحقیق هر چه ورزشکاران در شرایط مسابقه و محیط ورزشی به مسائل اخلاقی توجه بیشتری داشته باشند و از طرفی دیگر نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی‌شان در قبال افراد و گروه‌های مختلف جامعه توجه بیشتری داشته باشند این امر می‌تواند منجر به بهبود هویت ورزشی ورزشکاران شود. در این راستا، گودرزی و سورکیلا (۲۰۲۰) شاخص‌های اصلی هویت ورزشکاران را در سه بُعد هویت دوگانه، هویت متغیر و هویت ورزشی مدلسازی کردند. خواجه افلاطون (۱۳۹۹) چهار دسته عوامل تیمی، فنی، فردی و خانوادگی - دوستان را شناسایی و نشان دادند که تمامی عوامل شناسایی شده بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی تأثیری معنادار دارد. بنابراین، یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق گودرزی و سورکیلا (۲۰۲۰) و خواجه افلاطون (۱۳۹۹) همسو است.

بر اساس یافته‌های حاصل از این تحقیق پیشنهاد می‌شود کمیته‌های فرهنگی فدراسیون تکواندو و به طور ویژه هیئت تکواندو استان آذربایجان غربی دوره‌های آموزشی و محتوای آموزشی برای ورزشکاران تهیه

^۱ . Wayment

^۲ . Palermo & Rancourt



و آن‌ها را نسبت به تقویت هویت ورزشی ترغیب و تشویق نماید. علاوه بر این، الگوسازی ورزشکاران برجسته در این رشته می‌تواند به عنوان یکی از راهبردهایی برای توسعه هویت ورزشکاران باشد. همچنین به محققان پیشنهاد می‌شود در تحقیقی به اولویت‌بندی عوامل موثر بر هویت ورزشی ورزشکاران بپردازند. همچنین مقایسه عوامل موثر بر هویت ورزشی ورزشکاران زن و مرد می‌تواند بر توسعه الگوهای بومی هویت ورزشی کمک کند.



10.30495/JSCC.2024.2001659



منابع

- خواجه افلاطون، صدیقه؛ بهلکه، طاهر؛ عسکری، اسراء؛ و فلاح، زین العابدین. (۱۳۹۹). بررسی عوامل موثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۳۳ (۹)، ۲۴-۳۵.
- صفایی، کریم؛ قدیمی، بهرام؛ آقایی، سعید؛ و کاشانی، مجید. (۱۴۰۰). تدوین مدل کمی‌الگوی فقدان هویت و منزلت اجتماعی در ورزشکاران حرفه‌ای میانسال. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۴ (۲)، ۳۰۷۰-۳۰۸۳.
- Albouza, Youssef; Chazaud, Pierre; & Wach, Monique. (2022). Athletic identity, values and self-regulatory efficacy governing hypercompetitive attitudes. *Psychology of Sport and Exercise*, 58, 102079. <https://doi.org/10.1016/j.psychsport.2021.102079>
- Brewer, B.W; Van Raalte, J. L; & Linder, D. E. (1993). Athletic identity: Hercules' muscles or Achilles heel?, 24 (2) , 237-254.
- Cieslak, Thomas. (2004). *Describing and measuring the athletic identity construct: Scale development and validation*. Ohio State University, Physical Activity and Educational Services.
- Clarke, Emma; Geurin, Andrea N.; & Burch, Lauren M. (2022). Team identification, motives, and behaviour: a comparative analysis of fans of men's and women's sport. *Managing Sport and Leisure*, 0 (0) , 1-24. <https://doi.org/10.1080/23750472.2022.2049455>
- Edison, Bianca; Rizzone, Katherine; & Christino, Melissa. (2021). ATHLETIC IDENTITY IN YOUTH ATHLETES: A SYSTEMATIC REVIEW. *Orthopaedic Journal of Sports Medicine*, 9 (7_suppl3) , 2325967121S00102. <https://doi.org/10.1177/2325967121S00102>
- Eubank, Martin; Ronkainen, Noora; & Tod, David. (2020). New Approaches to Identity in Sport. *Journal of Sport Psychology in Action*, 11 (4) , 215-218. <https://doi.org/10.1080/21520704.2020.1835134>
- Graupensperger, Scott; Benson, Alex J.; Kilmer, Jason R.; & Evans, M. Blair. (2020). Social (Un) distancing: Teammate Interactions, Athletic Identity, and Mental Health of Student-Athletes During the COVID-19 Pandemic. *Journal of Adolescent Health*, 67 (5) , 662-670. <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2020.08.001>



10.30495/JSCC.2024.2001659



- Houle, James L. W.; & Kluck, Annette S. (2015). An Examination of the Relationship Between Athletic Identity and Career Maturity in Student-Athletes. *Journal of Clinical Sport Psychology*, 9 (1) , 24-40. <https://doi.org/10.1123/jcsp.2014-0027>
- Howard, Simon; & Borgella, Alex. (2018). “Sinking” or sinking?: Identity salience and shifts in Black women’s athletic performance. *Psychology of Sport and Exercise*, 39, 179-183. <https://doi.org/10.1016/j.psychsport.2018.08.016>
- Kennedy, Anne. (2021). *An Examination of Student Athletic Identity and Coping with Non-Normative Transitions Out of Their Athletic Lifespan*. Ohio University.
- Lock, Daniel; Funk, Daniel C.; Doyle, Jason P.; & McDonald, Heath. (2014). Examining the Longitudinal Structure, Stability, and Dimensional Interrelationships of Team Identification. *Journal of Sport Management*, 28 (2) , 119-135. <https://doi.org/10.1123/jsm.2012-0191>
- Moazami-Goodarzi, Ali; Sorkkila, Matilda; Aunola, Kaisa; & Ryba, Tatiana V. (2020). Antecedents and Consequences of Student-Athletes’ Identity Profiles in Upper Secondary School. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 42 (2) , 132-142. <https://doi.org/10.1123/jsep.2019-0084>
- Palermo, Madeline; & Rancourt, Diana. (2019). An identity mis-match? The impact of self-reported competition level on the association between athletic identity and disordered eating behaviors. *Eating Behaviors*, 35, 101341. <https://doi.org/10.1016/j.eatbeh.2019.101341>
- Poucher, Z. A.; & Tamminen, Katherine A. (2017). Maintaining and managing athletic identity among elite athletes. *Revista de Psicologia del Deporte*, 26 (S4) , 63-67.
- SUTTON W.A.; MCDONALD M.A.; & MILNE G.R. (2001). CREATING AND FOSTERING FAN IDENTIFICATION IN PROFESSIONAL SPORTS. *SPORT MARKETING QUARTERLY*, 6 (1) , 15-22.
- van Rens, Fleur E.C.A.; Ashley, Rebecca A.; & Steele, Andrea R. (2019). Well-Being and Performance in Dual Careers: The Role of Academic and Athletic Identities. *The Sport Psychologist*, 33 (1) , 42-51. <https://doi.org/10.1123/tsp.2018-0026>



10.30495/JSCC.2024.2001659



- Wann, Daniel L.; Melnick, Merrill J.; Pease, Dale G.; & Russell, Gordon W. (2001). *Sport Fans: The Psychology and Social Impact of Spectators*. Routledge.
- Wayment, Heidi A.; Huffman, Ann H.; Lane, Taylor S.; & Lininger, Monica R. (2019). Relationship of athletic and academic identity to concussion reporting intentions. *Musculoskeletal Science and Practice*, 42, 186-192.
<https://doi.org/10.1016/j.msksp.2019.04.003>